

خاطر استیج ویرانک

ناصر کاوہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

"یاد شهدا را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره آنها را حفظ کنید."
"مقام معظم رهبری"

این کتاب تقدیم می شود به، "ائمه معصومین (صلوات الله عليهم اجمعین)،
امام خمینی(ره) و شهدا از صدر اسلام تا شهدای انقلاب اسلامی،
شهدای دفاع مقدس، شهدای ترور، شهدای مدافع حرم، شهدای
اقتدار، شهدای امنیت، شهدای سلامت، شهدای هسته ای و
فرمانده محور مقاومت، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی"



...خاطرات دردناک...

فهرست

پیشگفتار/۱۰
مقدمه /۱۵
بزرگترین جنایت داعش/۲۳
کشتار وحشیانه در دیروالزور/۳۴
جنایت هولناک داعش/۳۵
اعدام شیعیان/۳۷
سردخانه موصل/۳۸
کشتار دختران دبیرستانی/۴۲
جنایات داعش در یرموک/۴۵
قتل عام در موصل/۴۶
قصه ما به «سر» رسید!/۴۷
شهید محسن حججی/۴۸
جنایت کودکان موصلایی/۵۱
عید قربان داعش/۵۲
روز عید فطر داعش/۵۴
اعدام ۳۰۰ نفر در عراق/۵۶
گردن زدن ۳۰۰ پلیس/۵۸
۵۰ سر بریده/۶۲
کباب کردن وحشیانه/۶۶
آتش زدن خلبان اردنی/۶۸
آتش زدن دختران ایزدی/۷۰
آتش زدن ۲۰ جوان عراقی/۷۳
اعدام وحشیانه جوان موصلی/۷۶
زیر گرفتن با تانک/۷۷
اعدام فجیع ۵ هزار سوری داعشی/۷۸

...خاطرات دردناک...

- اعدام وحشیانه با قیر داغ/ ۸۰
- تیرباران ۲۰۰ کودک/ ۸۱
- به صلیب کشیدن/ ۸۴
- به صلابه کشیدن/ ۸۵
- اعدام در آب جوش/ ۸۷
- کشتن با شیر گرسنه/ ۸۹
- منفجر کردن گردن/ ۹۰
- خوردن قلب انسان/ ۹۱
- آدم‌خواری داعش/ ۹۲
- کشتن با جرثقیل/ ۹۳
- اعدام با برق فشار قوی/ ۹۵
- غرق کردن/ ۹۶
- سنگسار/ ۹۸
- داعش با بولدوزر گردن می‌زند/ ۱۰۰
- شلیک بمب های حاوی گاز سمی/ ۱۰۶
- درآوردن چشمان یک جوان/ ۱۰۶
- گشت ماموران ریش سنج/ ۱۰۹
- لباس زیر پوشیدن ممنوع؟/ ۱۱۰
- خاطرات ترکمن ها از شهید سلیمانی/ ۱۱۲
- شکستن حصر آمرلی/ ۱۱۴
- خاطره ای منتشر نشده از بارزانی/ ۱۲۲
- قتل عام شیعیان/ ۱۲۵
- درآمدزایی از مزارع خشخاش/ ۱۳۰
- کاشت خشخاش و حشیش/ ۱۳۰
- مسیرهای قاچاق مواد مخدر/ ۱۳۳
- همکاری با مافیا/ ۱۳۶
- انتقال کوکائین/ ۱۴۰

...خاطرات دردناک...

- نفت داعش/۱۴۱
- میدان های نفتی داعش/۱۴۳
- صادرات نفت داعش/۱۴۶
- در مسیر اسرائیل/۱۵۱
- مقصد نهایی نفت داعش/۱۵۹
- درآمد داعش از فروش آثار باستانی/۱۶۰
- نابودی آثار تاریخی/۱۶۳
- داعش چه آثار تاریخی را از بین برد؟/۱۶۴
- رویکرد عمومی کودکان داعشی/۱۸۴
- تنبیه شدید دانش آموزان/۱۸۶
- نقش کودکان در داعش/۱۸۷
- رفتارهای همجنس گرایانه/۱۹۱
- داعش کودکان عامل انتحاری/۱۹۲
- اعدام کردها توسط کودکان داعشی/۱۹۸
- فوتبال بازی با سرهای بریده/۲۰۰
- بازی کردن نوزاد با سر بریده/۲۰۱
- کودکی که سر می برد/۲۰۲
- واردات کودک/۲۰۵
- خوراندن گوشت کودک به مادرش/۲۰۹
- پذیرایی داعش از مادری با گوشت پسرش/۲۰۹
- خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی/۲۱۰
- نقش زنان در داعش/۲۱۲
- ۱۰ زن خطرناک گروه داعش/۲۱۵
- گردانی از زنان/۲۱۹
- فروش زنان به عنوان کنیز/۲۳۴
- خشونت‌های جنسی داعش/۲۳۵
- زوابای پنهان تروریست ها/۲۴۰

...خاطرات دردناک...

- مزایده دختران توسط داعش/۲۴۲
- سند مالکیت دختر به عنوان کنیز/۲۴۴
- خواننده مشهور زن عرب/۲۴۵
- مزایده دختر زیبای ایزدی در عربستان/۲۴۵
- داعش با "دختران نا زیبا" چه می کند؟/۲۴۶
- ازدواج جمعی اعضای داعش/۲۴۷
- جهاد نکاح اجباری شد/۲۴۸
- بچه های نامشروع/۲۵۰
- کودکان نامشروع جهاد نکاح/۲۵۲
- زنان و کودکان داعشی بعد از سقوط /۲۵۶
- خودکشی زنان/۲۵۹
- روایت رعب آور یک داعشی/۲۶۱
- اعتراف فرمانده ارتش زنان داعش/۲۶۳
- ۲۰ هزار کودک یتیم عراقی/۲۶۵
- اسارت، تعرض و تحقیر/۲۶۷
- دختری به نام نادیه/۲۶۸
- دختران اروپایی/۲۶۹
- زیباترین زن داعشی/۲۷۳
- قیمت گذاری داعشی‌ها روی زنان/۳۱۳
- بازار برده فروشان/۳۱۴
- آشنائی با رهبران داعش/۳۳۸
- مشهورترین اعضای داعش/۳۷۱
- آشنائی با رهبران جبهه النصره/۳۸۶
- سخن آخر/۳۸۹
- ضمیمه (۱) روایتی عجیب از پیوستن دختران پولدار به داعش /۴۰۶
- ضمیمه (۲) بازمانده‌های فیروزه/۴۲۰
- ضمیمه (۳) دفترچه نیم سوخته یک تکفیری/۴۸۴



"آرامشان نگذارید که آرام تان نمی گذارند"

امام خمینی (ره) برای تامین امنیت و حفظ آرامش مردم در مقابل توطئه دشمنان می فرماید: «همه مسئولان و مردم باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور. همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر لحظه ای آرام گذارید، لحظه ای آرام تان نمی گذارند...»



امام خامنه ای، در وصف شهید حاج قاسم سلیمانی فرمودند:

او به کمک ملت های منطقه توانست همه نقشه های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند، این آدم توانست درمقابل تشکیلات که با پول و با توانایی های دیپلماسی آمریکایی و زورگویی های آمریکا روی کشورهای ضعیف داشتند، قد علم کند که نقشه هایی که تهیه شده بود را در منطقه غرب آسیا خنثی کند... نقشه آمریکا در عراق، سوریه و لبنان به کمک این شهید عزیز خنثی شد... ۱۸ دی ۱۳۹۸

رهبر انقلاب در شهریور ۹۳ ضمن نامه ای به حاج قاسم چنین نوشته بود: «از نگرانی خود نسبت به خطرات حضور در منطقه چیزی نمی گویم ولی بدانید نگرانم!» حاج قاسم پاسخ داده بود:

«جان من هزاران بار فدای جان ارزشمند شما باد!»



آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از مراجع عظام تقلید در پیام تصویری به «دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر آمریکایی از دیدگاه مقام معظم رهبری با محوریت تروریسم دولتی آمریکا و انتقام سخت» فرمودند: در قرآن به مباحث مختلف ملی و بین‌المللی اشاره‌هایی شده و وجود مبارک پیامبر، ستم‌های فراوانی از مشرکان دید، اما نسبت به هیچ کافری شبانه حمله نکرد و در مکتب اسلام چنین چیزی وجود ندارد...

ترامپ کافر، شبانه حاج قاسم سلیمانی را ترور کرد و این مسئله در هیچ مکتبی قابل قبول نیست. **در قرآن آمده که با رهبران کفر مبارزه کنید چرا که این‌ها به هیچ امضا و میثاقی پایبند نیستند** و این مبارزه نه به خاطر کفر آن‌ها بلکه به خاطر پایبند نبودن شان به میثاق شان است...



مکتب خمینی و خامنه ای، هزاران انسان را همچون قاسم سلیمانی تربیت کرده که هر کدام خود یک مکتب اند. امروز مکتب حاج قاسم در عمل نشان داد که می توان بدون وابستگی به خارج، بدون گدایی از این و آن، بدون التماس و سازش، بلکه با تکیه بر سلاح ایمان و غیرت دینی، به پیشرفت رسید و مشکلات کشور را حل کرد... امروز مکتب سلیمانی را می توان در حزب الله لبنان، حشدالشعبی عراق، جیش الشعبی سوریه، انصارالله یمن، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان و حزب الله حجاز مشاهده کرد؛ مکتبی انسانی که مدافع واقعی حقوق بشریت بوده و ضدتروریست و ظالمان جهانی است... اگرچه سلیمانی به عنوان معروفترین فرماندهان ضدتروریست، حالا در میان ما نیست اما پرورش شدگان مکتب وی در جبهه مقاومت راه او را ادامه خواهند داد و تا اخراج کامل آمریکایی ها از منطقه و سپس فتح قدس انجام مأموریت خواهند کرد...

...خاطرات دردناک...

پیشگفتار



نگاه گذرا بر جنایات دلخراش گروه تروریستی داعش

هر یک از ما داستان‌های خونینی از تاریخ بشریت را خوانده یا شنیده ایم که چگونه هزاران هزار نفر در جنگی میان دو کشور جان شان را از دست می‌دادند و مثله می‌گشتند و زنان شان به اسارت گرفته می‌شدند و فرزندان شان به عنوان برده مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. آتش این جنگ‌ها همیشه دامن گیر بنی آدم بوده و هست. مسلمانان نیز پس از رحلت رسول مهربانی دچار این چنین خشونت‌ها قرار گرفتند که بهترین مثال آن واقعه کربلاست که در روز عاشورا سید الشهداء (ع) همراه یاران باوفای خود به شهادت رسیدند و سر آنها بالای نیزه قرار گرفت و فرزندان

...خاطرات دردناک...

شان به اسارت یزیدیان در آمدند. در روزگار ما نیز این داستان همچنان ادامه دارد، و خود را در کشورهای اسلامی مانند عراق، افغانستان، پاکستان، سومالی و... تکرار می کند. گروهک های تروریستی مانند القاعده، طالبان، لشکر جهنگوی و اخیرا داعش (که تمامی این گروه ها ساخته آمریکا، صهیونیسم و عربستان بوده و با پول و سلاح آنان حمایت و پشتیبانی می شوند) در کشورهای افغانستان، عراق، پاکستان، سومالی، سوریه و غیره دست به کشتار دسته جمعی زده و مردمان مظلوم و بی دفاع این کشورها را قتل عام می کنند. در این میان داعش که ساخته و پرداخته سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکایی و اسرائیلی است و تفکرات آن برخاسته از وهابیت است، یکی از بی رحم ترین گروه های تروریستی به شمار می آید. "ابوبکر بغدادی" سرکرده اصلی گروه تروریستی داعش در دوران حضور اشغالگران آمریکایی در عراق، در زندان بوکا در اختیار آمریکایی ها بود و در همانجا همکاری با سرویس های اطلاعاتی آمریکا را آغاز کرد و با ایجاد این گروه شمار قابل توجهی از افراطی ها از کشورهای مختلف حتی آمریکا و کشورهای اروپایی، در سایه سکوت مقامات آن کشورها و با همکاری سرویسهای اطلاعاتی غربی و هم پیمانان آنها در منطقه به راحتی توانستند به این گروه تروریستی ملحق شوند.

جنايات داعش که بدتر از بقیه گروه های تروریست بوده و به طور فجیع دست به کشتار مردان و زنان، کودکان، پیرمردان و... زدند. جنايات این گروهک به حدی زیاد است که یک کتاب اصلا گنجایش پرداختن به همه جنايات آن را ندارد و متحمل ذکر این همه کشتار بی دریغ نمی شود. داعش نه تنها به زنان و کودکان رحم نمی کند بلکه آنان را به انواع مختلف شیوه ها شکنجه و سپس اعدام کرده و از این

...فاطرات دردناک...

کار ابتکارات خود در کشتن را به رخ بقیه گروهک ها می کشد. چه جنایاتی که این گروهک خبیث در این کشورها به خصوص عراق و سوریه نکردند و چه روش هایی که برای کشتن مظلومان و بی گناهان اختیار نکردند، مانند: کشتن با گلوله، با سنگ کشتن، سربریدن، غرق کردن در آب، سوزاندن، چرخ کردن در چرخ گوشت، کشتن با موشک و خمپاره، پختن و صرف کردن همراه غذا و غیره و حتی پس از کشتن بی گناهان دست از سر آنان بر نداشتند و جنازه های معمولا بی سر آنان را در خیابان ها می کشیدند، با سر بریده آنها فوتبال بازی می کردند و گوشت شان را به سگ ها می خوراندند.

داعش با جذب نیرو از هر کشور مسلمان و غیر مسلمان و از هر قوم و قبیله (بجز شیعه که هرگز گرایشی به این گروه خبیث از خود نشان نداده اند) و حتی از میان ورزشکاران و مدال آوران بین المللی، بازیگران سینمایی و مدل های معروف آنان را به قتل عام مردم به خصوص شیعیان تشویق می کنند. اما در آخر پیروزی از آن حق است و باطل نابود شدنی است که این وعده خداوند است و آیه قرآن کریم که می فرماید: "جاء الحق و زهق الباطل، ان الباطل كان زهوقا"

و به لطف الهی این وعده در عراق و سوریه وفا شد و با هدایت امام خامنه ای، فرماندهی و علمداری شهید حاج قاسم سلیمانی، رشادت های مردم، سپاه، بسیج، ارتش، و نیز مدافعان حرم از لشکرهای فاطمیون و زینبیون و حیدریون و حزب الله لبنان و غیره دست گروهک ملعون داعش از این دو کشور کوتاه گردید، اما در حضور چند ساله خود در این دو کشور جنایت هایی که داعش انجام داده، بسیار دلخراش و غیرانسانی بوده که هرچند ذکر تمامی آنها ممکن نیست، اما باید مردم تمامی

...ظاطرات دردناک...

کشورها از بخشی از این جنایت ها آگاهی و اطلاع پیدا کنند و بدانند که داعشی ها چه موجودات پلید و حیوان های خونخواری هستند!

متاسفانه هنوز هم آمریکا مصمم است و از آنها در پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی استفاده کند و خشم آمریکائی ها از حزب الله لبنان و سپاه قدس ایران بدلیل شکست هائی است که این نیروها به گروههای تروریستی مورد حمایت آمریکا بویژه داعش و جبهه النصره وارد آورده اند. اینک داعش موقعیت قبلی خود را در عراق و سوریه از دست داده است و آمریکا و متحدانش با حساب سود و زیان به این واقعیت پی برده اند که از بازی با برگ داعش قمار سود آوری نبوده است ولی جای فکر دارد که بیندیشیم چه چیزی داعشی ها را به کشتن انسان های بی دفاع و بی گناه وا می دارد و آنها چگونه بدون کوچک ترین توقف این کار به شدت غیر انسانی را به این راحتی انجام می دهند؟!

هیچ شکی در این نیست که مفتی های بی سواد و تندروی آنان که همگی بردگان اسرائیل و آمریکا هستند و حرفهای آنان را در قالب فتوا درمیان افراد داعش منتشر می کنند، در این کار نقش به سزایی دارند.

مثلا مبلغی وهابی برای آموزش بریدن سر و گردن زدن، از عبارات و واژه هایی استفاده می کند که زبان از بیان آن شرم دارد؛ و مصیبت بارتر آن که از آیات و عبارات قرآنی که برای جنگ میدانی با کافران حربی نازل شده استفاده می کند و با تحریف و تغییر، آنها را برای اسیران مسلمان بی دفاع تعمیم می دهد برای شاگردان خود بیان می کند که بریدن سر افراد (همان بی گناهان بی دفاع که به دست امثال داعش اسیر می شوند)، باید با شدت و در عین حال با لذت بردن همراه باشد!

...خاطرات دردناک...

ترویج خشونت و ارتباط دادن آن با تعالیم آسمانی و انسانی اسلام، برای خوانندگان منصف و بی طرف، کوچکترین تردیدی باقی نگذاشته که گسترش این قبیل تفکرات وحشیانه، از سوی اتاق های عملیات روانی موساد و سی آی ای و با هدف مخدوش کردن چهره اسلام مدیریت می شود و مفتیان افراطی عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی، تنها نقش "پیاده نظام" و "آتش بیار" این معرکه جهنمی و ضد اسلامی را بازی می کنند.



گروه تروریستی داعش برای عادی جلوه دادن اوضاع و قدرت‌نمایی هر از چندگاهی از فارغ التحصیلی نیروهایش از آموزش نظامی خبر می‌داد تا سرپوشی بر روی ضعف‌ها و شکست‌های میدانی گذاشته و روحیه نیروهای خود را بالا برده باشد. در همین راستا آنها از تکمیل دوره های آموزش گروهایی از اعضایش در اردوگاه

...خاطرات دردناک...

ابومصعب زرقاوی به خیر داده و می گوید که آنان برای جنگیدن فارغ التحصیل شده‌اند. تروریست‌های فارغ التحصیل که آنان را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند پس از پیوستن داعش طی مدت تعیین شده فنون جنگی و تمرین‌های نظامی و آموزش‌هایی از قبیل ترور، قتل و انفجار را فرا می‌گیرند. بخش دیگری از دوره آموزشی داعش شامل سر بریدن و شکنجه است و افراد تحت آموزش بدون ارتکاب این جنایات نمی‌توانند دوره آموزشی را به پایان ببرند. فارغ التحصیلان داعش علاوه بر آموزش نظامی، آموزش اصول وهابی و تکفیری را نیز می‌گذارند تا با اقدامات تروریستی و انتحاری زنان و مردان مسلمان را به خاک و خون بکشند. آنها اینک بوسیله آمریکا مرکز فعالیت های خود را به کشور افغانستان منتقل ساخته اند. داعشی ها به عوامل خود آموزش می دادند که از بریدن سر انسان ها لذت ببرند . با پیشروی داعش به سوی موصل دویست هزار نفر ایزدی آواره شدند و هزاران نفر از آنها بدست داعش جان خود را از دست دادند.

یک زن ایزدی که از چنگ داعش جان به در برده می گوید:

"نیرو های داعش حتی سر کودکان شیر خوار را نیز می بریدند."

مقدمه

ابوبکر البغدادی از زمان ظهور داعش، با همکاری آمریکا، استکبار جهانی، صیهونیست بین الملل، ناتو، ترکیه و ارتجاع عرب که بنا برگفته ی هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا، برای بوجود آمدن داعش با سران ۱۳۰ کشور تماس گرفته شد و موافقت و همکاری و پشتیبانی آنها جلب شد، جنایت‌های متعدد و وحشتناکی در سراسر جهان به‌ویژه سوریه و عراق و یمن مرتکب شد. هم‌زمان با سیطره داعش بر استان موصل عراق در سال ۲۰۱۴ وحشی‌گری‌های آن نیز آغاز شد. این گروه تکفیری در آن زمان شروع به انتشار تصاویری از کشتار هزاران دانشجوی دانشکده نیروی هوایی در پایگاه هوایی اسپایکر در تکریت و سربریدن‌ها و اعدام‌های دسته جمعی و دفن اجساد در دجله و یا در قبرهای دسته‌جمعی کرد. قتل‌عام در قبیله شعیطات در حومه دیرالزور که تعداد قربانیان آن به صدها نفر می‌رسید، از جمله جنایت‌های وحشتناکی بود که در آن، عناصر تکفیری داعش، صدها نفر از جوانان این قبیله را به بیابان برده آنها را به‌شکل دسته‌جمعی اعدام کردند.

جنایت‌های داعش در موصل متوقف نشده و با ارباب مسیحیان این شهر و تصرف اموال و عبادت‌گاه‌های آنها و آواره کردن حدود ۴ هزار خانواده مسیحی ادامه یافت که این حجم از آوارگی از زمان مهاجرت مسیحیان به عراق بی‌سابقه بود. پس از مسیحیان موصل نوبت به ایزدی‌ها رسید که به کوه‌های سنجار آواره شوند و زنان آنها را برای فروش به بازارهای نینوا ببرند. قابل توجه است که زنان ایزدی داستان‌های وحشتناکی از زمان اسارت خود در دست عناصر داعشی تعریف می‌کنند. تجاوزات

...خاطرات دردناک...

علنی و غیرانسانی داعش با اقدام عناصر تکفیری آن در تجاوز به زنان عراقی که تعداد آنها معلوم نیست، و این جنایات با خدمت گرفتن هزاران کودک زیر ۱۳ سال و آموزش آنها، کامل شد. این گروه تکفیری کشتارهای ناشناخته و بی‌سابقه‌ای در تاریخ بشریت ترتیب داده و ابزار جدیدی برای شکنجه و اعدام به‌کار برده است. سربریدن، معروف‌ترین روش داعشی‌ها است تاجایی که "شعار ما آمده‌ایم تا سر ببریم" را سر داده و ویدئوهای زیادی از این اقدامات خود منتشر کرده‌اند که دل هر بیننده‌ای را با هر دین و مذهبی به درد می‌آورد.



سوزاندن نیز یکی دیگر از روش‌های متعدد داعشی‌ها است که در اجرای آن تبحر زیادی دارند. قابل توجه است که اولین و بارزترین مورد این روش وحشتناک، سوزاندن یک خلبان اردنی به‌نام معاذ الکساسبه بود که خانواده وی پس از سقوط هواپیمای او در دسامبر ۲۰۱۴ در سوریه، به اسارت داعش درآمد. همچنین عناصر

...خاطرات دردناک...

تکفیری داعش، یک خلبان سوری به نام عزام عید را نیز سوزانده و صحنه‌های این جنایت غیرانسانی خود را به مدت ۵۸ دقیقه منتشر کردند. کشتار با پرتاب کننده‌های موشکی روش دیگر داعشی‌ها در کشتار قربانیان بود؛ به گونه‌ای که آنها را در یک خودرو قرار داده و پرتابه‌های موشکی را به سمت آنها پرتاب می‌کردند. لازم به ذکر است که این روش، با منفجر کردن که توسط مواد منفجره صورت می‌گیرد فرق دارد. همچنین از جمله عملیات‌های بارز انفجاری آنها به این ترتیب بود که گردن‌های گروهی از گروگان‌ها را به یک سیم انفجاری می‌بستند و پس از انفجار، سرهای آنان در یک لحظه پرتاب می‌شد.



...خاطرات دردناک...

همچنین اعدام با غرق کردن نیز یکی از روش‌هایی بود که داعش برای ترساندن دشمنان خود از آن استفاده می‌کرد. غرق کردن قربانیان به این صورت بود که گروهی از گروگان‌ها را وارد قفس کرده و سپس آنها را در استخر می‌انداخت؛ مانند اتفاقی که برای گروهی از قربانیان در عراق افتاد. داعشی‌ها عملیات‌های تروریستی خود را در حومه رقه با شلیک مستقیم گلوله به قلب مردم انجام می‌دادند. یکی دیگر از جنایت‌های داعشی، "پرت کردن از ساختمانهای بلند" بود به طوریکه مخالفین و مجرمین بر بالای ساختمانی بلند برده می‌شدند و پس از قرائت حکم به پایین پرتاب می‌شوند و در دم جان خود را از دست می‌دهند.



باید اشاره کنم که جنایت‌های غیرانسانی داعش تنها منحصر به سوریه و عراق نمی‌شود؛ بلکه عناصر آن، عملیات‌های تروریستی زیادی در کشورهای مختلف جهان ترتیب می‌دادند. از جمله بارزترین این عملیات‌ها، انفجار دو هتل در روز عید پاک در سریلانکا بود که منجر به کشته شدن ۳۲۰ نفر شد، علاوه بر این داعشی‌ها چندین

...خاطرات دردناک...

عملیات تروریستی در شهرهای پاکستان، افغانستان و اروپایی ترتیب دادند که معروفترین آن عملیات‌های پی‌درپی در فرانسه بود. تجاوزات رسواکننده داعش ضد بشریت تنها محدود به کشتار و اسیرکردن نبود؛ بلکه یک خطر جدی برای میراث فرهنگی منطقه به وجود آورد، در همین راستا باید اشاره کنم که پس از اشغال عراق توسط آمریکایی‌ها و سرقت از موزه‌های این کشور، عناصر تکفیری داعش به تندیس‌ها و بناهای مذهبی و گورستان‌های موصل حمله و تعداد قابل توجهی از مراکز باستانی را ویران کردند. داعشی‌ها حرم‌های ایزدی‌ها در غرب موصل و حرم یونس پیامبر و شیث پیامبر در موصل را نیز بمباران و منهدم کردند...

...اطلاعات سپاه قدس در خبرهایی محرمانه اعلام می‌کند که استاندار نینوا در حال تحرکات عجیب می‌باشد. فیلمی از سر بردن و کشتار مردم شهرهای عراق منتشر می‌شود. نوری مالکی نخست وزیر عراق در بازدیدی از نینوا و استان صلاح‌الدین همه چیز را عادی توصیف می‌کند. شایعاتی مبنی بر هجوم ۱۲۰هزار نیروی داعشی که متشکل از حزب اعضای قدیم حزب بعث هستند سبب نگرانی مردم و پناه بردن عده ای به پایگاه آمریکایی‌ها می‌شود.

در بازار موصل چند نیروی تهاجمی داعش با تیراندازی به مردم بیش از ۱۲۰کشته برجا می‌گذارند. خبر ورود لشکر عظیم داعش و نیروهای سابق حزب بعث در شهر می‌پیچد. ۹ ژوئن ۲۰۱۴ استاندار نینوا و فرماندار موصل فرار می‌کنند. بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم موصل با رها کردن خانه و کاشانه زمینه ورود داعش را به شهر هموار می‌کنند. در ۱۱ ژوئن ساختمان پلیس و استانداری نینوا سقوط و نیروهای داعش با کشتار عظیم مردم وارد شهر می‌شوند.

...خاطرات دردناک...

علیرغم تبلیغات خودباختگان نیروهای داعش ۳۰۰ نفر بودند، یعنی ۱۰۰ برابر کمتر از آن چیزی که در القات رسانه ای به مردم داده بودند. شهر موصل سقوط می کند و استان نینوا نیز در اشغال ۵۰۰ نیروی داعش در می آید.

با دیدن سیل آوارگان و شنیدن سقوط نینوا مردم استان صلاح الدین در در تکریت شکست می خورند و راه را برای دومین هزیمت باز می کنند.

نیروهای گارد مدینه عراق وابسته به صدام با هماهنگی آمریکا به خیابان های کربلا و نجف آمدند، تصاویر صدام در دست مردم و غارت اماکن خصوص و حکومتی تمرکز نیروهای دولتی را به هم می ریزد.

۳۰ درصد انبار مهمات عراق در دو استان به دست نیروهای داعش و نیروهای حزب بعث می افتد. تعداد نیروهای داعش به تعداد ۱۷۰۰ نفر و حزب بعث با ۷۵ هزار نفر تحت فرماندهی عزت ابراهیم الدوری معاون صدام، حرکت به سوی بغداد را شروع و به ۳۰ کیلومتری بغداد می رسند. نیروهای پیشمرگ به دفاع در منطقه دهوک می پردازند. هزاران زن و دختر عراقی مورد تجاوز قرار می گیرند. مردان عراقی بالای ۵۰ سال کاملاً عریان و به بغداد، نجف و سامرا فرستاده می شوند. مردم با دیدن این صحنه ها، فرار از خانه و کاشانه را انتخاب می کنند. نوری مالکی به تهران می آید، و خبری تکان دهنده شیعیان را نگران می کند. دستور داعش برای شخم زدن و عتبات عالیات و تخریب قبور ائمه (س) در تلویزیون نینوای عراق پخش می شود. داعش هدف بعدی را اشغال ایران و تخریب قبر امام رضا(ع) در مشهد و سایر امام زادگان در سراسر ایران اعلام می کنند. داعش اعلام و فراخوان می دهند که "زنان شیعه از طرف خلیفه موصل، برای شما حلال اعلام شده است و..."

...خاطرات دردناک...

رهبر انقلاب امام خامنه ای با فراخواندن فرماندهان نظامی حالت آماده باش جنگی می دهند. دو خبر توسط اطلاعات سپاه قدس مخابره می شود؛ حرم حضرت زینب کبری (س) در سوریه و شهر سامرا در حال سقوط است و نیروهای داعش به ۳ کیلومتری و در برخی نقاط به چند ده متری حرم امامین عسگریین(ع) رسیدند.

نیروهای داعش ۹۰ درصد سوریه و ۵۸ درصد عراق را اشغال کردند و حتی به دیوار زینبیه دمشق رسیدند... داعش زمانی که به نزدیکی حرم حضرت زینب(س) رسید بر روی دیوار حرم شعار می نوشت که هنوز بخشی از این شعارها موجود است ...

فرمانده داعش بر روی بی سیم خود در نزدیکی حرم حضرت زینب(س) رجز می خواند و می گفت که، عباس، کجایی که ما زینب را از قبر بیرون خواهیم کشید و...

با اشغال پایگاه "اسپایکر" نیروی هوایی عراق بیش از ۲۲۰۰ دانشجوی افسری شیعه سر بریده می شوند و سرهای آنان بر روی نرده ها نصب می شوند. شهر سنجان عراق سقوط و حدود ۷۰۰۰ زن و دختران جوان مورد تجاوز جنسی در ملامام قرار می گیرند و برای جهاد نکاح و فروش در دیگر کشورها به بازارها اعزام می شوند.

سردار سلیمانی در پیامی مردم کردستان را تا رسیدن وی به مقاومت دعوت می کند. با خارج ساختن سنجان از محاصره و اشغال، زنان دستگیر شده توسط سپاه قدس آزاد و در اردوگاه اسکان می یابند اما ۳۵۰۰ نفر آنان توسط داعش تیرباران می شوند. داعش قریب به ۲۰۰۰ جوان اهل سنت را به خط می کنند و در کنار سد موصل به آنان تیر خلاص زده می شود و...

صحنه ها به قدری تکان دهنده بود که عراق از ایران درخواست رسمی اش را بارها اعلام کرد و نهایتاً "شهید سردار شهید، سلیمانی" طبق دستور فرمانده کل قوا با

...خاطرات دردناک...

اولین گروه کماندوهای برون مرزی، "سپاه قدس" وارد سامرا می شود و با سازماندهی مردمی و فراخوان "نیروهای سپاه" با همکاری "بدر هادی عامری"، اولین هسته های "حشدالشعبی" را می چیند. "مرجعیت عراق"، حکم جهاد و بسیج نیروها را صادر و "حشدالشعبی" گسترش می یابد، در سوریه قبلا یه همت "شهید همدانی"، بسیج مردمی به نام "نیروهای دفاع وطنی" در سوریه پا گرفته است. با جان فشانی و نبرد بی امان نیروهای جبهه ی مقاومت پس از چند سال، نیروهای داعش با شکست سنگین مواجهه می شوند. خط مرزی تا ۴۰ کیلومتری تامين و تثبیت می شود... عراق و آن سوریه در خال سقوط (به لطف خداوند و توجه امام زمان (عجل) و رهبری آقا و فرماندهی میدانی سردار دلها و سایر خوبان) آزاد می شود...

ما به خواست خدا در این کتاب فقط به مقداری کمی به جنایات داعش به فرماندهی آمریکا و استکبار جهانی اشاره می کنیم...

باحول وقوه الهی، با توسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا و به رسم چیدن بهترین گل های معطر و تهیه خوش بو ترین عطر ها و با امید برآمدن هزاران آرزو، از میان هزاران صفحه مستندات، مصاحبه، گزارش، عکس و فیلم، با نام مقدس و مبارک "امام زمان (عج)" و رمز مبارک "خانم حضرت زهرا (س)" نوشتن کتاب "خاطرات دردناک" را شروع می کنیم، تا انشاءالله مورد خشنودی و رضایت "خداوند عزوجل" قرار بگیرد...

ذکر این نکته ضروری می باشد که، ما به "خاطر رعایت حال خوانندگان گرامی" فقط به "گوشه ای از جنایات جبهه ی کفر و نفاق به رهبری آمریکا و صیهونیست جهانی و..." اشاره می کنیم...

...خاطرات دردناک...

بزرگترین جنایت داعش

سال ۹۳ سال سخت و وحشتناکی برای مردم عراق بود. داعشی ها که می توان گفت جزو وحشی ترین گروه های جنایت کار تاریخ به حساب می آیند به خاک و ناموس این کشور تجاوز کرده بودند و با پشتیبانی قوی مالی و تجهیزاتی که از طرف ابر قدرت هایی مثل آمریکا به آنها داده می شد تا دست شان می رسید می کشتند و خراب می کردند و زنان و دختران عراقی را به بدترین شکل ها مورد تجاوز و هتک حیثیت قرار می دادند... همه اینها مقابل چشمان دنیا اتفاق می افتاد اما دریغ از اینکه حتی یکی از مدعیان حقوق بشر لب از لب باز کند و یا حرفی در جهت دفاع از این مردم مظلوم بر زبان بیاورد...



اما جنایتی که در "اسپایکر" با همکاری برخی از عشایر منطقه و بازماندگان حزب بعث در "استان صلاح الدین" رخ داد، بزرگترین جنایت داعش بود... در روز ۲۳ خرداد سال

...فاطرات دردناک...

۹۳ مصادف با ۱۵ ژوئن سال ۲۰۱۴ جنایتی در پایگاه هوایی اسپایکر در تکریت عراق به وقوع پیوست که در تاریخ کم نظیر است، برخی از دانشجویان دانشکده نظامی «اسپایکر» موفق به فرار شده و ۲۲۰۰ نفر از دانشجویان نظامی بازداشت شده به دست داعش نیز با شلیک گلوله اعدام شدند. جنازه بسیاری از این کشته شدگان کماکان یافت نشده است و هر از گاهی چند جنازه در رود دجله پیدا می‌شود که مربوط به ماجرای اسپایکر است... روزی که شهید حاج قاسم سلیمانی سال ۹۶ در یکی از سخنرانی هایش در وصف آن می گوید:

"در هیچ دوره‌ای از تاریخ، در زمان بربرها و تاتارها، حتی در حمله مغول، تاریخ شاهد این همه خشونت، توحش و سختی نبوده است"...

۲۲۰۰ نفر از جوانان دانشکده اسپایکر عراق را دست بسته سربریدند و تیرباران کردند، هزاران زن و دختر ایزدی را بین خودشان به حراج گذاشتند و طفل نوزاد را از بغل مادرش جدا کرده و جلوی چشم مادر سوزاندند. در تاریخ همچین توحشی نداشته‌ایم. در پایگاه هوایی اسپایکر ۴۰۰۰ دانشجوی نظامی عراقی در حال گذراندن دوره های خود بودند که داعش در عملیاتی به آنجا حمله کرد و ۲۲۰۰ از این افراد را که ۱۷۰۰ تن از آنها شیعه بودند دست بسته سر بریدند، تیرباران کردند و پیکر برخی از آنها را در این قتل عام دسته جمعی به رود دجله انداختند. آنقدر از این دانشجویهای بی گناه خون ریخته شده بود که آب های دجله به خون نشسته بود و قرمز شده بود... "علی حسین کاظم" که به خواست خدا جان سالم از این جنایت به در برده بود این گونه تعریف می کند: ما هنگامی که خبر نزدیک شدن داعش به اسپایکر را شنیدیم، لباس شخصی پوشیدیم ولی دیر شده بود زیرا عناصر داعش که حدود یکصد نفر

...فاطرات دردناک...

بودند، وارد اسپایکر شده بودند. عناصر داعش دستان ما را بستند و سوار ده ها کامیون کردند و هر کسی را که کوچکترین حرکتی از خود نشان می داد، می کشتند و کسانی که زیر دست و پا مانده بودند نیز جان خود را از دست دادند. ما را به صف کردند و با تیر همکلاسی هایم را کشتند و خون یکی از آنها به چهره ام پاشید و تیری که به سوی من شلیک شد، به من اصابت نکرد و من خودم را در چاله ای که روبرویم حفر شده بود، انداختم و خود را به مُردن زدم...

چرا داعش جنایت بزرگ خود را در این مکان انتخاب کرد؟

پایگاه هوایی اسپایکر که در منطقه غرب «تکریت» در استان «صلاح الدین» قرار دارد جزو سه مکان استراتژیک دولت عراق محسوب می شد که اتفاقاً نام آن هم توسط آمریکایی ها در زمان اشغال عراق انتخاب شده بود. نامی که برگرفته از اسم یک خلبان آمریکایی است به نام «مایکل اسکات اسپایکر» است و گفته می شود برای تحقیر مردم عراق نام بزرگترین پایگاه هوایی شان به نام یک آمریکایی است... اسپایکر یکی از شریان های حیاتی نقاط شمالی عراق است که داعش با این کار توانست راه های کمک رسانی به مناطق شمالی عراق از جمله «تکریت» را قطع کند. این تروریست های وحشی در حالی به این پایگاه حمله کردند که نظامیان داخل پایگاه بدون سلاح در حال گذراندن دوره های شان بودند. تکفیری ها با کمک خائنانی از عشایر منطقه، مسئولان محلی منطقه صلاح الدین و برخی نظامی ها توانستند دست به چنین کاری بزنند... سالها بعد "الهاشمی" در صفحه فیس بوک خود نوشت که از سه تن از فرماندهان وقت داعش پرسیده است که چه کسی دستور این کشتار را صادر کرد و اصولاً چرا داعش از دانشجویان نظامی برای تبادیل زندانیان با

...خاطرات دردناک...

دولت عراق استفاده نکرد. او همچنین اضافه می کند، زمانی که پس از ماجرای اسپایکر "ابومسلم الترمکمانی" را در رقه دیدم، به من گفت که پس از تسلط بر استان نینوی، هیچ عملیاتی همچون اسپایکر نتوانست مسیر درگیریها را عوض کند و موجب رعب و وحشت شود و پس از اسپایکر شهرها و روستاها یکی پس از دیگری به دست تعداد ناچیزی از نیروها سقوط می کرد... "الترکمانی" در بیان اینکه چرا به جای کشتار، اقدام به مبادله اسرا نکرده است، به قردادش گفته بود: فرصت فکر کردن در این باره را نداشتیم و صرفاً به فکر رسیدن به شمال عراق و آزادی زندانیان "التاجی" بودیم؛ از این رو همه را کشتیم و این ایده که ۵۰۰ نفر از آنها را برای تبادل اسرا نگه داریم را رد کردیم... "ابومسلم الترمکمانی" به «هشام الهاشمی» گفته بود که جنایت اسپایکر در نزد البغدادی به معنای رعب و وحشتی بود که برای رسیدن به بغداد لازم بود تا انجام شود و سرکرده معدوم داعش به انجام چنین جنایت‌های هولناکی تمایل داشت. گروه تروریستی داعش با انتشار ویدئوی جدیدی بر روی اینترنت، داغ عراقی‌ها بویژه خانواده‌های قربانیان پایگاه اسپایکر را تازه کرد.



...خاطرات دردناک...

این فیلم ۲۳ دقیقه‌ای صدها نظامی عراقی را نشان می‌دهد که به وسیله کامیون‌های بزرگ به قتلگاه انتقال می‌یابند. آنها را از داخل کامیون‌ها درحالی که دست‌ها بسته است، به بیرون پرتاب می‌کنند. در این ویدئو که رسانه‌های عراقی گفته‌اند توسط مؤسسات بین‌المللی افراط‌گرا انتشار یافته، قربانیان را کنار یک گودال که توسط بولدوزری ایجاد شده بود، انداخته و با سلاح‌های کمری و تیربار به گلوله بستند و سپس با همان بولدوزرها بصورت جمعی دفن کردند و حتی در جایی بولدوزرها از روی اجساد هم عبور می‌کند. در بخش دیگری از این فیلم جلادان داعش از یک جوان عراقی می‌خواهند که اذان گفته و نماز بخواند. این جوان پس از گفتن الله اکبر دست‌های خود روی یکدیگر نمی‌گذارد و به سبک شیعیان نماز را ادامه می‌دهد (اهل سنت دست راست را بر روی دست چپ قرار می‌دهند) که بلافاصله به صفوف اعدام شدگان برده می‌شود و با شلیک مستقیم گلوله به سرش به شهادت می‌رسد. صدها تن از دانشجویان اسپایکر نیز در ساحل دجله اعدام شده و پیکرشان به درون رودخانه ریخته شد. این ویدئو که ۴ روز بعد از صدور احکام اعدام ۲۴ متهم شرکت در جنایت اسپایکر انتشار یافته، از سوی ناظران به عنوان یک جنگ روانی یاد می‌شود.

دادگاه عالی عراق هفته گذشته محاکمه ۲۸ تن از متهمان این پرونده را در دستور کار خود قرار داد و ۲۴ تن را به اعدام محکوم کرد و برای ۴ نفر دیگر به دلیل کافی نبودن ادله، حکم تبرئه صادر کرد. گفته می‌شود، این تعداد تنها بخشی از عاملان جنایت هستند که به دام افتاده‌اند و بسیاری دیگر هستند که دستگیر نشده‌اند.

هنوز بسیاری از خانواده‌های قربانیان اسپایکر در حال پیگیری وضعیت و سرنوشت فرزندان خود هستند. عراقی‌ها از جنایت اسپایکر به عنوان «جنایت عصر» یاد

...خاطرات دردناک...

می‌کنند. به دنبال آزادی تکریت در ماه مارس میلادی جاری (فروردین امسال) چند گور دسته جمعی در حوالی تکریت کشف شد و دولت عراق سرگرم شناسایی اجساد متلاشی شده با آزمایش دی ان ای است. مسئولان عراقی روز ۱۰ ژوئن ۲۰۱۵ اعلام کردند که تا آن تاریخ اجساد ۶۰۰ قربانی جنایت اسپایکر را در گورهای جمعی شهر تکریت کشف کرده‌اند. خانواده‌های قربانیان اسپایکر هنوز هم در هر فرصتی در مقابل دواير و مراجع مسئول در عراق تجمع می‌کنند. آنها می‌پرسند فرزندان غیرمسلح زیر ۲۲ سال آنها که هیچ مقاومتی نکرده بودند، به چه گناهی کشته شده‌اند؟ این خانواده‌ها خواستار شناسایی عاملان جنایت و محاکمه آنان هستند. بیشتر قربانیان اسپایکر، پایگاهی در حومه شمال تکریت، از استان‌های مرکزی و جنوبی عراق هستند که در حال طی کردن دوره آموزشی بودند. حالا این تصاویر جدید حال همه را در بغداد خراب کرده است... به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس



...خاطرات دردناک...

داعش با حمله به دانشگاه هوایی تکریت ۲۲۰۰ نفر جوان بی گناه عراقی را گردن زد و پیکرشان را در رودخانه دجله انداخت. حجم این کشتار به قدری زیاد بود که دجله رنگ خون به خودش گرفت. راستی آگه مدافعان حرم نبودند باید شاهد زاینده رود و کارون خونین می بودیم...



رودخانه دجله از خون شهدای اسپایکر به رنگ خون درآمد بود.

کشف گورهای دسته جمعی

در اسفند ۱۳۹۳ (مارس ۲۰۱۵) و پس از آزادی تکریت از دست داعش، دهها گور دسته جمعی از کشته شدگان قتل عام اسپایکر کشف شد. ارتش عراق شهر تکریت را به طور کامل در نیمه اول فروردین ۱۳۹۴ (روزهای آغازین آوریل ۲۰۱۵) از داعش بازپس گرفت و تا تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۹۴ (۱۰ ژوئن ۲۰۱۵)، بقایای ۵۹۷ جسد از کشته شدگان اسپایکر را کشف کرد.

...خاطرات دردناک...

چندی بعد، کمیته یادبود کشتار اسپایکر، به تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۹۷ (۸ ژوئیه ۲۰۱۸) از کشف ۳۶ جسد در کاخ ریاست جمهوری صلاح الدین خبر داد که به صورت دسته جمعی دفن شده‌اند. این کمیته در جستجویی دیگر، ۱۵۷ تن دیگر را در گوری دسته جمعی در نزدیکی همان منطقه یافت. بزرگترین گور دسته جمعی کشف شده این جنایت تاکنون، شامل ۴۰۰ جسد از شهیدان این کشتار بوده است. سازمان ملل در سال ۲۰۱۸، تعداد گورهای دسته جمعی در تکریت عراق را ۲۰۲ عدد اعلام نمود که تعداد نفرات پیدا شده در آن ۶ تا ۱۲۰۰۰ شهید یافت شده است. تصویر سردار سلیمانی و شعار لبیک یا خامنه ای که توسط نیروهای حشد الشعبی بعد از پس گرفتن تکریت بر یکی از دیوارهای پایگاه اسپایکر حک شد...



...خاطرات دردناک...

داعش جنایت اسپایکر را تکرار کرد

گروه تکفیری داعش دهها سرباز عراقی را که از یک سربازخانه به اسارت گرفته بود مانند جنایت اسپایکر به زور وارد یک کانال کرده سپس همه آنها را تیرباران کرد. گروه تروریستی داعش دهها سرباز ارتش عراق و نیروهای الحشد الشعبی عراق را به صورت دسته جمعی اعدام کردند. این گروه تکفیری با انتشار ویدئویی با عنوان "جحیم المرتدین" تصاویر دلخراشی از اعدام بیش از ۵۰ عراقی خبر داده است.



در این فیلم ویدئویی داعش اعلام کرده که انتشار این تصاویر برای بطلان ادعای مسئولان دولت عراق درباره سیطره کامل بر مناطق شمال بغداد صورت گرفته است.

...خاطرات دردناک...

به رغم اینکه این گروه تروریستی اعتراف به اینکه شمال بغداد را در اختیار ندارد ولی در این ویدئو به شدت تلاش کرده نشان دهد می‌تواند با انجام عملیات خاص ضربه‌های بسیار سنگینی به دولت عراق وارد کند.



در این تصاویر دیده می‌شود که داعش دهها سرباز عراقی را از یک سربازخانه به اسارت گرفته و مانند جنایت اسپایکر چشمان آنها را بسته و به زور وارد یک کانال کرده سپس همه آنها را تیرباران می‌کند.

در این تصاویر همچنین لحظه‌های یورش عناصر این گروه تروریستی به افرادی از مسئولان دولت و شوراها شهر و... و نیز هدف قرار دادن آنها در منازل شان نشان داده شده است.

...خاطرات دردناک...

داعش همچنین در این ویدئو نشان می‌دهد که چگونه برخی نظامیان عراقی را با تک تیرانداز شکار کرده یا با کاتیوشا و سلاح‌های متوسط به مقرهای آنان حمله می‌کند. همچنین نحوه بمب گذاری خودروها و دستگاه‌ها عراقی خودروهای بمب‌گذاری شده به نمایش گذاشته شده است.



داعش مدعی شده یکی از این اعدام‌های جمعی گسترده در جزیره النباعی و بقیه در منطقه طارمیه انجام شده که به گفته این گروه، دولت می‌خواهد سنی‌ها را از آنجا براند و نام آنجا را تغییر دهد...
به نقل از خبرگزاری ابنا

...خاطرات دردناک...

کشتار وحشیانه ۷۰۰ نفر در دیروالزور

تروریست‌های تکفیری داعش، به روستایی در حومه "دیر الزور" یورش بردند و علاوه بر گردن زدن ۷۰۰ نفر بیش از ۱۸۰۰ نفر از عشیره شعطیات را ربود. تروریست‌ها آنها را به عراق منتقل کردند.



...خاطرات دردناک...

جنایت هولناک داعش در یک شهر سوریه

"شهرک القریتین" واقع در حومه "جنوب شرقی شهر حمص"، آخرین دژ گروه تروریستی داعش بود که برای بقا در مرکز سوریه تلاش می‌کرد، اخیراً ارتش سوریه این شهرک را آزاد کرد، ساختمان‌هایش از ویرانی و خرابی در امان نماند و مردم آن از جنایات وحشیانه جان سالم به‌در نبردند، جنایاتی که منجر به جان باختن ده‌ها نفر از آنها شد. شهرک القریتین که بیش از ۱۳ هزار نفر جمعیت داشت...



طی سه هفته‌ای که داعش بر آن شهر مسلط شد، در معرض جنایت وحشیانه‌ای قرار گرفت که بیش از ۱۰۰ نفر قربانی شدند برخی از آنها با چاقو ذبح شدند، برخی به‌ضرب گلوله اعدام شدند و البته اتهام هم قبلاً آماده بود: مزدوری برای دولت سوریه. ابتدا باندهای تروریستی مسلح داعش وارد شدند در حالی که ما مردم بی‌دفاع در امنیت

...خاطرات دردناک...

و اطمینان قرار داشتیم، اولین کاری که آنها انجام دادند، سرقت خودروهای کوچک و بزرگ از مقابل منازل بود و این وسایل را مورد استفاده قرار دادند. آنها از شامگاه همان روزی که حمله کردند، گفتند که "القریتین در قلمروی «الدولة الاسلامیه» قرار گرفته است" و به همین سبب از خروج هر فردی از منزلش جلوگیری کردند و هر کس هم خارج می‌شد، در معرض قتل قرار می‌گرفت.

داعش در شهرک القریتین جنایاتی بی شماری را ارتکب شدند. یکی از شاهدان عینی این طور گفت: من در منزل پنج جسد پیدا کردم، گروه داعش مردم را به زندان می‌انداختند و آنها را با چشم‌های بسته به مکانی که آنها را می‌کشتند، منتقل می‌کردند، حدود ۲۰ جسد را در حالی که چشمانشان بسته بود، پیدا کردیم، همگی از ناحیه سر هدف تیراندازی قرار گرفته بودند، سه یا دو گلوله به هر نفر شلیک شده بود، عناصر داعش در خیابان‌ها پرسه می‌زنند و وارد منازل می‌شوند و به سرقت غذا و اثاث منزل دست می‌زنند، آنها همچنین به سرقت از فروشگاه‌ها و مغازه‌ها دست زدند، آنگاه شروع کردن به ربودن جوانان می‌کردند...

آنها هر جوان نظامی را که در چنگشان بود، بلافاصله یا سر می‌بریدند یا آتش می‌زدند. آنها جوانان را مقابل چشمان خانواده‌هایشان می‌کشتند. آیا وحشیانه‌تر از آنچه داعش در این شهرک انجام داد، وجود دارد؟

داعش مردم را گرسنه نگه داشتند و نزدیک بود از گرسنگی بمیریم، آنها هرگز به ما غذا نمی‌دادند، آنها شب و روز بر ما وارد می‌شدند، هیچ کس از شر آنها در امان نبود، آنها مقابل دیدگان ما به مردم تیراندازی می‌کردند. راوی: شهردار شهرک القریتین، محمد عبدالکریم رویشدی شهردار شهرک القریتین

...خاطرات دردناک...

تلخ ترین اعدام شیعیان



بر اساس گزارش العالم ، در تصاویری که از فیلم این جنایت به وسیله داعش منتشر شده است، صحنه هایی از قتل عام فجیع "شیعیان کرکوک عراق" نشان داده می شود. این فیلم که "درو کردن سالانه" نام دارد، از طریق شبکه های وابسته به تروریست های داعش منتشر شد. در این فیلم، برخی از قربانیان مظلومانه در گودال هایی که خود کنده اند، می نشینند و سپس به دست تروریست های داعشی اعدام می شوند.

...خاطرات دردناک...

سردخانه موصل؛ شاهدی زنده بر جنایت‌های داعش

"سردخانه پزشکی قانونی شهر موصل در شمال عراق" یکی از بهترین شاهدان جنایات داعش است؛ مکانی که این گروه تروریستی روند اداری و بوروکراسی مربوط به قربانیان جنایت‌هایش را ثبت می‌کرد. سردخانه شهر موصل جایی بوده که فرایند رسیدگی به قربانیان ماشین قصابی گروه تروریستی داعش طی سه سال حکمرانی‌اش بر بخش‌هایی از عراق و سوریه، به اجرا درآمده است. در این سردخانه پزشکان و کارمندان هر روز شاهد بدترین فجایعی بودند که این شبه‌نظامیان توانستند در قبال انسان‌ها اعمال کنند و معمولاً خودشان نیز می‌ترسیدند که نفرات بعدی باشند.

با این حال کارمندان و پزشکان این سردخانه در موارد متعددی با کارهای کوچک و بزرگ تلاش کردند تا به شکل پنهانی از داعشی‌هایی که آنها را به خدمت خود درآورده بودند نافرمانی کرده و به بهترین شکلی که می‌توانستند احترام اجساد را رعایت کنند. آنها می‌گویند که بعضی روزها بالغ بر ۱۰۰ جسد به این مکان آورده می‌شد. این اجساد شامل کسانی بودند که در بمباران‌ها یا درگیری‌های میان شبه‌نظامیان و حملات نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا یا عراق تکه تکه شده بودند و یا قربانی مجازات‌های مضحکی بودند که داعش به بهانه ارتکاب جرم یا گناه علیه آنها اعمال کرده بود. اسنادی که در این سردخانه موجود است جزئیات هولناکی را دربردارد. در یکی از فایل‌های اکسل که در کامپیوتر این سردخانه موجود بوده مشخص شده که در فاصله ژوئن ۲۰۱۴ تا ژانویه ۲۰۱۷ یعنی مدت زمانی که بیشتر دوره حکمرانی داعش را شامل می‌شود جسد بیش از ۱۲۰۰ نفری که به سرشان گلوله شلیک شده بود به

...خاطرات دردناک...

آنجا منتقل شده که این احتمالاً حاکی از اعدام‌های داعش است و به طور میانگین داعش هر هفته ۱۱ نفر را به این روش اعدام کرده است.



از طرفی در میان قربانیان این اعدام ۱۶ پسر بچه و ۶ دختر بچه زیر ۱۴ سال نیز وجود داشتند. علاوه بر آنها اسناد این سردخانه نشان می‌دهد که ۱۲ زن نیز سنگسار شدند و همچنین ۹۵ جسد سر بریده شده و ۵۰ پسر و مردی که از طریق پرتاب از ارتفاع در این مدت جان خود را از دست داده‌اند نیز به چشم می‌خورد که احتمالاً آنها نیز قربانی مجازات‌های داعش شده بودند. در عین حال داعش در زمان حضورش در موصل هرگونه بازگرداندن اجساد به خانواده‌های شان را نیز ممنوع کرد و به جایش آنها را در گورهای دسته‌جمعی دفن می‌کرد... به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس

...خاطرات دردناک...

وقتی تکفیری‌ها به حرم سامرا تعرض کردند

پس از سرنگونی صدام و حضور گسترده آمریکایی‌ها در عراق، جنایات تروریستی هم روز به روز افزایش یافت و دنیای استکبار به بهانه‌های مختلف سعی در افزایش فشارها به مسلمانان داشت. ساعت ۷ صبح سوم بهمن‌ماه سال ۸۴ بود که گروه‌های تکفیری به حرم امامین عسکریین (ع) تعرض کرده و با حدود ۲۰۰ کیلوگرم تی ان تی گنبد و بخشی اعظمی از گلدسته‌های حرم امامین عسکریین (ع) را تخریب کردند. با این اتفاق ناگوار، دل مسلمانان به ویژه شیعیان عزادار شد و علما، مراجع تقلید و شخصیت‌های اول کشورهای اسلامی، این اقدام ناشایست را محکوم کردند. در ایران اسلامی نیز عزای عمومی اعلام شد و برخی کسبه از جمله بازاری‌ها در اعتراض به این اقدام تکفیری‌ها، مغازه‌ها را تعطیل کردند.



حرم امامین عسکریین (ع) سامرا پس از بازسازی

...فاطرات دردناک...

حرم حضرت سکینه (س)، بنت علی (ع) در داریا

تصاویر ماهواره‌ای از شهر آزاد شده "داریا" در حومه دمشق نشان می‌دهد که چگونه داعش حرم حضرت سکینه (س) بنت علی (ع) و خانه‌های اطراف آن را به تلی از خاک تبدیل کردند. داعش بسیاری از زیارتگاه‌های مسلمانان به ویژه اهل بیت (ع) و اصحاب پیامبر (ص) را در سوریه، عراق و مصر تخریب و ویران کرده‌اند.



"ابوجعفر الحمصی" فرمانده نظامی گروه شهدا داریا که در شهرک داریا واقع در حاشیه جنوب غربی شهر دمشق فعالیت دارد در شهر درکوش واقع در حاشیه غربی استان ادلب سوریه به هلاکت رسیده است. مهمترین جنایات وی می‌توان به گلوله باران و تخریب حرم مطهر حضرت سکینه (س) در عملیات مشترک با گروه جبهه النصره شاخه رسمی القاعده در سوریه اشاره کرد.

...خاطرات دردناک...

کشتار دختران دبیرستانی

تروریست های بعثی - تکفیری داعش، با یورش به منزل یکی از خانواده های مطرح و بانفوذ شهر موصل، تمام اعضای خانواده و ۲۴ نفر از مهمانان آنها را به رگبار بسته و به طرز فجیعی قتل عام کردند. اغلب این میهمان ها، همکلاسی های دختر این خانواده بودند که در جشن فارغ التحصیلی او شرکت کرده بودند.



صفحات اینترنتی داعش با ایراد تهمت هایی به این خانواده، با افتخار تصاویر این جنایت را منتشر کرده و از عناصر خود تقدیر کرده اند.

...خاطرات دردناک...

Brother Tawhidi

Urgent | ISIS shoot an entire family in Musul for celebrating the graduation of their daughter.



پدربزرگ عراقی نوه داعشی خود را به جهنم فرستاد

یک پیرمرد عراقی نوه داعشی خود را به علت آسیب رساندن به مادرش، کُشت. یک جوان ۱۸ ساله در شهر شرقاط استان صلاح الدین که مادرش را به علت ناسزا گفتن به ابوبکر البغدادی سرکرده داعش به شدت مجروح کرده بود، به ضرب گلوله پدربزرگ مادریش کشته شد. علت ناسزا گفتن مادر به البغدادی، جرایم و جنایات شنیع داعش در شهر شرقاط بود. داعش در مناطق تحت تصرف خود در استان صلاح الدین به جذب نوجوانان و جوانان و شستشوی مغزی آنها می پردازد تا اهداف خود را به دست آنان اجرایی کند.... راوی: "جبار المعموری" یکی از فرماندهان بسیج مردمی عراق در مصاحبه با شبکه السومریه

...خاطرات دردناک...

کشتار روستای "بغلیه" نزدیک شهر دیرالزور سوریه

در این روستای کوچک که مردم دلیرانه در مقابل تروریست های داعش مقاومت کردند، تعدادی از این تروریست ها در تاریکی شب به داخل روستا نفوذ کردند و بیش از چهارصد غیر نظامی از جمله تعدادی زن و کودک را ربودند در این بین، دیگر تروریست های انتحاری راه نفوذ به داخل روستا را باز کردند و در یک جنایت هولناک بیش از سیصد نفر از اهالی این روستا را قتل عام کردند. طبق اندک اطلاعاتی که از این روستا به بیرون درز کرده است برخی خانواده ها به طور کامل قتل عام شده و پیکر آنها در نزدیکی رودخانه فرات رها شده است و بقیه اسرا نیز به خارج از منطقه منتقل شده اند. این جنایت فجیع داعش در حق اهالی سنی مذهب بغلیه فقط یک چیز را نشان می دهد و آن، تلاش این گروه تروریستی برای ارباب کسانی است که در برابر آنها مقاومت می کنند. همچنان که پیش از این در تابستان ۲۰۱۴ صدها نفر از عشیره شعیطات را در دیر الزور و دویست و بیست نفر از عشیره بونمر را در عراق قتل عام کرد. داعش با این جنایات فقط یک چیز را به مردم می خواهد بگوید:

"دو انتخاب بیشتر ندارید؛ یا سلطه ما را بپذیرید یا بمیرید."

نکته مهم دیگر این است که این کشتارها بیانگر شدت آشفتگی و وحشتی است که در میدان نبرد گریبانگیر داعش شده است. داعش پس از شکست های سنگینی که در حومه حلب از ارتش سوریه و متحدانش خورده است فقط به دنبال بالا بردن روحیه عناصر خود است و این گواه دیگری است بر این حقیقت که شمارش معکوس برای نابودی داعش پس از ضربه های و شکست های مرگباری که طی ماههای اخیر دریافت کرده، شروع شده است... به گزارش خبرنگار شبکه العالم

...خاطرات دردناک...

جنایات هولناک داعش در یرموک

“یرموک” اردوگاه آوارگان فلسطینی است که در حوالی دمشق قرار دارد و در آن هزاران فلسطینی سکونت دارند. این اردوگاه در سال ۱۹۵۷ تاسیس شد. در آن زمان این منطقه خارج از شهر دمشق قرار داشت اما اکنون در محدوده شهر دمشق و در فاصله حدود ۸ کیلومتری مرکز شهر است. در یرموک حدود ۱۶۰ هزار آواره فلسطینی زندگی می‌کردند که اکنون به دلیل اشغال تروریست‌ها بیشتر آنان فرار کرده و به مناطق امن پناه برده‌اند. در حال حاضر ۱۸ هزار نفر در این اردوگاه به سر می‌برند که از ترس تروریست‌ها از خانه‌های خود بیرون نمی‌آیند. بشار اسد رئیس‌جمهور این کشور کنترل این اردوگاه را به جبهه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری «احمد جبرئیل» یکی از فلسطینی‌های حامی اسد سپرد. تروریست‌های داعش با همراهی جبهه النصره به این اردوگاه فلسطینی حمله کرده و آنرا به تصرف خود درآوردند. اگرچه درگیری‌های شدیدی بین نیروهای فلسطینی و نیروهای سوری از یک طرف و تکفیری‌های داعش در طرف دیگر در این منطقه جاری است و نیروهای فلسطینی موفق شده‌اند مناطقی را پس بگیرند اما هنوز تکفیری‌ها هستند که در این اردوگاه دست برتر را دارند. گروه تروریستی داعش در ورود به این اردوگاه دست به ذبح شماری از ساکنان یرموک زده و تصاویری از سر ذبح شده سه فلسطینی را منتشر کرده است. داعش اعلام کرده که افراد اعدام شده به دلیل مقاومت در برابر نیروهای دولت اسلامی سر بریده شده‌اند. در یرموک، بزرگ‌ترین اردوگاه آوارگان فلسطینی در سوریه قبل از آغاز جنگ که وارد پنجمین سال شده است حدود ۱۶۰ هزار ساکن سوری و فلسطینی زندگی می‌کردند و شمار آن‌ها اکنون به ۱۸ هزار نفر رسیده است. به گزارش "اسپوتنیک"

...خاطرات دردناک...

قتل عام چند صد غیر نظامی بی گناه در شهرستان موصل

سازمان ملل اطلاعات معتبری در مورد قتل ۱۸۰ نفر از کارمندان سابق دولت و ۵۰ نفر از شبه نظامیان داعش در اختیار دارد. این ۵۰ نفر از اعضای گروهک تروریستی داعش بودند که در زمان عقب نشینی تروریست ها از شهرستان "کوکجلی" در حومه شرقی "موصل"، متهم به فرار از خدمت و خیانت به گروهک شدند. شهر کوکجلی که توسط دولت عراق آزاد شده بود. سازمان ملل همچنین گزارش کرده است که شواهدی نیز مبنی بر قتل عام حدود ۲۰۰ نفر در شهر موصل توسط داعش وجود دارد... شامداسانی در این رابطه گفت: "داده های معتبری در رابطه با این که در روز چهارشنبه (۲ نوامبر) ۱۸۰ نفر در شهرستان کوکجلی در شرق موصل کشته شده اند، وجود دارد. همچنین احتمالاً ۲۰۰ نفر دیگر نیز در خود شهر موصل به قتل رسیده اند." به گفته شامداسانی، کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد همچنین اطلاعاتی در مورد قتل شبه نظامیان داعش در پایگاه الغزلانی در جنوب الموصل دریافت کرده است که ۵۰ نفر از آنها از نیروهای خودی این گروهک تروریستی بوده اند که ادعا شده است قصد فرار داشتند. در حال حاضر کمیساریای عالی حقوق بشر در حال تلاش برای کشف جزئیات بیشتری از این جنایات می باشد... به گزارش "اسپوتنیک"



...خاطرات دردناک...

قصه ما به «سر» رسید!

گلوله باران کردن ، با سنگ کشتن ، سر بریدن ، غرق کردن ، سوزاندن ، چرخ کردن در چرخ گوشت ، پختن ، جنازه ی قربانیان را در خیابان ها گردانیدن ، با سر بریده ی قربانیان فوتبال بازی کردن انواع روش های اربعابی داعش برای مرعوب کردن ساکنان مناطق متصرف شده و ایجاد ترس در میان مردم جهان از اسلام بود . داعشی ها به عوامل خود آموزش می دادند که از بریدن سر انسان ها لذت ببرند . با پیشروی داعش به سوی موصل دویست هزار نفر ایزدی آواره شدند و هزاران نفر از آنها بدست داعش جان خود را از دست دادند. یک زن ایزدی که از چنگ داعش جان به در برده می گوید : نیرو های داعش حتی سر کودکان شیر خوار را نیز می بریدند.



...خاطرات دردناک...

شهید محسن حججی

محسن حججی در جریان حملات انتحاری داعش ابتدا از ناحیه کتف مجروح شد و در ادامه هم در درگیری های مستقیم و با شلیک های ممتد تروریست ها از سمت پهلو هدف قرار گرفته و به شدت زخمی شد اما با این وجود تا آخرین لحظه مقاومت کرد. عناصر تروریستی داعش با کمک مستقیم نیروهای آمریکایی موفق شدند در منطقه الجمونه صحنه گردانی کنند و در نهایت محسن توسط عناصر تروریستی به اسارت درآمد. عناصر تروریستی داعش به سرعت محسن را به مناطق اشغالی در استان الانبار عراق انتقال دادند و ساعاتی بعد با برین سر و مثله کردن این رزمنده دلیر، او را به شهادت رساندند... به نقل از "مشرق"



...خاطرات دردناک...

مزایده سرهای بریده توسط داعش

یک واعظ آمریکایی به نام «هری والتر» اعلام کرد گروه تروریستی داعش برای افزایش بودجه خود، سرهای بریده قربانیانش را در وبسایت مجازی «ای‌پی» به فروش گذاشته است. داعش سرهای بریده را مانند یادگاری از جنایات وحشیانه خود به مجموعه‌دارها می‌فروشد. برخی از این خریدارها بیش از ۵۰۰ دلار را برای خرید نمادهای توحش داعش می‌پردازند. با توجه به تعداد افرادی که این گروه اعدام می‌کند، سرهای بسیاری برای فروش در این بازار غیر انسانی وجود دارد. منبع: "میرر"



داعش تمامی ساکنین یک روستا را یکجا سر برید

اهالی روستای "الحدود" در "جنوب استان نینوا" چند ماه قبل داعشی‌ها را از روستا فراری داده بودند و آنها تلاش داشتند بار دیگر پس از عقب نشینی تروریست‌ها از الرمادی، داعشی‌ها را از روستای خود عقب برانند. در پی ناکام ماندن تلاش اهالی روستا برای کنترل بر این منطقه داعشی‌ها تمام اهالی آنجا از جمله زنان و کودکان را سر بریدند. منبع: اخبار سیاسی و بین الملل

...خاطرات دردناک...

یک داعشی سر پدر عراقی خود را برید

یکی از عناصر داعش به خاطر اعلام موافقت پدرش با فرار خانواده از منطقه تحت سیطره این گروه در جنوب موصل؛ سر پدر را از تن جدا کرد. به نقل از یک منبع محلی در استان نینوا پدر این داعشی با فرار خانواده به شهرستان مخمور در جنوب موصل موافقت کرده بود به همین دلیل از سوی این عنصر داعش مجازات شد!... همچنین یک زن داعشی عضو نیروهای به اصطلاح پلیس دینی این گروه تروریستی در منطقه مکحول در شمال استان صلاح الدین، هووی خود را که تنها کمتر از یک ماه از ازدواجش می‌گذشت، از پشت گردن سربرید. این زن داعشی از روی حس حسادت زنانه مرتکب این جنایت شد...

منبع: پایگاه خبری السومریه



...خاطرات دردناک...

جنایت خونین داعش با حضور کودکان موصلایی

به منظور رعب وحشت در عراق و سوریه، عناصر گروه تروریستی تکفیری داعش در ولایت نینوای عراق، جلادان داعش به طرز فجیعی ۱۶ جوان عراقی را به بهانه جاسوسی برای نیروهای پیشمرگه عراق را با گلوله و شماری را با شمشیر به قتل می‌رساندند... موضوع جدید در این ویدئوی خونبار و جنایتکارانه، قرار دادن دوربین‌ها در فاصله بسیار نزدیک از گردن قربانیانی است که عناصر داعش آنان را گردن زدند.. داعش در این ویدئو برخلاف ویدئوهای گذشته، بدون هیچ گونه سانسور، گردن‌زدن جوانان عراقی را به نمایش می‌گذارد؛ و دوربین‌ها هنگام خروج خون و جان دادن آنان، همچنان در حال فیلم برداری هستند... عناصر گروه تروریستی داعش در این ویدئو ۸ نفر را مقابل یک کودک که چهره‌ای اروپایی داشت گردن زدند، و سر آنان را روی جسدشان قرار دادند...



...خاطرات دردناک...

داعش در روز عید قربان ۱۵ نفر را در کشتارگاه دیرالزور ذبح کرد

گروه تروریستی داعش، در روز عید قربان، شماری از مردم سوریه را در روشی همانند سازی ذبح گوسفند در کشتارگاهی در دیرالزور سوریه سر برید. تروریست‌های داعش در جنایت جدید خود ۱۵ نفر از بازداشتی‌ها را در حالی که دست شان بسته و روی هم انباشته شده‌اند به طرز هولناکی سر بریدند.



بخش رسانه‌ای داعش وابسته به منطقه دیرالزور که داعش آن را "ولاية الخیر" می‌نامد، ویدئویی از این جنایت وحشیانه تحت عنوان «صناعة الوهم» (صنعت توهم) منتشر کرد. داعش این افراد را به تشکیل باند جاسوسی به نفع ائتلاف ضد داعش آمریکا متهم کرده است. این گروه مدعی است افراد اعدام شده اطلاعات و تصاویر پایگاه‌های داعش را از طریق اینترنت به ائتلاف می‌دادند. در فیلم منتشر شده، چند نفر در یک کشتارگاه با دستان بسته روی هم انداخته شده‌اند، سپس عوامل داعش آنها را یکی پس از دیگری انتخاب می‌کنند و سرهای آنها را مانند گوسفند از بدن‌های شان جدا می‌کنند. در این

...خاطرات دردناک...

فیلم چند نفر هم با پا از سقف آویزان شده‌اند که آنها نیز همچون بقیه سر بریده می‌شوند ولی عوامل داعش سرهای آنها را از بدن های شان جدا نمی‌کنند.



داعش در فیلم خود اعلام می‌کند که به زودی یک گروه جاسوسی دیگری را نیز اعدام خواهد کرد. "ابوس اوس الدیری" فعال حقوقی در دیرالزور گفته است این فیلم یکی از خشن‌ترین ویدیوهای داعش از زمان اعلام موجودیت خود است. وی افزود: انتشار این فیلم در روز عید قربان توهین به این عید مبارک و همه مسلمانان است. نقل از العالم



...خاطرات دردناک...

سر بریدن ۷ عراقی توسط داعش در روز عید فطر

عناصر گروه تروریستی داعش در روز "عید فطر" هفت نفر از شهروندان را سربریده و اجسادشان را تکه تکه کردند. دادگاه به اصطلاح شرعی داعش در شهرستان الحویجه (۵۵ کیلومتری جنوب غربی کرکوک) حکم سربریدن این شهروندان را به اتهام همکاری اطلاعاتی با نیروهای عراقی، صادر کرده بود. به گفته این منبع، این ۷ نفر امروز پس از نماز عید مقابل مردم سربریده شدند. عناصر داعش، پس از آن اجساد این ۷ نفر را تکه تکه کردند، و تکه های اجساد را درون کیسه های پلاستیکی قرار داده و در اطراف الحویجه رها کردند.... به گزارش اسپوتنیک به نقل از العالم



...خاطرات دردناک...

دوختن دهان مرد سوری

عناصر گروه تروریستی داعش دهان یک شهروند سوری را به اتهام شوخی نابجا دوختند و او را در شهر المیادین گرداندند. این شهروند سوری در "شهر المیادین" در "حومه دیرالزور" هنگام "خرید ساندویچ" یک "شوخی لفظی" با فروشنده کرد و به همین دلیل به مجازات سختی از سوی داعشی ها گرفتار شد. احمد رمضان، فعال سوری و مدیر پویش (کمپین) "دیرالزور در سکوت سر بریده می شود" در توضیح این مساله گفت که شهروند مزبور به فروشنده ساندویچ گفت: "زودتر ساندویچ مرا بده که کردها آمدند". از بدشانسی او یکی از عناصر امنیتی تروریست ها که در آن محل بود این سخن را شنید و فوراً وی را بازداشت کرد و با ضرب و شتم و کشان کشان تا یکی از پایگاههای نزدیک برد تا در آنجا دهانش را بدوزند و به صلیبش بکشند و پشت یک خودرو در شهر بچرخانند تا برای دیگران مایه عبرت شود! در ضمن داعش دو نفر را هم در روستای الطایبه الشامیه در حومه دیرالزور به اتهام دشنام به ابوبکر بغدادی خلیفه خودخوانده داعش، اعدام کرد. به نقل از "العالم"

زنده به گور کردن فعالان شبکه های اجتماعی

داعش ۱۳ تن از کاربران شبکه اجتماعی را در غرب شهر موصل مجبور به حفر سیزده قبر کرد و سپس آنها را زنده در گورهایی که خود کنده و حفر کرده بودند، دفن کرد... "این ۱۳ قربانی بعد از دستگیری به زندانی در مرکز شهر موصل منتقل و سپس در محلی بین موصل و شهر تلعفر زنده به گور شدند."

پایگاه شبکه‌ی السومریهٔ عراق، به نقل از منابع محلی در نینوا

...خاطرات دردناک...

شهادت مرد عراقی توسط پیرمرد داعشی

گروه تروریستی داعش علاوه بر جوانها از پیرمرد ها و کودکان نیز به عنوان نیروی خود استفاده می کند. داعش یک مرد عراقی را به اتهام جاسوسی برای حکومت عراق به ضرب گلوله یک پیرمرد تک تیرانداز اعدام کرد. فرد اعدام شده که خود را "بشار جاسم حسن سلیمان" معرفی کرده بود، با حکومت عراق همکاری می کرده است. داعش با انتشار اعترافات بشار مدعی شد که او با یک افسر عراقی به نام "بسام" در ارتباط بوده و آن افسر از بشار خواسته بود که در ابتدا چند خانه که نیروهای داعش در آن هستند شناسایی کند. حکم اعدام این شهروند عراقی توسط "ابواسامه عراقی" تک تیرانداز این گروه تروریستی در نینوا اجرا شد. بشار جاسم که لباس نارنجی مخصوص محکومان به تن داشت به یک درخت بسته شده بود و به ضرب گلوله این تروریست تکفیری به شهادت رسید. به نقل از "العالم"

اعدام ۳۰۰ نفر در عراق

یکی از اعضای شورای "استان نینوا" اعلام کرد: داعش ۳۰۰ تن از غیر نظامیان را که در موصل به اسارت گرفته بود، اعدام کرد. حسام الدین العبار، به پایگاه السومریه عراق گفت: داعش ۳۰۰ نفر را به اتهام همکاری با دستگاه های امنیتی عراق اعدام کرده است و بیشتر این افراد از کسانی بوده اند که پس از ورود داعش به استان نینوا، به «توآبین» شهرت یافتند.

داعش این افراد را که مدتی در زندان های این گروه تروریستی بوده اند، در روستای المشیرفه در شمال موصل با شلیک گلوله اعدام کرد. پایگاه شبکه السومریه عراق

...خاطرات دردناک...

بریدن سر پانزده سرباز سوری

گروه داعش فیلم جدیدی را از سربریدن شماری از سربازان سوری منتشر کرد. در این فیلم، عناصر داعش پس از حرکتی نمایشی جلوی دوربین با حدود ۱۵ اسیری که لباس تیره به تن داشتند، به صورت همزمان اسرای خود را سر می‌برند؛ و سر آنان را روی بدن شان قرار می‌دهند. همه عناصر داعش در این فیلم لباس نظامی به تن دارند و صورت آنها به خوبی مشخص است، به جز یکی از آنان که علاوه بر پوشیدن نقاب، لباس سیاهی به تن دارد. از چهره عناصر داعش در این فیلم کاملاً مشخص است که این تروریست‌ها اتباع کشورهای مختلف هستند. این فرد سیاهپوش برای اینکه نشان برای است که نشان دهد گروهک داعش ساخته دست آمریکا نیست خطاب به باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا به زبان انگلیسی گفت که امروز سربازان سوری را سر می‌برد و فردا سربازان آمریکایی را قصابی خواهد کرد. این جنایت در منطقه «دابق» واقع در ریف شمالی حلب انجام شد... پایگاه شبکه‌ی السومریه عراق

بریدن سر مردی در افغانستان

جنایات داعش تنها در عراق و سوریه محدود نمانده و در کشورهای دیگر مانند لیبی و افغانستان و پاکستان و... نیز کشیده شده است. مثلاً این گروه تروریستی سه مرد افغان را به جرم مبارزه با این گروه تروریستی اعدام کرد. یکی از مردان به روش ذبح کشته شد. این اعدام دسته جمعی داعش در منطقه «مامند» در استان «ننگرهار» در شرق افغانستان صورت گرفت. داعش فیلم این جنایت خود را به صورت گسترده در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد... پایگاه شبکه‌ی السومریه عراق

...خاطرات دردناک...

کیسه‌های کرباس

در تازه‌ترین ویدئوی منتشره اعدام خونین از سوی عناصر گروه تروریستی تکفیری داعش در سوریه، ۵ مرد سوری در حومه دمشق سوریه به طرز فجیعی در کیسه‌های کرباس گردن زده می‌شوند. گفتنی است نکته قابل توجه این ویدئو، نشان دادن تصاویر ویدئویی اعدام‌های پیشین داعش به قربانیان است.



داعش ۳۰۰ پلیس عراقی را یکجا گردن زد

داعش پس از اعدام حدود ۳۰۰ مامور سابق پلیس عراق اجساد آنان را در یک پایگاه آموزشی نظامی عراق، پشت دانشکده کشاورزی در یک گور جمعی دفن کردند. جو استورک معاون بخش خاورمیانه سازمان دیده بان حقوق بشر از این گور در نزدیکی "روستای حمام العلیل در ۳۰ کیلومتری جنوب شرق موصل" بازدید کرد...
به نقل از العالم

...فاطرات دردناک...

بریدن سر دختر کرد توسط داعش

یکی از تروریست های داعش، عکسی را از خود پس از بریدن سر یکی از دختران کرد منتشر کرده است. انتشار این عکس با واکنش های بسیاری در شبکه های اجتماعی همراه شده است. یکی از کاربران شبکه های اجتماعی به شدت این اقدام تروریست داعشی را محکوم کرده و به لبخند و چهره معصومانه این دختر اشاره کرده است. “احمد کواز” درباره این عکس در صفحه خود نوشته است:

گویا این دختر پس از شهادت، در حال خندیدن به سرنوشت این تروریستی است که هم دنیا را از دست داده است و هم آخرت را. احمد کواز افزود: بدون شک این دختر یکی از خواهران اهل سنت ما بود؛ تروریست های داعش همانطور که شیعیان را می کشند، در حال کشتار اهل سنت هم هستند. آنان هیچ دین و مذهبی ندارند و برای هیچ قومیتی احترام و ارزش قائل نیستند. یکی دیگر از کاربران در شبکه های اجتماعی با اشاره به نمایشی بودن حملات ائتلاف آمریکا و چند کشور عربی و غربی علیه داعش، تأکید کرد که اعضای این ائتلاف در واقع همان حامیان داعش هستند، و آنها به دست اعضای این گروه تروریستی برای کشتار زنان و کودکان و مردان بی دفاع سوریه و عراق امکانات و آموزش لازم را داده اند. مالک القنصل هم نوشته است: داعش همان القاعده شماره ۲ است که توسط آمریکا برای ضربه زدن به چهره اسلام به وجود آمده است. کاربر دیگری به نام “فولیولیزر” هم تأکید کرده است: داعش ساخته و پرداخته آمریکا است؛ و کاملاً آشکار است که آمریکا تصمیمی برای بستن پرونده تروریسم ندارد؛ به صورتیکه مسؤولان آمریکایی از طولانی بودن این جنگ خبر می دهند... پایگاه شبکه السومریه عراق

...خاطرات دردناک...

گردن زدن افراد خود توسط داعش

گروه تروریستی داعش حتی به افراد خود هم رحم نکرده و ۵۰ تن از عناصر خود را در یکی از پایگاه های نظامی غرب استان نینوا، به اتهام فرار از صحنه درگیری ها، گردن زد. یک منبع بومی در استان نینوا گفت: دادگاه داعش، حکم گردن زدن ۵۰ تن از عناصر مسلح این گروه را به اتهام فرار از رویارویی با نیروهای عراقی، صادر کرد و این حکم، در "پایگاه نظامی الغزلانی واقع در غرب نینوا"، اجرا شد...

عناصر مسلحی که به اتهام فرار از رویارویی با نیروهای عراقی گردن زده شدند، از مهاجرانی بودند که به نینوا آمده بودند و داعش آن ها را مجبور کرده بود به این گروه بپیوندند. وی افزود: داعش، از طریق خطیبان مساجد نینوا، مردم این شهر را مجبور می کند که برای جنگ با نیروهای عراقی، به عضویت این گروه درآیند.

به نقل از وبگاه شبکه "السومریه" عراق



...خاطرات دردناک...

زجرکش کردن عناصر فراری داعش

گروه تروریستی - تکفیری داعش با خشم از فرار عناصر خود از جبهه نبرد، آنها را با چاقوی کند در موصل اعدام کرد. گروه تروریستی داعش هفت نفر از عناصر خود را که از نبرد در منطقه "کوکجلی" فرار کرده بودند به اتهام نافرمانی به این شکل مجازات کرد... این گروه تروریستی داعش عناصر خود را با چاقوهای کند و غیر تیز برای عبرت گرفتن سایرین در مرکز موصل و در دید عموم اعدام کرد....
به گزارش پایگاه خبری عراقی "السومریه نیوز"



کندن پوست جوانان عراقی توسط داعش

داعش برای کشتن ۲۷ جوان به اتهام جاسوسی در مقابل دیدگان مردم پوست آنها را کند... راوی: "سعید مموزینی"

...خاطرات دردناک...

۵۰ سر بریده

طی عملیات نیروهای ویژه بریتانیا در شرق سوریه، عناصر تروریستی داعش از شهر "باغوز" در شرق سوریه طرد شدند و در یکی از مخفیگاه های وابسته به داعش، ۵۰ سر بریده پیدا شده است. سرهای بریده کشف شده به دختران ایزدی تعلق دارد که داعش به عنوان برده جنسی از آنان استفاده می کرد. بر اساس آمارهای رسمی، تعداد زنان و دختران ایزدی که از سال ۲۰۱۴ به عنوان اسیر و گروگان (در عراق) به چنگ داعش افتادند به سه هزار و ۲۵۸ نفر می رسد که شامل کودکان نیز می شود. تروریست های تکفیری بیشتر پسران و مردان ایزدی را در همان لحظه اسارت به قتل رسانده و زنان و دختران آنها را همچون دوران جاهلیت در بازار برده فروشی خرید و فروش می کردند... منبع: روزنامه بریتانیایی 'دیلی میل'



...خاطرات دردناک...

شهید ذوالفقار حسن عزالدین

شهید هجده ساله‌ای که به اسارت تروریست‌های تکفیری داعش در می‌آید و تروریست‌ها پس از اسارت دقیقاً مانند شهید حججی سر از تنش جدا می‌کنند و او را به شهادت می‌رسانند و پس از ۵ سال پیکرش را حزب الله بر می‌گرداند. ذوالفقار عزالدین از اهالی منطقه صور لبنان بود که در اولین روزهای درگیری‌های منطقه غوطه سوریه توسط اصابت مین مجروح شد و به اسارت تکفیری‌ها درآمد و تروریست‌ها او را به شهادت می‌رسانند. عزالدین ذوالفقار حسن قبل از شهادتش به مادرش می‌گوید، با توجه به خوابی که دیده‌ام این آخرین ناهاری است که باهم می‌خوریم. اما مادر اجازه تعریف خواب را نمی‌دهد. اما خودش برای دوستانش این گونه تعریف کرده بود. ذوالفقار قبل از شهادتش در خواب دیده بود که سرش بریده می‌شود. او بیدار می‌شود و مجدداً به خواب می‌رود که این بار امام حسین (ع) را در خواب می‌بیند که ایشان به ذوالفقار می‌فرماید: "عزیز من! سر تو را خواهند برید همانطور که بر سر من در واقعه کربلا گذشت. اما دردی حس نخواهی کرد، چون فرشتگان از هر طرف تو را دربر خواهند گرفت..." چندی بعد، خوابش تعبیر شد و همانگونه که در خواب دیده بود به دیدار مولایش امام حسین (ع) شتافت. راوی: شهید قاسم سلیمانی



ناحسین

فرماندهی از آن توست

مکتب عزیز ایران / سرهارد بزرگ و پر افتخار اسلام آسمانی شد
دشمن ارواح ظالمه شهیدان، روح مطهر
قاسم سلیمانی را در آغوش گرفتند.

عزیزان
جانبازان
بهر سلامت



عزیزان
جانبازان
بهر سلامت

عزیزان
جانبازان
بهر سلامت

...فاطرات دردناک...

داعش محصولات کشاورزی در عراق را به آتش می‌کشد

داعشی‌ها محصولات کشاورزی را به آتش می‌کشند. بیش از ۴۰ جریب از مزارع گندم در روستای سکوک واقع در اطراف ناحیه کنعان در استان به دست داعش به آتش کشیده شده است. این آتش سوزی در نوع خود اولین بار محسوب می‌شود و در ناحیه کنعان که دشت‌های گندم وسیعی دارد، صورت می‌گیرد. از سوی دیگر منابع عراقی از یورش داعش به تیم آتش‌نشانی که برای خاموش کردن آتش در یکی از مزارع کشاورزی در در نزدیکی روستای توکل در حومه المقدادیه در استان دیالی اعزام شده بود، خبر دادند و اعلام کردند که بر اثر این یورش داعش، شماری زخمی شدند. بقایای گروه تروریستی داعش با آتش زدن مزارع گندم کشاورزان شگرد کثیفی را برای آسیب زدن به اقتصاد عراق به کار گرفته اند. عواقب و تبعات این اقدام تکفیری‌ها هولناک است زیرا علاوه بر اینکه سبب کاهش بیشتر منابع غذایی می‌شود با توجه به اینکه کشاورزان محصولی ندارند تا آذوقه یکسال خود را تامین کنند و امیدی به کشت دوباره داشته باشند این مناطق خالی از سکنه خواهد شد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از بغداد الیوم



...خاطرات دردناک...

کباب کردن وحشیانه ۴ عراقی توسط داعش

داعش با انتشار فیلمی اعلام کرد ۴ نفر از نیروهای بسیج مردمی عراق (الحشد الشعبی) را به اتهام جاسوسی آتش زده است. این افراد در جریان مبارزه با داعش، با نیروهای دولتی عراقی همکاری می کردند. همان طور که تصاویر منتشر شده نشان می دهند داعش این بار نیز لباس نارنجی را برای قربانیان خود انتخاب کرده است. داعش دست و پای هر کدام از ۴ متهم را به وسیله زنجیر آهنی به یکدیگر بسته و سپس هر یک از آن ها را به ستون چوبی آویزان کرد در حالی که آتش در زیر آنها زبانه می کشد. سه نفر از چهار اعدامی، برادر هستند. داعش در گذشته "معاذ الکساسبه" خلبان اردنی را نیز به اتهام همکاری با نیروهای ائتلاف آمریکایی به طور زنده در آتش سوزانده بود. داعش در جریان آتش زدن معاذ نیز لباسی نارنجی به وی پوشاند، او را درون قفسی آهنی قرار داد و سپس او را به طور زنده آتش زد. داعش هر چند مدت یک بار روش جدیدی برای مجازات انتخاب می کند، غرق کردن، در آتش سوزاندن و منفجر کردن نمونه ای از این روش ها هستند... منبع: روزنامه انگلیسی "ایندیپندنت"



...خاطرات دردناک...

زنده سوزاندن دختر ۲ ساله به همراه پدر و مادرش

گروه تروریستی داعش در تازه ترین جنایت خود یک خانواده عراقی را که حال گریختن از منطقه ای تحت تسلط داعش بودند زنده زنده در آتش سوزانده است. یک منبع امنیتی در استان کرکوک عراق اعلام کرده است گروه داعش یک خانواده سه نفری شامل پدر و مادر و دختر ۲ ساله آنها را هنگامی که قصد فرار از روستای رشاد در ۳۵ کیلومتری جنوب شرق کرکوک به روستای العالم در استان صلاح الدین را داشته اند در کوه های حمیرین دستگیر کرده اند. بنا به اعلام این منبع عراقی داعش پس از دستگیری اقدام به زنده زنده سوزاندن این خانواده عراقی کرده است. نام و هویت این خانواده عراقی اعلام نشده است. روستای رشاد در استان کرکوک عراق تحت تسلط داعش است و این خانواده عراقی قصد داشتند از طریق کوه های حمیرین از این روستا گریخته و به روستای العالم در استان صلاح الدین بروند...
به گزارش وب سایت iraqinews



...خاطرات دردناک...

اعترافات فرمانده داعشی درباره آتش زدن خلبان اردنی

«ابومصعب اردنی» یکی از فرماندهان داعش که شاهد سوزاندن معاذ الکساسبه خلبان اردنی به دست تروریست‌های داعش در سوریه بود، مصاحبه‌ای جزئیات جدیدی را از این حادثه هولناک فاش کرد. داعش خلبان اردنی اسیر را در تاریخ ۱۳ فوریه ۲۰۱۵ ابتدا در یک قفس قرار داد و سپس او را به فجیع‌ترین شکل سوزاند. ابومصعب که شاهد روند سوزاندن الکساسبه توسط داعش بود، در فیلم مستند "استودیوی وحشت" که تلویزیون العربیه آن را پخش می‌کند، گفت: کادر رسانه‌ای داعش که در سوزاندن الکساسبه شرکت داشتند ۵ نفر بودند. همچنین ۴ فیلمبردار حرفه‌ای با دوربین‌های پیشرفته در آنجا حاضر بودند.



این کادر پنج نفره مسئول تنظیم داعش با لباس‌های یکدست در مکان‌های مشخص و نیز فیلمبرداری از صحنه سوزاندن الکساسبه بود. بخش اطلاع رسانی داعش مسئولیت تصویر برداری از همه واکنش‌های خلبان اردنی و نیروهای ویژه که با لباس یک دست پوشیده بودند، اسلحه در دست داشتند و نقاب به چهره زده بودند در حالی که الکساسبه را احاطه کرده بودند را به عهده داشت. آن‌ها کار فیلمبرداری را با

...خاطرات دردناک...

کیفیتی بسیار بالا و به شکل حرفه‌ای انجام دادند. ویدیوی منتشره، تمام حرکات الکساسبه در سناریویی خاص به صفحه نمایش می‌گذاشت و سپس برای تحریک احساسات بینندگان خود، صحنه‌هایی از گذشته شدن غیر نظامیان، ویرانی ساختمان‌ها و سوزاندن خانه‌ها در حملات هوایی را نشان می‌دهد و این گونه برای بینندگان خود وانمود می‌کند که الکساسبه دست به چنین اعمالی زده است. در واقع داعش در فیلم سوزاندن خلبان اردنی تلاش کرده به هواداران خود بگوید که الکساسبه باعث کشته شدن غیر نظامیان و سوزاندن خانه‌های شان بود. این اقدام برای این بود تا دیگر کسی برای سوزاندن او دلسوزی یا همدردی نمی‌کرد. ابومصعب الاردنی در این مصاحبه گفت: معاذ الکساسبه تا دقایقی قبل از اینکه بنزین بر تنش بریزند و لباسش را با بنزین خیس کنند نمی‌دانست که او را خواهند سوزاند. معاذ در سال ۲۰۱۵ هنگامی که جنگنده‌اش به خاطر نقص فنی در «رقه» سقوط کرد، به اسارت داعش درآمد. خانواده این خلبان هنوز ما به دنبال باقیمانده پیکر فرزندشان هستند تا بتوانند آن را در زادگاهش در اردن دفن کنند.



...خاطرات دردناک...

آتش زدن دختران زیبا و زنان ایزدی

در اردوگاه آوارگان عراقی در نزدیکی موصل، شماری از زنان که تحت سیطره داعش زندگی می کردند، از اقدامات فاجعه باری رونمایی کردند که داعش در حق دختران زیبا و جوان انجام می داد. بسیاری از زنان و دختران که در مناطق تحت سیطره داعش در موصل زندگی کره بودند، اینک با رهایی از داعش، زندگی نکبت بار خود را در سایه این گروهک تروریستی برای شبکه سی ان ان ترسیم کردند. آنها شرط کردند که از نام و هویت شان رونمایی نشود... این زنان از آتش زدن دختران زیبا و زنان جوان توسط داعش در موصل سخن گفتند. آنان از اقدام داعش در آزار و اذیت زنان مقابل همسران شان رونمایی کردند... منبع: "سی ان ان"



...خاطرات دردناک...

داعش ۲ دختر عراقی را زنده زنده به آتش کشید

داعش این خانواده عراقی را هنگام فرار از "روستای رشاد در استان کرکوک" به منطقه ای در "استان صلاح الدین" در کوه های حمیرین دستگیر کرده بود. گروه تروریستی داعش در تازه ترین جنایت خود یک خانواده عراقی را که حال گریختن از منطقه ای تحت تسلط داعش بودند زنده زنده در آتش سوزانده است.... به گزارش وب سایت "iraqinews"



زنده سوزاندن دختر ۲ ساله به دست داعش

...خاطرات دردناک...

داعش ۱۹ دختر کرد را زنده زنده سوزاند

گروه تروریستی داعش در موصل عراق ۱۹ زن کرد را به علت امتناع از بردگی جنسی برای عناصر به همان شیوه سوزاندن خلبان اردنی، این گروه زنده زنده در آتش سوزاند این اعدام وحشیانه در یکی از میادین موصل، مقر داعش در عراق و در حضور صدها تن اتفاق افتاد و بنا بر گزارش ها، تروریست های داعش این زنان را داخل یک قفس آهنی زنده در آتش سوزاندند. عبدالله الملا فعال محلی می گوید این زنان به علت امتناع از بردگی جنسی برای اعضای داعش مجازات شدند و هیچ کس نتوانست آنها را از این اعدام وحشیانه نجات دهد... به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک



داعش ۱۹ دختر کرد را زنده زنده سوزاند

...خاطرات دردناک...

داعشی ها ۳ خانواده سوری را زنده در آتش سوزاندند

تروریست های تکفیری داعشی در جنایتی جدید، سه خانواده بی دفاع سوری را به اتهام سرپیچی از فرمان شان زنده زنده در آتش سوزاندند.



آتش زدن ۲۰ جوان عراقی توسط داعش

منابع محلی "شهرستان حویجه" عراق اعلام کردند که عناصر داعش ۲۰ جوان عراقی را در پایگاه البکاره واقع در شهر حویجه به اتهام مخالفت آن ها برای پیوستن به داعش در آتش سوزاندند... تاکنون ظرف چهار روز ۱۱۲ نفر از اهالی حویجه به دست داعش به قتل رسیده اند... داعش با ایجاد میداین مین و بمب گذاری، مانع فرار مردم حویجه از مناطق تحت تصرف این گروه تروریستی می شود و چهار خانواده عراقی در حین فرار در نزدیکی جبال حمیرین به دلیل بر خورد با مین های کار گذاشته شده و مواد منفجره، کشته شدند.. به گزارش پایگاه خبری السومریه نیوز عراق

...خاطرات دردناک...

سوزاندن زنان و کودکان توسط داعش

در یک اقدام وحشیانه سربازان گروه داعش تعداد ۱۰ دختر و پسر زیر ۱۰ تا ۱۲ سال را در قفس کوچکی مبحوس کردند و سرانجام همه آنان را زنده زنده به آتش کشیدند. اعضای گروه داعش چهار زن و نه کودکان آنان را به علت خارج شدن از خانه برای فرار از فلوجه بدون پرداخت مبلغ هر نفر ۸۰۰ دلار، زنده در یک قفس در آتش سوزاندند.

پس از محاصره گروه های تروریستی به دست نیروهای امنیتی و تنگ شدن محاصره و قطع مسیرهای امدادی اعضای داعش "اهالی فلوجه" را مجبور کردند برای ترک این شهر هر نفر باید ۸۰۰ دلار پرداخت کند...

راوی: حمید الهایس رئیس شورای نجات الانبار



...خاطرات دردناک...

داعش سربازان ارتش ترکیه زنده سوزاند

گروه تروریستی داعش اعلام کرد دو سرباز ترکیه‌ای را اعدام کرده است. ارتش ترکیه مفقود شدن ۲ نظامی این کشور را که داعش مدعی شده بود آن‌ها را به اسارت گرفته است، تأیید کرد... به گزارش اقتصاد آنلاین



داعشی‌ها ۳ خانواده سوری را زنده در آتش سوزاندند

به دنبال سرپیچی سه خانواده سوری از دستور داعش اعضای این گروه آن‌ها را در یک خانه جمع کرده و آن‌ها را زنده زنده سوزاندند. اکنون دیگر فرقی نمی‌کند در رقه داعشی باشی یا مزدور، یک نیروی "سوریه دموکراتیک" باشی یا اینکه کشته بشوی یا بسوزی، به دنبال سرپیچی همه خواهند، سوخت... به نقل از شبکه "روسیا الیوم"

...خاطرات دردناک...

اعدام وحشیانه جوان موصلی به دست داعش

گروه تروریستی داعش در اقدامی وحشیانه جوان موصلی را به جرم اتهامات واهی از بالای بلندی به پایین پرت کرده و او را به قتل می رسانند. در عکسی که بسیج عراق در این خصوص منتشر کرده است، عناصر تروریستی داعش دیده می شوند که یک نفر را از فراز یک سیلو به پایین پرتاب می کنند... منبع: بخش رسانه ای نیروهای بسیج مردمی عراق



...خاطرات دردناک...

اعدام وحشیانه یک نظامی سوری به شیوه داعشی

تروریست های داعش برای ایجاد رعب و ترس هر بار شیوه های وحشیانه جدیدی را برای اعدام گروگان های خود اجرا می کنند، این بار یک فیلم ویدیویی از اعدام یک نظامی سوری به شیوه زیرگرفتن با تانک منتشر کردند. فعالان سوری در بیانیه ای اعلام کردند در این فیلم ، نظامی سوری لباس نارنجی بر تن دارد و بر روی زمین خوابانده شده است و عناصر داعش با یک تانک از روی وی رد می شوند. نظامی سوری به نام "فادی عمار زیدان"، ۱۹ ساله از اهالی روستای سیان در منطقه کوهستانی در حومه شمالی لاذقیه بود. به نقل از شبکه "روسیا الیوم"



...خاطرات دردناک...

اعدام فجیع ۵ هزار سوری توسط تروریست های داعشی

دیده بان موسوم به حقوق بشر سوریه چهارشنبه شب به نقل از کسانی که آن‌ها را فعالان سوری نامید، اعلام کرد، شمار افرادی که به دست تروریست‌های داعش اعدام شدند از پنج هزار تن گذشته است.

از مجموع این افراد سه هزار تن را غیر نظامیان تشکیل می‌دهند که در میان آن‌ها ۱۲۵ کودک و ۱۷۴ زن نیز دیده می‌شوند. این افراد با ضرب گلوله، جداکردن سر از تن، سنگسار و یا پرتاب از بلندی اعدام شده اند و این جنایت‌ها در استان‌های دمشق، دیر الزور، رقه، حسکه، حلب، حمص و حماه صورت گرفته است.

داعش همچنین ۵۸۳ تن از عناصر خود را نیز تاکنون به اتهام جاسوسی برای کشورهای خارجی، مزدوری، تلاش برای فرار و جدایی از این گروه، اعدام کرده است که تعدادی از آن‌ها زن هستند. فعالان سوری از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستند که پرونده جنایت‌های جنگ و ضد انسانی در سوریه به دادگاه لاهه (دیوان بین‌المللی کیفری) ارجاع داده شود تا عاملان کشتار به سزای اعمال شان برسند.

گروهک تروریستی داعش که حدود سه سال بخش‌های زیادی از سوریه و عراق را اشغال کرده بود، سرانجام با آزادسازی شهر البوکمال در جنوب سوریه و شهر «راوه» در استان الانبار عراق، حیاتش پایان یافت...

بنا بر اعلام سازمان ملل، داعش نزدیک به ۳۵۰۰ تن که اکثر آنها زنان ایزدی هستند را به بردگی گرفته است و در مناطق تحت اشغال این گروه، هر فردی با مذهب متفاوت یا مخالف با داعش به بردگی گرفته می‌شود...

پایگاه اینترنتی دیده بان حقوق بشر سوریه

...خاطرات دردناک...

اعدام ۱۱ چوپان سوری توسط داعش

در حومه آزاد شده رقه، داعش پس از "اعدام ۱۱ چوپان سوری" که در حال چراندن دام‌های شان در منطقه السبخه در نزدیکی منطقه ۵۵ اشغال شده توسط ارتش آمریکا بودند، ۲۰۰۰ راس گوسفند و دو دستگاه تراکتور و یک کامیون آنها را به سرقت برده و گریختند. این کشتار در شهر رقه با شلیک مستقیم تیر به سر آنها انجام شد. به گفته برخی منابع پزشکی در حومه رقه، هفت تن از قربانیان این جنایت از ساکنان روستای علی الغانم و چهار تن دیگر از آنها از ساکنان روستای زور شمر بودند. گروه تروریستی داعش ۱۴ دسامبر نیز کشتار مشابهی را در نزدیکی مرزهای اداری بیابان‌های دیرالزور و رقه در شمال منطقه ۵۵ اشغال شده توسط ارتش آمریکا و گروه‌های تروریستی هم پیمان آن مرتکب شد. همچنین داعش در بیابان السبخه در حومه رقه "۱۹ جوان سوری را که در حال چراندن دام‌های شان بودند، اعدام کرد"...

به گزارش اسپوتنیک به نقل از العالم



...خاطرات دردناک...

اعدام وحشیانه اهالی موصل در قیر داغ توسط داعش

یک منبع محلی در شهر موصل اعلام کرد که داعش شش تن از ساکنان این شهر را با انداختن آنها در قیر داغ اعدام کرده است. داعش شش تن از اهالی شهر موصل را به اتهام همکاری و تماس با دستگاه‌های امنیتی در مقر فرماندهی عملیات نینوا اعدام کرد. اعدام این افراد پس از صدور حکم از سوی دادگاه شرعی داعش انجام شد و این افراد در مخزن‌هایی که در آنها قیر بسیار داغ و جوشان شده بود انداخته شدند. این اقدام داعش در مقابل چشم شهروندان صورت گرفت تا به اصطلاح داعشی‌ها درس عبرتی برای دیگران باشد... منبع: «السومریه نیوز»



...خاطرات دردناک...

داعش یک خانواده ۵ نفری موصلی را یکجا اعدام کرد

تروریست های تکفیری داعش در اقدامی وحشیانه یک خانواده ۵ نفری را در موصل یکجا اعدام کردند. همگی اعضای یک خانواده عراقی که قصد فرار از موصل را داشتند، به دست گروه تروریستی داعش اعدام شدند. گروه تروریستی داعش کل اعضای یک خانواده ۵ نفره را هنگام فرار از موصل، اعدام کرد. گروه تروریستی داعش مانع فرار غیرنظامیان از موصل می شود و آنها را به قتل می رساند. گروه تروریستی داعش سحرگاه روز بیستم خرداد (۱۰ ژوئن) سال ۱۳۹۳ به موصل مرکز استان نینوا و دومین شهر بزرگ عراق واقع در ۴۰۰ کیلومتری بغداد پایتخت این کشور حمله کرد و این شهر را به تصرف خود درآورد. این گروه تروریستی از زمان اشغال موصل تا سقوط آن دست به جنایات بی شماری زده است که در طول تاریخ کم سابقه بوده است...
به گزارش "اسپوتنیک"

تیرباران ۲۰۰ کودک توسط داعش

فیلم منتشر شده بیانگر آن است که داعش این کودکان را به بهانه خودداری از پیوستن به این گروه تروریستی اعدام کرده است. تأکید کرد در این فیلم، مکان این جنایت مشخص نیست و تنها جرم این کودکان این بود که با پیوستن به داعش مخالفت کرده بودند. گفتنی است؛ این کودکان در یکی از مناطق تحت سیطره داعش، خواسته رهبران این گروه برای برداشتن سلاح و پیوستن به آنها را نپذیرفتند...
بنابر این به طور دسته جمعی هدف رگبار مسلسل های افراد داعشی قرار گرفته و همگی کشته شدند.. منبع: روزنامه "الرأی العام" کویت

...خاطرات دردناک...

کشتن با تخریب ساختمان

گروه تروریستی داعش در انتقام حملات هوایی به مواضع خودش در بخش های مختلف استان الانبار، دو جوان عراقی را به وسیله تخریب ساختمان بر روی آنها اعدام کرد. این دو نفر با نامهای "نشات محمود التركي و حیدر اسعد عبدالرزاق" از اعضای ارتش و بسیج مردمی عراق بودند که در اسارت داعش به سر می برده اند. همزمان با تشدید حملات هوایی و زمینی به مواضع داعش در بخشه ای مختلف استان الانبار در غرب عراق، داعش این دو جوان را پس از انتقال به یک ساختمان محل استقرار نیروهای این گروه که در حملات اخیر بمب افکنهای ارتش عراق تخریب شده بود، پس از بمب گذاری، آن را بر روی سر این دو نفر منفجر کرد.



...خاطرات دردناک...

شهید بی سر فاطمیون، رضا اسماعیلی

گروه‌های تروریستی علاوه بر جنایات فجیع و آدم‌کشی‌های فراوان، به بقعه‌ها و مقدسات اسلامی هم رحم نمی‌کنند. حمله به حرم حضرت زینب(س)، حضرت رقیه(س)، تخریب حرم امامین عسکریین(ع) در سامرا، نبش قبر جناب حجر بن عدی، تعرض به مقبره ابوذر غفاری و اوئیس قرنی و ... از این حملات بوده است.

همچنین تروریست‌های تکفیری در خرداد سال گذشته در حمله‌ای جدی و خطرناک تلاش داشتند تا با يك کامیون بمب‌گذاری شده حرم مطهر حضرت زینب(س) را منفجر کنند اما این کامیون پیش از ورود به ترمینال خودروهای نزدیک به حرم مطهر منفجر شد و این عملیات انتحاری ناکام ماند.

در همین راستا، شیعیان کشورهای مختلف برای دفاع از حرم حضرت زینب و رقیه سلام الله علیهما، بقاع متبرکه و مناطق شیعه‌نشین سوریه با تشکیل گردان‌هایی فعالیت خود را آغاز کردند؛ که "کتائب اهل الحق"، "فاطمیون"، "خدام العقیلة"، "ذوالفقار" و "ابالفضل العباس" از جمله آنها است.

تیپ فاطمیون که متشکل از شیعیان افغانستان می‌باشد، عملکرد قابل توجهی در صیانت از مقدسات اسلامی در سوریه دارد. تروریست‌های تکفیری راه و روش عبیدالله بن زیاد را پیش گرفته و به طرز وحشیانه‌ای سر یک مدافع حرم حضرت زینب(س) به نام «رضا اسماعیلی» که عضوی «فاطمیون» بود از بدن جدا کردند و آن را به رسم اسلاف شان (یزید و عبیدالله) در طَبَق قرار دادند.

به گزارش مشرق به نقل از ابنا

...خاطرات دردناک...

به صلیب کشیدن توسط داعش

گروه تروریستی داعش شش نفر از مردان اهل سنت استان کرکوک عراق را به طرز فجیعی اعدام کرد. این گروه تروریستی پیکر این افراد را پس از اعدام به صلیب کشید. داعش دلیل اعدام این افراد را سفر به مناطق خارج از سیطره این گروه تروریستی و همکاری با نیروهای بسیج مردمی عراق اعلام کرد...



گروه های زیادی از اهل سنت عراق پس از مشاهده جنایت های داعش، همکاری با نیروهای دولتی را شروع کردند، داعش هم در پاسخ برای ترساندن مردم اهل سنت، تعداد بیشتری از مردان سنی عراق را اعدام کرده است. داعش شهر «حویجه» و مناطق حومه آن را که در جنوب استان کرکوک واقع است، در سیطره خود دارد و این گروه تروریستی قوانین ویژه خود را در این مناطق اجرا می کند...
به گزارش "ابنا"

...خاطرات دردناک...

به صلابه کشیدن کودک ۱۰ ساله توسط داعش

در طول سالهای گذشته گروه های مسلح و تروریستی در سوریه دست به انواع جنایت و کشتار زده اند. لذا شاید برای بسیاری از افراد اخباری جدید در مورد جنایت دیگر گروهک های تکفیری، عجیب و تازه به نظر نیاید. اما این بار نیروهای گروهک سلفی - تکفیری "دولت اسلامی عراق و شام" موسوم به "داعش" مدل جدیدی از جنایت را مرتکب شدند آنان یک کودک ۱۰ ساله را به اتهام تعدی به یک زن مسلمان و دزدیدن مقداری از اموالش، به صلابه کشید. نیروهای داعش بعد از ارتکاب این جنایت، کودک قربانی را به درخت آویزان کرده و تصویرش را در فضای مجازی منتشر کردند تا به اصطلاح برای دیگران درس عبرت شود.



...خاطرات دردناک...

تکه تکه کردن نوزاد ۴۵ روزه توسط گروه تروریستی

نیروهای مسلح معارض دولت سوریه، کودک ۴۵ روزه ای را به جرم ملحق نشدن پدرش به شورشیان تکه تکه کردند. ارتش آزاد سوریه از اولین گروه های مسلحی است که بر ضد نظام سوریه شروع به فعالیت و آشوب کرد. این شورشیان سربازان ارتش سوریه را به روش های مختلف تهدید می کنند تا به آنها ملحق شوند...

شبکه راشاتودی مستندی از یک سرباز ارتش سوریه تهیه کرد که خواسته‌ی شورشیان را رد کرده بود و آنها در مقابل کودک ۴۵ روزه او را گروگان گرفته و تهدید کردند که اگر به آنها ملحق نشود کودک او را خواهند کشت.

چندین بار تصاویری تهدید آمیز از فرزندش به منظور افزایش فشار روانی برای وی ارسال شد. نهایتاً در نیمه شبی پلاستیک سیاه رنگی در ایوان خانه اش قرار می دهند. پیکر نوزاد او در آن قرار داشت که سر و دستانش جدا شده بود.

بعد از آن نیز این سرباز را تهدید کردند که اگر به آنها ملحق نشود دو فرزند دیگرش نیز به همین سرنوشت دچار خواهند شد. او همسر و فرزندانش را به اردوگاهی در ترکیه برد و از آن روز به بعد دیگر به سوریه باز نگشت.

این در حالی است که آمریکا به صراحت از فعالیت های این گروه تکفیری حمایت می کند که این موضوع را می توانید در اظهارات سیاست مداران آمریکایی از جمله اوباما، هیلاری کلینتون مشاهده کنید....

منبع: شبکه "راشاتودی"

...خاطرات دردناک...

از اعدام در آب جوش تا بریدن سر کودک ۱۰ ساله

یک زن عراقی بیست و چند ساله که از دست داعش در موصل فرار کرده و از عملیات اعدام مردم این شهر توسط این گروه تروریستی در اولین روزهای اشغال آن، نجات یافته است ، حقایقی را درباره جنایات داعش روایت کرده است ...

این زن که از اعضای تیم الکترونیکی و میدانی موصل بوده است در این باره گفت: از نظر عناصر داعش تیرباران قربانیان عملی خسته کننده بود از این رو، روش های جدیدی ابداع کردند که از آن جمله می توان به انداختن در آب جوش اشاره کرد. همچنین آنها سر یک کودک زیر ۱۰ سال به اتهام اهانت به ذات الهی از تن جدا کردند. گروه تروریستی داعش هفت نفر از اعضای خود را به جرم فرار از میدان جنگ در عراق به صورت زنده در دیگ آب، جوشاند... همچنین داعش در جنایت مشابه، هفت نفر از اعضای خود را به دلیل فرار از درگیری‌ها در منطقه صلاح الدین به وسیله جوشانده شدن در آب جوش اعدام شدند... داعشی‌ها به منظور اطمینان از بی حرکت ماندن این ۷ تروریست نگون بخت پیش از آنکه آنها را در دیگ‌های گول پیکر آب جوش قرار دهند، دست و پاهای آنان را محکم بستند... این نخستین باری نیست که داعش اقدام به اعدام عناصر فراری خود از میدان نبرد می‌کند. ماه گذشته، داعش ۱۹ نفر از عناصر خود را به جرم فرار از میدان نبرد در فلوجه اعدام کرد. این اعدام‌ها به دستور دادگاه شرعی داعش علیه فراریان اعمال می‌شود. پیشتر این دادگاه به جای حکم به جوشانده شدن در آب، برای فراریان اعدام به وسیله جوخه آتش و شلیک به سر را صادر می‌کرد. با این وجود، این نخستین باری نیست که داعش از حکم جوشانده شدن در آب برای اعدام و شکنجه قربانیان خود استفاده می‌کند.

...فاطرات دردناک...

یک دختر نوجوان ایزدی که پس از نه ماه از دست تروریست‌های داعشی نجات یافته بود، از واقعیات هولناکی درباره این گروه تروریستی پرده برداشت. این دختر نوجوان که به صورت مکرر مورد تجاوز جنسی تروریست‌ها قرار گرفته بود، اعلام کرد به صورت گروهی مورد تجاوز قرار گرفته و شلاق خورده است.

وی افزود در صورتی که درخواست‌های جنسی متجاوزان داعشی را اجابت نمی‌کرد، اندام‌اش با آب جوش سوزانده می‌شد... این دختر ایزدی پس از تصرف شهر سنجار به دست داعش، به وسیله تروریست‌ها ربوده شد. او در یورش تروریست‌ها، با هزاران زن و دختر ایزدی که در دشت‌های نینوا زندگی می‌کردند برای آنکه به دست داعشی‌ها نیوفتند، به کوه‌ها فرار کردند. تروریست‌ها این زنان جوان و نوجوان نیمه عریان را به عنوان برده جنسی با دستبند در هتلی در موصل حبس کرده بودند. این دختر ایزدی سپس به رقه (پایتخت خودخوانده داعش) منتقل شد و در آنجا به مردی که "الراسیاه" نام داشت فروخته شد. این مرد در زمان کوتاهی خواهر ۱۰ ساله این دختر ایزدی و دختر بچه دیگری را خریداری کرد. این دختر ایزدی می‌افزاید:

الراسیاه هر صبح ما را عریان می‌کرد و پس از بوئیدن ما تصمیم می‌گرفت که به کدام یک از ما تجاوز کند. وی پس از آنکه به اهداف شوم خود می‌رسید، محافظانش یکی دیگر از دختران را برای ارضای تمایلات نفسانی خود انتخاب می‌کردند. این دختر ایزدی رفتار محافظان را بسیار خشن توصیف کرد و اعلام کرد بارها از آنها کتک خورده و ترجیح می‌داده الراسیاه وی را انتخاب کند. این دختر نوجوان از مقاومت در برابر متجاوزان ناامید شده بود. با این وجود، پس از یک بار مقاومت الراسیاه پای او را با آب جوش سوزاند. به نقل از پایگاه خبری "دیلی میل"

...خاطرات دردناک...

کشتن با شیر گرسنه

داعش در قتل عام غیرنظامیان میان کودکان، بزرگسالان، زنان و مردان تفاوتی قائل نیست و دستگاه کشتار این گروه تروریستی از همه گروههای سنی، قربانی می کرد. عناصر داعش، یک زندانی را در قفس شیرهای گرسنه ای می انداختند که یک هفته هیچ غذایی در اختیارش گذاشته نشده بودند... شیرهای گرسنه، زندانی های داعش را ابتدا تکه تکه و سپس زنده زنده می خوردند... به نقل از پایگاه خبری "دیلی میل"



...خاطرات دردناک...

منفجر کردن گردن آنها با استفاده از ماده منفجره تی ن تی

داعش روش جدیدی را برای کشتار قربانیان ابداع کرده است که عبارت از منفجر کردن گردن آنها با استفاده از ماده منفجره تی ن تی از فاصله دور است. بدین ترتیب سر قربانی منفجر و به طرز فجیعی از بدن جدا می شود. داعش، حتی شماری از شخصیت های موصل را نیز که در گذشته برای انتخابات پارلمانی یا شوراهاى منطقه نامزد شده و به مناصب مذکور دست نیافته بودند اعدام کرده است.

داعش، صرف نامزد شدن آنها را به منزله جواز مرگ شان می دانست. بیشترین غیرنظامیان قربانی اعدام های داعش را افرادی تشکیل می داند که داعش آنها را به همکاری با دشمنانش متهم می کرد. بیشتر اتهامات این افراد نیز ساختگی بود و عناصر داعش برای آنها پرونده سازی می کردند. به طوری که حتی گفته می شود داعش کلیه افرادی را که با رفتن به میدان جنگ مخالفت و از آن فرار می کردند به قتل می رساند... به گزارش "العالم"



منفجر کردن اسیران توسط داعش

...خاطرات دردناک...

داعشی که قلب انسان می خورد به هلاکت رسید

یکی از عناصر گروه تروریستی که "قلب یک شهروند عراقی در استان کرکوک را در حالی که زنده بود از سینه‌اش درآورد و خورد"، سرانجام به درک واصل شد.



یک تروریست عضو جبهه النصره فردی را کشت و سپس قلب را از جنازه بیرون کشید و خورد. "ابوسقار" فیلم این عمل شنیع خود را در شبکه های اجتماعی منتشر کرد. این فیلم با واکنش های منفی و محکومیت های گسترده ای در سطح جهان از جمله در میان مخالفان و موافقان دولت سوریه روبه رو شد. این داعشی در شمال غربی استان لاذقیه در درگیری با نیروهای دولتی کشته شده است. به نقل از "دیلی میل"

...خاطرات دردناک...

داعش آدم‌خواری می‌کرد

دانشگاه هاروارد آمریکا فاش کرد بر اساس فتواهای داعش، سرقت اعضای بدن و حتی خوردن گوشت انسان به ویژه در زمان جنگ، مجاز است. گروه تروریستی داعش، پزشکانی را برای سرقت اعضای بدن زندانیان پس از اعدام آنها به کار گرفته است. فرماندهان داعش پزشکان را مجبور می‌کند که اعضای بدن زندانیان را پس از اعدام آنان از بدن شان خارج کند تا اعضای آنان را بفروشد. “نیکلای ملادینوف” نماینده سابق سازمان ملل در عراق وعده داده بود که تحقیقاتی در خصوص خبرهای منتشر شده مبنی بر سرقت اعضای بدن انسانها صورت بگیرد؛ و این گزارش ها نشان می‌دهد که داعش از اعضای بدن انسانها به عنوان یکی از منابع درآمد استفاده کرده است. شبکه‌های قاچاق اعضای بدن انسان، از سوی شبکه‌های بین‌المللی اداره می‌شود، و بعضی از آنها جراحانی هستند که بابرخی دولت‌ها و مسؤولان و مدیران بیمارستان‌ها در ارتباط هستند. بعضی از قربانیان قاچاق اعضای بدن، از مهاجران و کارگران غیرقانونی و پناهندگان فقیر و افراد عقب مانده ذهنی هستند. در فتوای شماره ۶۸ داعش که از طریق توئیتر منتشر شده است، به افراد این گروه تروریستی گفته شده که می‌توانند اعضای کسانی که آنان را “دشمن کافر” نامیده، به دست آورند و حتی اعضایی که در صورت برداشتن آنها موجب مرگ انسان شود جایز است. بر اساس فتواهای داعش، سرقت اعضای بدن و حتی خوردن گوشت انسان به ویژه در زمان جنگ، مجاز است. محمد حکیم، سفیر عراق در سازمان ملل متحد، پیشتر در نشستی ویژه در شورای امنیت از تحقیقی درباره کشته شدن ۱۲ پزشک عراقی در

...خاطرات دردناک...

موصل به دست عناصر داعش خبر داد؛ این پزشکان با برداشتن اعضای بدن اسرای داعش مخالفت کرده بودند، که به دست داعش شهید شدند. وی همچنین از یافتن اجساد قربانیانی خبر داد که اعضای بدن آنها سرقت شده بود... منبع: سومریه نیوز

کشتن با جرثقیل و اره برقی

گروه تروریستی داعش هفت نفر را به اتهام جاسوسی به نیروهای دولتی، اعدام کرد. داعش این افراد را در حالی که زنده بودند، با جرثقیل زیر گرفت. همچنین داعش ۹ نفر را با اره برقی که برای قطع درختان استفاده می‌شود، اعدام کرد. تروریست‌های داعش این جوانان موصلی را به دلیل وابستگی به یکی از گروه‌های مقاومت ضد داعش، پس از آویختن از یک میله آهنی به صورت برعکس، در یکی از میادین تلغفر در موصل، با اره برقی به دو نیم کردند. به نقل از "السومریه نیوز"



...خاطرات دردناک...

داعش دست دو کودک ۱۰ و ۱۲ ساله را قطع کرد!

تروریست های تکفیری داعش دست دو کودک ۱۰ و ۱۲ ساله عراقی را به اتهام سرپیچی از فرمان شلیک گلوله، وحشیانه بریدند. عناصر تروریستی داعش دست دو کودک عراقی را که حاضر به شلیک گلوله به دو مرد نشده بودند، قطع کردند. عناصر تروریست داعش پس از آن که دو کودک عراقی حاضر نشدند به دو فردی که توسط نهاد به اصطلاح قضایی داعش محکوم به اعدام شده بودند شلیک کنند، توسط عناصر داعش دستگیر و به جرم عدم اجرای قانون دست هر دو کودک قطع شد. سن این دو کودک بین ۱۰ تا ۱۲ سال ذکر شده است. عناصر داعش در کمال بی‌رحمی و در مقابل چشمان والدین این کودکان در اردوگاه «نابلس» در منطقه غربی شهر موصل که مخصوص آموزش کودکان کم سن و سال است، اقدام به قطع کردن دست این دو کودک کردند. به گزارش ایلنا به نقل از "آین عراق



...خاطرات دردناک...

اعدام با برق فشار قوی توسط داعش

گروه داعش در ادامه جنایات خود شهروندان عراقی را در شهر موصل به وسیله جریان برق اعدام کرد... به گزارش "سومریه نیوز"



وحشی گری جدید داعش در اعدام؛ این بار خشکاندن اسیران با برق!

...خاطرات دردناک...

غرق کردن با استفاده از قفس های آهنی

داعش ۱۴ شهروند عراقی را به اتهام جاسوسی با استفاده از قفس های آهنی در مرکز موصل غرق کرده است.... «داعش پس از صدور حکم دادگاه خود، موسوم به دادگاه شرعی ولایت نینوی، از اعدام این افراد تصویر برداری کرده است. «السومریه نیوز»



...خاطرات دردناک...

رونمایی از پیرمرد های جلاد داعش!

سرکردگان مستاصل گروه تروریستی داعش پس از هلاکت هزاران تروریست این گروه در میدان نبرد مجبور به جذب تروریست‌های پیر شده‌اند. در همین راستا، گروه تروریستی داعش اقدام به انتشار فیلمی کرده است که در آن چند پیرمرد با موهای سفید و ریش جوگندمی با اسلحه‌هایی متعلق به جنگ جهانی دوم اقدام به اعدام زندانیان می‌کنند. این قربانیان به اتهام الحاد و کفر اعدام می‌شوند. در این کلیپ ادعا می‌شود این پیرمردها برای انتقام گرفتن خون فرزندان داعشی خود به این گروه تروریستی پیوسته‌اند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از می‌رور



...خاطرات دردناک...

سنگسار ۵ زن عراقی توسط داعش

عناصر گروهک تروریستی، پنج زن عراقی را در شهر موصل سنگسار کردند و آن‌ها را به قتل رساندند. داعش این زنان را به بهانه نداشتن حجاب و پیروی نکردن از دستورات این گروهک سنگسار کرد. عناصر داعش در مناطق تحت کنترل خود هر از گاهی برای ارباب شهروندان و جلوگیری از هرگونه مقاومت مردمی، شماری از شهروندان را به بهانه‌های مختلف در اماکن عمومی به قتل می‌رسانند...

منبع: مموزینی، مسئول اطلاع رسانی حزب دموکرات کردستان



...خاطرات دردناک...

داعش یک را سنگسار مرد عراقی در شهر موصل

گروه تروریستی داعش یک مرد عراقی را در شهر موصل به جرم آنچه که زنا عنوان کرده، در ملاء عام سنگسار کرد، البته داعش طبق معمول هیچ مدرکی را برای اثبات جرم این فرد ارائه نکرده است. گروه تروریستی داعش به صورت مستمر مردان عراقی را در شهر موصل به جرم های واهی اعدام می کند تا از طریق میان مردم این شهر ترس و رعب ایجاد کند. شهر موصل از یک سال پیش تاکنون در اشغال داعش قرار دارد و این گروه تروریستی قوانین ویژه خود را در این شهر اجرا می کند. شهر موصل مرکز استان «نینوی» است که در شمال عراق واقع است و این شهر دومین بزرگ عراق به شمار می رود به گزارش "سومریه نیوز"



...خاطرات دردناک...

داعش با بولدوزر گردن می‌زند

قربانیان اعدام‌های داعش باید خیلی بدشانس باشند که مراسم گردن‌زنی آنها با “بولدوزر” انجام شود. یکی از اعضای داعش با ۱۳۰ کیلوگرم وزن به “بولدوزر داعش” شهرت یافته و تاکنون اجرای چندین مراسم اعدام را برعهده گرفته است... این جلاّد که لقب «ابوسیاف» داعش را به خود گرفته بود، دارای بیشترین نوارهای ویویی هولناک است که این گروه تروریستی برای ایجاد رعب در شبکه اینترنت آنها را منتشر کرده بودند.



...خاطرات دردناک...

این جلاّد داعشی به دلیل حمل یک سلاح جنگی به وزن ۵۲ کیلوگرم به "بولدوزر" شهرت یافت. اولین تصاویر "بولدوزر داعش" در ژوئن ۲۰۱۴ منتشر شد. این تیربار سنگین معمولاً بر روی هواپیماها و تانک ها نصب می شود. او همیشه چهره خود را با پارچه می پوشاند و لباسی بلند بر تن دارد...



تصاویر دیگری نیز از "بولدوزر داعش" هنگام ارتکاب جنایت در استان الانبار عراق منتشر شده است که در آن، این جلاّد قسی القلب با شمشیری بزرگ سر ۲ نفر را در

...خاطرات دردناک...

"بولدوزر داعش" در یکی از مراسم‌های اعدام، دست و پای پسر بچه سوری را که حاضر به پیروی از داعش نشده بود قطع کرد...

"عمر" پسر ۱۴ ساله سوری که یک ماه شدیدترین شکنجه‌ها را نزد داعش تحمل کرده بود، در باره وی گفت: بولدوزر برای قطع کردن دست و پای من، گروه زیادی از پسران نوجوان و کم سن را گرد خود جمع و آنها را مجبور کرد این صحنه وحشتناک را تماشا کنند. عمر درباره مراسم تنبیه خود گفت: بولدوزر ابتدا دست من را روی تخته چوبی قرار داد و با ساطور قصابی در یک ضربه آن را قطع کرد. سپس نوبت به پایم رسید و آن را نیز در یک حرکت سریع دیگر قطع کرد...

بولدوزر علاوه بر سوریه، در استان انبار عراق نیز چند اعدام انجام داده است...



...خاطرات دردناک...

تصاویر دیگری نیز از "بولدوزر داعش" هنگام ارتکاب جنایت در استان الانبار عراق منتشر شده است که در آن، این جلاّد قسی القلب با شمشیری بزرگ سر ۳ نفر را در برابر چشمان صدها مرد و کودک از تن شان جدا می کند... سرانجام این جلاّد در کمینی که توسط افرادی ناشناس برای او تدارک شده بود، به طور فجیعی کشته شد. افراد ناشناسی با حمله این جلاّد داعشی او را با قمه و چاقو تکه تکه کرده و جسدش را در همانجا رها کردند. گفتنی است که «لقب» ابوسیاف به گروهی تروریست که در فلیپین به کشتن و ربودن بیگناهان و قطع کردن سر ربوده شدگان مشهورند. اهالی موصل می گویند: این جلاّد در بیرحمی ورد زبان همه بود او پس از اینکه افراد را سر می برد سرهای آنها را در گودال مانندی به نام «الخشفه» در موصل روی هم انباشته می کرد تا باعث ایجاد ترس و وحشت در میان اهالی شهر شود.

داعش از این جلاّدان برای ارباب شهروندان در مناطق تحت کنترل خود استفاده می کند، تا کودکان و نوجوانانی را که نمی خواهند به عضویت این گروه درآیند، بترساند و تحت فرمان خود درآورد. با این حال برخی فعالان در سوریه تأکید دارند که داعش فقط این یک جلاّد را ندارد، و از چندین جلاّد با ویژگی های مشابه جسمی در مناطق مختلف استفاده می کند، که اسامی برخی از آنها لو رفته است.

یکی از این جلاّدها به «ابو عبدالرحمن العراقي» معروف است به همراه دیگر اعضای داعش در مناطق مختلف سوریه و عراق حضور یافته و دست به جنایات متعددی زده و بعد از هر عملیات، با افتخار تصاویر اقدامات غیرانسانی خود را در اینترنت منتشر کرده است. در اغلب عملیات های تروریستی که این فرد در آن حاضر است، شخص دیگر هم ملقب به «ابومحمد الامریکی» وی را همراهی می کند.

...خاطرات دردناک...

با توجه به لقب انتخاب شده برای این فرد، به نظر می‌رسد وی ملیت آمریکایی داشته باشد. گفته می‌شود «ابومحمد الامریکی» پیش از این عضو «جبهه‌النصره» دیگر گروه تروریستی فعال در سوریه بوده، اما اخیراً به «داعش» پیوسته است.

یکی از این جلادهای داعشی: یک فرانسوی به نام "مایکل دو سانتوس" (۲۲ ساله) است که پس از پیوستن به داعش "ابو عثمان" لقب گرفت...

یکی دیگر از این جلادها "ماکسیم هاوشارد" (۲۲ ساله) تبعه انگلیس است.

"عبدالمجید جرماوی" (۲۸ ساله) جلاد بلژیکی داعش نیز "ابو دجانه" لقب دارد.

"ناصر مثنی" هم یکی دیگر از جلادهای انگلیسی داعش است.

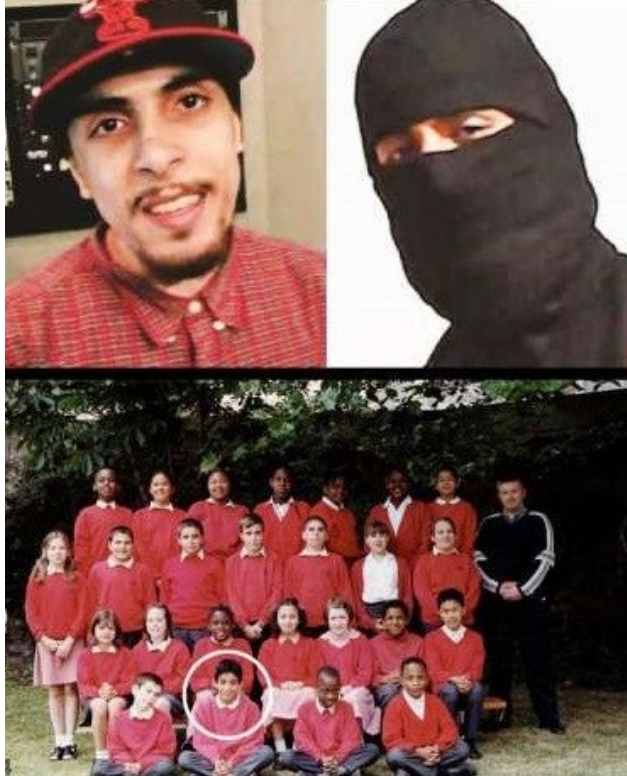
جلاد، "عبدالمجید ابا عود" (۲۸ ساله) بلژیکی هم مغز متفکر حملات تروریستی پاریس بود که در جریان آن ۱۲۹ تن کشته شدند.

دختر جلاد نوجوان ۱۲ ساله وابسته به گروه داعش، پنج زن را اعدام کرد که یکی از آنها پزشک بود. این پزشک از معالجه عناصر داعش که در بمباران جنگنده‌های ائتلاف بین‌المللی در پادگان الغزلانی زخمی شده بودند، سرباز زده بود. این منبع که این اولین باری است که داعش برای اعدام از دختری نوجوان استفاده می‌کند.

"عیسی دیر" این جلاد ۴ ساله در یکی از مناطق تحت کنترل داعش در سوریه خودرویی بمب‌گذاری شده را که در آن ۳ مرد بودند منفجر کرد. "گریس دیر" مادر این کودک داعشی که متولد انگلیس است در سال ۲۰۱۲ به سوریه رفت تا به داعش ملحق شود. در ویدیوی منتشر شده از سوی داعش، این کودک ۴ ساله انگلیسی،

...خاطرات دردناک...

خودروی بمب گذاری شده مذکور را به وسیله دستگاه کنترل از راه دور منفجر می کند و آن خودرو با سرنشینانش در یک لحظه نابود می شود. در این ویدیو، در کنار عیسی نیز یک مرد نقابدار ایستاده که احتمالاً انگلیسی است. وی پس از آن پیامی را به "دیوید کامرون" نخست وزیر انگلیس می دهد و مدعی می شود که این ۳ نفر جاسوسان انگلیس بودند. اما در این بین یکی از معروف ترین این جلادها، "محمد اموازی" انگلیسی معروف به "جان" بود که در نخستین فیلم های سربریدن گروگانه ای خارجی داعش حضور یافت.



...فاطرات دردناک...

شلیک بمب های حاوی گاز سمی کلر در عراق توسط داعش

اعضای گروهک تروریستی "داعش"، در حملات خود در استان "شرقاط" از "بمب های حاوی کلر" استفاده کردند که منجر به کشته شدن سه نفر شد. داعش روستای الحنوک در نزدیکی شرقاط بیش از ۱۵ بمب که برخی از آنها حاوی گاز سمی کلر بوده شلیک کرد. شبکه تلویزیونی "السومریه"



داعشی ها چشمان یک جوان مصری را درآورده و او را آتش زدند

جلاد داعشی در اقدام جنایتکارانه این گروه تروریستی در سینای مصر یک جوان را به اتهام همکاری با نیروهای امنیتی مصر به طرز وحشتناکی اعدام کردند. آنها ابتدا چشمان جوان را در آورده و سپس او را زنده زنده به آتش کشیدند.
به نقل از "العالم"

...خاطرات دردناک...

شیوه های وحشیانه داعش برای جلوگیری از پیشروی

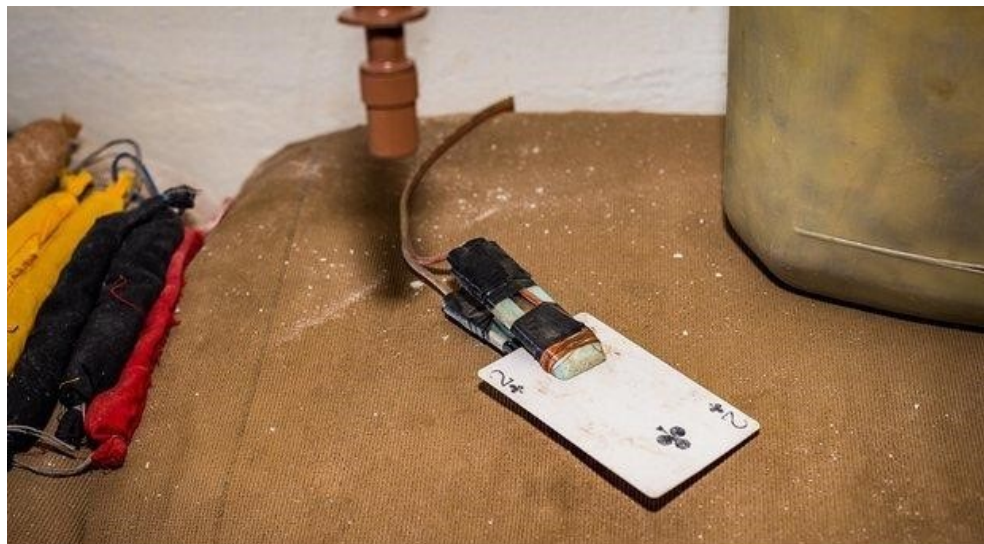
یکی از ترفندهای بیرحمانه داعش برای پنهان کردن بمب‌هایش بعد از فرار از مناطق بازپس گرفته شده، استفاده از "عروسک‌های بازی کودکان" است. گروه تروریستی داعش در تازه‌ترین جنایات خود با کارگذاری و پنهان کردن بمب‌های دست ساز در ابزارها و وسیله‌هایی نظیر عروسک‌های بازی، شیلنگ، تخته چوب، چسب نواری‌های صنعتی، مصالح ساختمانی انباشته شده در یک گوشه و حتی لباس های قدیمی روی هم جمع شده تلاش دارد تا مانع پیشروی ارتش عراق در موصل شود...



از ترفندهای بیرحمانه داعش برای پنهان کردن بمب‌هایش بعد از فرار از مناطق بازپس گرفته شده، استفاده از عروسک‌های بازی کودکان است. فکر می‌کنید چرا داعش از یک شی زیبا مثل عروسک‌های اسباب بازی خرس یا خرگوش برای پنهان

...خاطرات دردناک...

کردن بمب استفاده می‌کند؟ چون می‌داند نیروهای پیشمرگ کرد نیستند که به آنها دست می‌زنند بلکه کودکان به سراغ آنها می‌روند...



بمب‌های دست ساز داعش مورد استفاده این گروه برای گسترش ترس و مرگ حتی بعد از فرار نیروهایش می‌کند. در مناطقی که زمانی تحت کنترل داعش بودند این گروه زمان فراوانی برای کار گذاشتن بمب‌های دست سازش در عادی‌ترین اشیاء کرده است به نحوی که اسباب بازی‌ها، کارت‌های بازی و یک ساعت معمولی رها شده در یک گوشه می‌توانند جرقه انفجار یک بمب را بزنند. وسایلی که به حد کافی می‌توانند کنجکاوی یک شهروند برگشته به خانه را برانگیزند و او را کشته و یا زخمی کنند. یک شیلنگ آب عادی و تل لباس‌های قدیمی رها شده از دیگر راه‌هایی هستند که داعش از آنها به عنوان منفجر کننده بمب استفاده کرده است... به گزارش روزنامه گاردین

...فاطرات دردناک...

گشت ماموران ریش سنج داعش!

عناصر داعش با گشتزنی در خیابان‌ها، مردانی که ریش خود را کوتاه کرده‌اند را بازداشت و مجازات می‌کند. دیوان محاسبات داعش به طور رسمی برخورد با مردانی که محاسن نمی‌گذارند را آغاز کرد. داعش داشتن محاسن بلند را از وجوبات دینی دانسته و کسانی که ریش خود را تراشیده یا کوتاه کنند را تعزیر می‌کند. عناصر و سران داعش که به شهوت‌رانی و عیاشی شهرت دارند و زنان و دختران را به کنیزی می‌گیرند، زمانی که در مقابل مردم عادی قرار می‌گیرند در تناقضی آشکار با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای به وضع قوانینی سخت‌گیرانه پرداخته و مردم را به بهانه‌های واهی مانند درست نبستن پوشیه، کوتاه کردن ریش یا گوش دادن موسیقی شکنجه و اعدام می‌کنند. مفتی‌های این گروهک، تراشیدن و یا کوتاه کردن ریش را خلاف شرع اعلام کرده‌اند. داعش با تفسیر آیات قرآن بر اساس اعتقادات منحرف خود، کوتاه‌کردن یا تراشیدن ریش را از مظاهر دست بردن در خلقت خداوند می‌داند و باخاطیان به شدت برخورد می‌کند. این گروهک همچنین اعلامیه‌هایی را درباره احکام ریش گذاشتن در سطح شهر توزیع کرده است... منبع: مشرق



...خاطرات دردناک...

لباس زیر پوشیدن ممنوع؟

مجازات سنگین داعش برای افرادی که لباس زیر می پوشند!

تکفیری های داعش مجازات سنگینی را برای کسانی که اقدام به پوشیدن لباس زیر غربی کنند وضع کرده است مجازاتی مثل سربریدن و شلاق!...

نیروهای بسیج عراق تراکتی از گروه تروریستی داعش در شهر حمام العلیل در جنوب موصل یافته اند که دستور العمل های مربوط به لباس زیر مردان را بیان می کند. گروه تروریستی داعش ساکنان مناطق تحت اشغال خود را از آنچه "مظاهر غربی" می داند از جمله پوشیدن شلوارهای جین و پیراهن، تراشیدن ریش منع و به پوشیدن لباس های گشاد وادار کرده است. آخرین ممنوعیت اعلام شده توسط داعش، منع پوشیدن لباس زیر "غربی" است که در تصویر تراکت منتشره از سوی این گروه تروریستی برای شهروندان تحت کنترل این تشکیلات تروریستی وضع شده است...

برخی از خانواده های فراری از گروه تروریستی داعش اظهار داشته اند این گروه افراد مخالف با دستوراتش را سر می برد، شلاق می زند، زندانی می کند و گاه به حفر تونل برای عناصر این گروهک در جنگ با نیروهای ارتش عراق وادار می کند.

دستورات غیر انسانی گروه تروریستی داعش، از وادار کردن مردم به پوشیدن فراتر رفته است. به طوری که استفاده از تلویزیون و تلفن همراه، گوش دادن به موسیقی، سیگار کشیدن و کوتاه کردن مو را نیز ممنوع کرده است...

منبع: "سی ان ان"

A man with grey hair and a beard, wearing a brown jacket and a patterned scarf, stands in the center of the image. He has a serious expression. The background is a dramatic, dark night sky with streaks of rain or snow falling. To the left, a bright blue lightning bolt strikes down. To the right, a large, fiery explosion or fireball is visible, with a plume of smoke rising. The overall atmosphere is one of conflict and danger.

ذوالفقار عسکری

قاسم سلیمانی

...خاطرات دردناک...

خاطرات ترکمن ها از شهید حاج قاسم

همه از نقش شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس سپاه در پیروزی بر گروه تروریستی داعش در عراق اطلاع دارند، اما کمتر از نقش این فرمانده شهید در عملیات آزادسازی مناطق ترکمن نشین عراق شنیده اند.



کردها و عرب ها قبل از ظهور داعش، نیرو و سلاح داشتند و ترکمن ها در دفاع از مناطق شان همواره به دولت مرکزی اعتماد داشتند، برای همین وقتی داعش ظهور کرد و نیروهای رسمی اعم از ارتش و پلیس فرو پاشیدند، "هزاران ترکمن به دست داعش به قتل رسیده و اغلب خانواده ها به شهرهای جنوب و مرکز عراق آواره شدند." وقتی فتوای جهاد کفایی مرجعیت عالی دینی صادر شد، جوانان ترکمن یکی از اولین گروه ها بودند که به آن لبیک گفتند و با وجود مشقت آوارگی، در بسیج مردمی نام نویسی کردند اما هیچ تشکیلات رسمی برای سازماندهی آنها وجود نداشت و سلاح هم در اختیار نداشتند. تنها نیروی نظامی رسمی در منطقه، لشکر دوازدهم ارتش عراق بود که نیروهای پیشمرگ کرد در آن برهه آنها را خلع سلاح کردند و سربازان را که عموماً از شیعیان بودند، به شهرهای شان بازگرداندند. داعش به سرعت تلغفر را

...خاطرات دردناک...

در موصل و «بشیر» در کرکوک را تسخیر کرد و «آمرلی» در محاصره قرار گرفت و «سلیمان بیگ» نیز به کنترل داعش درآمد و جاده بغداد به کرکوک کاملاً قطع شد. در این برهه که داعش ظهور یافته بود، ترکمن‌ها تقریباً در برابر کردها و عرب‌های سنی بی‌حفاظ باقی مانده بودند و داعش آنها را تهدید می‌کرد. بنابراین اولین تیم ایرانی به دستور مقام معظم رهبری و شهید سلیمانی برادران قدس بودند که وارد منطقه شدند، دو هواپیما مهمات برای ما ارسال و به صورت منطقه به منطقه این سلاح‌ها بین داوطلبان توزیع شد. در ابتدا کردها موافق نبودند که ترکمن‌ها سلاح داشته باشند اما با دخالت سپاه قدس، آنها در نهایت پذیرفتند که ترکمن‌ها هم سلاح لازم برای دفاع از خود داشته باشند و به این ترتیب بچه‌های نیروی قدس، نیروهای مردمی ترکمن را سازماندهی کردند. ایران برای ما مشاوران نظامی برای سازماندهی نیروهای داوطلب فرستاد و مراکز آموزش نظامی دایر کرد، به همین دلیل ترکمن‌های عراق خود را مدیون ایران، مقام معظم رهبری و حاج قاسم سلیمانی و حاج ابومهدی هستند. اگر این دو حاجی (حاج قاسم و ابومهدی) به منطقه نمی‌آمدند و با کردها به توافق نمی‌رسیدند تا ترکمن‌ها از خود دفاع کنند، هرگز این اتفاقات نمی‌افتاد؛ آن روزها حتی دولت عراق در فکر تشکیل الحشد الشعبی ترکمن نبود زیرا نمی‌خواست رابطه اش با کردستان عراق خراب شود. آن زمان حاج ابومهدی المهندس تعدادی از بچه‌های گروه مقاومت سرایا خراسانی را به همراه خود به منطقه آورد. این نیروها از طریق هواپیما از سلیمانیه به استان کرکوک انتقال داده شدند و نشست اولیه در شهر «دقوق» در زیارتگاه امامزاده «زین العابدین» برگزار شد و به تدریج نیروها، به مناطق دیگری انتقال داده شدند و سازماندهی نیروها صورت گرفت.

...خاطرات دردناک...

شکستن حصر آمرلی

حاج قاسم و حاج ابومهدی در ابتدا مصمم بودند حصار "آمرلی" را بشکنند و همه گروه های مقاومت و نیروهای مردمی منطقه را به این منظور بسیج کردند. در این برهه جمهوری اسلامی ایران تمامی مرزهای خود را برای ارسال مهمات و تسلیحات و ارسال مشاوران نظامی باز کرده بود. حاج قاسم و حاج ابومهدی به همراه دیگر فرماندهان مقاومت، مقرر فرماندهی را در ارتفاعات «طوز خورماتو» در نزدیکی های «سلیمان بیگ» قرار داده بودند. یکی از آن روزها وقتی از مقرر فرماندهی در ارتفاعات طوز خورماتو با دوربین به آمرلی نگاه می کردیم یکی از فرماندهان محلی به شهید سلیمانی گفت: "حاجی! آمرلی وضعیت وخیمی دارد."



...خاطرات دردناک...

شهید سلیمانی دوربین را گرفت و به سمت "آمرلی" نظر انداخت و گفت: من آمرلی را نمی بینم، بلکه کربلای حسین (ع) را می بینم که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در محاصره قرار گرفته اند و وقتی دوربین را از چشم هایش جدا کرد، صورتش خیس از اشک بود. زمانی هم که می خواستیم عملیات آزادسازی آمرلی را شروع کنیم، سپهبد شهید گفت: برویم کربلای حسین (ع) را آزاد کنیم!... ایشان اعتقاد کامل داشت که سرزمین "آمرلی مثل کربلا" است و معتقد بودند که "کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا" و برای همین "روی آمرلی نام کربلا" گذاشته بود. وقتی عملیات شروع شد همه فرماندهان مقاومت ابومهدی، هادی العامری، ابومنظر المحمداوی و ابوفدک المحمداوی (فرمانده فعلی ستاد کل نیروهای الحشد الشعبی) حضور داشتند.



ورود به آمرلی در حالی که از ۳۶۰ درجه در محاصره بود

بین آمرلی و طوزخورماتو یک منطقه به نام «سلیمان بیگ» وجود دارد. عملیات از پشت سلیمان بیگ شروع شد و نیروها از این طریق وارد آمرلی شدند و بعد از آزادی آمرلی در مسیر برگشت به جاده اصلی (بغداد - کرکوک) برگشتیم تا در ادامه عملیات سلیمان بیگ را آزاد کنیم، اما در این برهه هنگامه نماز ظهر شده بود. حاج قاسم

...خاطرات دردناک...

گفتند که الان وقت نماز ظهر است نماز را بخوانیم، ظرف ۲۰ دقیقه سلیمان بیگ هم آزاد می شود. نماز ظهرو عصر را به جماعت خواندیم. من شخصا برای این زمانی که حاج قاسم برای آزادی سازی سلیمان بیگ مشخص کرده بود اعتقاد خاص داشتم زیرا حاج قاسم و ابومهدی را آدم های عادی نمی دانستم، برای همین می خواستم بدانم واقعا ظرف ۲۰ دقیقه سلیمان بیگ آزاد می شود؟! دقیقا ۲۰ دقیقه بعد، دیدم بچه های گردان های "کتاب امام علی (ع)" که آقای «شبل الزیدی» پیشاپیش آنها حرکت می کرد، تکبیرگویان به سمت ما آمدند و به این ترتیب سلیمان بیگ هم آزاد و جاده کرکوک به بغداد باز شد. و اینگ ونه "الحشدترکمانی عراق" تشکیل شد... حاج قاسم و ابومهدی المهندس آدم های مخلصی بودند که در دفاع از مستضعفین به رنگ، قومیت و دین نگاه نمی کردند. کاری نداشتند که این ترکمن، عرب، ایزدی، کرد، شیعه یا سنی است و این مناطق متعلق به کردها است یا سنی ها یا شیعیان، با همه به چشم یکسان نگاه می کردند. بعد از آزادی سازی آمرلی و سلیمان بیگ، حاج قاسم سلیمانی من و حاج «ابو رضا النجار» را فراخواند و گفت که الان کار جدی شما شروع شده است... به ایشان گفتیم اما هنوز منطقه بشیر در جنوب کرکوک در دست داعشی هاست، اما ایشان گفتند که حدود پنج هزار نیرو از سازمان بدر و گروه های مختلف مقاومت الان در منطقه هستند. ما تصور می کردیم که همه این نیروها برای دفاع از ما در منطقه می مانند، اما ایشان گفتند این نیروها ماندگار نیستند، بلکه خود شما باید الحشد الشعبی تشکیل بدهید و هر منطقه باید دارای گردان برای حفاظت از خود باشد. شما مثل کردها و عرب ها باید نیروهای خاص خود را تشکیل داده و از مناطق خود و مناطق مجاور دفاع کنید. در تلغفر هم همین کار را کردند و

...خاطرات دردناک...

نیرو و گردان و تیپ تشکیل دادند. بنابراین با ابو رضا النجار به شهرها و بخش های مختلف سفر کردیم و با مردم جلسات برگزار کردیم و دیدیم همه آمادگی لازم را دارند از این رو گردانها به نام هر شهر تشکیل شد. یادم می آید، یک روزها که در سازمان بدر کار می کردیم، با خود می گفتیم آیا می شود روزی یک نیروی ۱۰۰ نفری ترکمن تشکیل بدهیم، اما حالا هزاران ترکمن در الحشد الشعبی برای دفاع از منطقه بسیج شده اند. گردانهای شهر را جمع کردیم و یک تیپ به نام تیپ ۱۶ تشکیل دادیم و بعد از آن تیپ ۵۲ را هم ایجاد کردیم که الان دارای دو تیپ از ترکمنان هستیم. شرایط به همین ترتیب ادامه یافت تا اینکه اقدام به تشکیل محور شمال "الحشد الشعبی" کردیم و مقرها و پایگاه های آن نیز شکل گرفتند. همه این اقدامات با اعتماد به خود و کمک نیروهای قدس صورت گرفت و حاج قاسم هم برهمه آنها اشراف داشت. در جنگ علیه داعش ایران هیچ چیزی از ما دریغ نکرد و در این راه تعدادی از فرماندهان برجسته نیروی قدس نیز شهید شدند. ما شهید سلیمانی را مالک اشتر علی (ع) و شهید ابومهدی المهندس را عمار یاسر می دانیم....



...خاطرات دردناک...

روزی که حاج قاسم تنها به دل دشمن زد

به همراه حاج قاسم در تمامی عملیات ها در منطقه حاج ابومهدی المهندس نیز حضور داشت. ما در چند عملیات با حاج قاسم و ابومهدی بودیم، یکی همین عملیات آزادسازی آمرلی و دیگری «زرگه» بود. از «ینگجه» عملیات شروع شد، در همان ابتدا یک تک تیرانداز داعشی اجازه پیشروی به نیروها برای عبور از پل زرگه را نمی داد و نیروها را زمین گیر کرده بود.

در آن لحظات، حاج قاسم شخصا یک موتور درخواست کرد، موتور را آوردند، سوار موتور شد؛ فرماندهان از او سوال کردند که می خواهید چه بکنید؟ ایشان گفتند: هیچ کس حرکت نکند، باید ببینم قضیه چیست تا نیروها بتوانند پیشروی کنند.. ایشان سوار موتور شد و بچه ها التماس می کردند که حاجی شما خودتان را به خطر نینداز، اما ایشان اصرار داشتند که خودشان برای بررسی و شناسایی جلو برود.

یکی از فرماندهان نیروی قدس در محل، بسیار اصرار کرد، اما حاج قاسم از آن همه اصرار ناراحت شد و گفت که خودش باید گره ماجرا را باز کند و سرانجام حرکت کرد. ایشان نزدیک ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر خط عملیاتی را دور زد و برگشت. در آن لحظات همه نگران بودند که نکند سردار شهید شود، چون امیدمان در آن لحظات اول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بود و بعد حاج قاسم زیرا عملا ایشان فرمانده برجسته دفاع از عراق بودند. ایشان که برگشت محل دقیق استقرار تک تیرانداز را به نیروها داد و دستور داد نقطه کمین تک تیرانداز را بزنند و اینگونه مکانی را که حاج قاسم مشخص کرده بود، بچه ها زدند و تک تیرانداز خاموش شد و نیروها از پل زرگه عبور کردند و

...فاطرات دردناک...

دست آخر توانستیم زرگه را آزاد کنیم. ما در این عملیات هیچ خسارتی نه جانی نه مالی ندادیم، حتی مجروح هم نداشتیم. این پیروزی ها درسایه فرماندهی محقق می شد که در همه عملیات، پیشاپیش نیروها حرکت می کرد. حاج قاسم به ما وعده دادند که کاری می کنند که ترکمنان در کرکوک، طوزخورماتو، آمرلی و تلعفر بتوانند از خود دفاع کنند و این کار را کردند. در حال حاضر تجهیزات نظامی خوبی شامل تانک، توپخانه و سلاح و مهمات لازم در اختیار داریم. قبل از داعش، ترکمنان قدرت لازم را نداشتند و اصلا حق حمل سلاح نداشتند و به سختی ۲۰ تا ۳۰ نفر در کل منطقه، مجوز حق حمل سلاح داشتند. الان تشکیلات الحشد الشعبی محور شمال نه فقط برای مناطق ترکمن بلکه کل منطقه اعم از کرد و عرب یک چتر حفاظتی و امنیتی ایجاد کرده است و همه ساکنان منطقه چشم امید به الحشد الشعبی محور شمال دارند و هرگز تصور نمی کردیم روز برسد ترکمنان این قدرت را داشته باشند.



...خاطرات دردناک...

«حسن دانایی فر» سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در عراق در ایام اولیه جنگ به منطقه آمدند در آن موقع داعش بشیر را تسخیر کرده بود و تعدادی از زنان و کودکان ترکمن را به اسارت گرفته بود. در آن زمان فریاد «هل من ناصر ینصرنا» می زدیم اما کسی به فکر ما نبود؛ دولت عراق اصلاً به ما نظر نداشت، آمریکایی ها هم فقط به کردها کمک می کردند و این فقط جمهوری اسلامی ایران بود که در آن برهه به دادمان رسید. آقای دانایی فر به من گفت که آقای امامی! نباید ناموس شیعه به دست داعش بیفتد و همه اینها که در عراق هستند همه ناموس ما هستند و نباید اجازه داد به آنها تعرض شود.

سرانجام فرماندهان نیروی قدس و الحشد الشعبی همه به منطقه آمدند و نیروها از راه رسیدند و محاصره آمرلی بعد از ۹۰ روز مقاومت شکسته شد و در نهایت، بشیر، زرگه، تلعفر و سایر مناطق ترکمن نشین را آزاد کردند. هرگز حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس را فراموش نمی کنیم. ترکمن های شیعه عراق در جریان هجوم داعش در سال ۲۰۱۴ مظلومترین عراقی هایی بودند که از هر سو مورد تهاجم قرار گرفتند؛ خانه های شان در تلعفر، سهل نینوا در استان نینوا و همچنین بشیر و آمرلی ویران شد؛ مردان و پسران جوان زیادی از آنان شهید شدند و زنان و کودکان زیادی از آنان به اسارت داعش در آمد که هنوز از سرنوشت تعدادی از آنان خبری نیست. حالا ترکمن های منطقه شمال عراق، خاطرات زیادی از حاج قاسم دارند؛ اوپی که در روزهای سخت در کنارشان ایستاد؛ با خندهایشان خندید و با گریه هایشان اشک ریخت... راوی: ابومصطفی الامامی معاون فرماندهی الحشدالشعبی، در محور شمال

...خاطرات دردناک...

سخنرانی شهید همدانی

ما وقتی سه چهار سال قبل به سوریه رفتیم با کشوری مواجه شدیم که حزب بعث آن، دیوارهای آهنین و درهای پولادینی به دور خود داشت و اجازه نمی‌دادند ما کار کنیم. در یک ارتشی رفتیم که برای نماز خواندن، تنبیه اخراج را قرار داده بودند!...

چه اتفاقی افتاد که فرمانده این نیروها امروز پشت سر حاج قاسم سلیمانی نماز جماعت می‌خواند؟ و در ماه رمضان روزه می‌گیرد؟ چه اتفاقی افتاده که امروز وقتی به پادگان ها می‌رویم، فرمانده لشکر گارد، مهر کربلا برای نماز ما می‌آورد... بدانیم که اکثر اهل سنت پای کار هستند. بسیجی که ما در سوریه راه‌اندازی کرده‌ایم (حدوداً ۴۲ تیپ، ۱۳۸ گردان که ۳۰۰۰۰ نفرشان به ایران آمده و آموزش دیده‌اند) از اهل تسنن هستند. سوریه عمق استراتژیک ایران است. سوریه به نیابت از ما در حال جنگ است. ما نیروی ایرانی به آنجا نبرده‌ایم. ایرانی‌هایی که به آنجا رفته‌اند، مستشارند. این برادرانی که شهید می‌شوند، در کنار یک فرمانده سوری هستند. در حلب یک جوانی را در کنار یک سرلشکر گذاشته بودیم، وقتی بعد از سه یا چهار ماه که می‌خواست به مرخصی و پیش خانواده‌اش بیاید، آن سرلشکر می‌گفت: وقتی این جوان می‌خواهد برود، انگار قلب من می‌ایستد!...

این برای شهر حلب است که پنج میلیون جمعیت اهل سنت دارد.

جوانی به نام حسن در ظرف دو سال و نیم در آنجا تربیت شده که امروز ابوبکر بغدادی و تکفیری‌ها برای سرش جایزه میلیون دلاری گذاشته‌اند. در ظرف دو سال این اتفاق افتاده در حالی که ما فقط ۱۲ روز به او آموزش تیراندازی داده‌ایم. امروز فرمانده یک تیپ شده و ۱۳۰ روستا را آزاد کرده. به هر جایی که می‌خواهد حمله

...خاطرات دردناک...

کند، قبل از حمله او، تروریست‌ها منطقه را از ترس، خالی می‌کنند. این‌ها افتخار و دستاورد ماست. جوانی را در آنجا به عنوان فرمانده گذاشته‌ایم که مردم وقتی بچه‌دار می‌شوند، او را دعوت می‌کنند تا اذان و اقامه را در گوش فرزندشان بگوید و اسم فرمانده ما را روی بچه‌هایشان می‌گذارند. اتفاقات خیلی بزرگی در آن جا روی داده که اینها را دشمن می‌داند ولی مردم ما نمی‌دانند. در حالی که در داخل، زمزمه‌هایی هست که چرا داریم برای سوریه هزینه می‌کنیم؟! آقا می‌فرماید: ما اصلا هزینه نمی‌کنیم. این‌ها جنگ نیابتی از طرف ما دارند و این همه کشته می‌دهند...

خاطره ای منتشر نشده از بارزانی، نخست وزیر کردستان عراق!

داعش به دروازه های اربیل رسیده بود و بیم آن میرفت که شهر عنقریب اشغال شود. بارزانی می گوید من پس از حمله داعش با امریکایی ها ترکها انگلیس فرانسه و حتی عربستان تماس گرفتم که همه مقامات این کشورها در جواب گفتند که فعلا هیچ کمکی نمی توانند بکنند. بارزانی می گوید من فوراً با مقامات ایرانی تماس گرفتم و به آنها صریحاً گفتم که شهر در حال سقوط است. اگر نمی توانید کمکی کنید ما شهر را تخلیه می کنیم لذا مقامات ایرانی فوراً شماره تماس قاسم سلیمانی را به من دادند و گفتند حاج قاسم نماینده تام الختیار ما در امر مبارزه با داعش است. لذا فوراً با حاج قاسم تماس گرفتم و اوضاع را دقیقاً شرح دادم. حاج قاسم بمن گفت من فردا صبح بعد از نماز صبح اربیل هستم. به او گفتم فردا دیراست... همین حالا بیایید حاجی گفت کاک مسعود فقط امشب شهر را نگهدار... بارزانی در ادامه می گوید فردا صبح حاج قاسم در فرودگاه اربیل بود. من به استقبالش رفتم حاجی با ۵۰ نفر از

...خاطرات دردناک...

نیروهای مخصوصش آمده بود. آنها سریعاً به محل درگیری رفتند و نیروهای پیشمرگ را سازماندهی دوباره کردند و در عرض چند ساعت ورق به نفع ما برگشت. درضمن کمکهای تسلیحاتی ایران نیز برای ما رسید بارزانی میگوید. حاج قاسم چند نفر از نیروهایش را جهت مشاوره نظامی در اربیل گذاشت و خودش به کر بلا بازگشت بارزانی می گوید ما بعدها یک فرمانده داعش را اسیر کردیم و از او پرسیدیم چگونه شد شما که در حال فتح اربیل بودید به یکباره عقب نشستید؟... این اسیر داعشی به ما گفت نفوذی های ما در اربیل بما خبر دادند، قاسم سلیمانی در اربیل است لذا روحیه افراد ما بهم ریخت و عقب نشستیم! منبع : برگرفته از خبرگزاری فارس

روایتی از شجاعت سردار سلیمانی

فرمانده یگان فاطمیون خاطره ای از آرامش سردار اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی مقابل جنگنده های آمریکایی روایت کرده است: ما معمولاً برای سرکشی به مناطق تحت درگیری با هلی کوپتر در رفت و آمد بودیم. یکی از روزهایی که منطقه "حنف" در مرز عراق و سوریه از دست داعش آزاد شده بود به خواست حاج قاسم بنا شد به آنجا برویم تا سری به وضعیت منطقه و نیروها بزنیم و از اوضاع مطلع شویم... آمریکایی ها هم اعلام کرده بودند "تا مدار ۵۵ درجه این منطقه کسی حق نداره نزدیک بشه"... هنگام پرواز حاجی شروع کرد در دفترش مطالبی را یادداشت کردن. هم زمان جنگنده های آمریکایی هم با دیدن هلی کوپتر ما تلاش می کردند ما را از مسیرمان منحرف کنند. البته آنها نمی دانستند هلیکوپتر حامل چه شخصیتی است. من که مضطرب شده بودم چند بار به حاجی گفتم جنگنده ها دارند نزدیک ما

...خاطرات دردناک...

می شوند. اما ایشان با آرامش به نوشتن ادامه داد و حتی سرش را هم بلند نکرد که نگاه شان کند... چند دقیقه بعد به منطقه که رسیدیم سردار سلیمانی در نقطه صفر مرزی نماز شکر خواند و برگشتیم... منبع : برگرفته از خبرگزاری فارس



حکایتی آشنا

همانطوریکه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران پیام ترامپ را که توسط نخست وزیر ژاپن با خود به ایران آورده بودند را حتی تحویل نگرفتند چه برسد به مطالعه و خواندن و جواب دادن آن. کار مشابهی توسط شهید قاسم سلیمانی انجام شد که رئیس دفتر مقام معظم رهبری این گونه بازگو کردند: همین اواخر زمانی که قاسم سلیمانی در بوکمال بود، رئیس سازمان سیا به وسیله یکی از رابطان خود در منطقه، نامه‌ای برای سردار سلیمانی فرستاد اما ایشان گفت:

" نامه تو را نمی‌گیرم و نمی‌خوانم و اصلا با این افراد صحبتی ندارم "...

این‌ها چه کسانی هستند که با استکبار این‌گونه برخورد می‌کنند؟...

امثال قاسم سلیمانی، محصول و تربیت‌شده انقلاب اسلامی هستند؛ اوست که به رهبری نامه می‌نویسد و می‌گوید: "فرزند و سرباز شما، قاسم سلیمانی"

...خاطرات دردناک...

بلایی که داعشی‌ها بر سر زنان شیعه ترکمن آوردند

شهر "تلعفر" واقع در استان نینوی عراق، اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی به اشغال داعش درآمد. جنایات این گروه تروریستی در حق اهالی که اغلب شیعیان ترکمن بودند، به قدری دردناک بود که حتی پس از سال‌ها روایت گوشه‌هایی از آن، هر شنونده‌ای را متأثر می‌کند. پسران و مردان را کشتند و تمام زنان را به اسارت بردند. "سی ان ان"

قتل عام شیعیان؛ جنایتی که مجازات ندارد

تروریست‌های وحشی و خون‌آشام و حامیان داخلی و خارجی جنایتکار و زبون و بیمار و فاشیست آنها به زودی هزینه این کشتارها و خون‌ریزی‌ها و جنایت‌ها را در جایی دیگر از حسابی دیگر خواهند پرداخت.



...خاطرات دردناک...

تکفیری ها صدها نمازگزار بی دفاع شیعه را مثل همیشه در مسجد «صاحب الزمان» گردیز طعمه آتش و مرگ کردند. رییس جمهور غنی در کابل این «جنایت» را با شدیدترین الفاظ «محکوم» کرد. کدام عقل سالمی می تواند این واکنش رییس جمهور مملکت را در برابر کنش جنایتکارانه تروریست های وحشی قرار دهد که ده ها نمازگزار بی گناه را تنها به جرم باورهای مذهبی شان به خاک و خون کشاندند؟ آیا این همان کاری است که دولت باید در برابر این عمل مرگبار و وحشیانه انجام دهد؟ چرا کشتار شیعیان در افغانستان می رود تا به امری عادی و پذیرفته شده بدل شود؟.. مگر شیعیان شهروندان این سرزمین نفرین شده نیستند؟ وضعیت ترسناکی که اکنون بر مساجد، تکایا و گرد همایی های مذهبی و مناسک و اجتماعات دینی آنها حاکم است، چه تفاوتی با دوران خفقان آور و سراسر اختناق و سرکوب رژیم های توتالیتر و فاشیستی شاهی و سلطنتی دارد؟



...خاطرات دردناک...

این همان کاری است که امروزه زیر نام داعش و تروریسم انجام می شود و کاخ نشین های کابل، تنها به یک محکومیت ساده و بی مصرف و فاقد هزینه اکتفا می کنند. آیا اینکه شاهان دیروز محکوم نمی کردند و رهبران امروز محکوم می کنند برای پذیرش این انگاره مضحک کافی است که نظام امروز بهتر از نظام های سرکوبگر و فاشیستی دیروز است؟!... چرا تروریست ها بهای جنایت هایی را که علیه مردم بی گناه افغانستان مرتکب می شوند نمی پردازند؟ می گویند چگونه؟ بسیار ساده است! دیروز در جوزجان صدها تروریست داعشی با رهبران شان به نیروهای دولتی پیوستند و چرخبال های ارتش ملی آنها را از دام مرگی که طالبان برای شان پهن کرده بودند، نجات دادند. امروز همزمان و هم کیشان تروریست همان جرثومه نفرت و عصبیت و فساد و فاشیسم در گردیز حمام خون به راه انداختند، پس چرا هم قطاران تروریست شان را اعدام نمی کنید؟... مگر آنها در درزاب و قوش تپه کم جنایت کردند؟... اگر نمی دانید (که قطعاً می دانید و بهتر از هر کس دیگری می دانید) بروید از زنان و دختران مظلوم درزاب بپرسید که تروریست های وحشی داعش چگونه آنها را با زور سرنیزه برای فرمانده شان می بردند و سپس مورد تجاوز بی رحمانه گروهی قرار می دادند و این روند، ماه ها ادامه داشت.

چرا اکنون برای آنها در دولت مورد حمایت ناتو و امریکا که به بهانه «مبارزه با تروریسم» به این سرزمین، لشکرکشی کرده اند، حاشیه امن وجود دارد؛ اما برای نمازگزاران مظلوم شیعه که صدها سال در بدترین شرایط، تعهد، وفاداری و عشق شان به میهن و منافع ملی را حفظ کرده و بارها در گلوگاه های سخت و دشوار آن را به آزمون گذاشته و ثابت نموده اند، هیچ امنیتی وجود ندارد؟ در عراق، وقتی تروریست

...خاطرات دردناک...

های تکفیری داعش، چند اسیر عراقی را به رگبار بستند، حیدر العبادی؛ نخست وزیر آن کشور، فوراً دستور داد تا ۱۲ تروریست داعشی، اعدام شوند.

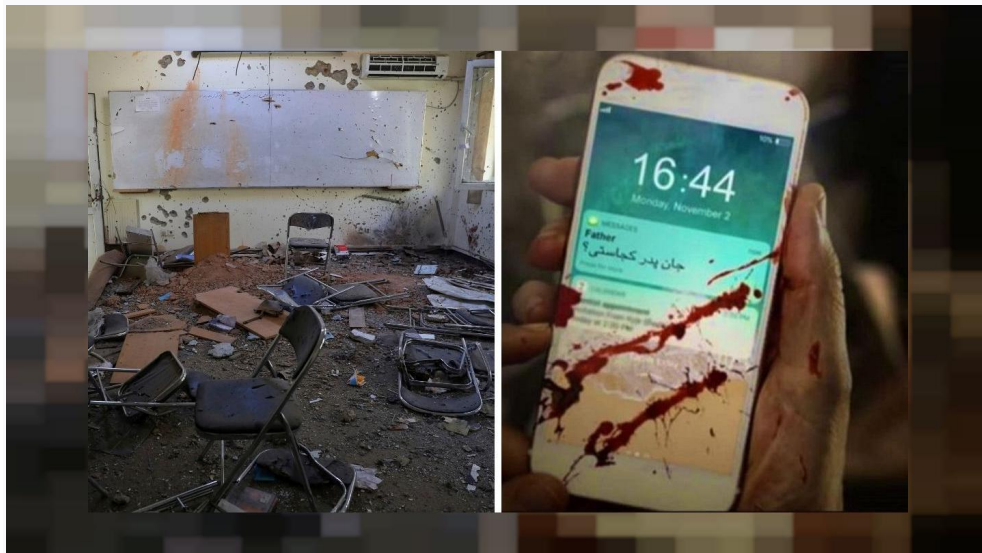
چرا در افغانستان نباید چنین اتفاقی بیافتد؟ چون اینجا ناتو و امریکا هستند و به سهم خود با تروریسم «مبارزه» می کنند؟ چون اینجا وقتی تروریست های داعش از سوی طالبان، در محاصره مرگبار قرار می گیرند، با هلیکوپترهای ارتش نجات می یابند؟ چون اینجا زندان ها دو دروازه دارند: دروازه ای برای بازداشت تروریست ها و دروازه ای برای رهایی بدون محاکمه آنها؟ این بسیار شرم آور است که بر خون ملت پا بگذاری، در مرگ های فاجعه بار مردم، ژست اندوه بگیری و پیام محکومیت صادر کنی؛ اما آن طرف به صدها تروریست وحشی وهابی عضو داعش، پناه بدهی و برای شان گوشه امنیت فراهم کنی. اما این سیاست برای همیشه قابل ادامه نیست.

تروریست های وحشی و خون آشام و حامیان داخلی و خارجی جنایتکار و زبون و بیمار و فاشیست آنها به زودی هزینه این کشتارها و خون ریزی ها و جنایت ها را در جایی دیگر از حسابی دیگر خواهند پرداخت. این هشدار را برادران اهل سنت نیز باید دریابند و جدی بگیرند. اگر آنها فکر می کنند که داعش و تروریسم دژخیم تکفیری تنها شیعیان را آماج قرار می دهد یا فقط برای ضربه زدن به منافع ایران و روسیه و چین، طراحی و مهندسی شده است، عمیقاً اشتباه می کنند. اهل سنت افغانستان هم نیز آماج دشنه های زهرآگین این ایدئولوژی سیاه و خونریز و نفرت انگیز هستند.

آنها هزینه های حضور و قدرت گیری این هیولای آدم خوار و ضد انسانی را که از آبشخور صهیونیسم و مسیحیت صهیونیستی، تغذیه می شود، سال ها بعد خواهند پرداخت؛ وقتی فرقه رثوف و خویشتن دار و اهل مسامحه حنفی، مستحیل شد و

...خاطرات دردناک...

جای خود را به تروریست های نابخرد و افراط گرا و آماده مرگی داد که بویی از آموزه های امام ابوحنیفه، امام شافعی و امام مالک نبرده اند و فقط وهابیت تکفیری را مذهب حق می پندارند. آنگاه ریشه ها و بنیان های صدها ساله مذهب حنفی خواهد لرزید. این خطر را جدی بگیرید.



"دوباره انفجار و دوباره شیعه کشی در افغانستان، پاکستان، عراق و... خبر بسیار تکان دهنده بود! در عصر روز شنبه بیست و پنجم ماه مبارک رمضان در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، انفجاری که توسط جنایتکاران داعشی در مقابل یک دبیرستان دخترانه شیعیان در غرب کابل که به نام سید الشهداء هم هست، در هنگام خروج دانش آموزان سه انفجار رخ می دهد و بیش از دویست نفر کشته و زخمی می شوند که غالب آنها دختران مظلوم این مدرسه هستند که با زبان روزه به شهادت رسیدند!

...فاطرات دردناک...

درآمدزایی داعش از مزارع خشخاش

یکی از مهم‌ترین منابع درآمد داعش تولید و قاچاق مواد مخدر است به‌گونه‌ای که گزارش‌های محرمانه از تامین نیمی از هروئین اروپا توسط این گروه خبر می‌دهند. کارشناسان گروه‌های تروریستی و مسائل منطقه در این موضوع اتفاق نظر دارند که یکی از مهمترین دلایل موفقیت گروه «داعش» در توسعه و گسترش نفوذ خود در منطقه، برخورداری از منابع مالی و درآمدهای کلان است. این موضوع داعش را به یکی از ثروتمندترین گروه‌های مسلحی تبدیل کرده که منطقه در طول تاریخش بخود دیده و همین امتیاز موجب استقلال و عدم وابستگی این گروه در تصمیم‌گیری و عمل شده است. آنچه تاکنون از درآمدها و منابع مالی داعش در گزارش‌های خبری به آن اشاره شده، درآمدها و منابع مالی بوده است که این گروه از طریق فروش نفت مسروقه از چاه‌های نفتی سوریه و عراق و آثار باستانی این دو کشور در مناطق تحت تصرفش بدست آورده است. اما بجز این دو منبع، داعش از منابع مالی و درآمدهای بسیار مهم دیگری بهره می‌برد که کمتر از آنها سخن بمیان آمده و یکی از مهمترین این منابع درآمدزای کلان «قاچاق مواد مخدر» است... به گزارش فارس

کاشت خشخاش و حشیش در رقه و موصل

در عراق، نیروهای امنیتی این کشور اکتبر سال ۲۰۱۴ به مستنداتی دست یافتند که دست داشتن داعش در قاچاق مواد مخدر در عراق را ثابت می‌کرد. سرلشکر «جمیل الشمری»، رئیس پلیس استان دیاله عراق از کشف انبار بزرگی حاوی انواع مواد مخدر در یکی از غارهای منطقه «حمرین» این استان واقع در ۵۰ کیلومتری شمال شرقی

...فاطرات دردناک...

بعقوبه خبر داده و تاکید می‌کند، بسیاری از داروها و قرص‌های کشف شده شناخته شده نیستند و مشخص نیست، چه تاثیری بر فرد می‌گذارد.

الشمري معتقد است آنچه موجب می‌شود، عناصر داعش شرایط سخت ماه‌ها محاصره و فشار در جبهه حميرين (در آن برهه زمانی) را تحمل کنند، مواد مخدر است که مصرف آن قدرت فرد را چندین برابر می‌کند.

رئيس پلیس دیاله تاکید می‌کند ۸۰ درصد عناصر داعش مواد مخدر مصرف می‌کنند و با نزدیک شدن به عملیات نظامی میزان مصرف افزایش می‌یابد. همچنین نیروهای امنیتی عراق، تیمی وابسته به داعش را شناسایی کردند که مسئولیت قاچاق مواد مخدر این گروه در عراق را تشکیل می‌داد و خط نقل و انتقال این مواد بود که حین دستگیری اعضای آن ۱۲ میلیون قرص مخدر کشف و ضبط شد که یکی از منابع مالی اصلی داعش در عراق را تشکیل می‌دهد.

مهمترین مناطق تولید افیون داعش در عراق شهرستان «الشرقاط» در استان صلاح‌الدین و منطقه «الرواشده» در ۵ کیلومتری شرق شهرستان «بلد» از توابع استان صلاح‌الدین است که این گروه در آنها اقدام به کاشت خشخاش می‌کرد.

همچنین گزارش‌ها تاکید می‌کند، داعش برای تامین نیازهای داخلی خود در شهر موصل اقدام به کاشت حشیش و خشخاش در مزارع اطراف شهر موصل می‌کرد.

«سعید مموزینی»، مسئول دایره اطلاع‌رسانی حزب دموکراتیک کردستان عراق تاکید می‌کند که مزارع گسترده کاشت حشیش و خشخاش داعش در دو منطقه «حمام العلیل» و «المحلبیة» در جنوب موصل متمرکز است.

مموزینی با بیان اینکه کاشت حشیش و خشخاش قبلا بصورت سری و محرمانه در

...خاطرات دردناک...

موصل انجام می‌شد، تاکید کرد در این اواخر و تا پیش از آغاز عملیات آزادسازی موصل داعش آن را علنی کرده بود و بموازات آن نیز پرده از اختلافات جدی بین سرکردگان این گروه در موصل به خاطر مواد مخدر برداشته شد. در سوریه مزارع کشت حشیش و خشخاش داعش عمدتاً در مزارع ریف‌های شهر رقه متمرکز است و داعش پس از تولید، آن را در بازارهای سیاه ترکیه به قیمت چندین برابر بفروش می‌رساند. نکته مهم این است که منابع محلی تاکید می‌کنند، از زمان اشغال رقه بدست داعش مواد مخدر آزادانه و به وفور در این شهر خرید و فروش می‌شود، اگرچه قوانین داعش کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی را تحریم کرده و جرم می‌داند. نکته بسیار تاسف‌آور استفاده داعش از مواد مخدر برای جذب کودکان است و در این راستا به کودکان اجازه مصرف این مواد داده می‌شود تا روحیه خشن‌تر و جنگجوی‌تری بدست آورند... به گزارش فارس

کشف شبکه‌های زیر زمینی قاچاق مواد مخدر

وزیر کشور مغرب از کشف شبکه زیر زمینی بزرگی در گذرگاه مرزی «الکرکرات»، بین مغرب و موریتانی خبر داد که داعش در لیبی از آن برای قاچاق مواد مخدر از لیبی به مغرب و از آنجا به اروپا استفاده می‌کرد. افزون بر آن سرویس‌های امنیتی اردن به تازگی از کشف چندین شبکه تونل در طول مرزهای مشترک بین اردن و عراق و همچنین اردن و سوریه خبر دادند که داعش از آنها برای قاچاق مواد مخدر از جمله قرص کپتاگون استفاده می‌کرد و از داخل این شبکه‌های زیر زمینی میلیون‌ها قرص کپتاگون را کشف و ضبط کرده بود... به گزارش فارس

...فاطرات دردناک...

درآمد داعش از قاچاق مواد مخدر

آژانس مبارزه با مواد مخدر روسیه سال گذشته تاکید کرده بود، داعش حضور فعالی در عرصه قاچاق مواد مخدر در سطح جهان دارد و برآورد شده، درآمد حاصل از قاچاق مواد مخدر این گروه سالیانه ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار باشد.

این درحالی است که همین گروه علی رغم دست داشت در قاچاق مواد مخدر مالیات‌های سنگینی را بر دیگر قاچاقچیان یا گروه‌های مافیای مواد مخدر که محموله‌های شان ملزم به عبور از مناطق تحت تصرف داعش است، بخصوص مافیای تجارت حشیش در مغرب که از طریق لیبی حشیش خود را به اروپا صادر می‌کند، وضع کرده و درآمدهای کلانی از این طریق بدست می‌آورند. همچنین دایره مبارزه با مواد مخدر اتحادیه اروپا ماه گذشته میلادی با انتشار گزارشی اعلام کرد، نیروهای امنیتی و پلیس ایتالیا مسیر جدید قاچاق مواد مخدر در طول سواحل شمالی آفریقا با مرکزیت لیبی کشف کردند که یکی از مهمترین مسیرهای قاچاق مواد مخدر بشمار می‌آید و ظرف ۳۲ ماه گذشته ۲۰ کشتی از این مسیر دریایی محموله‌های خود را که جمعا بالغ بر ۲۸۰ تُن انواع مواد مخدر به ارزش ۲.۸ میلیارد یورو معادل ۳.۲ میلیارد دلار می‌شد، به اروپا منتقل کردند... به گزارش فارس

مسیرهای قاچاق مواد مخدر داعش

آژانس مبارزه با مواد مخدر روسیه درباره مسیر قاچاق مواد مخدر داعش از افغانستان به اروپا می‌گوید: مسیر قاچاق مواد مخدر تولید شده داعش در افغانستان از شهرهای بدخشان و بامیان و هرات در افغانستان آغاز شده، با گذر از ایران، وارد ترکیه می‌شود،

...فاطرات دردناک...

در آنجا داعش دارای آزمایشگاه‌هایی است که افیون را به هروئین بسیار با کیفیت و مرغوب تبدیل می‌کنند و پس از آن به اروپا و روسیه قاچاق می‌شود. آژانس مبارزه با مواد مخدر روسیه پیش‌تر اعلام کرده بود که داعش نیمی از هروئین صادر شده به اروپا را از خاک عراق و برخی از کشورهای شمال آفریقا به اروپا قاچاق می‌کند و درآمد کلانی از این طریق محقق می‌کند.

در شمال آفریقا مهمترین مسیرهای قاچاق مواد مخدر داعش از مغرب شروع شده و پس از عبور از الجزایر وارد لیبی می‌شود تا راهی اروپا شود. نکته بسیار مهم این است که طی سال ۲۰۱۶ میلادی آژانس مبارزه با مواد مخدر اتحادیه اروپا و همچنین آمریکا حتی یک مورد گزارش درباره کشف و ضبط کشتی‌های حامل مواد مخدر در این مسیر هم نداشته‌اند و این سوالات مهمی را درباره حقیقت اوضاع در این منطقه مطرح می‌کند. یکی از جدیدترین مسیرهای قاچاق مواد مخدر ایجاد شده توسط داعش که محموله‌های این گروه را از شمال آفریقا به جنوب اروپا منتقل می‌کند، از شهر «دار البیضاء» در مغرب آغاز شده و با گذر از الجزایر و تونس به منطقه «طبرق» در شرق لیبی می‌رسد و از آنجا راهی اروپا شود.

افزون بر آن، اطلاعات بدست آمده تاکید می‌کند، گروه‌های مافیای مواد مخدر در سال‌های اخیر برای انتقال محموله‌هایش به اروپا مجبور شده، قراردادها و توافقنامه‌هایی با داعش امضا و مبالغ کلانی به این گروه پرداخت کند تا اجازه عبور محموله‌هایشان از مناطق تحت تصرف داعش بدست آورند. اغلب قراردادهای همکاری سال ۲۰۱۵ مناطق تحت تصرف داعش در شمال آفریقا بخصوص شهر «سرت» در شرق لیبی را شامل می‌شده که سواحل، بندر و تاسیسات و مراکز حیاتی این شهر تحت

...خاطرات دردناک...

تصرف داعش بود. دفتر مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان یافته وزارت کشور مغرب ضمن تایید این گزارش‌ها و اطلاعات مندرج در آنها، از ارتباط داعش در سوریه و عراق با شبکه‌های بین المللی قاچاق مواد مخدر مغرب خبر می‌دهد که در شهرهای الناظور، الحسیمه و طنجه، در شمال این کشور فعالیت دارند.

روابط نزدیک داعش در سوریه و عراق با شبکه‌های بین المللی قاچاق مواد مخدر در مغرب سوالات بسیاری درباره منافع و اهداف مشترک داعش و این شبکه‌های مغربی مطرح می‌کند و خطر داعش علیه مغرب را جدی‌تر از گذشته جلوه می‌دهد.

از سوی دیگر، مطبوعات انگلیسی افشا کردند داعش قصد دارد از کاشت ماده مخدر حشیش و قاچاق آن و دیگر انواع مواد مخدر به انگلیس به درآمدزایی خود از این ماده را افزایش دهد. داعش درحالی چنین سودایی را در سر می‌پروراند که موفق شده بود، در میان مافیای قاچاق «ماری جوانا» در انگلیس با درآمد سالانه ۴ میلیارد پوند، جای پای خود را مستحکم کند و با خارج کردن رقبا از میدان، بازار قاچاق ماری جوانان در مناطق کوهستانی آلبانی را در دست گرفته و آن را قبضه کند.

داعش محموله‌های ماری جوانای خود را از نقاط مختلف جهان با استفاده از کشتی‌ها و هواپیماهای باربری به مقصد شهر کوهستانی «لازارا» در البانی بار می‌زند.

داعش پس از درگیری‌های بسیار شدید بین نیروهای امنیتی و گروه‌های مافیای قاچاق مواد مخدر در آلبانی، بعنوان قدرت بلامنازع بر بازار قاچاق پر سود ماری جوانای شهر لازارا در آلبانی تسط پیدا کند. سرویس‌های امنیتی اسپانیا در گزارش محرمانه‌ای افشا می‌کنند مسیرهای دریایی شمال مغرب و جنوب اسپانیا به اصلی‌ترین و مهمترین مسیرهای قاچاق مواد مخدر داعش در الجزایر و نیجریه تبدیل

...خاطرات دردناک...

شده است. این گزارش محرمانه که ۱۲ سپتامبر گذشته تحت عنوان «اسپانیا، راه اصلی قاچاق مواد مخدر داعش» تاکید می‌کند هم اکنون این گروه در بنادر جنوبی اسپانیا نفوذ کرده و در تمام راه‌ها و مسیرهای شرق اسپانیا تردد دارد و با استفاده از آنها خود را مرکز اروپا می‌رساند.

در بخشی از این گزارش محرمانه آمده است اکنون دو بندر اسپانیایی ملییه و المیریه، در جنوب این کشور به مراکز اصلی قاچاق مواد مخدر از جمله هروئین و کوکائین داعش تبدیل شده و برای اینکه عملیات قاچاق با موفقیت انجام شود، داعش در این دو بندر از زنان خلافکار و دارای سوء پیشینه که روابطی با نیروهای امنیتی و پلیس منطقه برقرار کرده‌اند، استفاده می‌کند... به گزارش فارس

علامت تجاری داعش

یک روزنامه آمریکایی یادآور می‌شود، داعش در لیبی محموله‌های خود را با آرام مشخصی صادر می‌کند که اغلب بشکل «عقرب» یا «دلار» است. به گزارش فارس

همکاری نزدیک با مافیا

گزارش‌های محرمانه سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی ایتالیا، درآمدهای داعش از قاچاق انواع مواد مخدر و حشیش به اروپا را میلیون‌ها دلار تخمین زده و تاکید می‌کنند، این گروه در قاچاق این مواد با مافیای قاچاق مواد مخدر کشورهای اروپایی همکاری نزدیک دارد. «فرانکو روبرتو»، رئیس یگان مبارزه با تروریسم و مافیای ایتالیا می‌گوید: پلیس این کشور مستنداتی بدست آورده که ثابت می‌کند، داعش در لیبی

...ظاطرات دردناک...

با قاچاقچیان مواد مخدر در اروپا ارتباط دارد و به این گروه‌ها خدمات مورد نیاز جهت انتقال محموله‌هایشان از شمال آفریقا به جنوب اروپا را ارائه می‌دهد.

براساس مستندات بدست آمده، درآمد داعش از این قردادها در نیمه اول سال ۲۰۱۵ میلادی ماهیانه ۵۶ میلیون دلار برآورد شده است. «پل کان»، کارشناس و تحلیلگر مسائل سیاست خارجی و امنیتی در گزارشی به تفصیل به رابطه مخفیانه قاچاق مواد مخدر و تامین مالی برخی از گروه‌های تروریستی اشاره و در عین حال تاکید می‌کند، اغلب اعضای این گروه‌ها برای عملیات‌های غیرانسانی و وحشیانه‌اشان مصرف کننده مواد مخدر هستند. وی گزارش خود را از محله مشهور «مولن‌بیک» شهر بروکسل آغاز می‌کند که «خالد زرکانی» مغربی معروف به «بابا نوئل» یکی از ساکنان آن است و در جنایات سازمان یافته دست دارد. مشاهده شده بود، وی قبل از دستگیری هر روز مبالغی را میان جوانان و نوجوانان محله پخش و آنها را به پیوستن به داعش در عراق و سوریه تشویق می‌کرد، به‌گونه‌ای که «عبدالحمید أبو‌عود» عامل حملات تروریستی پاریس بواسطه وی جذب داعش شده بود. پل کان با اشاره به اینکه اسلام مصرف مواد مخدر و تجارت آن را حرام اعلام کرده، می‌افزاید: داعش با توسل به توجیهات و ترفندهای مختلف تلاش کرده، قاچاق و مصرف این مواد توسط عناصرش را توجیه کند به‌گونه‌ای که اکنون یکی از رسوم و عرف‌های ثابت این گروه مصرف موادی مانند هروئین و میس پیش از عملیات‌های انتحاری و انفجاری است. این کارشناس بلژیکی نگاه خواننده را به گروه تکفیری «بوکو حرام» در کشور مالی جلب می‌کند که قاچاق «کوکائین» به اروپا یکی از مهمترین منابع مالی این گروه است و عناصرش قبل از عملیات‌های تروریستی و انتحاری خود از آن مصرف می‌کنند.

...خاطرات دردناک...

اکنون قرص نشاط آور «کپتاگون» که به Alvenithleen هم معروف است، میان عناصر داعش محبوبیت بسیاری دارد، چون فرد پس از مصرف تا ساعتها و حتی روزها بیدار است. این قرصها احساس قتل و کشتار را در فرد زنده کرده او تشویق به قتل و کشتار بی‌پروا می‌کند... به گزارش فارس



دره بقاع مرکز فروش کپتاگون

گزارش‌های امنیتی تاکید می‌کند، دره بقاع در شرق لبنان از زمان آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ به مهمترین کانون تولید و صدور قرص‌های مبدل کرده و مناطق تحت اشغال داعش بدلیل شرایط خاص حاکم بر این مناطق مهمترین کانون استفاده از این قرص‌ها هستند. براساس آمارها، در سال ۲۰۱۵ میلادی این منطقه بیش از ۵۰ میلیون قرص کپتاگون به مشتریان خود فروخته که مهمترین آنها دو گروه تکفیری داعش و جبهه النصره بوده‌اند... به گزارش فارس

معجونی که داعشی‌ها را تحریک و بی‌رحم می‌کند

نیروهای تروریستی داعش با استفاده از مواد مخدر “کابتاگون” زمانی که تحت تأثیر این مواد قرار می‌گیرند، از قدرت بدنی بالایی برخوردار می‌شوند و تمام احساسات ترس و درد از آن‌ها گرفته می‌شود به اضافه این‌که آن‌ها را بی‌رحم و خشن می‌سازد، حتی این مواد میل جنسی افراد را افزایش می‌دهد. گروه‌های تروریستی داعش بدون هیچگونه رحم و با خونسردی کامل مردم بیگناه را به روش‌های مختلف و به دور از انسانیت مورد تجاوز و قتل قرار می‌دهند. بسیاری از مردم در مورد بی‌رحمی و خشن بودن نیروهای تروریستی داعش در تعجب هستند، که چگونه ذره ای از انسانیت در رفتاری آن‌ها احساس نمی‌شود...

برخی از پاسخ‌ها در مورد این موضوع به تازگی در روزنامه‌های بلغارستان به نقل از مجله هفتگی “لوکورییه انترناسیونال” فرانسه بیان شده است. این مجله تأکید کرده است، که داعش از مواد مخدری به نام “کابتاگون” استفاده می‌کند. این ماده در سال ۱۹۸۶ مورد تحریم بین‌المللی قرار گرفته بود. این مواد مخدر در آزمایشگاه‌های مخصوص ناتو در کشور بلغارستان تولید می‌شود و از آن به عنوان “معجون محرمانه داعش” نیز یاد می‌شود. در ادامه این مجله گفته شده است که نیروهای تروریستی داعش با استفاده از مواد مخدر “کابتاگون” زمانی که تحت تأثیر این مواد قرار می‌گیرند، از قدرت بدنی بالایی برخوردار می‌شوند و تمام احساسات ترس و درد از آن‌ها گرفته می‌شود به اضافه این‌که آن‌ها را بی‌رحم و خشن می‌سازد، حتی این مواد میل جنسی افراد را افزایش می‌دهد. این موضوع خودش به تنهایی می‌تواند سلاحی مرگباری باشد، که داعش از آن استفاده می‌کند.

...خاطرات دردناک...

انتقال کوکائین

مجله انگلیسی دیلی بیست در یکی از شماره‌های خود گفتگویی را با یکی از تروریست‌های آفریقایی‌تبار داعش انجام داد. وی پیش از این در زمینه قاچاق انسان و مواد مخدر فعالیت داشته است. نام او موسی است و از نیجریه فرار کرده است. او قاچاق انسان را رها کرده و به گروه تروریستی داعش می‌پیوندد. او در توصیف مناسبات خود با اعضای گروه تروریستی داعش در صحرای آفریقا و ماهیت ماموریت‌های خود در مالی و مناسباتش با قاچاق انسان و تجارت جنسی زنان توضیح داده است. وی توضیح می‌دهد که چگونه عناصر داعش به لیبی می‌روند و از آنجا به اروپا یا کشورهای مجاور در شمال آفریقا سفر می‌کنند. موسی اعتراف می‌کند که مواد مخدر در تمام مناطق که عناصر داعش و القاعده حضور دارند، وجود دارد. این مواد مخدر از طریق مافیاهای موجود در آمریکای لاتین برای آنها تامین می‌شود. موسی می‌افزاید که تعدادی از قاچاقچیان ارشد مواد مخدر در آفریقا با گروه‌های مسلح تروریستی و تاجران زنان و نمایندگان گروه تروریستی داعش همکاری می‌کنند. آنها در بسیاری از موارد مذاکراتی را با قاچاقچیان دیگر از آمریکای جنوبی انجام می‌دهند تا بتوانند راه کارهای جدیدی برای انتقال عناصر تروریستی یا انتقال کوکائین به اروپا کشف کنند... به گزارش فارس



...خاطرات دردناک...

نفت داعش از ابتدا تا اکنون

جزئیات استخراج، پالایش، نحوه انتقال و تبادل نفت داعش افراد و طرف های بسیاری در فروش نفت مسروقه داعش از میدان های نفتی سوریه و عراق دست دارند و در این کتاب تلاش می شود تا جای ممکن پرده از چهره واقعی این افراد و طرف ها بردارد. افراد و طرف های بسیاری در فروش نفت مسروقه داعش از میدان های نفتی سوریه و عراق دست دارند و گزارش زیر تلاش می کند تا جای ممکن پرده از چهره واقعی این افراد و طرف ها بردارد و نقش آنها در شبکه ها و مافیای قاچاق این ماده در کردستان و ترکیه تا رسیدن آن به سرزمین های اشغالی [اسرائیل] را برملا کند، ماده ای که شاهرگ زندگی «داعش» در مناطق تحت سیطره اش در سوریه و عراق را تشکیل می دهد، مناطقی که بنابر برخی گزارش ها جمعا مساحت ۴ کشور عربی را شامل می شود و ۵ میلیون جمعیت را در خود جای می دهد.

مرگ در انتظار افرادی که به میدان های نفتی نزدیک می شوند

"عکسبرداری ممنوع"، در صورت تخلف خود را در معرض خطر قرار می دهید. این جمله ای است که در نزدیکی و اطراف تمام میدان های نفتی که داعش در شمال عراق و شرق سوریه بر آنها تسلط داشت، به چشم می خورد. ساعات کار داعش در این میدان های نفتی روزانه بین ۷ تا ۹ ساعت و زیر نظر کارشناسان و مهندسان و همچنین توسط کارگران سابق این میدان های نفتی است که داعش هنگام اشغال و تصرف این میدان ها و تاسیسات مانع از فرار آنها شده و براساس تحقیقات انجام شده، اغلب آنها دارای تابعیت عراقی هستند.

...مخاطرات دردناک...

افرادی که در این میدان ها با هر پست و سمتی فعالیت دارند، از سوی داعش تحت نظر بسیار دقیق و شدید قرار دارند و مورد توجه و عنایت این گروه هستند و مسئولیت آنها بر عهده «شیخ ابو محمد المغربي»، از سرکردگان بارز داعش است که در این اواخر از سوی «ابو بکر البغدادی» به عنوان مسئول پرونده صادرات نفت داعش به جای «شیخ ابو سیاف» که در عملیات نیروهای ویژه آمریکایی در دیر الزور از پای در آمد، منصوب شده است.

وضعیت استخراج نفت داعش، امروزه با سال های قبل تفاوت بسیاری دارد، چون این گروه توانسته است، به تجهیزات هیدرولیکی و برقی دست یابد که اغلب آنها تجهیزاتی هستند که در پالایشگاه ها و میدان های نفتی «علاس» و «العجیل» در نزدیکی «تکریت»، در شمال عراق مورد استفاده قرار می گرفتند.



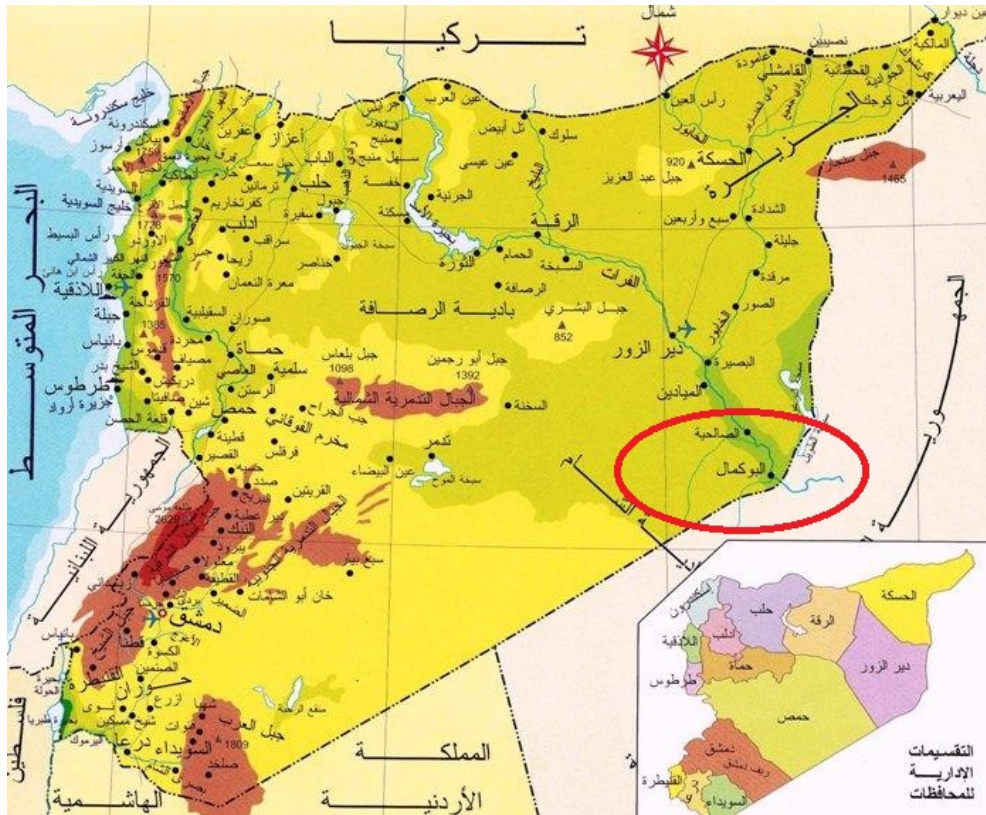
...خاطرات دردناک...

بخشی از این تجهیزات و دستگاه‌ها نیز از آن شرکت‌های نفتی است که در میدان‌های نفتی عراق از جمله میدان نفتی کوچک و قرار گرفته در نزدیکی موصل که نهم ژوئن ۲۰۱۴ توسط داعش تصرف شد، استفاده می‌شدند. مشاهدات و تحقیقات صورت گرفته در این خصوص تاکید می‌کند که داعش توجه بسیاری به این بخش چه در عراق و چه در سوریه دارد و این موضوع آشکارا از لباس متحد الشکلی که افراد شاغل در این بخش به تن دارند و همچنین تجهیزات ایمنی در نظر گرفته شده برای آنها و تامین نیازهای این افراد و خانواده‌هایشان آشکار است. این توجه و رسیدگی در واقع ثابت می‌کند که داعش به اهمیت و جایگاه افراد شاغل در این بخش آگاه است و می‌داند، آنها راز ادامه بقا و اقتدار این گروه و حفظ اولین و مهمترین منبع تامین درآمد آن هستند.

مهمترین و اصلی‌ترین میدان‌های نفتی داعش

مهمترین و اصلی‌ترین میدان‌های نفتی داعش در سوریه دو میدان «کونیکو» و «التیم» است که غرب و شمال غربی شهر دیر الزور در شرق سوریه واقع شده است. در حالی که مهمترین و اصلی‌ترین میدان‌های نفتی داعش در عراق دو میدان نفتی «النجمه» و «القیاره» است و به این چهار میدان اصلی، میدان‌های فرعی و کوچک دیگری مانند میدان «الورد» در شهر «البو کمال» سوریه، واقع در استان دیر الزور و میدان‌های نفتی کوچک قرار گرفته در غرب موصل و در نزدیکی شهرک «تل الرمان» که دارای مصارف داخلی و محلی است، افزوده می‌شود.

...خاخرات درناک...



پس از استخراج نفت توسط کارشناسان ومهندسان اين صنعت، نفت خام استخراج شده در حوضچه ها زیر زمینی بزرگی که مساحت هریک از آنها ۴۰ در ۱۰ متر است، ذخیره می شود. به طور معمول دیواره و کف این حوضچه ها را لایه ای سیمان و مواد نفوذ ناپذیر فرا می گیرد تا از یک سو مانع تخریب حوضچه و از سوی دیگر سرایت و جذب نفت به نقاط اطراف حوضچه شود.

...فاطرات دردناک...

همچنین چهار نفر در چهار گوشه حوضچه مسئولیت مراقبت و نگهبانی از آن را برعهده دارند، در حالی که در کنار هریک از آنها پمپی نصب شده که نفت را از حوضچه ها به تانکرهایی منتقل می کند که می بایست این نفت را به نقاط مشخص شده و برای اغراض معین شده انتقال دهند.

غالباً این نفت با ناخالصی ها و زواید بسیاری همراه است که هنگام انتقال آن به حوضچه ها به آن آغشته می شود. پس از پر شدن تانکر، به راننده کامیون دستور حرکت و خروج از منطقه داده و به واسطه بی سیم از کامیون بعدی خواسته می شود، جایگزین آن شود.

تانکرهای حامل نفت به هیچ وجه اجازه تجمع و توقف در یک نقطه را ندارند و این اقدام امنیتی پیشگیرانه ای است که داعش آن را اتخاذ کرده تا در صورت مورد حمله واقع شدن تمام تانکر انتقال نفت خود را از دست ندهد.

این شیوه استخراج و انتقال نفت، شیوه غالب مورد استفاده داعش در میدان های نفتی است که بر آنها سیطره دارد، با این حال استخراج نفت از میدان های نفتی عراق برای داعش به دلایل مختلف از جمله نزدیک بودن این میدان ها به سطح زمین و عمیق نبودن چاه های آن آسان تر از میدان های نفتی سوریه است. علاوه بر اینکه نفت استخراج شده از چاه های نفتی عراق دارای ناخالصی های کمتری نسبت به نفت چاه های سوریه است.

با توجه به اطلاعات موجود، تخمین زده می شود که میانگین تولید روزانه نفت داعش از میدان های تحت تصرف این گروه چه در سوریه و چه در عراق، به ۳۰ بشکه برسد.

...خطرات دردناک...

آغاز روند صادرات نفت داعش

یک مقام مسئول ارشد وزارت کشور عراق که به دلایل امنیتی خواستار عدم افشای هویت خود شد، اطلاعاتی درباره صدور نفت عراق توسط داعش می دهد، اطلاعاتی که توسط مسئولان امنیتی منطقه کردستان عراق و کارمندان شاغل در گذرگاه مرزی «ابراهیم الخلیل» بین عراق و ترکیه و یکی از مسئولان ۳ شرکت نفتی که داعش در زمینه فروش نفت با آنها تعامل دارد، مورد تایید و تاکید قرار گرفت.

MASTER'S RECEIPT FOR DOCUMENTS

VESSEL : AL-SAYID
BILL OF LADING DATE : 05.06.2015
SHIPMENT NO : 2015011
GRADE : EXPORT BLEND CRUDE OIL

The undersigned Master of the above mentioned vessel hereby acknowledges receipt of the following documents

From	Botas Terminal
At the port of	Ceyhan
For the delivery to the Consignee(s)	To Order
Bill of Lading	2 Copies
Certificate of Quantity and Quality	2 Copies
Certificate of Origin	2 Copies
Cargo Manifest	2 Copies
Time Sheet	2 Copies
Master's Receipt of Samples	2 Copies
Master's Receipt of Documents	2 Copies
Utage Report	2 Copies

Master of Vessel

Signature
Date : 05.06.2015

نمونه یکی از مجوزهای برای ورود کامیون های حامل نفت داعش به خاک ترکیه

چرخه نفت داعش از تولید تا فروش در سرزمین های اشغالی و به طور مشخص به بندر «اشدود» اسرائیل است . اولین مقصد کامیون ها و تانکرهای حامل نفت داعش شهر کردنشین «زاخو» است که ۸۸ کیلومتر با نقطه حمل نفت در موصل فاصله دارد و با استان «شرواخ» ترکیه هم مرز است.



بندر "اشدود" در سرزمین های اشغالی فلسطین

به طور متوسط هر یک کاروان ۷۰ تا ۱۰۰ کامیون و تانکر را در برمی گیرد و به محض راه افتادن شبکه های مافیایی قاچاق نفت از آنها استقبال می کنند، شبکه هایی که اعضای آن را واسطه ها، دلال ها و تجار کرد و سوری و عراقی و ترکیه ای تشکیل می دهند و خرید نفت این کامیون ها و تانکر اغلب به صورت مزایده است و هر طرفی که مبلغ بیشتری پرداخت کند، خریدار اول نفت این کامیون هاست. این موضوع موجب شده تا رقابت تنگاتنگی بین مافیای خرید و فروش نفت در این مناطق شکل گیرد که در مواردی به رویارویی و مقابله این شبکه ها با یکدیگر نیز منجر و در مواردی به ترور روسای این شبکه ها توسط شبکه های رقیب منتهی شده است. اگرچه داعش نفت مسروقه خود را به صورت مستقیم به اسرائیل نمی فروشد و این دلالان هستند که پس از خرید این نفت، آن را به سرزمین های اشغالی انتقال

...فاطرات دردناک...

می دهند، اما تاکید می کنند که این به معنای امتناع داعش از فروش نفت به اسرائیل نیست، چون برای این گروه مهم نیست که خریدار این نفت چه طرفی است، بلکه آنچه اهمیت دارد، فروش آن به بهای بیشتر است، در عین حال برای تجار و خریداران اسرائیلی نیز تفاوت نمی کند که مالک و صاحب این نفت چه طرفی است، آنچه برای آنها اهمیت دارد، قیمت ارزان آن است.



پس از خرید نفت، ۱۰ تا ۲۵ درصد از بهای محموله پرداخت و مابقی پس از تحویل کامل محموله به فروشنده پرداخت می شود و به طور معمول شهر زاخو مهمترین نقطه خرید و فروش نفت داعش در عراق است....

کامیون ها و تانکرهای حامل نفت خریداری شده داعش پس از آن با برگه ها و مجوزهای رسمی جدید به مسیر خود که غالباً در خاک ترکیه است، ادامه می دهند. البته پیش از فروش نفت خام مسروقه داعش در زاخو، این نفت به پالایشگاه های ساده و اولیه ای تحویل داده می شود تا از طریق تقطیر و حرارت دادن آن را تصفیه کرده و بخشی از ناخالصی های آن را بگیرند، چون دولت ترکیه مانع ورود نفت خام

...خاطرات دردناک...

مسروقه از دولت عراق به خاک ترکیه می شود، در حالی که نفت پالایش شده به عنوان یکی از محصولات نفتی و تولیدات پالایشگاه ها وارد خاک ترکیه می شود و پالایشگاه ها نیز الزاما وابسته به دولت عراق نیستند، بلکه پالایشگاه های خصوصی نیز وجود دارد که کار پالایش نفت خام را انجام می دهند و به این ترتیب آنکارا تلاش می کند، خود را از زیر بار خرید نفت غیر قانونی و مسروقه عراق خارج کند و اتهامی را متوجه خود نکند. به دلیل کنترل مرزهای عراق و ترکیه توسط نگهبانان مرزی دو منطقه کوهستانی «کافی» و «آغا» به مهمترین نقاط انتقال نفت داعش از مرز عراق به مرز ترکیه تبدیل شده اند و شهرک ها و روستاهای مرزی ترکیه به ویژه شهرک «سلوبی» مقصد این کامیون ها و تانکرهاست و در اینجاست که بهای کامل محموله های نفتی به فروشندگان آنها توسط فردی به نام «دکتر فرید» یا «حاجی فرید» یا «عمو فرید» که دارای تابعیت یونانی و مردی ۵۰ ساله نشان می دهد و بسیار با احتیاط عمل می کند، تسویه می شود.



«عمو فرید»، یکی از بزرگترین دلالان و واسطه‌های صهیونیستی خریدار نفت داعش

...خاطرات دردناک...

عمو فرید را همیشه دو جوان تنومند با خودرو جیب سیاه رنگ همراهی می کنند و به دلیل نبود تصویری از او یا عدم امکان تهیه تصویر براساس توصیفات صورت گرفته به نظر می رسد، دارای چنین سیمایی باشد. البته موارد متعددی مشاهده شده که نفت غیر قانونی فروخته شده توسط دولت فدرال کردستان به ترکیه در این منطقه با نفت مسروقه داعش مخلوط شده و وارد بازارها می شود و یا به دست خریداران می رسد.



...خاطرات دردناک...

حلقه گم شده

در یک روز سرد زمستانی سال گذشته اهالی شهر موصل جسد مرد ۴۰ ساله ای به نام «ناجی» را یافتند که به «ناجی عراق» معروف بود. در جیب وی پاسپورتی مشاهده شد که مهر فرودگاه های کشورهای مختلف از جمله یونان و ترکیه را خورده بود. در پروسه تهیه گزارش قاچاق نفت توسط داعش دریافتیم که وی از جمله افراد معروف در یکی از شهرک های مرزی ترکیه بود که او را «ناجی طلا» می نامیدند و به نظر می رسد، وی جاسوسی دو جانبه بین داعش و یکی از کشورهای خریدار نفت این گروه بود که مسئولیت راهنمای کامیون ها و تانکرهای حامل نفت و هماهنگ کننده بین طرف های فروشنده و خریدار بود و به دلیل شناسایی و افشای هویتش به قتل رسیده بود.

در مسیر اسرائیل

پس از پایان معامله و فروش نفت که به طور میانگین ۱۵ تا ۱۸ دلار در نوسان است، دستمزد رانندگان پرداخت می شود، این درحالی است که برای عبور این محموله های نفتی، خریداران آنها رشوه های چشمگیری را در نقاط ایست و بازرسی به ماموران می دهند تا انتقال نفت با مشکلی مواجه نشود.

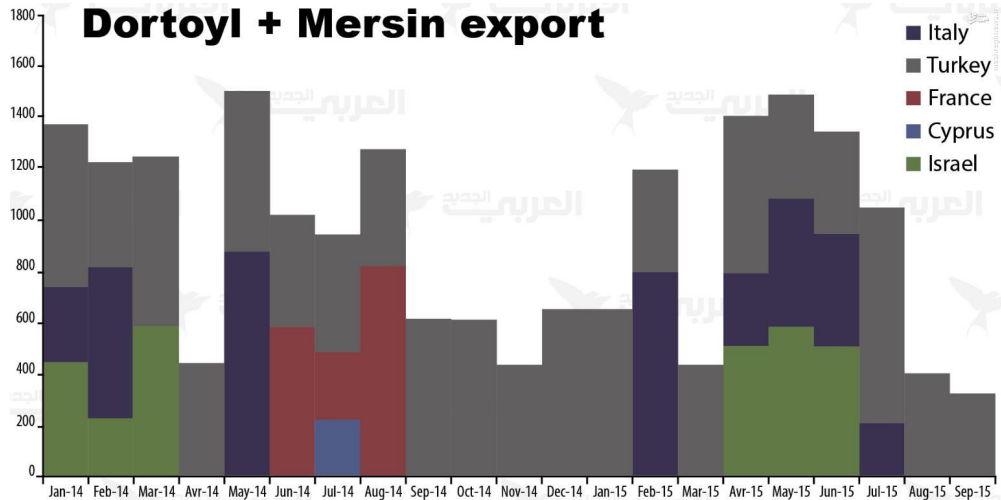
براساس اطلاعات به دست آمده، تخمین زده می شود که داعش از فروش نفت مسروقه عراق و سوریه "ماهانه ۱۹ میلیون دلار" درآمد داشته باشد و بالاترین میزان فروش این گروه بالغ بر ۳۵ میلیون دلار بوده است.

به هر روی با پایان یافتن عملیات فروش، پروسه انتقال نفت عراق به سرزمین های اشغالی توسط عمو فرید آغاز می شود که به نظر می رسد، وی مهمترین دلال نفت

...خاطرات دردناک...

داعش در این منطقه و مهمترین هماهنگ کننده بین مافیای نفت و شرکت های نفتی باشد.

عمو فرید فعالیت های نفتی خود را در پوشش دفتر تجاری و بازرگانی انجام می دهد که مجوز تاسیس آن را دریافت کرده و با سه شرکت نفتی که خریداران عمده نفت داعش هستند، در تماس است و هماهنگی های لازم را با آنها به عمل می آورد و این گزارش از ذکر نام این شرکت ها معذور است، اما به بیان این نکته اکتفا می کند که یکی از آنها مورد حمایت یکی از مقامات مسئول ارشد غربی است. به هر روی نفت خریداری شده به سه بندر «مرسین»، «دورت پل» و «جیهان» ترکیه منتقل می شود تا از آنها توسط نفتکش به اسرائیل منتقل شود و مقصد تمام این نفتکش ها بندر «اشدود» است.

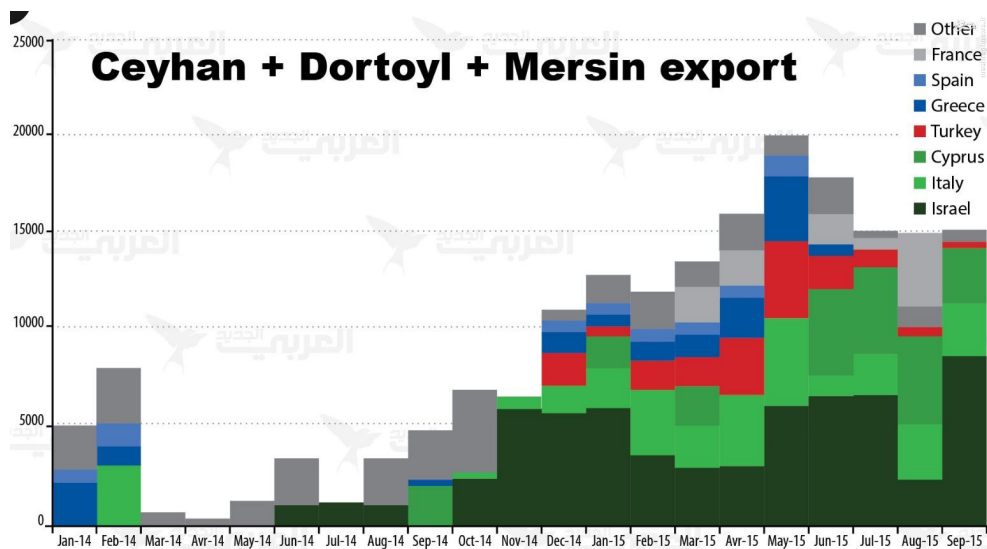


نمودار پنج مسیر صدور نفت داعش: رنگ خاکستری: ترکیه رنگ سبز: اسرائیل رنگ آبی: قبرس رنگ زرشکی: فرانسه رنگ سورمه ای: ایتالیا

...خاطرات دردناک...

صدور مجدد نفت از اسرائیل

از آنجا که اسرائیل دارای پالایشگاه های پیشرفته نیست، بنابراین اقدام به پالایش اولیه نفت و استخراج یک یا دو محصول از آن می کند و سپس آن را به کشورهای حوزه دریای مدیترانه به قیمت ۳۰ تا ۳۵ دلار در هر شبکه صادر می کند. به گفته یک منبع آگاه اروپایی نفت صادراتی اسرائیل ظرف یک تا دو روز به شرکت های ذیربط فروخته می شود و در این بین یکی از پالایشگاه های ایتالیا یکی از مشتریان ثابت این نفت است تا پس از پالایش مجدد، آن را به مصرف داخلی برساند.



نمودار مهمترین واردکنندگان نفت داعش: رنگ سبز تیره: اسرائیل رنگ سبز: قبرس رنگ سبز روشن: ایتالیا رنگ قرمز: ترکیه رنگ آبی تیره: یونان رنگ ابی: اسپانیا این منبع اروپایی تاکید می کند که اسرائیل هم اکنون مهمترین فروشنده و صادر کننده نفت داعش در عرصه بین المللی است و از این حیث تل آویو خدمت بزرگی

...مخاطرات دردناک...

به داعش می‌کند، چون حتی اگر ترکیه هم نیز اقدام به فروش نفت داعش کند، همانند اسرائیل که قوانین و عرف‌های بین‌المللی را نادیده می‌گیرد و آنها را زیر پا می‌گذارد، توان فروش آن را با این سرعت و گستره نداشت.

مبادلات ارزی

تاکنون ثابت نشده که داعش درآمد حاصل از فروش نفت مسروقه را به یک شیوه و بر یک منوال دریافت می‌کند و تحقیقات صورت گرفته در این خصوص نشان داده که مبادلات ارزی به صورت و شکل جاری در شبکه‌های مافیایی بزرگ انجام می‌شود، به این معنا که پس از دریافت نقدی ۱۰ تا ۲۵ درصد بهای محموله در شهر زاخو مابقی مبلغ به حساب بانکی یک عراقی مجهول‌الهویه واریز و پس از برداشت، توسط صرافی‌های محلی و با نام و نشان مختلف به داعش در رقه و موصل تحویل داده می‌شود. یکی از راه‌های دیگر مورد استفاده خرید خودرو با درآمد حاصل از فروش نفت و وارد کردن آنها به عراق و فروش این خودروها داخل این کشور به ویژه جنوب عراق است. نکته قابل‌تأمل آن است که در تمام جنگ‌ها شاهد شکل‌گیری طیفی از افراد هستیم که به نوعی از شرایط جنگ در راستای منافع و اهداف خود بهره‌برداری می‌کنند و یکی از راه‌های مهم پایان دادن به جنگ‌ها، متوقف کردن فعالیت این طیف از افراد است و بالطبع جنگ در سوریه و عراق از این شرایط مستثنی نیست و در تمام فعالیت‌ها و اقدامات این طیف از افراد آثار طرف‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و قطر و ترکیه و رژیم صهیونیستی مشاهده می‌شود.

"بازار نفت مسروقه داعش یکی از بازتاب‌های جانبی بازار سیاه جنگ است که در

...خاطرات دردناک...

کنار بازارهایی مانند تجارت اعضای بشر، قاچاق انسان ها، و غارت کارخانه های عراق و سوریه، کشت خشخاش، انتقال هروئین و کوکائین و... رشد و نمو یافت و آنچه رشد و نمو این بازارها را در پی داشت، سیاست گذاری ها و تصمیم گیری های انجام شده در پس آن بود تا این تجارت های کثیف را به تجارتي هدفمند تبدیل کند. ظرف یک سال و نیم نفت مسروقه داعش روزانه و به صورت منظم با مشارکت دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی ترکیه و اسرائیل راهی بیش از ۲ هزار کیلو متری را از دریا و زمین طی می کرد تا وارد بازارهای جهانی شود و نیازهای مالی داعش در جنگ هایش را تامین کند.

همچنین بی سبب نیست که «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهوری ترکیه و «بنیامین نتانیاهو»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی تا این اندازه بر محافظت از این خط انتقالی و تامین امنیت آن اهتمام داشتند و سرمایه گذاری پسران خود را در آن تشویق می کردند، چون روزانه نیم میلیارد دلار سود برای آنها به همراه داشت. چرخه تولید تا فروش نفت «داعش» از «دیر الزور» در شرق سوریه تا «موصل» در عراق و از شمال عراق، منطقه «کردستان» تا مرزهای ترکیه را در برمی گیرد. همچنین بی سبب نیست که اردوغان و نتانیاهو شخصا با «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهوری روسیه تماس می گیرند تا به قول خود مسیر پرواز جنگنده های روسی در سوریه و حملات آنها علیه مواضع داعش را هماهنگ کنند.

همچنین طبق اسناد منتشر شده در اینترنت و اطلاعات موجود در شبکه های اجتماعی و گزارشات مستند ژیارگل خبرنگار شبکه تلویزیونی بی.بی.سی در عراق و ترکیه همچنین تایید کارشناسان نفتی؛ ناظم زهاوی (Nadhim Zahawi) یهودی

...خاطرات دردناک...

عراقی‌الاصل عضو حزب محافظه‌کار و اولین نماینده کرد مجلس عوام انگلیس، نقش محوری در خرید و فروش نفت مناطق تحت تصرف گروه تروریستی داعش دارد. زهاوی که به نماینده میلیونر مشهور است از بزرگترین سهامداران شرکت نفتی 'Genel Energy' در کردستان عراق می‌باشد و طی سال گذشته درآمد هنگفتی از مسیر دلالی فروش نفت داعش به کشورهای اروپایی و رژیم اشغالگر قدس داشته است. این نماینده کرد یهودی پارلمان انگلیس محموله‌های نفتی را با قیمت‌های نازل (بین ۱۲ تا ۳۰ دلار) از داعش خریداری کرده و سپس از مسیر ترکیه و دریای مدیترانه به مشتریان اروپایی می‌فروشد. با افشای این خبر بخشی از ابهامات موجود در مورد نقش دلالان در فروش نفت داعش مرتفع می‌گردد.

چندی پیش «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه فردی کم‌حرف، کم‌ادعا، رازدار و حافظ اسرار خود و اسرار دولت یعنی آقای «هاکان فیدان» (جعبه سیاه اردوغان) رئیس سازمان اطلاعاتی این کشور را احضار و به وی دستور داد تا هرگونه امکانات لازم جهت انتقال مخالفان مسلح حکومت سوریه (به اصطلاح «معتدل مسلح») را از نقاط مرزی ترکیه به خاک سوریه فراهم کند.

کایا در ادامه با اشاره به تلاش دو ساله ترکیه برای ایجاد منطقه امن در شمال سوریه یادآور شده است: ترکیه طی ۲ سال گذشته به دنبال ایجاد منطقه‌ای امن (شبهه آنچه از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ برای کردستان عراق اتفاق افتاد) در شمال کشور سوریه بود و بسیار تلاش کرد تا این اقدام را با حمایت سازمان ملل و کشورهای اروپایی به ثمر برساند. اردوغان قصد داشت با این برنامه، صدها نفر از نیروهایی که با هزینه‌های سرسام‌آور عربستان سعودی زیر نظر مربیان آمریکایی در اردوگاهی در اطراف شهر

...فاطرات دردناک...

«غازی عنتب» آموزش دیده بودند، با هدف خارج کردن کامل حلب از کنترل حکومت سوریه به این استان اعزام کند، این نیروها از مسیر استان «هاتای» وارد شهرک مرزی «یایلاداغی» گردیده و از آنجا به تدریج وارد استان حلب سوریه شدند.

رسانه‌های غربی و ترکیه‌ای نیز طی هفته‌های اخیر اخبار زیادی را مبنی بر آرایش نیروهای نظامی ترکیه در مرزهای جنوبی این کشور و در نزدیکی مرزهای شمالی سوریه منتشر کرده‌اند. می‌توان گفت روند اتفاقات در چند هفته گذشته به گونه‌ای بوده که همه چیز از مرحله احتمال عبور و به مرحله قطعیت رسیده و بر اساس آخرین اخبار، ترکیه در شرایط فعلی منطقه‌ای قصد دارد بدون اخذ مجوز ظاهری از قدرت‌های فرامنطقه‌ای دست به حمله علیه سوریه بزند تا با ایجاد منطقه حفاظت شده بتواند تعداد بیشتری از تروریست‌های سوریه را در آنجا آموزش، سازماندهی و برای سقوط بشار اسد فرماندهی کند.

از یک سو ترکیه نمی‌تواند به وفاداری مخالفان سوریه به خود اطمینان داشته باشد و از سوی دیگر در صورت حمایت آنها از ترکیه، چهره آنکارا نزد افکار عمومی جهان تا حد زیادی خدشه دار خواهد شد، چرا که در صورت حمایت تروریست‌های سوریه از آنکارا، افکار عمومی به ترکیه به عنوان یک دولت تروریستی خواهند نگریست.

ترکیه‌ای‌ها و عربستانی‌ها در حال برگزاری مذاکرات در سطح عالی برای توافق بر سر ایجاد اتحادی نظامی با هدف کنار زدن بشار اسد از قدرت در سوریه هستند...

به نقل از پایگاه خبری «الخبر پرس» لبنان در مقاله‌ای به قلم «احمد کایا» به نقل از گزارش «هافینگتون پست»

...خاطرات دردناک...

روش‌های کمک‌های مالی ترکیه به داعش برای براندازی حکومت سوریه

۱- فروش نفت خام از طریق شهرهای «باتمان» و «غازی عنتب» واقع در منطقه جنوب شرقی ترکیه و شمال شرق سوریه به شرکت‌هایی همچون «کایالار»، «بیئلنار»، «دوگولو» و «بارنتلی» که توسط افرادی مانند «حسن ایکینچی»، «مهمت بارتینلی»، «عثمان کایا» و «حیدرکالیسلار» درآمدی بالغ بر یک میلیون دلار در روز برای تروریست‌ها ایجاد کرده است.

۲- فروش آثار باستانی سوریه از طریق خاک ترکیه که تاکنون ۷ میلیارد دلار درآمد ایجاد کرده است.

۳- فروش اعضای بدن کشته شدگان تروریست‌ها، مردم و مخالفان به تجار اروپایی از طریق ترکیه

۴- انجام معاملات گزاف در مقابل آزادی گروگان‌ها و اسیران در خاک ترکیه

۵- فروش زنان غیر مسلمان در این کشور

۶- مرکزیت فروش کتب خطی و قدیمی به سرقت رفته از سوریه و عراق

۷- فروش اطلاعات به دست آمده از سوریه و عراق به سرویس‌های اطلاعاتی در این کشور

۸- کمک مالی و لجستیکی به داعش توسط سرویس اطلاعاتی ترکیه در زمان اشغال کوبانی

۹- کمک توسط مؤسسات به ظاهر غیر دولتی و خیریه وابسته به حزب عدالت و توسعه ترکیه به نام «i.h.h» که شاخص بوده و نکته حائز اهمیت این است که انبارها و دفاتر این مؤسسه در استان هاتای ترکیه بدون پنهان کاری فعالیت می‌کند.

...خاطرات دردناک...

۱۰- کسب درآمد سالانه حدود یک میلیارد دلار توسط گروه تروریستی داعش از ترانزیت هروئین طبق اعلام «ویکتور ایوانف» رئیس سازمان کنترل مواد مخدر فدرال روسیه.

از بدیهی‌ترین نتایج دخالت‌های چند بعدی ترکیه در سوریه و حمایت‌های این کشور از تروریست‌ها می‌توان به فعال شدن ظرفیت مخالفان اردوغان و افکار عمومی ترکیه در انتخابات دانست که ضمن اینکه فرصت تشکیل دولت را از رجب طیب اردوغان گرفتند، بلکه مخالفت خود را علنی اعلام و خواستار تجدید نظر در سیاست خارجی ترکیه شدند. این امر می‌تواند زنگ خطری برای اردوغان و سایر همدستانش برای حمایت از تروریست‌ها در سوریه باشد، چرا که تروریست خوب و بد ندارد و روزی دست خود را نیز خواهد برید... به نقل از "احمد کایا" به نقل از «هافینگتون پست»

مقصد نهایی نفت داعش کجاست؟

در مدت سیطره حدود سه ساله داعش بر برخی مناطق نفت خیز سوریه و عراق، مسیر، مقصد و نحوه ترانزیت نفت داعش استخراجی داعش همواره مبهم بوده است. برخی تاجران اسراییلی را مشتریان اصلی این تجارت سیاه می‌دانستند. اما در تحقیقی که به تازگی دانشگاه گرینویچ لندن با بررسی تصاویر ماهواره ای انجام داده، اروپا مقصد نهایی نفت داعش معرفی می‌کند.

...خاطرات دردناک...

درآمده ۲۰۰ میلیون دلاری سالانه داعش از فروش آثار باستانی مسروقه

دیدن تصاویر مردان سیاهپوشی که با پتک و کلنگ دیوانه‌وار مجسمه‌ها و آثار باستانی را تکه‌تکه می‌کنند در نگاه اول بی‌معنا و بی‌هدف به نظر می‌رسد، اما نابودی آثار ارزشمند ملی و هویتی بدون هیچ هدفی از سوی داعش و صرفاً به دلایل ایدئولوژیکی بخشی از حقیقت است. یورش داعش به موزه‌ها و غارت آثار باستانی اما روی دیگری نیز دارد و آن درآمدزایی از طریق فروش و صادر کردن این آثار باستانی به کشورهای غربی است.



«بشر یازجی» وزیر گردشگری سوریه با بیان اینکه تخریب آثار ملی و باستانی سوریه اقدامی برنامه‌ریزی شده است و تاکنون مناطق و شهرهای قدیمی باستانی از جمله "معلولا" و "تدمر" دستخوش غارت شده و شهرهایی همچون حلب قدیم نیز خسارات

...خاطرات دردناک...

زیادی دیده‌اند تاکید دارد که تحولات و رویدادهای چند ساله سوریه "جنایت قرن" که حلب، تدمر، قلعه باستانی سمعان (شمال حلب) و تخریب آرامگاه‌های باستانی و قدیمی بخشی از این جنایت است.



وزیر گردشگری سوریه همچنین می‌افزاید که کشورهای حامی گروه‌های تروریستی، از این گروه‌ها حتی در غارت و فروش آثار باستانی نیز حمایت می‌کنند. یازچی تصریح کرد: برخی از آثار باستانی سوریه برای رژیم صهیونیستی فرستاده می‌شود و برخی از گروه‌هایی که به غارت آثار باستانی می‌پردازند، با این رژیم مرتبط هستند. "ویتالی چورکین"، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل متحد در این باره اعلام کرده که شهر "غازیان تپ" ترکیه بزرگ‌ترین مرکز فروش آثار تاریخی و باستانی است که

...خاطرات دردناک...

عناصر وابسته به گروه تروریستی داعش از سوریه غارت کرده‌اند. چورکین می‌افزاید که هزاران مرکز باستانی و تاریخی جهانی در اشغال گروه تروریستی داعش قرار دارد و برخی از این مراکز در فهرست میراث جهانی "یونسکو" قرار دارد.



عناصر داعش سالانه ۲۰۰ میلیون دلار از بابت فروش اثار باستانی و تاریخی مسروقه درآمد کسب می‌کنند و این آثار قدیمی و بسیار با ارزش سوریه و عراق از ترکیه به خصوص شهر "غازیان‌تپ" به خارج قاچاق می‌شود، این آثار تاریخی و باستانی از طریق مزایده‌های غیر قانونی در فضای مجازی و پایگاه‌های اینترنتی و همچنین در بازار محلی فروخته می‌شود.

منبع: به نقل از «هافینگتون پست»

...خاطرات دردناک...

نابودی آثار تاریخی زیر پتك جهل داعش

داعش، این پدیده عجیب قرن بیست و یکم با هر آنچه رنگ و بویی از تمدن داشت، دشمنی ورزید و بسیاری از آثار هویتی برجای مانده را از فرهنگ مردم سوریه و عراق نابود ساخت. تروریست های داعش از زمان اعلام آغاز خلافت خود در ماه های پایانی سال ۱۳۹۲ تا آبان ماه ۱۳۹۸ که آخرین پایگاه خود را در شهر ابوکمال در سوریه واگذار کردند، بسیاری از آثار تاریخی برجای مانده در سوریه و عراق را به ویرانه تبدیل و با خاک یکسان کردند. گروهك تكفیری داعش در مدت تسلط خود بر مناطقی از عراق و سوریه، در اقدام ضد بشری با هجوم به موزه ها و مکان های تاریخی، بسیاری از اشیای باستانی را با پتك جهل و نادانی خود نابود کرد. داعش بسیاری از مکان های تاریخی را پس از تخریب و آسیب های غیرقابل جبران به پایگاهی برای انجام اعمال تروریستی خود تبدیل کرد و علاوه بر جنایات بسیار مهمترین آثار تاریخی تمدن بشری ارزشمند و با قدمت را ویران ساخت.



...خاطرات دردناک...

داعش چه آثار تاریخی را از بین برد؟

ورود عناصر داعش به هر شهر پس از تجاوز به جان و مال ساکنان منطقه، با تخریب آثار تاریخی و ملی همراه بوده است. داعش در کارنامه سیاه ویرانگری های خود از جمله حمله به آثار باستانی تخریب مقبره یونس نبی، موزه نینوا، شهر باستانی نمرود، شهر باستانی هترا، تصرف پالمیرا و نابودی آثار باستانی این شهر را ثبت کرده است. داعش در سال ۹۲، مقبره یونس نبی در شهر موصل عراق را به طور کامل منفجر کردند.



...خاطرات دردناک...

پس از آن در اسفند ماه سال ۹۳ به موزه تاریخی شهر نینوا یورش برده و در ویدئویی چگونگی تخریب تندیس های تاریخی این موزه در موصل را به تصویر کشیدند. آنان با تیشه، چکش و پرتاب آثار تاریخی از ارتفاع بلند، تندیس های ارزشمند را خرد کرده و ویران می ساختند. برخی از این تندیس ها، به قرن هشتم پیش از میلاد تعلق داشت. موزه نینوا آثار ارزشمندی از موزه های جهان را در خود جای داده بوده که اینک از بین رفته است.



در همین زمان، داعش با هدف آنچه «مبارزه با بت پرستی» می خواندند، با بولدوزر و مواد منفجره، باقی مانده های شهر باستانی نمرود را از بین بردند. این شهر آشوری باستانی که در ساحل رود دجله قرار گرفته ، توسط نخستین پادشاه آشوری ساخته شد و به قرن سیزدهم قبل از میلاد تعلق داشت. نمرود، نگین تمدن آشوری شناخته می شد. سازمان یونسکو تخریب شهر نمرود را جنایت جنگی خواند.

...خاطرات دردناک...

شهر باستانی هترا هم که متعلق به دوره اشکانیان بود زیر یورش داعش در اسفند ماه ۹۳ از بین رفت. این اقدام باعث خشم بسیاری از باستان شناسان شد. هترا با معماری ویژه در استان نینوا قرار داشت. این شهر آثار بسیاری از سه نوع تمدن ایرانی، یونانی و رومی را در خود جای داده و از معدود آثار برجای مانده از دوره اشکانی بود.



اندکی بعد یعنی در اردیبهشت ۹۴ شهر باستانی پالمیرا به دست دولت خودخوانده اسلامی عراق و شام افتاد. فرمانده عملیات داعش در باره شهر باستانی پالمیرا در يك شبکه رادیویی در سوریه گفت: ما آن طور که بسیاری فکر می‌کنند با بولدوزر به این شهر حمله نمی‌کنیم، ما این شهر باستانی را ویران نمی‌کنیم، اما مجسمه‌های موجود در آن را که گمراهان پرستش می‌کردند، پودر خواهیم کرد....

...خاطرات دردناک...

اکنون پالمیرا رنگ و بوی آزادی را به خود دیده است اما بدون ابنیه های تاریخی. این شهر که بقایای شکوه تاریخی دو هزار ساله بود در زمان تسلط داعش بسیاری از بناهای خود را از دست داد و ساکنان آن آواره و قربانی شدند. تروریست ها در زمان اشغال، آمفی تئاتر پالمیرا را به صحنه ای برای نمایش اعدام های عمومی خود تبدیل کرده بودند و «خالد الاسعد» باستان شناس و رئیس سابق آثار باستانی این شهر را کشتند. معبد های دو هزارساله پالمیرا که قدمت آن به سال ۲۰۰ سال پس از میلاد می رسید نیز منفجر شد. پالمیرا به «عروس کویر» شهرت داشت.



آثار تاریخی با قدمت هشت هزار ساله در منطقه صالحیه در حومه دیرالزور سوریه نیز از دست داعش در امان نماند و این گروه تروریستی ویدئویی منتشر کرد که در آن اعضای داعش در حال تخریب مجسمه ها و آثار تاریخی در غرب شهر بوکمال

...خاطرات دردناک...

بودند. صالحیه در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته و از مناطق تاریخی بین النهرین به شمار می رفت.



موزه موصل که دومین موزه بزرگ عراق به شمار می رفت زیر پتک و مته های برقی تروریست های داعش به ویرانه ای دیگر تبدیل شد. این موزه آثار تاریخی ارزشمندی که از شهرهای هترا و نینوا به دست آمده را در خود جای داده بود. کتاب و دست نوشته های کتابخانه ملی موصل هم به این بهانه که با آموزه های دین اسلام مطابقت ندارد به آتش کشیده شد.



تخریب قبور مسلمانان و دیگر مذاهب، تخریب قبور تاریخی و مذهبی در سوریه، نبش قبور متبرکه پیامبرانی همانند حضرت یونس (ع)، جرجیس و شیث، غارت و ویرانی تل عجاجه و تل براك در شمال شرقی سوریه که دارای عتیقه های باستانی سه هزار ساله بوده، غارت و تخریب شهر ۲۷۰۰ ساله خُرساباد در شمال عراق، یورش به منطقه راکا در شهر سوریه و تخریب مجسمه های ورودی شهر باقی مانده از عصر آهن از دیگر اعمال وحشیانه داعش در تخریب آثاری ملی و فرهنگی اقوام بود.

ویرانی تاریخ و تمدن به بهانه های ایدئولوژیکی

داعش برای قلع و قمع آثار باستانی و از بین بردن نشانه های هویت فرهنگی اقوامی مانند آشوری ها، کلدانی ها، ایزدی ها، کردها و غیره دلایل واهی چون بت شکنی و

...خاطرات دردناک...

از بین بردن آثار بت پرستی را مطرح می ساخت. از سوی دیگر، تکفیری ها به بهانه آنچه بت شکنی می خواندند، سوده‌های دیگری از طریق قاچاق و فروش عتیقه از موزه ها و سایت های باستانی سوریه و عراق کسب می کردند. این گروه از این راه به دنبال تامین مالی برای جنگ افروزی های خود بودند. گروه تکفیری داعش با ادعای دلایل ایدئولوژیکی برای از بین بردن آثار تاریخی مدعی بود که هنرهای تجسمی تفاسیر واقعی و حقیقی از اسلام است که ممنوع و حرام به شمار می رود. عناد با فرهنگ تنها مختص داعش و گروه های افراطی و تکفیری نبوده است. به جز اقدام طالبان در از بین بردن مجسمه های باقی مانده از قرن ششم و متعلق به بودا در بامیان در سال ۲۰۰۱ میلادی، نمونه این دست رفتارها را در طول جنگ های قرن های هشتم و سیزدهم میلادی، جنگ های صلیبی و جنگ داخلی انگلستان شاهد بودیم.



جدا از انگیزه های فرهنگی و باورهای دینی و مذهبی، دلایل عمیق سیاسی نیز عامل دیگری بر نابود ساختن فرهنگ و تاریخ در جریان جنگ ها و شکل گیری گروه های اعتقادی به شمار می رود... به نقل از «هافینگتون پست»

...خاطرات دردناک...

آثار باستانی که داعش در سوریه و عراق نابود کرد

گروه داعش همزمان با آغاز بحران سوریه از عراق یعنی زادگاه اصلی‌شان به سوریه سرازیر شدند و با پشتیبانی مالی و نظامی کشورهای غربی و عربی که هدف اصلی آنها سرنگونی دولت سوریه و تجزیه این کشور بود در سال ۲۰۱۳ با اشغال بخش‌هایی از شمال شرقی سوریه نام داعش را بر خود نهادند و شهر «الرقه» را پایتخت خود خوانده خود اعلام کردند و پس از آن نیز همزمان اقدامات و عملیات تروریستی در عراق را نیز پیش می‌بردند و در پی آن شهرهای زیادی از عراق را نیز به تصرف خود در آوردند که مهمترین آنها کنترل شهر موصل در سال ۲۰۱۴ بود.



عناصر داعش با ورود به هر شهر تقریباً اولین اقدامی که انجام می‌دادند تخریب آثار تاریخی و ملی شهرهای سوریه و عراق بود.

...فاطرات دردناک...

براساس گزارش «یونسکو» عناصر داعش آثار باستانی نظیر شهر نمرود، الحضر، و موزه موصل در عراق و و همچنین آثار باستانی و تاریخی در استانهای سوریه مانند حلب، ادلب، درعا، حماه، شهر تاریخی تدمر، معبد بلف و مقبره های عمودی مزارهای تاریخی به طور کامل تخریب و غارت کرده اند.

هدف داعش از تخریب آثار باستانی

داعش نه تنها هیچ‌گاه تخریب آثار باستانی شهرهای سوریه و عراق را کتمان نکرده است بلکه دستگاه تبلیغاتی این گروهک تروریستی از نخستین رسانه‌هایی بود که با انتشار تصاویر و نوشته‌هایی به جهانیان خبر دادند که کینه‌ای عجیب به تاریخ، آثار باقی‌مانده از گذشته دارند و کمر به نابودی تمام آثار تاریخی و هویت مردمان سوریه و عراق بسته اند.

برای چرایی دشمنی داعش با آثار باستانی معمولا دودیدگاه کلی درهم‌تندیده وجود دارد: دلایل ایدئولوژیکی و دلایل اقتصادی. گروه موسوم به «دابق» درخصوص دلیل وانگیزه اصلی عناصر تروریستی داعش برای تخریب آثار باستانی مدعی است که «دشمنان داعش خشمگین از دست دادن یک میراث ارزشمند بودند. کفار این مجسمه ها و خرابه ها از نسل های قبلی را کشف کرده و تلاش می کنند آنها را به عنوان بخشی از هویت و میراث فرهنگی به تصویر بکشند.

مجله «نشنال اینترست» در گزارشی این مسأله را تحلیل می کند که چرا داعش آثار باستانی را نابود و غارت می کند؟ و برای پاسخ به این سوال دو دلیل اصلی را عنوان می کند. اولین دلیل ارائه شده، نفرت و بیزاری این گروه نسبت به گذشته و تاریخ

...خاطرات دردناک...

است. دومین دلیل، سودی است که از فروش آثار باستانی غارت شده عاید این گروه می شود. «نشنال اینترست» دلیل سومی را هم بیان می کند و آن اینکه وجود همزمان تخریب و غارت آثار تاریخی در واقع پایه‌ریزی یک نظام زور در شهر های تحت اشغال برای کنترل روانی مردمان این مناطق است.

با وجود آنکه مجله «نشنال اینترست» بر این امر تأکید دارد که در تخریب و غارت آثار باستانی، مزایای اقتصادی برای داعش چندان قابل توجه نیست و عمده درآمد این گروه تروریستی فروش نفت و اموال مسروقه از شهر موصل است، اما گزارش ها و مطالعات زیادی وجود دارد که بر اهمیت اقتصادی این رفتار داعش تأکید دارند و تأیید می کنند که تقریباً نیمی از درآمد ماهانه داعش از غارت آثار باستانی و مصادره اموال تامين می شود.



...خاطرات دردناک...

موزه نینوا در شهر موصل

در ۲۶ فوریه ۲۰۱۵ داعش تلاش می‌کند که ۴ جوان موصلی را که به اسارت درآورده، وادار به تخریب موزه نینوا کند، اما آنها حاضر به تخریب میراث تاریخی وطن خود نمی‌شوند تا در نهایت جان خود را به همین خاطر از دست می‌دهند و داعشی‌ها آنها را زنده در آتش می‌سوزانند. در این موزه آثار متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد وجود داشت که داعشی‌ها با تیشه، چکش و با پرت کردن آثار تاریخی از بلندی، آنها را شکسته و ویران می‌کنند. همچنین تندیس نگهبان دروازه نرگال (خدای سرزمین مردگان) یکی از آثار ارزشمندی بود که در این هجوم وحشیانه از بین رفت، قدمت این اثر به قرن هفتم پیش از میلاد می‌رسید.



آنچه داعش بر سر موزه نینوا آورد

...خاطرات دردناک...

مقبره یونس نبی در شهر موصل



در ژوئیه ۲۰۱۴، مقبره‌ای در شهر موصل عراق که به حضرت یونس(ع) منسوب است را تخریب کردند، این مقبره در مسجد یونس نبی قرار داشت...



یک داعشی در حال تخریب قبر حضرت یونس(ع)

...فاطرات دردناک...

شهر باستانی نمرود

شهر تاریخی نمرود که نگین تمدن آشوری شناخته می‌شد در قرن ۱۴ پیش از میلاد مسیح، در حاشیه رود دجله و در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شرق موصل ساخته شد. داعش برای تخریب این شهر باستانی از بولدوزر و ابزار آلات سنگین استفاده کرد. یونسکو، تخریب شهر نمرود را جنایت جنگی خواند. متاسفانه در این تخریب‌ها نقش برجسته‌های بی‌نظیر این شهر باستانی و مجسمه بزرگ «شیر بالدار» نیز از بین رفت.



مجسمه بزرگ و بی‌نظیر «شیر بالدار»

...خاطرات دردناک...

ویران کردن شهر باستانی هترا

در ۷ مارس ۲۰۱۵ داعش با حمله به شهر باستانی هترا بخشی از آن را ویران کرد. هترا در ۲۹۰ کیلومتری شمال شهر بغداد و ۱۵۰ کیلومتری جنوب غرب موصل قرار دارد و متعلق به قرن دوم و سوم پیش از میلاد است. این شهر در دوران باستان در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال غرب پایتخت آشور باستان واقع بوده و قسمتی از تمدن ایران، محسوب می‌شده است. در معماری خاص شهر هترا آثاری از سه نوع تمدن ایرانی، یونانی و رومی دیده می‌شود که نشان از دوران صلح میان ایران و یونان داشت.



...خاطرات دردناک...

شهر باستانی پالمیرا

داعشی‌ها پس از تصرف پالمیرا اعلام کردند که «این شهر باستانی را ویران نمی‌کنیم، اما مجسمه‌های موجود در آن را که گمراهان پرستش می‌کردند، پودر خواهیم کرد.» از جمله آثاری که داعش در این مناطق از بین برد می‌توان به معبد تاریخی «بل»، طاق نصرت، ۶ تندیس باستانی از جمله تندیس معروف به شیر اللات اشاره کرد. عبدالکریم مدیرآثار باستانی سوریه پس از این اقدام داعش اعلام کرد که این تندیس با صفحه فلزی و کیسه‌های شن پوشیده شده بود تا از آسیب احتمالی ناشی از درگیری‌های مسلحانه در امان بماند اما داعش آن را بیرون آورد و از بین برد.



داعشیان همچنین خالد الاسعد، باستان شناس سوری را نیز در پالمیرا اعدام کردند. پس از بازپس گیری این شهر یک باستان‌شناس لهستانی مجسمه شیر اللات را با هزینه یونسکو مرمت کرد. شهر باستانی پالمیرا واقع در سوریه متعلق به اوایل هزاره

...خاطرات دردناک...

دوم پیش از میلاد است.



خالد الاسعد باستان شناس سوری که به دست داعش در شهر باستانی پالمیرا اعدام شد



...خاطرات دردناک...

خشم جهان از تخریب آثار باستانی

هجوم تروریست های داعش به آثار تاریخی و باستانی در سه سال گذشته قلب باستان شناسان و تاریخ دوستان جهان را به درد آورد. بسیاری از اشیاء و مکان های از بین رفته در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده بودند. اشیاء و آثار باستانی نابوده شده در عراق و سوریه میراث جهانی بود که کارشناسان یونسکو بارها نسبت به نابودی آن ها ابراز نگرانی کردند. تخریب آثار ارزشمند تاریخی به دست داعش و انتشار ویدئو و تصاویر این اقدام خشم مجامع فرهنگی، باستان شناسان به حفظ آثار تاریخی در سطح بین المللی را در پی داشت. اقدامات تخریب گرانه داعش باعث شد تا شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ای تصویب کند. بر این اساس جامعه جهانی ملزم شد تا ضمن حمایت از میراث فرهنگی، در مقابل تخریب و قاچاق این آثار در شرایط جنگ مسلحانه توسط گروه های تروریستی واکنش نشان دهد. در بخشی از این بیانیه آمده است: "چنانچه این گروه ها علیه میراث فرهنگی اقدام مسلحانه کنند به مثابه جنایت علیه بشریت تلقی شده و شورای امنیت حق دارد برای مقابله اقدام نظامی کند".

گروه های تکفیری چون داعش و پیش از آن طالبان، دایره نفی و طرد گسترده ای دارند که هیچ دین و آیینی را به جز خود نپذیرفته و روا نمی دانند. این ویژگی تمام گروه های تروریستی و تکفیری است که در میان جهل و تاریکی محبوس گشته اند. داعش با تخریب آثار باستانی به دنبال تثبیت خود بود و به جز بهره برداری های اقتصادی از غارت آثار تاریخی به دنبال ایجاد تفکرات و رفتارهای تازه بر اساس اعتقادات خود بود. داعش به پایان راه خود رسید اما آثار تاریخی و گردشگری که در

...خاطرات دردناک...

عراق و سوریه از بین برد، همچون زخمی بر پیکر تمدن و تاریخ بشر باقی خواهد ماند. از سوی دیگر برخی نیز معتقد بودند که ویران کردن آثار تاریخی، پوششی برای غارت آثار باستانی از سوی داعش و فروش آنها بود چنانکه مقامات عراقی نیز پس از باز پس گیری موصل گفته بودند که در تونل‌هایی که در بخش‌هایی از موصل حفر شده به اشیاء باستانی دست یافته‌اند، اشیایی که نیروهای داعش آنها را از موزه‌ها به تاراج برده بودند و در حال انتقال این آثار به جای دیگری بودند.

بسیاری از تاریخ‌شناسان و تحلیلگران سیاسی حمله‌های داعش به اماکن باستانی را حمله‌ای وحشیانه به حافظه جمعی بشر قلمداد کردند که به روشنی از خشونت بی‌معنایی روایت می‌کند که با ظهور تکفیری‌های داعش به راه افتاد. به باور تحلیلگران، این گروه تروریستی نشانه‌های تاریخ بزرگ عراق را نابود می‌کند چرا که ناچار است، تاریخ را گواهی بر یک جایگزین عالی برای پوچ‌گرایی وحشیانه خود به کار گیرد.



...خاطرات دردناک...

زندان مخوف تروریست های داعش

داعش از طبقه پایین استادیوم شهر رقه به عنوان زندان استفاده می کرده است. داعش از اتاق های رختکن این استادیوم ورزشی به منظور نگه داشتن زندانیان استفاده می کرده است. داعش در طول نزدیک به ۴ سال از اشغال این شهر، اجرای دهها مجازات خشن شامل گردن زدن و دیگر مجازات ها شامل تیرباران را در داخل استادیوم شهر و در مقابل چشم مردم انجام می داد. تصاویر نشان می دهد زندانیانی که غالب آنها به دست داعش اعدام شده اند دلایل دستگیری و نام ها و طول مدت زندانی شدن در این منطقه را روی دیوارها نوشته اند. در این مکان نوشته هایی به زبان های روسی و فرانسوی نیز به چشم می خورد و نشان می دهد زندانیان خارجی داعش نیز در این مکان زندانی بوده اند...

به گزارش عصر ایران به نقل از "سی ان ان"



...خاطرات دردناک...

در سوریه، داعش مُرده ها را هم عذاب می دهد!

داعش اقدام به تخریب قبرستان ها می کنند. به دلیل اینکه اعتقاد دارند، سنگی که به صورت عمودی بر روی قبر قرارگرفته و نام مرحوم بر روی آن نوشته شده، همانند بت می باشد. مردها کمتر از زنده ها از سوی تروریست ها در عذاب نیستند. در آنجا مردم به سر مزار عزیزان خود رفته و برای آنها دعا می خوانند، و این بر خلاف اعتقادات این سازمان می باشد، بنابراین باید نابود شود و با بولدوزر به قبرستان آمدند و قبرستان را تخریب کردند. نتوانستم قبر مادرم را پیدا کنم، برای اینکه سنگ قبر او را از بین برده و قبرستان را زیر و رو کردند. در قبرستان شهر دوما، به ۱۵۰ مقبره بی حرمتی شده... «کمسیون تخریب قبرستان»، مقبره روحانیون و پدر و مادر آنان را نیز خراب می کنند، و براین باورند که بابت وبت پرستی مبارزه می کنند. داعشی ها، جنازه کشته شدگان خود را یا در قبرهای دسته جمعی دفن کرده و یا اینکه در خیابان رها می کنند... منبع: خبرگزاری اسپوتنیک



...خاطرات دردناک...

رویکرد عمومی کودکان داعشی

گروه تروریستی داعش بارها به صورت علنی از موفقیت خود در جذب و آموزش کودکان و نوجوانان خبر داده و تاکید کرده است که تعداد کودکان در داعش بیش از هر گروه تکفیری و تروریستی دیگر است. بر اساس اطلاعاتی که از این گروه منتشر شده است، تعداد کودکان نابالغ حاضر در داعش بالغ بر ۴۶۴۰ نفر از کودکان خارجی بوده که در عراق و سوریه حاضر شده‌اند. بیشترین کودکان از کشور فرانسه (۷۰۰)، مراکش (۳۹۱) قزاقستان (۳۹۰) تاجیکستان (۲۹۳) و آلمان (۲۹۰) هستند. در رابطه با اینکه پیوستن کودکان به گروه تروریستی داعش به صورت داوطلبانه انجام شده یا آنها مجبور به این کار شدند، نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد. کودکان منتسب به داعش گروه منسجمی نیستند، در رابطه با سن آنها نیز اطلاعات دقیقی وجود ندارد، البته گفته شده است که برخی کودکان در سنین ابتدایی توسط پدران یا نزدیکان خود به سمت داعش کشیده شده‌اند. حتی برخی کودکان شیرخوار نیز توسط اولیای خود به مناطق تحت سلطه داعش انتقال داده شده‌اند.



...فاطرات دردناک...

مراکز مطالعاتی مختلف در رابطه با انگیزه پیوستن کودکان و نوجوانان به این گروه‌های تروریستی نیز مطالب متعددی را بیان کرده‌اند. برخی تحلیلگران اعتقاد دارند که کودکان یک تا ۹ ساله که یا در مناطق تحت حاکمیت داعش به دنیا آمده یا توسط اولیای خود به این مناطق منتقل شده‌اند، اولین قربانیان این گروه تروریستی هستند، اما در رابطه با کودکان بزرگتر می‌توان گفت که مجموعه‌ای از انگیزه‌ها از جمله رویکردهای ایدئولوژیک و آموزشی و مشارکت احتمالی در فعالیت‌های خشونت آمیز می‌تواند انگیزه آنها برای حضور در جمع تروریست‌های داعش باشد. همچنین گفته شده است که کودکان زیر ۹ سال به صورت داوطلبانه به داعش پیوسته‌اند و مجبور به حضور در سرزمین‌های تحت حاکمیت خلافت داعش شده‌اند. البته برخی دلایل نیز وجود دارد که نشان می‌دهد کودکان بسیار کم سن و سال در ۵ سالگی نیز از سوی داعش در معرض اقدامات خشونت‌آمیز قرار گرفته و آموزش‌هایی را در این خصوص دریافت کرده‌اند.

در برخی موارد نیز رویکرد های خشونت آمیز یا گرایش‌های ایدئولوژیک عامل انتقال کودکان به این مناطق نیست، بلکه مواردی دیگر نظیر آموزش رایگان و خدمات بهداشتی نیز می‌تواند به انگیزه‌ای برای انتقال کودکان به مراکز استقرار داعش تبدیل شود. گزارش‌های مختلف از گوشه و کنار جهان حکایت از آن دارد که برخی خانواده‌ها به صورت کامل به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند و مجموعه‌ای از کودکان در سنین مختلف مجبور شده‌اند همراه با والدین خود تحت پرچم داعش قرار بگیرند. در طرف مقابل دلایلی نیز وجود دارد که برخی نوجوانان نقش اساسی و مهم در خشونت و افراط‌گری و حتی مهاجرت افراد خانواده خود به سوریه و عراق داشته‌اند.

...خاطرات دردناک...

استقلال طلبی و انتخاب رویکردهای افراط گرایانه مسائل مهمی برای برخی نوجوانانی است که به شکل مستقل از بالغین سفر به عراق و سوریه را انتخاب کرده اند. آنها گاه به صورت کاملا انفرادی و گاه در گروه‌های کوچک از نزدیکان خود به این کشورها سفر کرده‌اند. در کشوری نظیر بلژیک کودکان و نوجوانان مستقل یک سوم تمامی کودکانی را تشکیل می دهند که به سوریه سفر کرده‌اند. (۱۵ نفر از ۴۵ مورد) که تمامی آنها جذب گروه های تروریستی می‌شوند.

تنبیه شدید دانش آموزان در مدارس داعش!

تروریست های تکفیری داعش تنبیه های سختی را برای کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می کردند قرار داده است. نیروهای عراقی در مناطقی که پیشتر تحت کنترل داعش بود، به اسناد و مدارکی دست یافتند که نشان می دهد گروه تروریستی داعش کودکان را به دلایلی از جمله غیبت از مدرسه، به زندان می افکند.

نیروهای عراقی در مناطقی در شهرستان راهبردی رطبه در مرزهای اردن و عراق که از دست گروه تروریستی داعش بازپس گرفتند، به اسناد و مدارکی دست یافتند که نشان می دهد داعش کودکان را با اتهاماتی که در راس آنها غیبت از کلاس درس است، به زندان می افکند.

سند نخست متعلق به کودکی است که متولد سال ۲۰۰۰ و نامش غیدان و کنیه اش در گروه تروریستی داعش ابوالبراء است. تاریخ حبس وی اواخر ماه سپتامبر ۲۰۱۵ و اتهامش یک روز غیبت و شوخی بیش از حد در مدرسه است.

...خاطرات دردناک...

سند دوم متعلق به کودکی دیگر به نام عبدالحمید است که داعش برای او لقب ابوبکر انتخاب کرده و متولد سال ۲۰۰۰ است. وی نیز به دو دلیل تحت بازداشت قرار گرفته بود، نخست غیبت و دیگری رقصیدن. در یادداشتی که نویسنده سند به ثبت رسانده، آمده است که ابوبکر به دروغ گویی و افترا زدن نیز متهم است و علت بازداشت وی "سوء اخلاق" است. هر دو سند حاوی نام کامل دو کودک و محل سکونت آنهاست و مَهر و آرم داعش به همراه تاریخ هجری دارد که در اغلب نوشته ها و اسناد داعش به کار می رود. با توجه به تلفات گسترده داعش در پی پیشروی نیروهای عراقی در شمال استان نینوا و غرب این استان به سمت آخرین پایگاه های داعش در غرب الانبار در مرزهای سوریه، این گروه تروریستی به عناصرش، حتی اجازه غیبت از مراکز آموزشی خود را نمی دهد... به نوشته خبرگزاری "اسپوتنیک"

نقش کودکان در گروه تروریستی داعش

گروه تروریستی داعش با بزرگنمایی و برجسته نشان دادن نقش کودکان آنها را نگهبانان ایدئولوژی خود و پروژۀ احداث دولت در آینده لقب داده است. روریست‌های داعش کودکان کم سن و سال را دارای بهترین بستر برای آموزش رویکردهای افراط گرایانه و تروریستی و ماندگاری ایدئولوژی خود می‌دانند و تلاش دارند در ابعاد روانی و اجتماعی و آموزش‌های جسمی فعالیت‌های گسترده‌ای روی آنها انجام دهند. برای تعیین نقش کودکان حاضر در گروه تروریستی داعش توجه به جنسیت آنها اهمیت قابل توجهی دارد. سن مورد نظر برای ازدواج در بخش تبلیغاتی تیپ الخنساء در گروه تروریستی داعش بسیار پایین است و دختر بچه‌ها از ۹ سالگی می‌توانند

...خاطرات دردناک...

ازدواج کنند. به این ترتیب حتی در میان کودکان کم سن و سالی که توسط والدین خود به سرزمین‌های داعش سفر کردند، مواردی از ازدواج کودکان کم سن و سال با جوانان و افراد سن بالا دیده می‌شود. گزارش‌های منتشر شده از سوی داعش نشان از آن دارد که فعالیت‌های گسترده‌ای در خصوص تقویت رویکردهای افراط‌گرایانه و بستر سازی تبلیغاتی و آموزش‌های نظامی برای کودکان در نظر گرفته شده بود. در مدارس تحت نظر داعش قوانین سخت گیرانه‌ای برای جداسازی دختران و پسران اجرا می‌شد. کودکان زیر نظر داعش تفاسیر افراط‌گرایانه‌ای از اسلام و شریعت اسلام دریافت می‌کردند و از علوم روز تنها به مقدمات ریاضی که آن‌ها هم تنها برای جلوگیری از بی‌سوادی کودکان بود، بسنده می‌کردند. آن‌ها به جای این درس تمامی موارد نظامی نظیر ساخت بمب و مین‌های دست ساز را فرا می‌گرفتند و وصیت‌نامه‌های کشته شده‌های داعش را می‌خواندند.



...خاطرات دردناک...

پسر بچه ها لازم بود که در ابعاد روانی و ایدئولوژیک و آمادگی‌های جسمانی، آموزش های لازم را کسب کنند. آنها در اردوگاه های نظامی تحت نظر داعش آموزش می‌دیدند. با وجود اینکه به سختی می‌توان تعداد دقیق این افراد را مشخص کرد، اما به نظر می‌رسد که تعداد آنها کمتر از ۲ هزار نفر نباشد.

آموزش‌های آنها شامل آموزش‌های عملیاتی و نظامی و مهارت‌های مبارزه و یادگیری تسلیحات مختلف و مواد منفجره و روش‌های مختلف اعدام زندانیان بود. این آموزش‌های گسترده برای جداسازی کودکان از حساسیت‌های آنها نسبت به خشونت انجام می‌شد تا در زمان اتمام این دوره‌ها خشونت به ماهیت و طبیعت این افراد تبدیل شود.



...خاطرات دردناک...

این آموزش‌ها زمینه‌های لازم را مهیا می‌کرد تا این کودکان در آینده به مبارزانی مجهز به ایدئولوژی داعش یا عوامل انتحاری یا افرادی جلا و خونریز تبدیل شوند و در این رابطه با هم به رقابت بپردازند. در برخی موارد کودکان برای نگرهبانی از نقاط تفتیش و جاسوسی و ماموریت‌های شناسایی و تولید تسلیحات به کار گرفته می‌شدند. عناصر داعش همچنین با این بهانه که کودکان بی گناه هستند و به بهشت می‌روند، از آنها به عنوان سپر انسانی برای مبارزان خود یا عوامل انتحاری استفاده می‌کردند. همچنین در برخی موارد حضور کودکان در نوارهای ویدیویی داعش برای انجام جنایت‌های مختلف مشاهده می‌شود. در برخی موارد از کودکان برای منفجر کردن اسرا یا تیراندازی به سوی آنها و حتی بریدن سر آنها استفاده می‌شد. آنها کودکان را به قربانیان اقدامات تروریستی و جنایت‌های خود تبدیل کرده بودند...

منبع: پایگاه تخصصی وهابیت شناسی

داعش کودک ۴ ساله را منفجر کرد!

نیروهای گروهک تروریستی داعش کودک ۴ ساله عراقی را با استفاده از بمب کنترل از راه دور منفجر کردند. نیروهای گروهک تروریستی داعش با بستن بمب کنترل از راه دور به دست این کودک و انفجار آن، وی را تکه تکه کردند...

این‌دین‌دنت، منبع: العالم

...خاطرات دردناک...

رفتارهای خشن و همجنس گرایانه، داعش

فرماندهان داعش به زور با دختران و پسران نوجوان افغان ازدواج می کردند! همزمان با پیوستن رهبر داعش و افراد زیردستش به دولت در جوزجان، گزارش‌های تکان دهنده‌یی از رفتارهای خشن و همجنس گرایانه افراد این گروه انتشار می‌یابد...

این‌دیپندنت، منبع: العالم



این‌دیپندنت به نقل از این گزارش نوشت که کودکان به شیوه‌های مختلف مانند ایجاد رعب و وحشت و تهدید به کتک زدن، شکنجه، تجاوز و آدم ربایی مجبور به پیوستن به داعش می‌شوند. داعش ۸۰۰ تا ۹۰۰ کودک ۹ تا ۱۵ ساله را در مناطق مختلف عراق به ویژه در استان نینوا در شمال این کشور ربوده است... به نقل از

این‌دیپندنت، منبع: العالم

...فاطرات دردناک...

داعش چگونه کودکان را عامل انتحاری می‌کند؟



سوءاستفاده از کودکان توسط سازمان‌های تروریستی موضوع تازه‌ای نیست، اما گروه‌هایی همچون داعش، بوکوحرام و طالبان پاکستان اخیراً برای انجام اقدامات خود بیش از پیش به استفاده از این کودکان روی آورده‌اند.

ویدئویی در فضای مجازی منتشر شد که کودک ۱۰ ساله قزاقی را نشان می‌داد که دو فرد روسی را به اتهام جاسوسی برای گروه تروریستی داعش اعدام می‌کند. چند روز قبل‌تر از آن، دو انفجار شمال نیجریه را لرزاند؛ عاملان این حمله سه دختر حدوداً ۱۰ ساله بودند که احتمالاً جلیقه‌های انفجاری آن‌ها توسط اعضای بوکوحرام از راه دور منفجر شد. چند ماه پیش نیز یک دختر ۹ ساله که یکی از بستگان فرمانده طالبان

...خاطرات دردناک...

افغانستان بود، در مرز قندهار دستگیر شد. وی سپس اعتراف کرد که مجبور شده برای انجام مأموریت طالبان، کمر بند انفجاری ببندد...



سوءاستفاده از کودکان توسط سازمان‌های تروریستی موضوع تازه‌ای نیست، اما گروه‌هایی همچون داعش، بوکوحرام و طالبان پاکستان اخیراً برای انجام اقدامات خود بیش از پیش به استفاده از این کودکان روی آورده‌اند. این اقدام هم استراتژیک و هم شوک‌آور است. این کار موجب می‌شود توجه رسانه‌ای بیشتری جلب شود و این فرصت را به تروریست‌ها می‌دهد اعضای بیشتری را آماده چنین اقداماتی کنند. متقاعد کردن کودکان، کار به مراتب آسان‌تری است زیرا آن‌ها درک و فهم درستی نسبت به جنبه‌های اخلاقی این اتفاقات ندارند. علاوه بر این به خاطر اینکه کودکان

...خاطرات دردناک...

کمر مشکوک به نظر می‌رسند، عملیات انجام‌شده توسط آن‌ها موفق‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، استفاده از کودکان می‌تواند نشان دهنده این باشد که گروه‌های تروریستی در استخدام افراد بزرگسال مشکل دارند.



بدون توجه به انگیزه این گروه‌ها، استفاده از کودکان توسط گروه‌های تروریستی هم‌اکنون به یک پدیده جهانی تبدیل شده به طوری که شاهد استخدام این افراد در کشورهای کاملاً پیشرفته هستیم. در ماه آگوست ۲۰۱۳، ویدئویی در فضای مجازی پخش شد که سه عضو جوان گروه تروریستی الشباب سومالی را نشان می‌داد که اهل مینه‌سوتا آمریکا بودند. یکی از این افراد می‌گفت: به هیچ‌وجه نمی‌توانید شادی و خوشحالی اینجا را باور کنید. اینجا یک دیزنی‌لند واقعی است. بین سال‌های ۲۰۰۷

...خاطرات دردناک...

تا ۲۰۰۸ نیز ۲۲ جوان اهل مینیاپلیس آمریکا ناپدید شدند که بعدها مشخص شد تعدادی از آنها بمبگذار انتحاری الشباب شده‌اند. در سپتامبر ۲۰۱۴ نیز چند دختر جوان اهل مینه‌سوتا برای عضویت در داعش عازم سوریه شدند.



در این میان واحدهای خانوادگی نیز در سازمان‌های تروریستی به چشم می‌خورند به طوری که بسیاری از مردانی که به عضویت داعش در می‌آیند، خانواده خود را نیز همراه می‌کنند. در این شبکه‌ها و به خصوص در داعش، اعضا تشویق می‌شوند فرزندان خود را آموزش دهند تا نسل بعدی مبارزان را تشکیل دهند. این گروه‌ها به هنگام استخدام کودکان در ابتدا به آنها ابراز علاقه کرده، نیازهای عاطفی‌شان را بر آورده می‌کنند و به تدریج آن‌ها را از دوستان و خانواده خود دور می‌کنند و در ادامه این

...خاطرات دردناک...

گروه‌های تروریستی، شروع به تغییر دیدگاه اخلاقی این کودکان و اعضای جوان می‌کنند. در داعش، تروریست‌ها علاوه بر نمایش ویدئوهای خشونت‌آمیز، تصاویر و فیلم‌های غیراخلاقی نیز به این کودکان نشان می‌دهند. به این ترتیب، این عضو کوچک داعش به این نتیجه می‌رسد که خشونت و رفتارهای غیراخلاقی، اموری کاملاً عادی است. اگر این افراد مقاومت کرده و یا خانواده‌هایشان دخالت کنند، داعش متوسل به زور می‌شود.



در سال ۲۰۱۴، داعش یک نوجوان ۱۴ ساله سوری به نام اوسید باربو را فریب داد تا به عضویت خود در آورد. خانواده باربو تلاش کردند مانع از این کار شوند اما تروریست‌ها تهدید کردند که سر پدر او را در مقابل خانواده از تنش جدا می‌کنند.

...خاطرات دردناک...

پس از ترک خانه و عضویت در داعش، اوسید به‌زودی متوجه شد این گروه تروریستی تا چه اندازه به دنبال خشونت و وحشی‌گری است. او برای نجات از این بحران، به‌صورت داوطلب خود را به‌عنوان عامل انتحاری معرفی کرد. پس‌ازآنکه برای انجام ماموریتش به نزدیکی مسجد شیعیان در بغداد رسید، خود را تسلیم نیروهای امنیتی کرد. او با اشاره به شستشوی مغزی اعضای داعش گفت: آن‌ها این تفکر را در ذهن ما ایجاد می‌کنند که شیعیان باید کشته شوند... برخی از این نوجوانان که می‌گفتند در شش‌سالگی به استخدام طالبان درآمده بودند و قرار بود بمب‌گذار انتحاری شوند، به‌هیچ‌وجه اطلاعی در مورد کار یک عامل انتحاری نداشتند.



ریشه‌یابی این معضل پیچیده و فزاینده نیازمند تدوین راهکاری مؤثر است تا بتواند تاثیرات روانی تحمیل‌شده به این کودکان را شناسایی کرده، ذهن آن‌ها را از اصول خشک ایدئولوژیک پاک کند، تمایل شان برای انجام این اقدامات تروریستی را از بین برده و مهم‌تر از همه فرایند ورود دوباره آن‌ها به جامعه را آماده کند... منبع: العالم

...خاطرات دردناک...



اعدام دسته جمعی کردها توسط کودکان داعشی




...خاطرات دردناک...

کتاب ریاضی وحشتناک داعش با سؤالات تانک و اسلحه!


گروه تروریستی، تکفیری داعش حتی در کتاب ریاضی خود نیز مغز کودکان را شستشو می دهد. به تازگی تصاویری از کتاب ریاضی گروه تروریستی داعش در رسانه ها منتشر شده است. داعش در این کتاب از ابزار آلات جنگی از جمله تانک، اسلحه و چاقو برای آموزش ریاضی و جمع و تفریق به کودکان استفاده کرده است....

ایندیپندنت، منبع: العالم



$8 = 7 + 1$	
$8 = 7 + \square$	$8 = \square + 3 + \square$
$8 = 6 + \square$	$8 = \square + 4$



$9 = 8 + 1$	
$9 = \square + 3$	$9 = \square + 2 + \square$
$9 = \square + 1$	$9 = 5 + \square$

...خاطرات دردناک...

فوتبال بازی کودکان داعشی، با سرهای بریده!

کودکانی تحت سلطه داعش، به مشارکت در اعدام گروهی و بازی کردن فوتبال با سرهای بریده انسان مجبور می شوند تا تبدیل به عناصری خشن شوند.



در بخش عمده ای از تلاش های خود به تغییر فرهنگ کودکان و تبدیل آنان به عناصر تروریست، از طریق آموزش تعلیم افکار و عقاید افراطی تمرکز کرده است. نسل آینده از عناصر داعش، نسلی بهتر و خالص تر برای اهداف تروریستی این گروه به حساب می آید چرا که این نسل در سایه تعلیم "داعش" رشد کرده، آنها به زندگی در سایه نظام های لائیک آلوده نشده اند و ایدئولوژی افراطی را نیاموخته اند، بلکه درسایه داعش رشد کرده اند و از زمان کودکی تا جوانی، ارزش های آنها فرا گرفته اند "عیسی دیر" کودکی که لباس نظامی به تن داشت و دور سرش را با سربندی مشکی بسته بود. عیسی مستثنی نیست و طبق تهیه کنندگان این گزارش، گروه داعش طی ۶ ماه، ۱۲ کودک را استخدام کرده است.

نظام آموزشی معمول در مدارس "داعش"، در آموزش کودکان و نوع فرهنگ آنان تاثیر مهمی دارد و نسل دوم از عناصر این گروه را به وجود آورده است، آموزش از مدرسه

...خاطرات دردناک...

شروع می شود و سپس به کودکان افکار تکفیری و استفاده از سلاح برای ماموریت هایی مانند جاسوسی، جنگ و عملیات انتحاری آموزش داده می شود. کودکان در سن ده تا ۱۵ سالگی به اردوگاه های آموزشی منتقل می شوند و در آنجا شیوه های مختلف و وحشیانه جنگ را یاد می گیرند؛ ولی به دختران اجازه شرکت کردن در اردوگاه های آموزشی داده نمی شود. در صورتیکه کودکان به اوامر مسئولان داعش گوش ندهند، احیاناً اعدام می شوند. به گزارش "اینديپندنت"

بازی کردن نوزاد با سر بریده شده سرباز سوری

انتشار تصویری از لحظه بازی کردن نوزاد یک عنصر تروریستی وابسته به گروه باصطلاح ارتش آزاد سوریه تحت حمایت غرب با سر بریده شده یک سرباز ارتش سوریه سبب بهت و حیرت کاربران شبکه های اجتماعی شد...



...خاطرات دردناک...

"کودکی که سر می برد"

طرحی جهنمی است که داعش به تدریج آن را محقق کرده و هدف این طرح نه فقط ترویج فرهنگ خشونت است، بلکه هدفی بس فراتر از آن دارد.



شیوه گروه تروریستی داعش برای عملی کردن طرح و نقشه خود، از همان ابتدا که ویدئوهایی از آموزش کودکان با چهره های آسیایی، برای حمل سلاح در شبکه های ارتباط اجتماعی در سال ۲۰۱۲ منتشر کرد تا سلطه اش بر دیر الزور در مرز عراق و ایجاد اردوگاه هایی برای آموزش ایده های خود به کودکان و نحوه قتل و سر بریدن تا تغییر برنامه های درسی را آورده است. اینکه بتوان کودکان معصوم را در حال سربریدن تماشا کرد، این به معنای سقوط تمام ارزشهاست...

اقدام گروه تروریستی داعش در شلاق زدن و اعدام و قطع کردن دست برای ترساندن مردم و خدشه دار کردن چهره اسلام با استفاده از فجیع ترین ابزارها اشاره می کند. داعش سعی می کند نه فقط نسلی خشن به بار آورد، بلکه نسلی سرگردان را می پروراند که از هر آنچه در اطراف اوست، ترس و هراس دارد. این نسل بیشتر شبیه کسانی است که در جنگل بزرگ می شوند؛ جایی در حافظه تاریخ ندارند و از

...خاطرات دردناک...

تمدن به دور هستند. تلاش برای رساندن کودکان به مرحله "سر بردن" نه فقط این کودکان را نابود می کند، بلکه با یک فعالیت رسانه ای تصویری، نسل فعلی در منطقه را نیز از بین می برد.

اینکه بتوان کودکان معصوم را در حال سربردن تماشا کرد، این به معنای سقوط تمام ارزشهاست و سبب می شود تا مردم این منطقه به سردرگمی برسند، به ویژه که در برابر چشمان شان فروپاشی دولت و گذشته خود را می بینند؛ از این رو اقدام داعش در تخریب آثار تاریخی در سوریه و عراق به منظور از بین بردن تاریخ و گذشته این منطقه، بی مقدمه نبوده است. روشن است که طرح داعش نه فقط برای تسلط بر منطقه و یا برپایی دولت؛ بلکه برای به آتش کشیدن تمام منطقه و ساکنان آن است و همزمان با آن، برای ایجاد زشت ترین تصویر از دین اسلام و مسلمانان و عربها و حتی کودکان آنها تلاش می کند و در نهایت، با نشان دادن آنها به عنوان انسان های وحشی، نابودی آنها را توجیه و تسهیل می کند؛ همان موضوعی که اسراییل همواره برای ترویج آن تلاش کرده است.

صاحبان این طرح شیطانی، فقط گروهی افراطی که ارزشهای اسلام را خدشه دار کردند، نیستند؛ بلکه آنها دشمنان این منطقه هستند که از این افراطی ها به عنوان ابزار استفاده کردند؛ دشمنانی که بی شک اسراییل و همدستان آن در راس آنها قرار دارند. العالم - نخستین کودک داعشی اقدام به سربردن می کند؛ این فجیعترین تصویری است که تا به حال دیده شده است؛ گویی که آخرین صحنه از پایان جهان است.... چگونه داعش از این کودک زیر ده سال، فجیعترین قاتل را ساخت؟

به گزارش پایگاه خبری شبکه "العالم"

...خاطرات دردناک...

داستان‌های تکان دهنده کودکان ایزدی

یک دختر ایزدی به همراه برادرش در مصاحبه با بی بی سی شرکت کردند. دختر گفت: یکبار در خیابان سر یک نفر را بردند. برادرش اضافه کرد: آن‌ها من و سایر بچه‌هایی که آنجا بودند را وادار کردند تا با سر بریده فوتبال بازی کنیم.

آن سر تازه بریده شده بود. یک پسر ۱۴ ساله ایزدی به نام «زاهد» که به تازگی پس از سه سال اسارت توسط داعش، پیش پدرش بازگشته بود، در پاسخ به این سوال که تروریست‌ها چه نظری درباره قرآن دارند، گفت:

آن‌ها معتقدند که در مسیر درست قرار دارند. آن‌ها به ما می‌گفتند اگر در خطوط مقدم جنگ با کفار کشته شوید به بهشت می‌روید.

گروه تروریستی داعش «زاهد» را برای جنگ به مرز سوریه اعزام کرده بود. آن‌ها قصد داشتند فرودگاه دیرالزور را بار دیگر تسخیر کنند. ما از این فرصت برای فرار استفاده کردیم، ولی یکی از آن‌ها به پای من شلیک کرد. به گزارش اسپوتنیک به نقل از پایگاه اینترنتی اکسپرس



...ظاطرات دردناک...

واردات کودک توسط داعش!

گروهک تروریستی داعش برای تکمیل نیروی نظامی خود، به قاچاق کودکان آسیایی متوسل شده است. بنابر اعلام یک منبع محلی در موصل، گروهک تروریستی داعش به واردات تعداد زیادی پسر و دختر کودک از طریق قاچاقچیان ترک روی آورده است. گفتنی است مافیای ترکیه هر کودک را به قیمت ۱۵۰۰ دلار به اعضای داعش می‌فروشند. داعش از این کودکان برای انجام عملیات‌های انتحاری سوء استفاده می‌کند و برای پیشبرد اهداف شوم خود علاوه بر آموزش‌های نظامی، عقاید انحرافی خود را نیز به این کودکان تلقین می‌کند. داعش امیدوار بود با آموزش نسل جدیدی از تروریست‌ها، بقای خود را تضمین کند؛ اما به همت نیروهای جبهه ی مقاومت و فرماندهی شهید قاسم سلیماتی ارتش عمر این گروهک تروریستی پایان یافت...
به گزارش پایگاه خبری "شاهین نا" به نقل از جبهه جهانی مستضعفین

اعدام توسط کودکان داعشی

پس از کاهش حقوق عناصر داعش بسیاری از آنان یا فرار کردند به همین دلیل داعش مجبور شد از کودکان برای پیشبرد اهدافش استفاده کند. به همین دلیل مدارس برای آموزش صدها کودک برپا کرد تا از آنان برای انجام عملیات تروریستی علیه نیروهای مردمی عراق استفاده کند. گروه تروریستی داعش همزمان با آغاز عملیات آزادسازی موصل توسط نیروهای ارتش و مردمی عراق سه جوان عراقی را در منطقه‌ای موسوم به ولایت جزیره در شمال بغداد اعدام کرد و گفت این افراد به ائتلاف صلیبی برای کشتن مجاهدان کمک کرده بود.

...خاطرات دردناک...

“احمد خضیر بلعو العبیدی” از اهالی شهر موصل، “قصی عبدالغفور خضر” از اهالی القیروان و “باسم علی عباس الاحمدی” از اهالی منطقه الحضر سه جوانی هستند که به دست کودکان داعشی اعدام شدند. دو کودک داعشی این جوانان را که لباس نارنجی مخصوص اعدامیان به تن داشتند به ضرب گلوله از پشت سر اعدام کردند. پنج کودک داعشی که ظاهراً یکی از آنها بریتانیایی بود، زندانیان را کشتند. این پسر بچه‌ها به نظر بین ۱۰ تا ۱۳ سال سن داشتند و “ابواسحاق مصری”، “ابوعبدالله البریطانی”، “ابوالبراء تونسسی”، “ابوفؤاد الکردی” و “یوسف ازبکی” نام داشتند. این پسر بچه‌ها پنج مرد را که گفته شده است از نیروهای کرد بودند که به اسارت گرفته شده بودند، با تیر کشتند. این پسران لباس کامل نظامی بر تن داشتند و زندانیان که زانو زده بودند، لباسی نارنجی رنگ پوشیده بودند یکی از این پسران که ابوالبراء تونسسی نام داشت، خطاب با نیروهای کرد که به اسارت گرفته بودند، وعده خشونت‌های بیشتری را داد و گفت نبرد علیه آنها هنوز آغاز نشده است...به نقل از شبکه “العالم”

بریدن سر کودکان مسیحی

“ اندرو وایت” یکی از کشیش‌های کلیسای انگلیکن عراق اعلام کرد که گروه تروریستی و تکفیری داعش، تعدادی از کودکان مسیحی را به عنوان خودداری از پذیرفتن دین اسلام، سر بریده است. داعش هنوز هم مسیحیان عراق را می‌کُشد و حتی مسیحیانی را که به استان نینوا فرار کرده اند و این استان را برای خود امن می‌دانند، تعقیب می‌کند و می‌کُشد...

به نقل از روزنامه انگلیسی “میرور

جلاد خردسال داعش

محمد علی موسی متولد سال ۲۰۰۲ میلادی بوده و در حالی که دانش آموز کلاس ۵ بوده است به دست داعش افتاده و در اردوگاه ابو مصعب الزرقاوی که برای تربیت کودکان دولت خلافت معروف بود، آموزش دیده است. این کودک داعشی همچنین در طول دوره های خود آموزش های لازم را برای نحوه استفاده از اسلحه های مختلف دیده و توان استفاده از آنها را دارد. نیروهای مدافع خلق تصریح کردند این کودک بعد از طی دوره مداوا از اعمال انجام داده، پشیمان بوده و گفته است، می خواهم آزاد شوم و به روستای خودم برگردم. داعش نوجوانان را در اردوگاه موسوم به ابو مصعب الزرقاوی آموزش می داد و از آنها برای کشتار مردم استفاده و تصاویر آنها را منتشر می کرد. این نوجوان به سر بریدن نیروهای ارتش سوریه و کشتن شهروندان سوری و عراقی اعتراف کرده است... منبع: بیانیه نیروهای مدافع خلق



...خاطرات دردناک...

اعدام بی رحمانه مرد سوری توسط جلااد ۳ ساله داعش!

خوی وحشی گری تروریست های داعشی تمامی ندارد، این گروه منفور در جدید ترین وحشی گری خود سه مرد سوری را توسط چند کودک تروریست اعدام کردند. گروه تروریستی داعش در جنایتی جدید سه سوری را به دست چند کودک از جمله یک کودک سه ساله اعدام کرد. گروه تروریستی داعش در جنایتی دیگر سه سوری را به اتهام جاسوسی برای نیروهای دولت دمشق و نیروهای پیشمرگ اعدام کرد.



داعش در این جنایت از کودکان کم سن استفاده کرده است. در فایل ویدئویی که این گروه تروریستی منتشر کرده یک کودک تقریباً سه ساله نیز دیده می شود که با اسلحه به سمت یکی از قربانیان شلیک می کند و دو کودک دیگر با چاقو سر دو قربانی دیگر را از بدن جدا می کنند. داعش با جذب کودکان از آنها برای اجرای عملیات های انتحاری علیه نیروهای سوری و عراقی در مناطق درگیری سوءاستفاده می کند. به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه "عیون الخلیج الفارسی"

...خاطرات دردناک...

خوراندن گوشتِ کودکِ یکساله به مادرش

یکی از زنان ایزدی که به اسارت گروه تروریستی داعش در آمده بود و ما او را نجات دادیم گفت گروه تروریستی داعش وی را مجبور کرده است گوشت فرزند یک ساله‌اش را بخورد. گروه تروریستی داعش به این برده جنسی خود به مدت سه روز غذا و آب نداده بود. اما پس از سه روز، تروریست ها یک بشقاب برنج و گوشت برای وی آوردند. این زن ایزدی که به شدت گرسنه بود مشغول خوردن غذا شد و زمانی که غذایش تمام شد، تروریست ها به وی گفتند: “ما آن کودک یک ساله‌ای که از تو گرفته بودیم را پختیم و گوشت آن را به تو دادیم...” گفتگوی “ویان دخیل” به نقل از دیلی میل

پذیرایی داعش از مادری با گوشتِ پسرش

داعش یک جوان کرد را ربود و هنگامی که مادر میان سالش برای گرفتن سراغ پسر جوانش به آنها مراجعه کردند، آنها گوشت پسر جوان را پخته و مادر پیر خوراندند. این مبارز ضد داعشی بنام یاسر عبدالله که ۳۶ سال سن داشت، در مصاحبه خود گفت که هنگامی که داعش در عراق به سمت روستایی پیشروی می کرد، او برای مبارزه علیه داعش به عراق رفت. در همان روزها بود که زن میان سالی برای گرفتن سراغ پسر جوان مفقود الاثرش به پایگاه داعش مراجعه کرده بود. داعشی ها از او خواسته بودند که برای رفع گرسنگی و خستگی راه طولانی، اول استراحت کرده و غذا بخورد، تا پس از آن با پسرش ملاقات کند. مادر آن پسر جوان برای خوردن برنج و گوشت نشست و پس از خوردن غذا بود که به او گفتند که همین الان او داشته

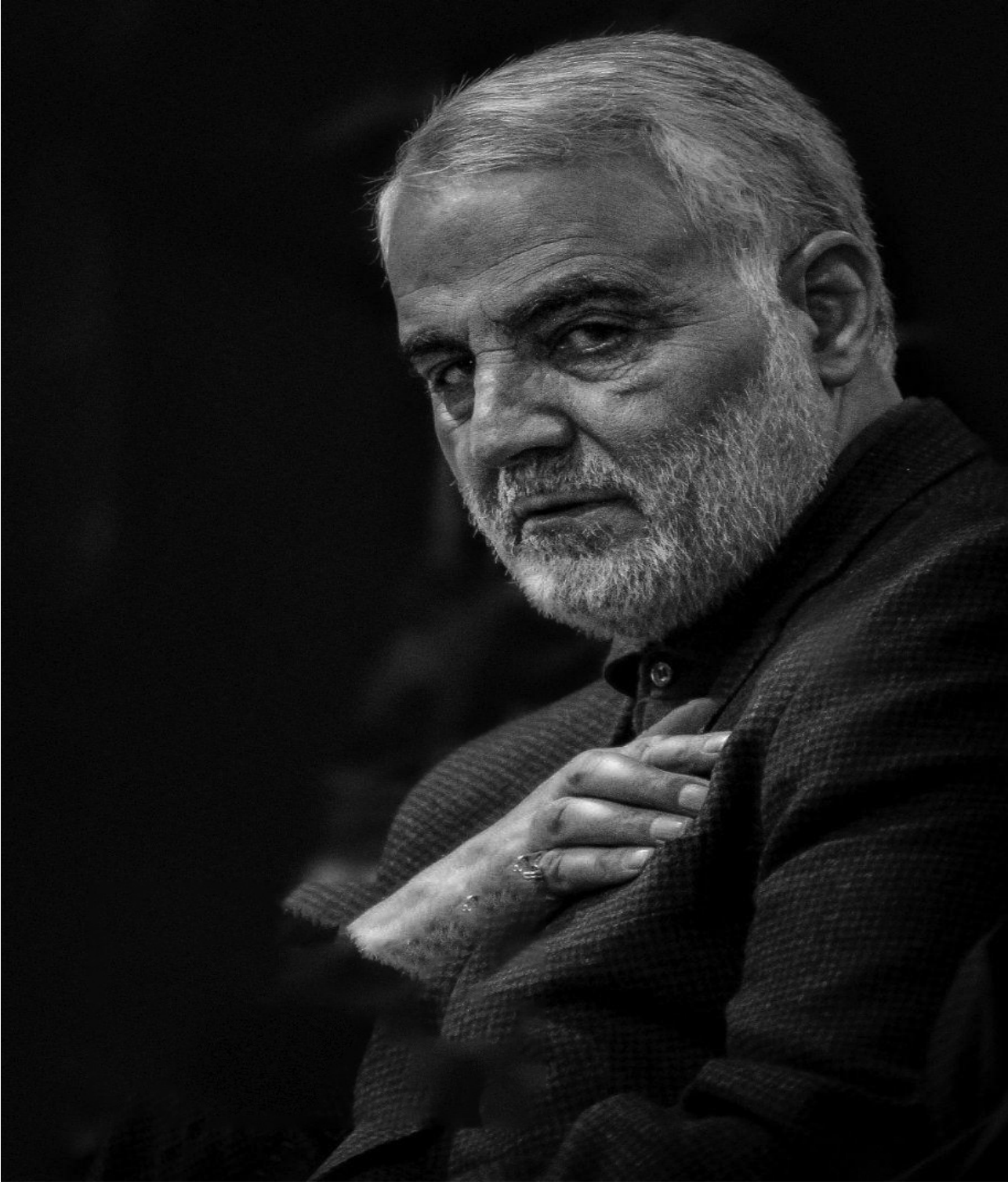
...خاطرات دردناک...

گوشتِ پسر خودش را با برنج می خورده و اینکه آنها پسر او را کشته و قطعاتی از گوشت او را با برنج پختند. با شنیدن این حرف مادرِ پسر جوان از حال رفت!...
به نقل از روزنامه "دی سن"

خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی

داعش زن و بچه‌هایی که اسیر کرده بود از هم جدا کرد. چند روز به اون‌ها گرسنگی داد. تا این که یک روز براشون چلوگوشت آوردن... زن‌های گرسنه به شدت مشغول خوردن شدن. وقتی سیر شدن نسبت به فرزندان شون ابراز دلتنگی می کنند...
داعشی‌ها میگن: گوشتی که خوردید فرزندان تون بودند...
داعش به منزلی در سوریه حمله کرد، در حالی که در این منزل چهار کودک به همراه پدر و مادر در حال غذا خوردن بودند، داعش سر یکی از دختران که ۹ سال بیشتر نداشت را برید به طوری که خون این دختر بر روی غذاها ریخت و خانواده دختر را مجبور کرد که این غذا را به همراه خون جگر گوشه شان بخورند...
داعش نوزاد تازه به دنیا آمده را از دستان پدر و مادر می گرفت و بچه‌ها را لخت می کرد و بر سینه دیوار می چسباند و با نیزه با این بدن دارت بازی می کرد...
داعش شکم مادر باردار را در مقابل چشم شوهرش پاره می کرد و شرط بندی می کرد که فرزندی که دختر است یا پسر، از شکم این مادر بیرون می آید. در همین دیاله، کودکی را از سینه مادرش گرفتند، او را مثل گوسفند روی آتش سرخ کردند، لای پلو گذاشتند، برای مادر فرستادند...

منبع: کتاب من قاسم سلیمانی هستم



...خاطرات دردناک...

نقش زنان در داعش

زنان نقش‌های متعددی را در گروه تروریستی داعش ایفا می‌کردند که در برخی موارد فراتر از نقش عروس‌های جهادی و عامل ارائه خدمات جنسی به تروریست‌های داعش بود. اداره امور منازل و توجه به همسران داعشی و تربیت نسلی جدید از داعشی‌ها در میان فرزندان از جمله این نقش‌ها بود. علاوه بر اینکه آنها تاثیر قابل توجهی در حمایت از ایدئولوژی داعش داشتند.

برخی از این زنان در جذب زنان دیگر و فعالیت‌های تبلیغاتی و جمع‌آوری اعانه برای داعش نقش داشتند. به عنوان مثال می‌توان به ۲۰ زن عضو آکادمی مدیریت شهری در شهر کراچی پاکستان اشاره کرد که اقدام به جمع‌آوری پول و عضو گیری برای گروه تروریستی داعش می‌کردند. سه تن از این زنان حتی مشوق حمله تروریستی به یک اتوبوس در پاکستان بودند که به کشته شدن ۴۶ نفر منتهی شد.



...خاطرات دردناک...

زنان همچنین نقش های دیگری را نیز در خلافت داعش ایفا می کردند. از جمله آنها می توان به مشارکت در امور آموزشی و فعالیت های تبلیغاتی و خدمات بهداشتی و امور موسوم به خیریه اشاره کرد. حضور در فعالیت های پلیس و حتی دریافت مالیات از دیگر مسئولیت هایی بود که در برخی موارد به دوش زنان گذاشته می شد. برخی زنان داعشی حتی فعالیت های امنیتی و آموزشی برای حضور در میدین مبارزه را نیز تجربه کرده بودند. این موضوع اهمیت قابل توجهی در نزد داعش داشت و اساساً این گروه تروریستی اولین گروه تروریستی از این نوع بود که نقش قابل توجهی برای زنان در رویکردهای مبارزاتی خود تعریف کرده بود. به عنوان نمونه می توان به تیپ الخنساء یا پلیس اخلاق زنان اشاره کرد که به فعالیت های امنیتی و مبارزاتی در مناطق تحت سلطه داعش می پرداختند.

مستندات زیادی وجود دارد که از خشونت زنان داعشی ضد زنان دیگر پرده برداری می کند. زنان همچنین در خلافت موهوم داعش به عاملی برای اجرای قوانین شریعت داعشی و نظارت و جاسوسی و ترور و نفوذ به گروه های دیگر تبدیل شده بودند. با گذشت زمان و تنگنای بحران انسانی در میان هواداران داعش که در نتیجه شکست های متوالی این گروه تروریستی به وجود آمد، داعش رویکرد خود را در قبال زنان اندکی تغییر کرده و نقش بیشتری در فعالیت های مبارزاتی به آنها داد و در برخی موارد آنها را مجبور به حمل سلاح و شرکت در جنگ ها کرد. زنان نقش های متعددی را در گروه تروریستی داعش ایفا می کردند که در برخی موارد فراتر از نقش عروس های جهادی و عامل ارائه خدمات جنسی به تروریست های داعش بود. اداره امور منازل و توجه به همسران داعشی و تربیت نسلی جدید از داعشی ها در میان

...فاطرات دردناک...

فرزندان از جمله این نقش ها بود. علاوه بر اینکه آنها تاثیر قابل توجهی در حمایت از ایدئولوژی داعش داشتند. برخی از این زنان در جذب زنان دیگر و فعالیت‌های تبلیغاتی و جمع‌آوری اعانه برای داعش نقش داشتند. مستندات زیادی وجود دارد که از خشونت زنان داعشی ضد زنان دیگر پرده‌برداری می‌کند. زنان همچنین در خلافت موهوم داعش به عاملی برای اجرای قوانین شریعت داعشی و نظارت و جاسوسی و ترور و نفوذ به گروه‌های دیگر تبدیل شده بودند. کودکان زیر نظر داعش تفاسیر افراط‌گرایانه ای از اسلام و شریعت اسلام دریافت می‌کردند و از علوم روز تنها به مقدمات ریاضی که آن هم تنها برای جلوگیری از بی‌سوادی کودکان بود، بسنده می‌کردند. آنها به جای این درس تمامی موارد نظامی نظیر ساخت بمب و مین‌های دست ساز را فرا می‌گرفتند و وصیت‌نامه های کشته شده‌های داعش را می‌خواندند.

منبع: پایگاه تخصصی وهابیت شناسی



...خاطرات دردناک...

۱۰ زن خطرناک گروه داعش را بهتر بشناسید



اولین آن‌ها "أم سیاف" است که درگذشته در زندان‌های عراق و مدتی در بازداشت نیروهای آمریکایی بوده است و منبعی زنده برای درز مجموعه بسیار از گزارش‌های اطلاعاتی به شمار می‌رود که مهم‌ترین آن، وجود شبکه‌ای از زنان است که ماموریت آنها جذب نیرو و بازداشت و جمع‌آوری اطلاعات و به بردگی گرفتن مردم بوده است. دومین آنها "رجاء الأنصاری" است که هیچ‌کسی تابعیت وی را نمی‌داند، او یکی از مهم‌ترین زنان سرکرده در گروه داعش به شمار می‌آید و شاید اولین زنی باشد که به این گروه ملحق شده است. وی به عنوان مسئول امور زنان در داعش ارتباطی قوی با سرکردگان اصلی این گروه دارد و از وی دست‌نوشته‌هایی از ابوبکر البغدادی به دست آمده است که در آن خواهان افزایش تلاش‌ها برای جذب زنان به عنوان نیروی داعش شده است.

...خاطرات دردناک...

سومین زن، " ام المقداد" است که از او به عنوان ملکه زنان داعش یاد می شود، مسئول جذب دختران و زنان برای گروه تروریستی در استان الانبار عراق بوده است. گفته می شود که وی ۴۵ ساله و تابعیت سعودی دارد و نیروهای امنیتی عراق توانسته اند او را در دسامبر ۲۰۱۴ بازداشت کنند.

چهارمین و پنجمین زن خطرناک در گروه داعش، دو زن دوقلوی انگلیسی به نام های "سلمی و زهره" هستند که هر دو سومالی الاصل بوده و برای پیوستن به داعش و ازدواج با عناصر این گروه به سوریه رفته اند. یکی از آنها معروف به "ام جعفر" است، و به هر دوی آن ها ، استفاده از بمب های دست ساز و نارنجک و سلاح آموزش داده شده است.



...فاطرات دردناک...

یکی دیگر از این زنان، "سجی الدلیم" همسر ابوبکر البغدادی سرکرده القاعده است که مقامات لبنانی او را به همراه دخترش بازداشت کردند. وی بر جذب نیروی زن برای داعش و ازدواج آنان با عناصر این گروه نظارت می کرد.

"ام مهاجر"، زن تونسی مسئول گردان الخنساء است و پس از ازدواج دخترانش با عناصر داعش، به همراه همسرش از تونس به عراق رفته است.

"ندی معیض القحطانی" یا "اخت جلیبیب" اولین زن سعودی وابسته به داعش به همراه برادرش است و تصمیم خود را برای اجرای عملیات انتحاری اعلام کرد تا اولین انتحاری در گروه داعش لقب بگیرد.

"ام لیث"؛ مهاجر بریتانیایی است که از زنان غربی می خواهد که راه وی را طی کنند. و بالاخره "أم حارثة" زن دیگری است که در شبکه های اجتماعی فعال بوده و عضو "گردان الخنساء" داعش است و به انتشار تصاویر فجیع از اقدامات داعش اقدام می کند...



...فاطرات دردناک...

"احلام محسن" زن داعشی است که از مجرمان طراز اول در جنوب شهر موصل مرکز استان نینوا در شمال عراق به شمار می‌رفت. او در "دیوان بازخواست" گروه تروریستی داعش برای تعقیب و پیگرد زنانی که با تصمیمات ظالمانه و شکنجه‌گرانه داعش تاسیس شده بود، کار می‌کرد. این زن داعشی که چهار برادر در فرماندهی گروه تروریستی داعش دارد و پدرش نیز در جریان عملیات در منطقه الشوره در جنوب موصل کشته شد، تصریح کرد که اتکای داعش به خودروهای منفجره و کمربندهای انفجاری در عملیات خود یا سلاح‌هایی نظیر تیربار سنگین و شلیک راکت است. او به گروه داعش را قبل از سقوط موصل در جمع آوری اطلاعات درباره نیروهای پلیس و افسران در روستای الحود کمک کرده است و اسامی و آدرس خانه‌های آنها را به عناصر داعش داده است تا آنها را بازداشت، شکنجه و اعدام کنند، زیرا خطری برای داعش به شمار می‌روند.

به خاطر احلام، داعش صدها غیرنظامی روستای الحود و روستاهای جنوب موصل را بازداشت و آنها را متهم به مزدوری برای دولت عراق و گزارش دادن محل قرارگیری مقرهای مخابراتی داعش به دولت برای هدف قرار دادن آن توسط جنگنده‌های ائتلاف کرد. احلام همچنین محل گورهای دست‌جمعی نیروهای امنیتی و غیرنظامیانی را که داعش آنها را در جنوب موصل به قتل رساند، ارائه کرد.

وی به خاطر زیاد بودن قربانیان نتوانست تعداد آنها را بگوید تنها فرزندش حسن که عضو داعش بود، در حمله هوایی در محله الشهداء در کرانه راست شهر موصل کشته شد...

خبرگزاری "اسپوتنیک"

...فاطرات دردناک...

گردانی از زنان که داعشی‌ها درآمد خوبی داشتند

ظهور گروه تروریستی تکفیری داعش به چالشی بزرگ برای پژوهشگران جنبش‌های بنیادگرا و گروه‌های تروریستی و محافل فرهنگی و رسانه‌ای تبدیل شد. در این بین هرچه از ظهور این گروه می‌گذرد، اسرار تشکیل این گروه، ساختار تشکیلاتی آن و عوامل نفوذی و تاثیر گذار بر آن بیش از پیش آشکار می‌شود که تازه‌ترین تحقیقات و اطلاعات به دست آمده از نقش زنان در این گروه پرده می‌برد.



نقش زنان داعش در تثبیت ایدئولوژی گروه

آنچه مورد تاکید است، نقش زنان در گروه داعش محدود به "گردان‌های" نمی‌شود، گردانی که به زنان تک‌تیرانداز و کارشناسان زبده‌اش در ساخت کمربندهای انتحاری و انواع بمب‌ها و نظارت بر وضعیت اجرای شرع از سوی زنان در مناطق تحت تصرف داعش و مهم‌تر از همه جهاد نکاح و داستان‌های مخوف‌اش و با ایفای

...خاطرات دردناک...

نقش همسر محدود نمی شود، بلکه نقش بسیار مهمی در زمینه ارائه کمک های لجستیکی و انتقال مخفیانه و قاچاق عناصر این گروه از جایی به جای دیگر دارند.

انتقال خودروهای بمب گذاری شده

«جمانه حمید» ۳۴ ساله، متاهل و دارای مغازه فروش بدلیجات در عرسال یکی از این زنان است که هم اکنون در زندان مشهور «رومیه» لبنان به اتهام قاچاق خودروهای بمب گذاری شده در بازداشت به سر می برد. جمانه حمید در فوریه سال ۲۰۱۴ میلادی در یک کمین دقیق و حساب شده توسط نیروهای وابسته به دستگاه های اطلاعات و امنیت لبنان در منطقه «البقاع» در جاده عرسال - اللبوة به همراه دو زن دیگر در حال راندن یک دستگاه خودرو ریو نقره ای دستگیر شد.



...خاطرات دردناک...

جمانه حمید

بر اساس نقشه برای اینکه خودرو آنها در دام ایست های بازرسی ارتش و نیروهای امنیتی لبنان در طول مسیر گرفتار نشود، یکی از ۲ زن همراه جمانه نقش زن در حال زایمان که باید هرچه سریع تر به بیمارستان رسانده شود و دیگری همراه وی را بازی می کرد. در این خودرو ۱۰۴ کیلو گرم مواد منفجره جاساز شده بود و طبق برنامه جمانه می بایست، آن را به بیروت رسانده تا از آن برای عملیات بمب گذاری برنامه ریزی شده در این شهر مورد استفاده قرار گیرد. جالب است، بدانید، طی بازجویی ها وی اگر چه هرگونه ارتباط با داعش و یا اطلاع از بمب گذاری بودن خودرو را رد و تکذیب کرد، اما افرادی که وی را از نزدیک می شناختند، ضمن تاکید بر اینکه جمانه به طور کامل از تفصیل امر اطلاع داشت و به همراه برادرانش عضو داعش هستند، افشا کردند که برای انتقال هر خودرو بمبگذاری شده ۲۰ هزار دلار دریافت می کرد.



...خاطرات دردناک...

“رافائل بانوچی” مدیر مطالعات امنیت بین الملل مرکز مطالعات سلطنتی خدمات مشترک انگلیس در این باره می گوید: زنان در گروه تندرو و افراط گرایی چون داعش خود را بخشی از این گروه به خصوص در بُعد اجتماعی آن ملاحظه می کنند و خود را وقف قضیه ای می کنند که به آن ایمان و باوری واقعی و حقیقی دارند. همچنین نقش زنان در داعش تنها جذب نیروی انسانی زن برای این گروه را در برنمی گیرد، بلکه پیوستن مردان به صفوف داعش را هم شامل می شود و از همه مهم تر ایجاد انگیزه برای مردان جهت حفظ اندیشه ها و خط مشی گروه در خارج از مناطق تحت تصرف آن و در دیگر کشورها از جمله کشورهای اروپایی را نیز شامل می شود و شاید به همین دلیل است که مشاهده می کنیم، داعش با چه سرعتی در کشورهای اروپایی در حال ریشه دواندن و انتشار است.

ام عبیده، ترویج و اشاعه ایدئولوژی داعش

زن در گروه داعش در مقام مادر، خواهر و همسر تنها به انتشار و گسترش افکار و اندیشه های این گروه کمک نمی کند، بلکه زنان دیگر را به تمجید و ستودن جنگ و توجیه خشونت به کار رفته در میدان های نبرد تشویق می کند.

“ام عبیده” که دارای ریشه های اروپایی است، در شهر «منبج»، واقع در ریف شمالی استان حلب که زمانی تحت تصرف داعش بود، زانی که قصد سفر به سوریه و پیوستن به داعش را داشتند، نصیحت می کرد، در خانه و از طریق فضای مجازی و اینترنت با زنان دیگر در ارتباط باشند و طی این ارتباطات افکار و اندیشه ها و ایدئولوژی داعش را به آنها معرفی و آنان را جهت پیوستن به این گروه تشویق کنند.

...خاطرات دردناک...

"سمر یزیک"، نویسنده و کارشناس سوری مسائل گروه های تروریستی و جنبش های افراط گرا بر این باور است، داعش از زنان به عنوان ابزاری جهت جذب نیروی انسانی استفاده کند، علاوه بر اینکه در میدان های نبرد آنها را در پست های مختلف به خدمت بگیرد، از جمله اینکه در خبرها آمده بود، داعش در شهر «سرت» لیبی، زادگاه سرهنگ قذافی و همچنین در شهر «موصل» در شمال عراق دارای یگانی از زنان تک تیرانداز بود.



آموزش نظامی به زنان تروریست

جذب زنان از سوی داعش چگونه صورت می گیرد

جذب زنان توسط داعش بر اساس برنامه و نقشه خاص و از پیش طراحی شده ای صورت می گیرد که "منشور کتیبه الخنساء" داعش تحت عنوان "زن در دولت اسلامی" منتشر شده توسط انتشارات "هیدر" به زبان آلمانی و در ۵۰ صفحه، از آن پرده بر می دارد و در اولین نگاه متوجه می شویم، اغلب زنان به دام افتاده زنان وابسته به خانواده های دینی و مذهبی متعصب، نوجوانان در حال تحصیل و زنان دارای سطح آموزش و موقعیت اجتماعی و مالی پایین و یا زنان خانواده های مهاجر اروپایی که اغلب از جمله طیف های به حاشیه رانده شده این جوامع هستند. از مطالعه کتاب صرف نظر از مقوله های اخروی و معنوی، داعش تلاش می کند، زنان را با وعده باز گرداندن جایگاه و احیای نقش سنتی آنها در جامعه از جمله به عنوان یک مادر و یک زن خانه دار و یا هر آنچه از دست داده و خواسته آنها شمرده می شود، جذب خود کند. در این میان تحقیقات نشان می دهد، زنان عربستان سعودی همواره هدف اول داعش بوده اند و این موضوع در منشور کتیبه الخنساء آشکارا به آن پرداخته شده، آنجا که ذکر می کند: "به شهرک ها و محله های فقیرنشین جنوب ریاض یا خانه های فقرای حلبی آبادی های اطراف جده بروید، در آنجا آنچه را در پی آن هستید، خواهید یافت". کارشناسان یکی از دلایل علاقه زنان جهت پیوستن به داعش را احساس آنها ارزیابی کرده و عنوان می کنند، تبلیغات و وعده های داعش این حس را به این زنان القا می کند که این گروه آنها را در برابر تجاوزات و خشونت ها حمایت کرده و به آنها موضعی قدرتمند در قبال دیگران زنان خواهد بخشید و به این ترتیب با تقویت اعتماد به نفس، آنها خود را برابر و مساوی با مردان تصور خواهند کرد.



به همین دلیل آنچه بر سر زنان پس از پیوستن به داعش می آید، فراتر از حد تصور است، به گونه ای که یک شبه این موجود لطیف و حساس به تروریست و قاتلی تمام عیار مبدل می کند. موجودی که به جای بغل کردن و در آغوش کشیدن کودک خود، آغوش خود را به روی سلاح و تفنگش می گشاید و با نهایت وحشی گری و قساوت در میدان نبرد هم پای مردان و حتی و فراتر از آنها می جنگد. حضور زنان در میدان پس از آن برملا شد که گزارش های متعدد خبری افشا کردند که داعش در پی متحمل شدن ضربات و لطمات سنگین در موصل و سوریه حدود سه چهارم عناصر مسلح خود را از دست داده است تا شمار آنها از ۶۰ هزار تروریست و عنصر مسلح به ۱۲ تا ۱۵ هزار نفر کاهش یافت.



کتیبه الخنساء داعش

کتیبه الخنساء داعش در سال ۲۰۱۴ میلادی پس از چند عملیات تروریستی که توسط شماری از عناصر این گروه در پوشش زنانه انجام شد، تشکیل گردید و بنابر اطلاعات به دست آمده، زنان فعال در این کتیبه از امتیازات بسیاری از جمله رانندگی که زنان دیگر از آن منع شده اند، گشت و گذار بدون همراه داشتن محرم، دریافت حقوقی بین ماهیانه ۷۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار و غیره برخوردار بودند و تخمین زده می شود، این کتیبه ۳۰۰ تا ۴۰۰ عضو داشته باشد که نیمی از آنها دارای تابعیت سوری و نیمی دیگر خارجی هستند. فرماندهی این کتیبه در ابتدا بر عهده یک زن انگلیسی به نام "ام عبد الله" بود که چون به زبان عربی آشنایی کامل نداشت، یک زن سوری به نام "ام هاجر" جایگزین وی شد. معروف ترین عضو این کتیبه "سالی جونز"، خواننده رپ انگلیسی بود که نام خود را به "ام حسین" تغییر داده و با یکی از سرکردگان بزرگ

...خاطرات دردناک...

داعش که "ابو حسین" انگلیسی خوانده می‌شد، اما پاکستانی الاصل بود و اواخر سال ۲۰۱۵ میلادی کشته شد، ازدواج کرده بود.



" سالی جونز"، خواننده رپ انگلیسی

این کتیبه یکی از مهم ترین منابع درآمد زای داعش شمرده می شد، چون اعضای آن از طریق نظارت بر اجرای احکام شرع توسط زنان در مناطق تحت تصرف داعش و برخورد با نقض قوانین و مجازات و محاکمه زنان و یا ملزم کردن آنها به پرداخت غرامت، جریمه یا خرید احکام و مجازات های آنان که به طور معمول از ۱۰ هزار لیبره سوری شروع می شد و تا یک صد هزار لیبره سوری می رسید، درآمدهای قابل توجهی را برای گروه ایجاد کرده بودند. کتیبه الخنساء همچنین یک ماموریت بسیار مهم نیز ماورای وظایف مذکور بر عهده داشت و آن یافتن همسرانی برای عناصر و سرکردگان گروه بود و این انتخاب به طرف مقابل تحمیل می شد و فرد منتخب توسط افراد

...خاطرات دردناک...

کتیبه باید با عناصر و سرکردگان داعش ازدواج می کردند. هنگامی که نظامیان آمریکایی طی یک عملیات هلی برن موفق شدند، «ابو سیاف»، مسئول مالی داعش را در دیر الزور بازداشت کنند، همسر وی نیز همراه اش دستگیر شد. ام سیاف طی بازجویی ها از نقش زنان در گروه داعش پرده برداشته بود، نقشی که از جذب عناصر جدید برای گروه تا تجسس و بهره برداری جنسی را شامل می شد.



بر اساس افشاگری های ام سیاف جایگاه و مرتبه هر زن در داعش را همسر وی رقم می زد، به گونه ای که هرچه جایگاه همسرش بالاتر بود، جایگاه همسر وی نیز ارتقا می یافت. اگرچه ام سیاف از نقش مالی و نظامی زنان داعش سخنی نگفت، اما تحقیقات بعدی که روی داعش در شهر سرت لیبی انجام شد، نشان داد، یادگیری به دست گرفتن سلاح یکی از مهم ترین وظایف زنان در این گروه تروریستی تکفیری

...خاطرات دردناک...

است، به گونه ای که بسیاری از زنان داعش در این گروه توسط افسران سابق ارتش عراق و مصر آموزش نظامی دیده اند. همچنین آشکار شده است که داعش در نبردهای خود به شکلی ویژه بر حضور زنان آفریقایی تبار مانند نیجریه ای و سنگالی که به صفوف اش ملحق شده اند، تکیه می کند و برای آنها این زمینه را هموار کرده تا مدارج و مناصب عالی نظامی را به این طریق سپری کرده و به فرماندهی گروه های میدانی و عملیاتی داعش برسند. اطلاعات به دست آمده نشان می دهد، بخش اعظم عملیات های تروریستی که کشورهای مختلف اروپایی شاهد آن بوده و مسئولیت آن را داعش بر عهده گرفته، چند عامل زن در آنها دخیل یا مجری آن بوده اند و از این موضوع به عنوان راهبرد جدید داعش به خصوص در اروپا عنوان شده است.



...فاطرات دردناک...

به عنوان مثال بر اساس این گزارش ها داعش فعالیت زیر زمینی و سری گسترده ای را در کشورهای مختلف آفریقایی برای جذب زنان متمرکز کرده بود و حتی خودروهایی را برای انتقال این زنان از درب منزل تا اردوگاه هایش برای آنها کرایه می‌نمود. این زنان صرف نظر از مشاغلی چون زندانبانی و جلادی عمدتاً به عنوان برای عملیات‌های انتحاری و جهاد نکاح به خدمت گرفته می شدند، در میان این زنان، تونسوی ها جایگاه خاص و بسیار مهمی را هم از حیث تعداد و هم از حیث مناصب احراز می کردند، به گونه ای که اداره زندان ها و نگهداری اسرا و دوایر اجرای احکام بر عهده آنها بود.

نکته حائز اهمیت درباره این زنان تونسوی تبار آن است که عمدتاً در کشور خود به کارهای پستی چون هرزگی و تن فروشی مشغول بودند و طرد از سوی جامعه و به حاشیه رانده شدن، از آنها زنانی خشن و بی رحم ساخته و موجب شده تصدی چنین مناصبی برای آنها راحت و آسان باشد و در عین حال مدارج و مناصب بالا را در این گروه طی کنند، به همین دلیل پس از شکست های داعش در لیبی و از دست دادن برخی از شهرها و مناطق راهبردی و حساس خود برای جلوگیری از اسیر شدن این زنان و بر ملا شدن اسناد و رازهای این گروه اقدام به زنده زنده سوزاندن آنها کرد.

زنان و دختران داعشی

از دیگر دلایل پیوستن زنان به داعش بسته بودن جوامع سنتی و تعصب مذهبی خانواده ها، تجرد، بیکاری و فقر عنوان شده است و اغلب زنان و دختران جذب شده در قالب گروه های ۵ تا ۷ نفره به لیبی منتقل می شوند و در این بین دریافت حقوق و خودکفایی مالی نقش مهمی را در اغوا و فریب خوردن این زنان و دختران ایفا

...خاطرات دردناک...

می کرد. زنانی که به داعش ملحق می شدند، ماهیانه ۱۶۰ دلار حقوق دریافت می کنند. ام عمر» ۲۲ ساله یکی از آن دختران تونسی است که برای یک سال تمام از طریق شبکه های اجتماعی با زنان داعش در ارتباط بود تا اینکه پس از یک سال به دام این گروه افتاد. وی نقل می کند که برای ملحق شدن به این گروه، خودرویی وی را از درب منزل اشان در منطقه «سوسه» تونس ابتدا به منطقه مرزی «بن قردان» این کشور و سپس به پایگاه های این گروه در لیبی منتقل کرد. در ابتدا ام عمر ازدواج با عناصر داعش را رد و تلاش کرده بود، با تماس گرفتن با دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی تونس و خانواده اش به کشور بازگردد، اما زنانی که در گروه داعش در کنار وی بودند، هر بار مانع از این امر می شدند و برای جلوگیری از هرگونه اقدام برای مدت ۳ ماه او را در زندان انفرادی زندانی کنند تا اینکه تسلیم گروه شده و به ازدواج یکی از سرکردگان داعش در شهر سرت درآمد تا پس از آن برای حضور در میدان های آموزش های نظامی لازم را ببیند.



...خاطرات دردناک...

شهر مرزی «بن قردان» تونس به مهمترین مرکز انتقال زنان کشورهای مختلف اروپا و آفریقا تبدیل شد که خواهان پیوستن به صفوف این گروه بودند. افزون بر آن آشکار شده در مصر دو کانون و پایگاه و در سودان یک مرکز و پایگاه تجمع برای آموزش این زنان پیش از ورود به لیبی وجود دارد.



زادو ولد زنان داعشی

زنان داعش و سرکردگان این گروه بارها تاکید کرده اند که یکی از مهم ترین وظایف زنان در این گروه زادو ولد در تعداد بالاست. کودکانی که تاکنون در این گروه به واسطه این زنان به دنیا آمده اند، از همان دوران کودکی که عمدتاً سنین ۹ تا ۱۵ سال را دربر می گیرد، چه خواسته و چه ناخواسته تحت آموزش های ویژه اعتقادی

...فاطرات دردناک...

و بدنی و نظامی قرار می گیرند، به گونه ای که بارها دیده شده، این کودکان چگونه از موجودی پاک و بی گناه به موجوداتی انتحاری و قاتل تبدیل می شوند. این تنها زنان داعش در لیبی نیستند که جعبه سیاه این گروه شمرده می شوند، بلکه خبری که چندی قبل در موصل منتشر شد و از سوزاندن خانه یکی از زنان ابو بکر البغدادی، سرکرده داعش در این شهر توسط افراد ناشناس و کشته شدن این زن در این آتش سوزی و در ادامه یافتن گنجی از طلا و جواهر در این خانه خبر می داد، نشان می دهد، زنان داعش در عراق و چه بسا سوریه نیز دارای اسرار و رازهای بزرگی از این گروه هستند که هرگاه وجود آنها خطری برای موجودیت داعش ایجاد کند به اشکال مختلف از جمله سوزانده شدن با اسرار خود از بین می روند. در این راستا، گزارش شده است، داعش پیش از سقوط و از دست دادن شهر سرت در لیبی اقدام به کشتار و قتل عام ۵۰ زن در صفوف این گروه که دارای مناصب و پست های مهم و حساس بودند، کرد و این جدای از زنده سوزاندن شمار دیگری از آنها از بیم اسیر شدن و برملا شدن اسرار این گروه کرد... به نقل از سرویس جهان مشرق

داعش با زنان مخالف چه می کند؟

تروریست های داعشی سه دانشجوی دختر دانشکده علوم تربیتی دانشگاه موصل را به دلیل مخالفت شان با پیوستن به این گروه تروریستی و داوطلب شدن برای جنگیدن در رکاب آنها سر برید. داعش سر این سه دانشجوی دختر را که بیش از یک هفته پیش آنها را دستگیر کرده بود، در شهر "بادوش" در ۳۰ کیلومتری غرب موصل بریده است. داعش این زنان را بعد از شکنجه شدید جسمی، به ضرب گلوله به قتل رسانده است...منبع: «ذنون السبعای» یکی از مقامات نظامی عراق

...خاطرات دردناک...

فروش زنان مسلمان به عنوان کنیز

داعش تاکنون بالغ بر هزار و ۷۰۰ زن و دختر ایزدی عراقی را با پول معامله کرده است. این اتفاق ۳ سال بعد از آن انجام می‌شود که آنها به عنوان کنیز و بردگان جنسی توسط عناصر مختلف داعش مورد سوء استفاده قرار گرفته اند. این زنان و دختران از مناطق سنجار و روستاهای غرب موصل و مرکز نینوا در شمال عراق ربوده شدند. در جولای سال ۲۰۱۷ سایت‌های اجتماعی تصاویری از الملا ساجد احمد علی الشرجی منتشر کردند که با تعدادی از دختران ایزدی و به صورتی نامناسب و بی‌شرمانه گرفته شده بود. در جولای ۲۰۱۷ همچنین یک دختر ایزدی به نام اخلاص که تنها ۱۴ سال از عمرش می‌گذشت، اذعان کرد که بیش از ۱۸۰ بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است.



اخلاص که حدود شش ماه در اسارت گروه تروریستی داعش به سر برده و همه روزه از سوی عناصر داعش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. لمیاء حجبی بشار دختر دیگری از ایزدی‌ها است که مصیبت خود با عناصر گروه تروریستی داعش را اینگونه

...خاطرات دردناک...

بیان می‌کند: بعد از اینکه داعش به منطقه حمله کرد، عشایر مختلف ضد ما توطئه کردند و زنان و کودکان را گرفته و به سوریه بردند. آنها من را در بازار برده فروشان در الرقه به فروش رساندند. او می‌گوید که دو بار تلاش کرده از دست تروریست‌های داعش فرار کند، اما نتوانسته است. داعشی‌ها دست آخر او را به یک عضو خود در منطقه موصل که متخصص در زمینه بمب‌گذاری خودروها بود، فروختند... داعش بیش از پنج هزار ایزدی را اسیر کرده است که در میان آنها ۵۰۰ زن و کودک وجود دارند. اکثر دختران ایزدی که به اسارت داعش درمی‌آیند، تلاش می‌کنند خودکشی کنند. یکی از دختران ایزدی که داعش وی را مجبور به پوشیدن لباس رقاصه‌ها کرده بود، رگ خود را برید و سپس با طناب خود را حلق‌آویز کرد.

آژانس خبری روسی اسپوتنیک

خشونت‌های جنسی داعش

زینب بانگورا نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در امور مربوط به خشونت‌های جنسی در سوریه و عراق می‌گوید که در سفر خود به عراق نسخه‌ای از سندی را به دست آورده که شامل هزینه‌های مربوط به فروش گروگان‌های زن است که در میان عناصر داعش دست به دست می‌شوند. این زنان مانند بشکه‌های بنزین در بازار به فروش می‌رسند، به گونه‌ای که حتی پنج یا شش مرد می‌توانند یک دختر را خریداری کنند. عناصر مسلح داعش در برخی از موارد دختران ربوده شده را با دریافت هزاران دلار به خانواده‌های شان پس می‌دهند. اولویت به سرکردگان داعش داده می‌شد و آنها در درجه اول می‌توانستند دختران مورد نظر خود را از میان گروگان‌ها انتخاب کنند.

...خاطرات دردناک...

گروگان‌هایی که هیچ کس آنها را انتخاب نمی‌کرد، در یک مزایده علنی در برابر ساکنان ثروتمند مناطق تحت سلطه داعش به فروش می‌رسیدند. بر اساس سندی که به دست نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد رسیده است، قیمتی که برای دختران نوجوان تعیین شده بود، ۱۲۴ دلار بوده است. زنان بین ۲۰ تا ۳۰ سال حداکثر با ۸۰ دلار و زنان بین ۳۰ تا ۴۰ سال با قیمت ۶۰ دلار به فروش می‌رسیدند. زنان بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن نیز با قیمت ۴۰ دلار فروخته می‌شدند



به گفته زینب بانگورا هزاران نفر از زنان و نوجوانان در طول مبارزات به دست عناصر مسلح تروریست می‌افتادند و داعش اغلب قربانیان را در بازار به فروش می‌رساند و برخی از آنان را نیز به مبارزان خود تحویل می‌دادند که شدیدترین تجاوزهای جنسی

...خاطرات دردناک...

ضد این افراد اعمال می‌شد. در سال ۲۰۰۶ روزنامه انگلیسی دیلی میل نوار ویدئویی و مجموعه‌ای از تصاویر را منتشر کرد که نشان دهنده رفتار گروه تروریستی داعش با یکی از زندانیان زن در منطقه منبج سوریه بود. این ویدئو بعد از آزادسازی شهر مذکور از مراکز تحت سلطه داعش به دست آمده بود. این روزنامه همچنین در یکی از گزارش‌های اخیر خود تصاویری از جنایت‌های داعش ضد زندانیان زن در یکی از زندان‌های گروه تروریستی داعش منتشر کرده است. برخی از زنان نمایش داده شده در این تصویرمملو از خون بودند و برخی از آنان در میان تعفن موجود در کف زندان‌ها رها شده بودند. در این زندان همچنین ابزارهای شکنجه وحشیانه و مواد مخدر و وسایل جلوگیری از بارداری و محرک‌های جنسی کشف شد.



...خاطرات دردناک...

وی افزود ما همچنین دریافتیم که تروریست‌های داعش خشونت جنسی نهادینه شده‌ای را دنبال می‌کنند و از آن به عنوان تاکتیکی تروریستی با هدف دستیابی به اولویت‌های استراتژیک مانند اعمال نظم و ترتیب، افزایش بودجه و سربازگیری استفاده می‌کنند... به عنوان مثال ده‌ها هزار تروریست داعش امیدوارند پس از عضویت در این گروه تروریستی «ازدواج» کنند. از آن جایی که برخی از دختران از روسری‌های خود برای حلقه آویز کردن خود (از بیم تعرض داعش) استفاده می‌کنند داعش در برخی از مناطق آن‌ها را از داشتن پوشش روسری منع کرده است.

تروریست‌های داعش در حملات و پیشروی‌های خود در مناطق مختلف عراق، به جنایات هولناک و تهدید و ارباب همه جوامع قومی و مذهبی اعم از سنی، شیعه، کرد و مسیحی پرداخته‌اند.

شبکه سی ان ان آمریکا داستان یک دختر آمریکایی با نام سامانتا الحسانی و بلاهایی که گروه تروریستی داعش بر سر وی آورده‌اند را منتشر کرده است. این دختر نوجوان از بازار خریداری می‌شود و مورد تجاوز به عنف قرار می‌گیرد. او می‌گوید که عناصر داعش معتاد به مواد مخدر هستند که هیچ پناهگاهی ندارند و به بهانه دین تلاش دارند دولتی برای خود دست و پا کنند.

شبکه فرانس ۲۴ در گزارشی می‌نویسد که یک کارشناس آمریکایی متخصص در زمینه روانشناسی سیاسی معتقد است که بیشتر عناصر افراطی فریب خورده که از طریق ترکیه داوطلب پیوستن به گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق شده بودند، انگیزه‌های دنیوی داشتند که اساساً مرتبط با انگیزه‌های شهوانی و ماجراجویی و تحریک آنها بوده است.

...خاطرات دردناک...

بررسی فتاوی تکفیری و دیدگاه‌های افراط گرایانه شیوخ و دار الافتای داعش نشان می‌دهد که آنها همچنان توهمات خود را به خورد عناصر داعش می‌دهند و وعده‌های عوام فریبی را مبنی بر ورود به بهشت موعود و پذیرایی از آنها توسط حورالعین در صورت شهادت مطرح می‌کنند. خبرگزاری رویترز در روز ۲۸ فوریه ۲۰۱۷ گزارشی را منتشر کرد که مجموعه ای از نامه‌ها از مناطق آزاد شده موصل در آن منتشر شده بود. یکی از این نامه‌ها، نامه نوجوان ۱۵ ساله‌ای بود که برای خانواده اش نوشته بود و از آنها خواسته بود که برای مرگ وی ناراحت نشود. او در این نامه تاکید کرده بود: از شما خواستم که مراسم ازدواج برای من برگزار کنید، اما شما این کار را نکردید، به خدا قسم من با ۷۲ نفر از حورالعین ازدواج خواهم کرد.



...خاطرات دردناک...

زوایای پنهان تروریست ها

زوایای پنهان زندگی تشکیلات تروریستی داعش به واسطه اعترافات جنجال برانگیز همسران سابق افراد داعش که از چنگال این تشکیلات گریخته‌اند، افشا شده است. زنانی که اکنون در منطقه عین عیسی از توابع شهر رقه در مرز سوریه و ترکیه تحت حمایت نیروهای "سوریه دموکراتیک" قرار دارند از تجارب خود آن زمان که در مهمانسراهای داعش بودند، سخن گفته و آنجا را زندان خوانده‌اند نه مهمانسرا.



خدیجه، همسر یکی از داعشی‌ها داستان‌های دردناکی را از زنانی که به هنگام وضع حمل بدون اینکه تحت نظر پزشک باشند و عذابی که می‌کشیدند تا جایی که به دلیل خونریزی گاهی فرزند خود را از دست می‌دادند، بازگو می‌کند. او می‌گوید که یکی از زنان دچار درد زایمان شده بوده و از مسئول مهمانسراهای زنان به نام ام سلمی که اهل مراکش بود، درخواست کمک کرد اما او آن زن را از خود راند و رفت که بخوابد. صبح که همسر آن زن آمد نعش همسرش را در اثر خونریزی زیاد روی زمین دید، بدون اینکه به آن توجهی نشان دهد از کنارش گذشت گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است. همسرم وقتی این ظلم و ستم داعشی‌ها را دید آنها را کافر خواند و ارتباطش را با آنها قطع کرد و از من نیز خواست چنین کنم و از آن به بعد به فکر راه فرار و بازگشت به دیار خود افتادیم.

...خاطرات دردناک...

خدیجه درباره جهاد نکاح گفت: اگر همسر زنی در درگیری‌ها کشته شود آن زن می‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند اما اگر اسیران زن در تملک یک عضو داعش باشند تا زمانی که در تملک آن فرد باشند دیگر اعضای داعش نمی‌توانند که به آن اسیر تجاوز کنند مگر اینکه او آنها را به عنوان هدیه‌ای در اختیار دیگر اعضا قرار دهد. در گزارش روسیا الیوم زنان سابق اعضای داعش از تجارت زنان و نرخ آنها در داخل داعش پرده برمی‌دارند که چگونه اعضای داعش زنان اسیر را بین خودشان رد و بدل می‌کرده‌اند. این زنان اظهار داشتند، قیمت زن اسیر باکره ۳۰ هزار دلار و دیگر زنان ۱۵ هزار دلار بود. زنان اعضای داعش در صورت کشته شدن همسران شان در نبردها می‌توانستند با دیگر مردان داعشی ازدواج کنند. این همسران سابق اعضای داعش تشریح می‌کنند، اعضای داعش از طریق اینترنت زنان را هزاران دلار می‌فروختند. وراالهدی، همسر سابق یک داعشی دیگر که ۲۰ سال سن دارد و اهل لبنان است در گفت‌وگو با خبرگزاری راپتلی روسیه گفت: در طرابلس با همسرش آشنا شده و به خاطر شرایط سخت خانواده‌اش در سن کم ازدواج کرده و تا ۱۶ سالگی دو پسر به دنیا آورده بود. پس از آن همسرش به یک گروه سلفی پیوست و بعد از آن نیز به سرش زده بود که به گروه داعش بپیوندد و وقتی که در رسانه‌ها از معایب و بدی‌های این گروه تروریستی شنید آنها را دروغ و افتراء خواند. همچنین نورالهدی از بازار برده‌داری داعش پرده برداشته و می‌گوید:

در تلگرام گروهی به نام بازار برده‌داری وجود دارد که اسیران لباس‌های زیبا می‌پوشند و آرایش می‌کنند و عکس خود را در آن گروه می‌گذارند... به گزارش ایسنا به نقل از شبکه "روسیا الیوم"

...خاطرات دردناک...

مزایده زیباترین دختران باکره توسط داعش

سازمان ملل می گوید گروه تروریستی داعش «زیباترین دختران باکره» ایزدی عراقی را به شهر رقه واقع در شمال سوریه می فرستد و آنان را به قیمت‌های بالا به مزایده می گذارد. زینب بنگورا، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور خشونت جنسی در درگیری‌ها، پس از سفر تحقیقاتی خود به سوریه، عراق، ترکیه، لبنان و اردن با هدف جمع آوری اطلاعات درباره جرایم جنسی داعش در گفت و گو با سایت خبری «میدل ایست آی (Middle East Eye)» گفت این گروه تکفیری علیه زنان به ویژه علیه جامعه ایزدی جنایات هولناکی مرتکب شده است.

تکفیری‌ها پس از حمله به یک روستای ایزدی دختران را برهنه کرده و پس از اطمینان از باکره بودن آن‌ها و ارزیابی خصوصیات جسمانی‌شان آن‌ها را برای بردگی به مزایده می گذاشتند.

وی افزود داعش سپس با انتخاب زیباترین دختران جوان آن‌ها را به مخفیگاه‌های خود در رقه اعزام می کند. در هنگام فروش این دختران که برهنه فروخته می‌شوند، چانه زنی‌هایی صورت می گیرد اما حق انتخاب اول با سرکردگان تکفیری هاست و پس از آن امرا و سر آخر ستیزه‌جویان رده پایین آن‌ها را انتخاب می کنند. وی افزود هر خریدار سه یا چهار دختر را خریداری و چند ماه پیش خود نگاه می دارد و پس از آن که از آن‌ها خسته شد، این دختران را می‌فروشد. در روند این بررسی‌ها به موردی برخوردیم که در آن دختری ۲۲ بار مورد خرید و فروش قرار گرفته بود و یکی از سرکردگان داعش بر روی دست وی نام خود را نوشته بود که نشان دهد این دختر تحت مالکیت اوست. به گزارش شفقنا از پرس تی وی

...خاطرات دردناک...

سند مالکیت یک دختر، به عنوان کنیز

سندی از داعش در موصل به جای مانده است که در آن مالکیت یک دختر ۲۰ ساله به عنوان کنیز بین ۲ داعشی منتقل می شود. سندی که از داعش به جای مانده در موصل یافته شده است. موصل مرکز داعش در عراق بود که طی روزهای گذشته آزاد شد. بالای این سند عنوان "دلیل مالکیت" درج شده است و دارای شماره، تاریخ و سربرگ دادگاه شرعی داعش است. در این سند آمده است "دادگاه شرعی ولایت نینوی / دفتر قراردادهای ازدواج آسان مالکیت "ابوالزبیر" بر "سبیه" "نجمیه سعید اسماعیل" با مشخصات ۲۰ سال سن، رنگ چشم عسلی، لاغر اندام، قد کوتاه ۱۳۰ سانتی متر را ثبت می کند".

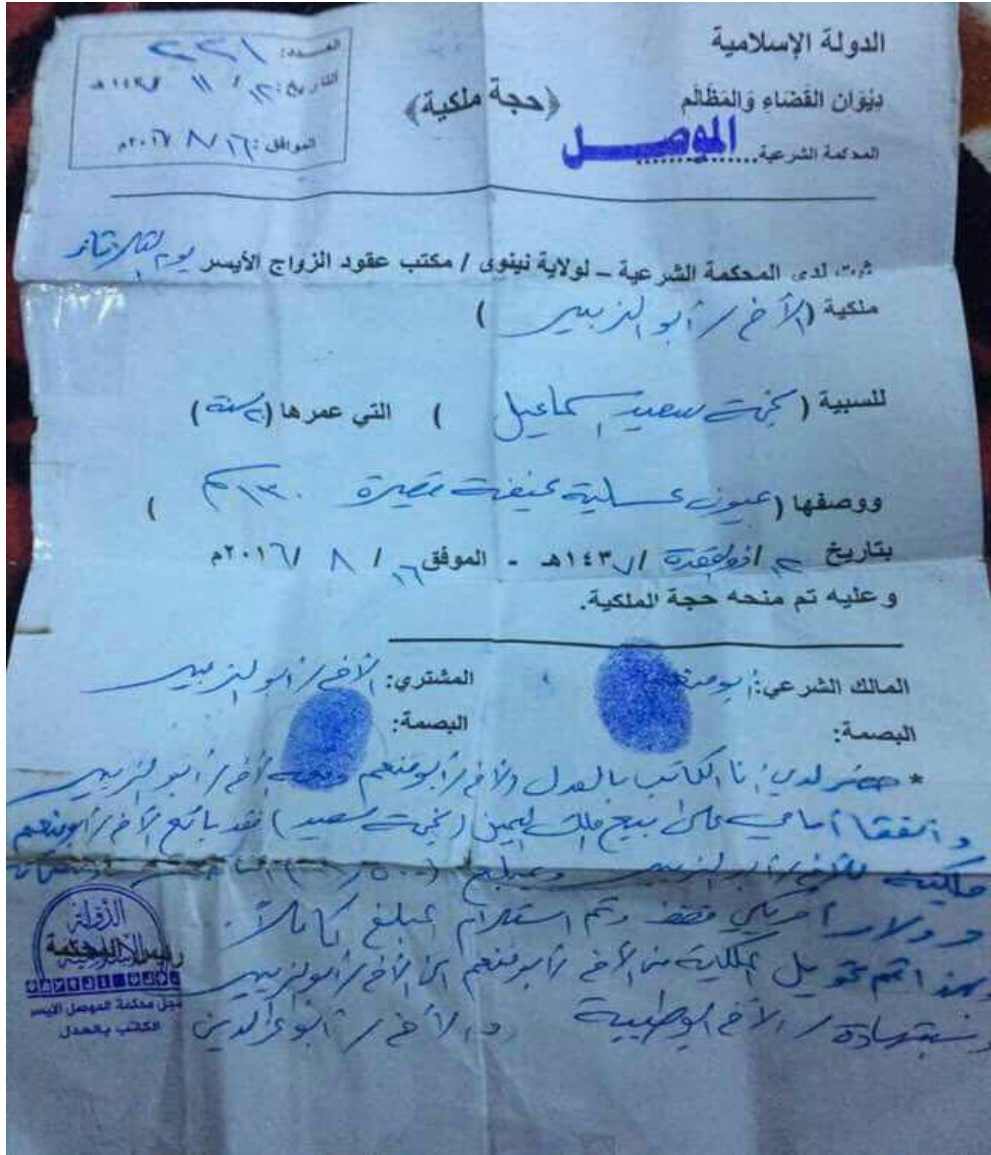
در انتهای سند نماینده دادگاه پس از امضای سند از سوی دو طرف معامله مشاهدات خود و موضوع سند را به این شکل آورده است:

برادر "ابومنعم" به همراه برادر "ابوالزبیر" نزد من حاضر شدند و نزد من برای فروش "نجمه سعید" توافق کردند. ابومنعم مالکیتش بر [نجمه سعید] را در مقابل ۶/۵۰۰ (بدون ذکر نوع پول) معادل ۶ هزار دلار به ابوالزبیر منتقل کرد. در این سند چندین اصطلاح دینی از قبیل "ملک الیمین" و "سبیه" برای توصیف دختر مورد معامله با هدف توجیه این معامله با منطق اسلامی استفاده شده است.

داعش در عراق و سوریه دختران جوان به ویژه دختران ایزدی مذهب را در شهرهایی که اشغال می کردند به عنوان غنیمت اسیر می کرد و داعشی ها آنها را به عنوان غنیمت جنگی مورد معامله قرار می دادند.

به گزارش "عصرایران"

...خاطرات دردناک...



سند مالکیت یک دختر، به عنوان کنیز

...خاطرات دردناک...

پیشنهاد بی شرمانه داعش به خواننده مشهور زن عرب در سال ۲۰۱۶ عناصر داعش از یکی از بازیگران و خوانندگان مشهور عربی به نام هیفاء وهبی درخواست کردند که به جهاد نکاح پیوندد. یکی از عناصر منتسب به داعش با نام ابو حارث الداعشی در این رابطه در صفحه خود در سایت تویتز می‌نویسد: بدن هیفاء وهبی باعث تحریک ما می‌شود، ما او را به جهاد نکاح دعوت می‌کنیم و اجرا او با خداوند خواهد بود!



مزایده دختر زیبای ایزدی در عربستان
این مزایده فروش جنسی دختر ایزدی، در عربستان کشوری که یکی از متحدان کشور انگلیس است انجام شده است. این مساله اکنون زمانی مشخص شده است که یکی از اعضای داعش کشته شده است و تصاویر فروش این دختر ایزدی در موبایل او موجود بوده است... منبع: روزنامه انگلیسی سان

...فاطرات دردناک...

داعش به دنبال این زن کرد

این دختر هنرمند کرد که اکنون در لس آنجلس به سر می‌برد، ۲۵ سال دارد. او پس از دیدار با پیشمرگه‌های کرد در فهرست مرگ داعش قرار گرفت. "هلی لوو" خواننده دختر کردی است که در کردستان عراق فعالیت می‌کند. او در فهرست مرگ داعش قرار گرفته است، با این حال با شجاعت اعلام کرده که از کار خود عقب‌نشینی نمی‌کند و افتخار می‌کند که با هنر خود در حال نبرد علیه داعش است. بر اساس گزارش این روزنامه، این هنرمند درباره کارهایش و موزیک ویدئوهای ساخته شده‌اش می‌گوید: "قصد دارم به مردمان از مذاهب و ملیت‌های گوناگون بگویم که پیام کردها، پیام دوستی و صلح است." به گزارش پارس ناز

داعش با "دختران نا زیبا" چه می‌کند؟

یک دختر ایزدی در گفت و گو با شبکه تلویزیونی العربیه فاش کرد که وقتی همراه خواهرش اسیر تروریست های داعش شده اند، خواهرش را که زیباتر از وی است به شهر رقه، پایگاه اصلی داعش در سوریه فرستاده اند. او می‌گوید: تروریست ها او را به منزلی در موصل فرستادند زیرا سرکرده‌های داعش او را "نازیبا" توصیف می‌کردند و این منزل چند طبقه مملو از زنان اسیر بود. این دختر ایزدی عراقی فاش کرد که سران داعش به برخی از دختران اسیر فرمان می‌دادند که لباس های کوتاه بپوشند و همین مساله باعث شد که یکی از این دختران از ترس مورد تعرض واقع شدن، در حمام دست به خودکشی بزند...

...خاطرات دردناک...

فروش زنان ایزدی به عنوان کنیز

اولین بازار عرضه و فروش زنان و دختران ایزدی اوایل اکتبر در یکی از کاخ‌های بزرگ شهر موصل برگزار شد که پیشتر از آن یکی از نظامیان بلند پایه ارتش عراق بود. در این حراج ۱۷ دختر و زن ایزدی در سنین مختلف فروخته شدند... آن‌ها را در یک ردیف به صف کرده و به گردان شان پلاک‌هایی انداخته بودند که روی آن‌ها شماره‌هایی نوشته شده بود ... از شرم سرهای شان را به زیر انداخته بودند ... پنجاه و دو مرد از نقاط مختلف مناطق تحت اشغال داعش مثل گرگ‌های گرسنه‌ای که در انتظار فرصت هستند تا شکار خود را تکه و پاره کنند، از آن‌ها دیدن کردند.



درخواست تعدادی از خریداران برای خرید مستقیم دو دختر ایزدی و عدم عرضه آن‌ها و انجام تشریفات عرضه و فروش به دلیل زیبایی خیره کننده‌ای که داشتند و بیم از افزایش تقاضا و بالا رفتن قیمت و عدم توان پرداخت قیمت آنها، اعتراض تعدادی دیگر به این درخواست‌ها را به دنبال داشت و نزدیک بود به درگیری مسلحانه و نزاع خونین بین دو طرف منتهی شود و در حالی که دو طرف با صندلی‌ها به جان هم افتاده بودند، صدایی آن‌ها را به خود آورد...

...ظاطرات دردناک...

جهاد نکاح اجباری شد

در اقدامی شرم آور و به نام شریعت و فتوا و توجیهی برای گناه کبیره زنا و به نام جهاد نکاح ، تروریست های داعش بر اساس شیوه وهابی ها به اهالی موصل تا عید فطر فرصت دادند تا همه دختران این شهر را برای جهاد نکاح جمعی آماده کنند. داعشی های وهابی با بلند گو در مساجدی که تحت حاکمیت ابوبکر البغدادی است این درخواست را بیان کرده اند.

لمی اسعد ۳۰ ساله یکی از زنان ساکن موصل در این باره به رادیو روسیه گفت که داعشی ها از ساکنان موصل خواسته اند همه دختران این شهر را بعد از عید فطر به نکاح نیروهای داعشی درآورند. تروریست های داعش اعلام کردند هر کسی از این اقدام سرباز زند مجازات می شود. تروریست های داعش در استان نینوا در شمال بغداد در روزهای اول سلطه بر این منطقه نیز اهالی این استان را مجبور کردند زنان را برای جهاد نکاح در مقابل ۸۰۰ دلار تسلیم آنان کنند. پیشتر نیز صدها تن از زنان موصل به همراه پسران جوان از سوی تروریست های داعش برای اجرای جهاد نکاح ربوده شده اند. هنوز آماری از تعداد زنانی که از سوی داعش از زمان سلطه آنان بر موصل مورد تجاوز قرار گرفته اند، منتشر نشده است. در این گزارش یادآوری شده که علمای مذاهب مختلف شیعه و سنی همگی بر حرام بودن فتوای جهاد نکاح اتفاق نظر دارند. اما علمای وهابی هنوز هیچ گونه سخنی در حرام بودن این فتوا که به تجاوز و تعرض علیه زنان می انجامد، بیان نکرده اند. تروریست های داعش در جهاد نکاح که نوعی زنا و تجاوز به زنان و دختران محسوب می شود اعتقادی به عده ندارند و این نمونه ای از انحطاط اخلاقی این گونه سازمان های افراطی است. منبع: ایسنا

...خاطرات دردناک...

جهاد نکاح

بعد از فتواهایی که شیوخ وابسته به جریان‌های تروریستی و تکفیری در رابطه با جهاد نکاح مطرح کردند، بسیاری از دختران از کشورهای مختلف عربی برای ارائه خدمات جنسی به عناصر مسلح داعش به سوریه سفر کرده‌اند.

در یکی از تصاویری که از طریق سایت یوتیوب منتشر شده، یک دختر سوری خاطرات خود را تعریف کرده و می‌گوید که چگونه در نتیجه فشارهای پدرش مجبور به برقراری رابطه جنسی با عناصر مسلح داعش شده است. او عناصر داعش را به خانه‌اش دعوت کرده بود تا با دختر کوچکش جهاد نکاح انجام شود. او معتقد بود که این اقدام یک جهاد است و توابع اخروی دارد و جایگاه این دختر بعد از مرگ در بهشت خواهد بود. عائشة البکری دختر سعودی ۱۵ ساله در سال ۲۰۱۳ اعتراف کرد که چگونه بیش از ۶ ماه با عناصر داعش روابط جنسی داشته است. رسانه‌های جمعی به نقل از عایشه نوشتند که وی در این مدت با بیش از هزار نفر از تروریست‌های داعش از ملیت‌های مختلف رابطه جنسی برقرار کرده که بیشتر آنها اهل الجزایر بوده‌اند. گزارش‌های مطبوعاتی توضیح می‌دهند که چگونه عناصر داعش و گروه‌های وابسته به فعالیت‌های تروریستی این گروه، با استفاده از مسائل شهوانی و جهاد نکاح و حورالعین اقدام به جذب عناصر مختلف از کشورهای متعدد کرده و در این رابطه از افسانه‌هایی که به شکل فتوای دینی می‌سازند، بهره‌برداری می‌کنند... روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور در گزارشی در سال ۲۰۱۵ نوشته تعداد زیادی از عناصر گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه در نتیجه روابط جنسی مختلط بین مبارزان و زنانی که از کشورهای متعدد آمده بودند، دچار بیماری ایدز شده‌اند...

...خاطرات دردناک...

هوسرانی داعشی ها به سبک جدید!

توییت زیر مربوط به ابو عبدالرحمن کعکه، قاضی شرعی داعش است که در آن به وضوح به استفاده ابزاری از زنان اشاره شده است. در این پست به سه زن اشاره شده که به نکاح مردانی درآمده‌اند بدون اینکه از نام و هویت آنها اطلاعی داشته باشند. نیروهای داعشی به این ترتیب از این زنان استفاده می‌کنند و پس از مدتی آنها را کنار می‌گذارند و جهاد نکاح همین طور توسط این زنان ادامه می‌یابد. تصویر توییت زیر از خبرگزاری اویس برداشته شده است.



أبو عبد الرحمن كعكة

ثلاث نسوة أخوات من الغوطة زُوجن من ثلاثة
مهاجرين زعموا فتبين أنهن لا يعرفن أسماء أزواجهن
ولالقبهم
أمنيات !! ماجئنا إلا لنصرتكم !!

سردرگمی زنان ایزدی از بچه های داعشی داخل شکم شان

شورای عالی ایزدی‌ها روز شنبه ۷ اردیبهشت (۲۷ آوریل) بیانیه‌ای دیگر منتشر کرد که در آن نوشته شده بود: رأی ما راجع به کودکانی نیست که در نتیجه تجاوز به این زنان متولد شده‌اند، بلکه از بچه‌هایی حرف می‌زنیم که والدین شان ایزدی هستند اما در پی حمله به سنجار اسیر نیروهای داعشی شده بودند. گفتنی است؛ در اوت

...خاطرات دردناک...

۲۰۱۴ میلادی (تقریباً ۵ سال پیش) تروریست‌ها ۶ هزار زن و بچه ایزدی را اسیر کردند که تعداد بسیاری از آنها تحت عنوان کنیز و برده جنسی به فروش رسیدند و سایر آنها نیز پیوسته مورد تجاوز قرار گرفتند. مراد اسماعیل، مدیر سازمان حقوق بشری ایزدی موسوم به "یزدا (Yazda)" اعلام کرد:

"تصمیم درباره پذیرفتن کودکان حاصل تجاوز با انتقاد شدید جامعه مذهبی ایزدی‌ها مواجه شده است. زیرا به نظر احزاب، رهبران مذهبی و رؤسای قبایل ایزدی، این تصمیم مغایر با مقررات ماست.

برای بسیاری از شهروندان بسیار دشوار است که جنایات نیروهای داعش و کودکان برجای‌مانده از تجاوز این نیروها را در جامعه خود بپذیرند..."

اکنون زنان ایزدی که مورد تجاوز تروریست‌ها قرار گرفته بودند با یک کلاف سردرگم مواجه هستند که یک سر آن قانون است و سوی دیگرش مهر مادری نسبت به کودکانی از مردان داعشی است که روح شان از فجایی که پدران شان رقم زده‌اند هم خبر ندارد اما ناخواسته پا به این دنیا گذاشته‌اند.

زنان ایزدی اکنون باید منتظر تصمیم قانون بمانند تا تکلیف تروریست‌زاده روشن شود. طبق قوانین ایزدی هر زنی که روزی به عنوان برده جنسی در دستان داعشی‌ها اسیر بوده و پس از تجاوز تروریست‌ها نوزادی به دنیا آورده است، برای بازگشت به سوی خانواده باید فرزندش را فراموش کند...

منبع: روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور

...خاطرات دردناک...

سرنوشت کودکان نامشروع جهاد نکاح داعش

در پی رواج گسترده اقدام موسوم به «جهاد نکاح» و نیز برده داری جنسی میان عناصر داعش، اکنون این گروه تروریستی با انبوهی از کودکان مجهول الهویه ای رو به روست که پدران و مادران حقیقی آنان مشخص نیستند.



داعش کودکانی را که محصول جهاد نکاح هستند و هویت والدین شان ناشناخته و نسب شان در میان هزاران عنصر داعشی گم شده است، به خلافت منتسب کرده و لقب جدید «فرزندان خلافت» را برای آنان برگزید. این گروه تروریستی مرکزی تحت همین عنوان برای آنان تاسیس کرد.

...خاطرات دردناک...

این کودکان محصول ازدواج های متعدد عناصر داعش پس از کشته شدن پدران شان و فرآیند قاچاق زنان و دختران تحت عنوان کنیز توسط داعش است.

مادران این کودکان پس از کشته شدن پدران شان با عناصر دیگری از داعش تحت عنوان جهاد نکاح ازدواج کرده و آنها تنها بدون پدر و مادر باقی مانده اند». این منبع سوری افزود در مراکز نگهداری «فرزندان خلافت» شمار زیادی از کودکانی نگهداری می شوند که به دلیل اعمال نظام برده داری جنسی در داعش، پدران و مادران واقعی آنان شناخته شده نیستند. دستکم ۲۰ درصد کودکانی که به این موسسه سپرده می شوند، مجهول النسب هستند. ۹۰ درصد آنان فرزندان مهاجراناند که ۵۰ درصدشان اروپایی و ۴۰ درصد دیگر عرب هستند.

مراکز نگه داری پذیرای کودکان بی سرپرست مجهول الهویه کمتر از ۱۲ سال داعش هستند. داعش با راه اندازی دوره های آموزشی نظامی و به اصطلاح دینی برای این کودکان در حال تربیت آنها به عنوان نسل دوم خویش است. داعش تمامی نیازهای کودکان را برای شان تامین کرده و با آنها به خوبی برخورد می کند و با انجام سفرهای تفریحی در صدد جذب و تربیت آنان بر اساس اندیشه های تندرو تکفیری خویش است. مسوولیت بخش پسران در مراکز نگهداری کودکان مجهول الهویه داعش با محمود الخمیس، ملقب به ابوماریه انصاری، و ابو عزیز جزراوی عربستانی است و ام محمود الانصاری، ام عزیز جزراوی، زهره ام جنید تبعه انگلیسی و فتون الشویخ معروف به ام عمیر عراقی مسوولیت دختران و تربیت آن ها را برعهده دارند. این افراد در ازای مسئولیتی که به آنان سپرده شده است، هر ماه ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ دلار حقوق دریافت می کنند... منبع: العالم

...خاطرات دردناک...

اظهارات تکان دهنده یک زن نجات یافته از دست داعش

یکی از زنان اهل استان صلاح الدین عراق که به صورت عجیبی از چنگال داعش نجات یافته، پرده از جنایت هولناک تروریست ها در حق دختر و همسرش برداشت. این زن که از ترس تروریست های داعش و مشکلاتی که ممکن است از این پس برای او ایجاد شود با نام مستعار، " نورهان محمد " نامیده شده ، از روزی که از دست تروریست های داعش به شکل عجیبی نجات یافته، به علت از دست دادن دختر و همسرش، سیاه برتن کرده و همواره گریه و زاری می کند. یورش وحشیانه تروریست های داعش به نینوا و صلاح الدین در ژوئن ۲۰۱۴، پیامدهای هولناک و بی سابقه ای چون مرگ هزاران انسان بی گناه و تعرض به شمار زیادی از زنان و دختران داشته و این وضع همچنان ادامه دارد.



...خاطرات دردناک...

نورهان زنی تقریباً پنجاه ساله در سخنان خود از لحظه ربوده شدن همسرش، به آتش کشیده شدن منزلشان با ادعای مرتد بودن و شنیدن فریادهای دخترش درحالی که از سوی تروریست های داعشی مورد تعرض واقع شده و در نهایت جان خود را از دست داده است، سخن می گوید و تاکید می کند، باورکردنی نیست کسی ذره ای ایمان به خدا داشته باشد و به خود جرات بدهد که به زن ناتوانی چون او و دخترش تعرض کند. تروریست های داعش ۲۲ ژوئن سال ۲۰۱۴ به منطقه العلم در ۱۶ کیلومتری تکریت مرکز استان صلاح الدین یورش بردند و فوراً موج اعدام و آدم ربایی در این منطقه را آغاز کردند و با ادعای مرتد بودن قربانیان، اقدام به انفجار و به آتش کشیدن منازل آنها کردند.

این منطقه و روستاهای حومه آن محل سکونت عشایر "جبور" است که به داشتن مواضع مخالف داعش معروف هستند؛ نورهان محمد با اصالت ترکمانی از اهالی همین منطقه است، اما همسرش عرب جبوری است که از حدود یک سال پیش مفقود شده است. عناصر داعش منازل ما را به آتش کشیدند و عشایر جبور را مرتد توصیف می کردند زیرا جبوری ها حاضر به کمک به تروریست ها نیستند، گفت: همسرش را ساعت ۳ بامداد به زور با خود بردند، دندان های پیش او را شکستند زیرا دو تن از آنها را شناخته بوده و به آنها التماس کرده که رهایش کنند، اما این تروریست ها نه تنها مردان را رها نکردند بلکه به زور وارد منزل شده و به جستجوی دخترها پرداختند...

منبع: العالم

...فاطرات دردناک...

داغ ننگ بر پیشانی زنان ایزدی

زنگ‌های خطر در مورد نوزادان متولد شده از تجاوز داعشی‌ها به صدا درآمده است و زنان ایزدی غرق در اقیانوس اندوه‌اند. دقیقا پنج سال پیش، نیروهای داعش مرتکب یکی از وحشتناک‌ترین جنایت‌های خود شدند. آن‌ها به منطقه شمال غربی سنجار که اکثریت جمعیت ایزدی آنجا زندگی می‌کردند، حمله کردند. ساکنان منطقه را جمع کرده و شروع به جداسازی زنان از مردان کردند.

مردان کشته شدند، کودکان ربوده شدند، مکان‌های مذهبی و زیارتی ایزدیان تخریب شدند. زنان و دختران مورد تجاوز قرار گرفتند، به بردگی گرفته و مجبور به تحمل وحشیگری غیرقابل توصیفی شدند. دختران خردسال ۹ ساله تحت آزمایش بکارت قرار گرفتند و بسیاری از آن‌ها برای بردگی جنسی فروخته شدند.

تقریباً ۳۵۰۰ زن توسط داعش ربوده شدند که از سرنوشت نیمی از آن‌ها تا امروز هم خبری در دست نیست. با این‌که دیگران فرار کردند، اما زندگی طاقت فرسا باقی ماند؛ و آن دسته از زنانی که پس از تجاوز بچه‌دار شده بودند، مجبور شدند برای بازگشت دوباره به جامعه ایزدیان نوزادانشان را ترک کنند یا در صورت نگه‌داشتن فرزند از جامعه‌ی خود طرد شوند. پری ابراهیم، بنیانگذار و مدیر اجرایی «بنیاد ایزدیان آزاد» بسیاری از بستگانش را در نسل‌کشی سنجار از دست داد. اوت ۲۰۱۴ به عنوان شروع نسل‌کشی ایزدیان، یک گروه قومی در عراق توسط داعش اعلام شده است. ۱۹ تن از زنان فامیل او توسط داعش ربوده، ولی دو نفر از آن‌ها موفق به فرار شدند و ۱۷ تن هنوز مفقود هستند. داعش حدود ۲۱ مرد نیز از فامیل او گرفته است، اما او

...فاطرات دردناک...

تصور می‌کند هیچکدام از آن‌ها زنده نیستند. خانم پری به ایندیندنت گفت: «ما تصور می‌کنیم که مردها مرده‌اند. زانی که برگشته‌اند به ما گفتند که مردها و همچنین پیرزنان قتل عام شدند. آن‌ها عمو و عمه و خاله و دایی زاده‌ها و سایر بستگان من بودند». خانم پری که تشکیلاتش به آن دسته از شهروندان ایزدی که در اثر حملات داعش بدترین آسیب‌ها را دیده‌اند کمک می‌کند، گفت: «زنان ایزدی که فرزندانشان نتیجه تجاوز شبه نظامیان داعش است، به دلیل اینکه جامعه پذیرای فرزندان آن‌ها نیست، با مشکلات زیادی روبرو هستند».

شورای معنوی ایزدی، عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری‌های مذهبی برای ایزدی‌ها، در ماه آوریل تصمیم گرفت این کودکان با همراهی مادرانشان در جامعه یزیدیان پذیرفته شوند. اما چند روز بعد، به خاطر خشم و هراس مردم یزیدی، توضیحاتی صادر شد که به صراحت هشدار داده بود که چنین کودکانی مورد استقبال قرار نمی‌گیرند. خانم پری گفت: «هیچ کس نمی‌داند که چند کودک متولد شده از پدران داعشی هستند. ما از انتخاب زنان هر چه که باشد، حمایت می‌کنیم؛ چه بخواهند کودکان را برای فرزند خواندگی واگذار کنند یا اینکه خودشان نگهداری کنند، این انتخاب آنهاست». او گفت: «البته زندگی در جامعه‌ای که کودک در آن با داغ ننگ زندگی کند، بسیار دشوار است. ما از مواردی خبر داریم که خانواده‌های ایزدی کودک را با زور از خانه دور می‌کنند و آن‌ها را برای فرزندخواندگی می‌گذارند یا به سازمان‌هایی می‌دهند که خانواده‌ای برای او پیدا کنند یا آن‌ها را به پرورشگاه بسپارند. این مادران بسیار ناراحت تنها برجای مانده‌اند. زنان ایزدی بازمانده از حمله و تجاوز اصلا در این بحث در نظر

...فاطرات دردناک...

گرفته نشده‌اند». او گفت، سازمان ما که در هلند مستقر است، ترتیب تماس یک مادر ایزدی را با فرزندش که توسط خانواده دیگری پذیرفته شده بود، داد. خانم ابراهیم می‌افزاید: «هنگامی که زنان ایزدی از اسارت داعش فرار می‌کنند و برمی‌گردند، مثل یک بدن بی روح هستند. دیگر هیچ امیدی ندارند و هیچ آینده‌ای در پیش رو نمی‌بینند. تمام چیزی که می‌خواهند این است که درون چادر بنشینند و برای اعضای از دست داده خانواده و زندگی بربادرفته‌شان عزاداری کنند. خیلی سخت است مقایسه دختری قبل از ربوده شدن با این کسی که در چادر یا ساختمان نیمه کاره‌ای نشسته است».

خانم ابراهیم می‌گوید: «من این بنیاد را به این منظور بنا نهادم که به ایزدی‌ها فرصتی برای ساخت دوباره زندگی‌شان بدهم. ما تغییرات بسیاری در زنانی که تحت درمان ما بودند، دیده‌ایم». او گفت که یک زن ایزدی، که تمام خانواده خود را در این قتل عام از دست داده است، گفت که دیگر نمی‌خواهد زندگی کند و می‌پرسید چرا زنده است. او گفت: کمک‌هایی که دریافت کرده، تحول آفرین بوده و اکنون که مربی یوگا در بنیاد ایزدی‌هاست بسیار خوشحال‌تر است. خانم ابراهیم که در سن سه سالگی به همراه خانواده خود از عراق زمان صدام حسین فرار کرده، گفت که ایزدی‌ها شرایط وحشتناکی را در اردوگاه‌های محل زندگی‌شان تحمل می‌کنند و توضیح داد که آن‌ها به شدت هم به امکانات لازم برای زندگی و هم به حمایت‌های روحی روانی نیاز دارند. او گفت: «جامعه بین‌المللی ایزدی‌ها را ناامید کرده. آن‌ها می‌خواهند که ایزدی‌ها به سنجار برگردند، زیرا نمی‌خواهند آن‌ها را در کشورهای خود به عنوان پناهنده بپذیرند. ایزدی‌ها صدایی ندارند. هیچ عدالتی برای مردم ما وجود ندارد».

...فاطرات دردناک...

خانم ابراهیم افزود که اعضای جامعه ایزدی اغلب از اعضای خانواده پیام دریافت می‌کنند که فرزندان شان در اردوگاه الهول هستند؛ اردوگاهی در بسته در کویری در شمال شرقی سوریه که در آن بیش از ۱۱۰۰۰ زن و کودک خارجی مرتبط با مظنونان داعش نگهداری می‌شوند.

دیده بان حقوق بشر شرایط موجود در این اردوگاه را «کشنده» و «رقت انگیز» توصیف کرده است: توالت‌های سرریز شده، نشت فاضلاب به چادرهای مندرس ساکنان اردوگاه و آب آشامیدنی از مخازنی که در آن‌ها کرم وجود دارد

خانم ابراهیم گفت که نمایندگان ایزدی‌ها برای جستجوی آن‌ها به الهول و اردوگاه‌های دیگر می‌روند، اما بسیاری از ایزدیان از ترس شناسایی توسط داعشی‌های ساکن اردوگاه و به خطر افتادن زندگی‌شان، خود را به عنوان ایزدی معرفی نمی‌کنند. بریتا فرناندز اشمیت، مدیر اجرایی سازمان بین‌المللی «زنان برای زنان» شاخه بریتانیا، که در تلاش برای کمک به زنان ایزدی فعالیت داشته است، زنگ‌های خطر را در مورد گرفتاری‌های زنان ایزدی با نوزادان متولد شده حاصل از تجاوز مبارزان داعشی، به صدا درآورد. او گفت: «آن‌ها بچه‌ها را به عنوان موجوداتی که توسط شیطان ناپاک شده‌اند، می‌بینند. بسیاری از زنانی که توسط داعش مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، پیدا کردن شریک زندگی را سخت می‌دانند. یک روانشناس درباره یک مورد نادر به من گفت که یک مرد جوان ایزدی با دختری ازدواج کرد که می‌دانست مورد تجاوز قرار گرفته است. برای او این موضوع مهم نبود. «بسیاری از این زنان فرزندان خواهان داشت که آن‌ها را "بچه‌های داعش" می‌نامند، و این آسیب زنده است. فقط یک لحظه فکر کنید که این چه بر سر آن کودکان می‌آورد. زنان باید بین یک زندگی سراپا

...فاطرات دردناک...

ننگ و یا یک زندگی در انزوای مطلق، یکی را انتخاب کنند. «به عنوان یک قربانی تجاوز جنسی، شما فشار بسیار زیادی از ننگ را تحمل می‌کنید، اما اگر متجاوز داعشی باشد، این فشار حتی بیشتر است. یکی از مقامات دولت گفت که تنها راه حل برگشت به کشور ثالث است، زیرا آن‌ها نمی‌توانند به جامعه‌ی اصلی برگردند و نمی‌توانند جایی بمانند که برایشان امن نیست.» خانم اشمیت گفت که زمانی شما ایزدی تلقی می‌شوید که هر دوی والدین شما ایزدی باشند. او در ماه آوریل از اردوگاه خانک در دهوک در اقلیم کردستان عراق بازدید کرد.

او گفت: «۱۶۰۰۰ نفری که آنجا زندگی می‌کنند، ایزدی هستند. این بدترین مکانی بوده که من آنجا بوده‌ام. در یک چادر پنج تا ۱۰ نفر بودند. آب لوله‌کشی وجود ندارد. آنجا بچه‌های زیادی هستند و پنج سال است که در آن شرایط زندگی می‌کنند.

یک روانشناس در آنجا به من گفت که احساس می‌کند در حال غرق شدن در اقیانوسی از درد است. شما می‌توانید آن میزان آسیب را در اردوگاه حس کنی. او گفت: «آن‌ها می‌خواهند به سنجار برگردند، اما نمی‌دانند که آیا هرگز بتوانند برگردند، زیرا آنجا به صورت وحشتناکی تخریب شده است. حتی اگر داعش آنجا نباشد، خانه‌ها و زیرساخت‌ها نابود شده‌اند. احساس می‌شد که آن‌ها در اردوگاه‌های پناهندگان گیر افتاده‌اند و هیچ جای دیگری برای رفتن ندارند. در گزارش سال ۲۰۱۶ سازمان ملل متحد آمده است که داعش جمعیت ایزدی‌ها را در معرض برخی از وحشتناک‌ترین جنایات قابل تصور» قرار داده است. یسیم اریکات تریس، روانشناسی که یک سال و نیم از طرف این بنیاد در اردوگاه کار کرده است، گفت که او فکر می‌کرد ۱۶۰۰۰ ایزدی اضافی در اردوگاه‌های وابسته اطراف اردوگاه خانک زندگی

...خاطرات دردناک...

می‌کنند. او گفت: بسیاری از زنانی که فرزندشان حاصل تجاوز جنسی داعش‌ها است به جامعه باز نمی‌گردند. آن‌ها در کنار خانواده‌های داعش باقی می‌مانند، زیرا می‌دانند جامعه‌ی خودشان بچه‌ها را نمی‌پذیرد.

خانم اریکات تریس گفت: «این یک مشکل بسیار پیچیده است. آن‌ها گروه اقلیتی هستند که از قبل مورد تهدید قرار داشته‌اند. تنها راهی که می‌توانند هویت خود را حفظ کنند، حفظ قوانین و مقرراتشان است، اما هم مادران و هم بچه‌ها رنج زیادی می‌کشند. من از زنان ایزدی اسیر شده که فرزندان خود را پشت سر گذاشتند، شنیده‌ام که زنانی آنجا مانده‌اند، چون قادر به ترک فرزندان خود نیستند. زنانی که به همراه نوزادانشان به جامعه ایزدی باز می‌گردند در خانه‌های امن گیر می‌کنند یا کودک را به پرورشگاه می‌سپارند.» خانم اریکات .. تریس گفت که زنی ایزدی که با او کار می‌کرد از او خواست پرس و جو کند تا ببیند فرزندش در پرورشگاه در امن و امان است، او نیز با مقامات کرد تماس گرفته بود، اما آن‌ها از افشای هر چیزی خودداری کردند. آن‌ها نگران آنچه که ممکن بود خانواده‌های ایزدی بر سر کودکان غیر ایزدی بیاورند، بودند. او گفت که «داستان‌های وحشتناکی» از قتل عام سنجار را از افرادی که خود شاهد آن فجایع بوده‌اند و بسیاری از بستگان نزدیک‌شان مفقود شده‌اند، شنیده است. خانم اریکات .. تریس افزود:

«هر کسی یک داستان تکان دهنده دارد. مردم گذشته را در ذهن شان مرور می‌کنند. وقتی فهمیدند که داعش در حال آمدن است و مردم را به قتل می‌رساند، شروع به فرار کردند، اما همه در اتومبیل‌ها جا نمی‌شدند. یک داستان غم‌انگیز درباره‌ی یک زن باردار وجود دارد که همسرش را پشت سر جا می‌گذارد، زیرا که در ماشین جا برای

...فاطرات دردناک...

او نبوده است. آخرین کلماتی که مرد به همسرش می‌گوید این بود که مواظب بچه‌ها باش. او یک فرزند همراهش داشت و همسرش را خیلی دوست داشت و ازدواج شاد و موفقى داشتند. او بسیار زخم خورده بود و فکر خودکشی در سر داشت. تنها چیزی که باعث شد به زندگی ادامه دهد مراقبت از فرزندان بود. از آن زمان تاکنون هیچ‌کس از همسرش چیزی نشنیده است. احتمالاً او مرده است.» خانم اریکات .. تریس با ابراز وحشت انگیز بودن برده داری جنسی که داعش بر زنان ایزدی اعمال داشت، گفت: «غیرقابل باور» است که در قرن بیست و یکم چنین اتفاقی افتاد. او گفت: «آن‌ها بسیار سازمان یافته بودند. بازارهای برده را سازماندهی کردند. آن‌ها دختران را از یک مکان به مکان دیگر آورده بودند. کسی که دختر یا زن را خریده بود، دوباره و دوباره آن‌ها را می‌فروخت. داعش سر یکی از بهترین دوست‌های یک دختر ایزدی را در مقابل چشمان او قطع کرد. آن‌ها مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفتند. همسران، برادران و پدران‌شان در مقابل چشم آن‌ها به قتل رسیدند. نادیا مراد، که از اردوگاه‌های شکنجه داعش جان سالم به در برده، وحشتی را که زنانی مانند خودش با آن مواجه بودند و در بازارها و یا حتی در فیسبوک به قیمتی ناچیز معادل ۲۰ دلار به فروش می‌رفتند، در کتابش با عنوان «آخرین دختر» نگاشته است. نادیا مراد برنده جایزه صلح نوبل، فعال حقوق ایزدی و حقوق پناهندگان و زنان است.

دختر بچه ای که به عقد مرد داعشی درآمد

تعدادی از کاربران فیس‌بوک تصویر یکی از اعضای وابسته به گروه داعش یک دختر بچه در حال گریه را که کنار او ایستاده است روی فیس‌بوک با عنوان "اعضای داعش

...خاطرات دردناک...

با کودکان عراق و سوریه ازدواج می‌کنند" منتشر کردند... این تصویر مربوط به ازدواج یک داعشی با دختر بچه سوری در اردوگاه دعویه در شهر "رقه" سوریه است... کاربران و فعالان اینترنتی در خصوص عکس منتشر شده این داعشی که در کنار یک دختر بچه گریان ایستاده، نوشت: همه ما باید برای جلوگیری از این اتفاقات دست به کاری بزنیم و اولین خواسته ما برقراری عدالت در جهان است. این مساله بزرگترین فاجعه تمدن بشری است. غربی‌هایی که به ظاهر مدافع حقوق بشر در سوریه‌اند هم اکنون کجا هستند. سارکوزی که لیبی را به خاطر برقراری آزادی نابود کرد کجاست؟ قطر و ترکیه کجایند؟... این کاربر نوشت: هر کس که عاملان این جنایات را می‌شناسد باید پاسخ آن‌ها را بدهد و مانع آن‌ها شود. این فعال در ادامه گفت: زمانی که این تصویر را در اینترنت مشاهده کردم به شدت تحت تاثیر قرار گرفتم چرا که این اتفاق، بزرگترین جنایتی است که تاکنون رخ داده است... منبع: پایگاه خبری المسله

تجاوز وحشتناک به دختر ۹ ساله توسط ۱۰ داعشی

نیروهای امدادگر گفته‌اند که دختری ۹ ساله را یافته‌اند که پس از تجاوز دست کم ۱۰ تن از عناصر داعش به او، اکنون باردار است. آنان خاطرنشان کردند که این دختر بسیار کوچک و ضعیف است و امکان دارد هنگام به دنیا آوردن فرزندش، جان دهد. عناصر گروه تروریستی داعش پس از به اسارت گرفتن زنان و دختران ایزدی، حتی به دختران کم سن و سال نیز رحم نکردند...

منبع: "العالم"

...خاطرات دردناک...

زنان و کودکان داعشی بعد از سقوط خلافت اسلامی

بعد از شکست‌های متوالی و سقوط خلافت داعش در مناطق مختلف که به دست نیروهای مقاومت و ارتش سوریه و عراق انجام شد، گزارش‌ها و آمار و اطلاعات دقیقی در رابطه با تحرکات زنان و کودکان منتسب به داعش در عراق و سوریه وجود ندارد. گرچه تاکنون آمار متعددی از کشته شده‌های منتسب به داعش توسط کشورهای مختلف منتشر شده، اما ابهام در رابطه با زنان و کودکان داعشی در این خصوص بیشتر است. به عنوان مثال سوئد اعلام کرده است که حدود ۴۹ نفر از شهروندانش که در عضویت داعش بودند، کشته شده‌اند، اما در میان آنها زنی وجود نداشته است.



...فاطرات دردناک...

در رابطه با خسارات انسانی و قربانیان غیرنظامی حملات گروه‌های مختلف نیز آمار متناقضی وجود دارد. در آوریل ۲۰۱۸ فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد که در حملات ائتلاف بین المللی ضد داعش به عراق و سوریه دست‌کم ۸۸۳ غیرنظامی کشته شده‌اند. این در حالی است که سازمان مستقل نظارت موسوم به «Airwards» تعداد غیر نظامیان کشته شده در نتیجه موشک باران و حملات هوایی نیروهای ائتلاف آمریکایی به عراق و سوریه را حدود ۶۳۲۱ نفر ارزیابی کرده است. در همان ماه پنتاگون اعلام کرد که هیچ کس نمی‌داند تعداد واقعی غیر نظامیانی که در عملیات ضد داعش در سوریه و عراق کشته شده‌اند، چه تعداد است. با شکست داعش در شهرهای موصل و الرقه و المیادین و البوکمال، آخرین ضربات بر پیکره این گروه تروریستی وارد شد تا خلافت موهوم اسلامی داعش به پایان راه خود برسد. در نتیجه این عملیات‌ها تعداد زیادی از عناصر منتسب به داعش کشته یا بازداشت شدند یا در کشورهای دیگر آواره شدند.

گرچه در گزارش‌های منتشر شده در پایان سال ۲۰۱۶ آمده بود که حدود ۱۵۰۰۰ شبه نظامی داعشی همچنان در سوریه و عراق مستقر هستند، اما آمار منتشر شده در ژوئن سال ۲۰۱۷ نشان می‌داد که تنها ۱۰۰۰ نفر از رهبران ارشد و مبارزان داعش به فعالیت‌های خود در مناطق محدودی که در اختیار دارند ادامه می‌دهند. مشخص نیست که در میان آنها زنان و کودکان نیز وجود دارند یا نه؟ بسیاری از عناصر منتسب به داعش به کشورهای اصلی خود بازگشته‌اند. این رقم ۷۳۶۶ نفر ذکر شده است. البته اختلاف آماری زیادی در این رابطه وجود دارد، اما گفته می‌شود تعداد مبارزان خارجی که سوریه و عراق را ترک کرده‌اند، به حدود ۱۴۹۱۰ نفر می‌رسد. این

...فاطرات دردناک...

موضوع نشان می‌دهد تعدادی از این افراد به کشور ثالث یا مناطق نامشخص رفته اند. این آمار نسبت به کشورهای مختلف متفاوت است.

به عنوان مثال انگلیس اعلام کرده است که ۵۰ درصد از ۸۵۰ شهروند داعشی این کشور به انگلیس بازگشته اند و حدود ۲۰ درصد از آنها نیز کشته شده‌اند، اما سرنوشت بقیه این افراد نامشخص است. ۳۰۰ نفر از ۸۰۰ اندونزیایی عضو داعش نیز به این کشور بازگشته اند. روسیه اعلام کرده است که تنها ۷ درصد (۳۸۰ نفر) از عناصر داعش به این کشور بازگشته اند. اردن نیز آماری شبیه به این دارد و تنها ۶ درصد از عناصر داعشی آن (۲۵۰ نفر) بازگشته‌اند...

منبع: خبرگزاری فارس

قانون جدید و بی رحمانه داعش برای قربانیان تجاوز جنسی

گروه تروریستی داعش پزشکان مرد را از درمان دختران و زنانی که بوسیله این گروه مورد تجاوز و آزار و اذیت جنسی قرار گرفته اند، منع کرد.

بر اساس این قانون جدید، پزشکان مردی که تخصص آنها در حیطة بیماری های زنان است باید درمانگاه های خود را تعطیل کنند و حق درمان دختران و زنان را ندارند. این گروه تروریستی معتقد است زنان و مردان باید در هر شرایطی از یکدیگر فاصله بگیرند. در نتیجه، به دلیل کمبود پزشک زن در این حیطة، بسیاری از قربانیان تجاوز جنسی با مشکلات جدی برای درمان مواجه شده اند...

به گزارش پایگاه خبری "شاهین نا"

...خاطرات دردناک...

خودکشی زنان عراقی

تجاوز تروریست‌های داعش به زنان در عراق، زنان مناطق در معرض خطر این کشور را در آن به آماده شدن برای خودکشی وادار کرده بود. خبرهایی که از بغداد و شهرهای شمال و شمال شرق عراق می‌رسید حاکی است بسیاری از زنان این مناطق مقادیری سم کشنده با خود حمل می‌کنند تا در صورتی که تروریست‌های داعش به آنها حمله کنند اقدام به خودکشی نمایند. عده‌ای از زنان نیز به شوهران خود گفته‌اند در صورتی که تروریست‌های داعش سر برسند اجازه دارند زنان خود را بکشند تا به دست داعشی‌ها نیافتند. گروه داعش در شهر موصل با انتشار بیانیه‌ای از اهالی این شهر خواسته است زنان را برای جهاد نکاح در اختیار آنها قرار دهند و اگر از این فرمان سرپیچی کنند با آنها طبق مقررات داعش برخورد خواهد شد. از موصل خبر می‌رسد عده‌ای از زنان که مورد تجاوز داعشی‌ها قرار گرفته بودند اقدام به خودکشی کرده‌اند.



...خاطرات دردناک...

شبه نظامیان دولت اسلامی عراق و شام موسوم به “داعش” همزمان با مبارزه با ارتش عراق در استان بیجی منزل به منزل رفته و درباره تعداد زنان مجرد و متاهل سوال می‌پرسند. یکی از ساکنان گفت: من به شبه‌نظامیان داعش گفتم که ما تنها دو زن در خانه داریم که هر دوی آن‌ها ازدواج کرده‌اند. آن‌ها در پاسخ به من گفتند که بسیاری از نیروهایشان مجرد هستند و به دنبال همسر می‌گردند. آن‌ها تاکید کردند که باید وارد خانه شده و به شناسنامه‌های این زنان که در آن مجرد یا متاهل بودنشان قید شده، نگاهی بیندازند. داعش به نیروهایش دستور داده است تا مردم محلی اهل تسنن را اذیت نکنند اما آن‌ها در بسیاری از مناطقی که تصرف می‌کنند، اصول افراطی خود را اعمال می‌کنند. به طور مثال آن‌ها در شهر موصل یک زن را به همراه شوهرش شلاق زدند چرا که آن زن به جای استفاده از برقع تنها یک روسری به سر داشت... منبع : روزنامه جمهوری اسلامی.



...خاطرات دردناک...

روایت رعب آور یک داعشی

داعشی ها به مدت یک هفته با دختران غربی ازدواج کرده و فوراً طلاق می دهند تا بقیه به نوبت با آنان ازدواج کنند!... این عضو سابق داعش درباره حقوق خود گفت: ماهانه ۴۰۰ هزار دینار عراق حقوق می گرفتم، در کنار حقوق پاداش هایی داشتم که غذای رایگان، سوخت و استفاده از اینترنت از جمله آنها بود... وقتی دیدم فرماندهانم افرادی هوسران و تشنه به خون دیگران هستند دچار نومیدی شدم... فرماندهان عالی داعش می گفتند از هزاران دختر دانش آموز در مدارس غرب استفاده می کنند، این فرماندهان با سوء استفاده از خلاء های قانونی موجود در غرب، با این دختران به مدت یک هفته ازدواج می کنند و پس از آن آنان را طلاق می دهند تا دیگر عناصر داعش به نوبت با آنان ازدواج کنند. این عضو سابق داعش درباره حقوق خود گفت: ماهانه ۴۰۰ هزار دینار عراق حقوق می گرفتم، در کنار حقوق پاداش هایی داشتم که غذای رایگان، سوخت و استفاده از اینترنت از جمله آنها بود...

عناصر داعش در اوقات فراغت باید در کلاس های آموزش مسائل دینی و جهادی حضور یابند. در این کلاس ها ذهن اعضای داعش شستشو داده می شود. پس از آنکه داعش به شهر من (فلوجه) حمله کرد به من خبر دادند گزینه ای جز پیوستن به داعش در برابرت وجود ندارد، به سرعت مرا به یکی از اردوگاههای آموزشی در شهر رقه سوریه منتقل کردند اما پس از مدتی در کلاس های آموزشی خاصی وارد شدم و در این کلاس ها مرا مجبور کردند تا نقش جلا را ایفا کنم. پس از این دوره به من دستور دادند چند نفر از شخصیت های سنی مذهب عراقی را که متهم به همکاری با دولت عراق بوده اند اعدام کنم. من برخی از این متهمان را می شناختم و حتی از

...خاطرات دردناک...

دوستانم بودند در نتیجه اجرای این دستور را نپذیرفتم. فرماندهان مرا از اجرای این دستور معاف کردند اما هشدار دادند اجازه نخواهند داد پس از این، از دستوراتشان تمرد داشته باشم. آنان یکی از دوستان مرا به اتهام تمرد از اجرای دستورات به طرز وحشیانه ای اعدام کردند در نتیجه تصمیم گرفتم فرار کنم. البته برداشت اولیه من از داعش این بود که عده ای جنگجو برای رضایت الهی می جنگند اما پس از مدتی پی بردم این گروه با اسلام هیچ میانه ای ندارد. به یقین می دانم برخی از اعضای داعش از قرص های روانگردان استفاده می کنند، برخی فقط در پی تجاوز به زنان و دخترانند، گاه مردان متعدد با یک زن و دختر آن هم در یک زمان معین ازدواج می کنند. این رفتارها به شدت ضد بشری است. گزارش روزنامه دیلی میل انگلیس، نقل از «باسم حمزه»، ۳۳ ساله از اهالی فلوجه عضو سابق داعش



...خاطرات دردناک...

اعتراف فرمانده ارتش زنان داعش

“امه اسماء” نام مستعار فرمانده ارتش زنان داعش است که وظیفه انتقال زنان و دختران داوطلب به این گروه تروریستی را دارد. او معمولا در مرز ترکیه به دنبال دختران اروپایی که اغلب از کشورهای آلمان، فرانسه و یا انگلیس آمده‌اند، می‌رود. این دختران اروپایی خواستار پیوستن به داعش و ازدواج با اعضای آن هستند.

“امه اسماء” ۲۳ ساله اهل شهر رقه سوریه است و پس از سقوط شهر در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) برای حفظ جان، مجبور به همکاری با داعش شد. او دختران و زنان داوطلب برای پیوستن به داعش را به رقه (مرکز خلافت داعش) منتقل می‌کند؛ اما پیش از آن به همه این زنان هشدار می‌دهد زندگی کنار داعش با آنچه آنها تصور می‌کنند کاملا تفاوت دارد. آنها اغلب بردگان جنسی می‌شوند و باید اعمال وحشیانه‌ای مانند شلاق خوردن، فروش در بازار برده‌ها و حتی سنگسار را پیش روی خود ببینند.

جسد زنان معمولا در گوشه‌ای از شهر رها می‌شود و گاهی حتی هفته‌ها کسی برای دفن اجساد اقدام نمی‌کند. باوجود هشدارهایی که به دختران اروپایی می‌دهم، گاهی ۵۰ نفر از آنها در یک روز برای پیوستن به داعش و عزیمت به شهر رقه اعلام آمادگی می‌کنند. داعش یک گروه تروریستی است که بخش‌های وسیعی از شمال عراق و شرق سوریه را به تصرف خود درآورده است... به نقل از "دیپلومی" میل

داعش سر کودکان شیرخوار را نیز می‌برید

شهروندی عراقی به نام “تحسین” که روزی زن و دو بچه سه و چهار ساله داشت و در روستای شنکال استان نینوا عراق زندگی می‌کرد، هم اکنون خانواده اش را به

...خاطرات دردناک...

علت جنایات داعش از دست داده است و نیروهای داوطلب از روستای محل تولدش برای دفاع حملات داعش محافظت میکنند. روزنامه انگلیسی دیلی میل نوشت: نزدیک به ۲۰۰ هزار ایزدی با پیشروی داعش در شهر موصل استان نینوا؛ از محل زندگی خود فرار کردند و هزاران نفر از آنها کشته شدند و ده ها زن نیز برای بردگی اسیر شدند. هنگام نزدیک شدن داعش به روستای شنکال با خانواده ام تماس گرفتم تا روستا را فوراً ترک کنند و آنها در مسیر حرکت خود به سوی منطقه کوهستانی سنجار گرفتار نیروهای داعش شدند و همگی کشته شدند. تحسین با چشمانی پر از اشک می افزاید: نیروهای داعش برادر بزرگم، پدر و مادر، همسر و دو کودک خردسال را کشتند و از آنها فقط یک عکس برایم باقی مانده است.



داعش وحشی است، و هیچ اهمیتی برای ارزش های دینی و انسانی قائل نیست و حیوانات مهربان تر از داعشی ها هستند. دیلی میل همچنین از دختر بچه ای هشت ساله به نام آزین نیز می نویسد. آزین در شهر زوهار زندگی می کند و پدر و مادرش در حمله تروریست ها به روستایش اسیر شدند و این دختر بچه برای نجات جان خود مجبور شد هفت روز با پای پیاده فرار کند. آزین می گوید: پدر و مادرم در سنجار اسیر شدند و من فرار کردم و خبری از سرنوشت آنها ندارم. "ریزال" مادر بزرگ

...خاطرات دردناک...

آزین نیز می گوید : ما شب و روز راه می رفتیم . بسیاری از مردان روستای ما کشته شدند و بسیاری از زنان اسیر شدند و برخی از کودکان به علت گرمای زیاد که گاه به ۵۰ درجه می رسید ، جان خود را از دست دادند. ایزدی هایی که در اردوگاه آوارگان "لالش" نزدیک روستای شنکال زندگی می کنند، از سرما رنج می برند و برخی بیمار شدند و هیچ چیزی نداشتند زیرا همه چیز خود را گذاشته و فرار کرده اند. یکی از زنان ایزدی که از چنگال داعش جان به در برده است می گوید : نیروهای داعش حتی سر کودکان شیرخوار را نیز می بریدند. به نقل از "دیلی میل"

۲۰ هزار کودک یتیم عراقی، قربانیان فراموش شده، داعش

کودکان یتیم عراقی؛ قربانیان از یاد رفته 'داعش' اند و دولت عراق فاقد امکانات کافی برای توجه و مراقبت از این کودکان است.



دهها هزار کودک عراقی؛ پدر، مادر و یاهر دو آنها را زیر ظلم و ستم گروه تروریستی

...خاطرات دردناک...

داعش از دست داده اند. سربازان عراقی که در جنگ با داعش کشته شده اند؛ بطور معمول در شهرهای مختلف عراق مورد تکریم واقع می شوند؛ اما این کودکان، قربانیان فراموش شده جنگ با داعش هستند. کودکانی که بعضا در مقابل دیدگان خود شاهد کشته شدن والدین شان بوده اند. دولت عراق منابع کافی برای حمایت از این کودکان ندارد. بازسازی شهرهای ویران شده از جنگ و برقرار ساختن خدمات اولیه نظیر آب؛ برق و بهداشت و درمان به سختی انجام می شود. در یک چنین شرایطی بدیهی است که برآورده ساختن نیازهای اولیه کودکان مصیبت دیده از جنگ با داعش مطلقا در اولویت نیست. هیچکدام از سازمان های دولتی عراق و یا گروه های بین المللی ارائه دهنده خدمات بشردوستانه آماری صحیح از این کودکان یتیم شده عراقی ندارند. شورای شهر 'موصل' آمار کودکان یتیم شده این شهر بدست داعش را ۱۳ هزار نفر اعلام کرده است که در نوع خود یک رکورد محسوب می شود. نیروهای امدادگران می گویند که هزاران کودک یتیم دیگر نیز در سایر شهرها و روستاهای آزاد شده از چنگال داعش، وجود دارند. این نیروها در آماری کاملا محتاطانه مجموع کودکان یتیم عراقی در اثر مبارزه با داعش را ۲۰ هزار تن اعلام کرده اند. اکثر این کودکان نزد اقوام و خویشاوندان شان نگهداری می شوند. اغلب این خانواده ها امکانات مالی و ابزار کافی برای نگهداری از این کودکان ندارند. اغلب این کودکان دچار آسیب های عاطفی فراوان اند و خانواده هایی هم که از این کودکان نگهداری می کنند خود؛ بازمانده جنگ اند و آنها هم به نوعی مبتلا به همین آسیب های روحی اند. تک تک این کودکان به عنوان قربانیان داعش نیازمند ابراز عشق و محبت ما هستند. به گزارش کودک پرس، به قلم "مارگارت کوکر"

...خاطرات دردناک...

جداسازی شهروندان براساس مناطق محل سکونت

عناصر گروهک تروریستی داعش اقدام به جداسازی شهروندان براساس مناطقی که در آن زندگی می‌کنند؛ آنها ده ها شهروند ساکن منطقه العلم از جمله همسر نورهان محمد را ربودند؛ وی که خاطرات تلخ آن زمان را در ذهن خود حفظ کرده است، گفت: روز دوم بعد از حمله تروریست ها به سوی جاده بین العلم و تکریت حرکت کردیم، تروریست ها چند دختر از خانواده هایی را که همراه ما بودند و به مکانی نامعلوم بردند و ما همچنان به مسیر خود ادامه دادیم به امید این که بتوانیم با خودرویی به کرکوک برویم؛ ناگهان ۶ خودرو متعلق به تروریست ها ما را محاصره کردند و در حالی که به شکل عجیبی در جستجوی دختران جوان بودند، از دین و اعتقادات افراد سوال می کردند. عناصر مهاجم داعش تابعیت عراقی، افغانی و خارجی داشتند. "دیلی میل"

اسارت، تعرض و تحقیر

عناصر داعش در حالی که اقدام به تقسیم دختران کردند با خود از حور العین سخن می گفتند و یکی از این تروریست ها به صورت وحشیانه به او تعرض و لباس هایش را پاره کرد. عناصر دیگری از تروریست ها به دختر بزرگش حمله کردند و با ضرب و شتم شدید او را به اتاق تعرض و تجاوز بردند که وی به همراه چند دختر دیگر بر اثر شدت خونریزی ناشی از تعرض وحشیانه جان خود را از دست دادند.

پس از تعرض و ضرب و شتم، یکی از عناصر داعش که اهل الحویجه بوده نزد آنها آمده و وقتی متوجه شده آنها اهل کرکوک و ترکمان هستند، پس از مدتی آنها را از زندان آزاد کرده است. نورهان درگفت وگو با "سومریه نیوز"

...خاطرات دردناک...

دختری به نام نادیه

در یکی از برنامه های تقسیم جوایز در کشور آلمان دختری به نام نادیه برای اولین بار داستان جان سوز خود را این گونه گفت: "روزی که روستای ما در تسلط داعش درآمد، شش تن از برادران من را کشتند، اما هستند دخترانی که ده تن از برادران شان کشته شده اند و یا تمام خانواده شان را به کام مرگ فرستادند". صدها مردا روستایی را نیز کشتند و زنان و دختران را سوار ماشین ها کردند. مرا همراه ۱۵۰ دختر دیگر به شهر موصل انتقال دادند. هنگامی که داشتند ما را به موصل می بردند، در میان راه افراد داعش شروع کردند به اذیت کردن ما. آنها به ما دست می زدند و قاه قاه می خندیدند. به محض ورود به شهر موصل همه دختران را فروختند. مرا نیز یک مرد خرید و آن شب مجبورم کرد لباس نو تن کنم و آرایش کنم. سپس تمام شب به من تجاوز کرد. این کار ادامه داشت و روزی که خواستم از دستش فرار کنم، یکی از نگهبان ها مرا گرفت. صاحب من که مرا خریده بود، مرا به شدت کتک زد و لخت به اتاق نگهبان فرستاد. آنها به من تجاوز می کردند تا وقتی که از حال می رفتم...

ممکن است اکثر مردم فکر کنند داستان من بسیار دردناک است اما می خواهم به آنها بگویم که همین کار را با دختران نه ساله نیز انجام می دهند. آنها را مانند گاو و گوسفند می خزند و می فروشند و به آنها تجاوز می کنند. نادیه سرانجام به کمک یکی از آن دختران است که توانسته از دست داعش فرار کند. در مجموع پانصد هزار نفر از مردم سوریه بوسیله داعش و سایر گروههای تروریستی به شهادت رسیدند و مجموع کسانی که بوسیله این گروهها در سوریه و عراق و افغانستان و پاکستان و... قربانی شده اند، بیش از یک میلیون نفر است.

...فاطرات دردناک...

علت جذابیت داعش برای دختران اروپایی

گروه تروریستی داعش روش‌های تبلیغاتی رسانه‌ای مختلفی را جهت جذب دختران اروپایی به کار گرفته است. چارلز لسر عضو مرکز تحقیقاتی بروکینز در دوحه پایتخت قطر اعلام کرده است که داعش با جذب زنان مناطق تحت کنترل خود را به هتل‌های پنج ستاره تبدیل کرده است. سایت‌های ارتباط اجتماعی در اینترنت یکی از راه‌های داعش برای جذب نیروست و تاکنون هزاران نفر از مناطق مختلف از همین راه به داعش منتقل شده‌اند و در این سایت‌ها به زنان می‌گویند که آنان را برای تشکیل خانواده پرستاری و معلمین نیاز دارند...



گروه تروریستی داعش به کشتارهای وحشیانه خود در سراسر خاورمیانه ادامه می‌دهد تحلیلگران و سیاست‌گذاران در تلاشند تا دریابند این گروه چگونه می‌تواند شمار زیادی از جوانان را به ویژه از غرب اروپا به خود جذب کنند. در حالی که شمار افراد پیوسته به داعش مشخص نیست اما طبق تحقیقات اخیر و به ویژه اطلاعات

...فاطرات دردناک...

ارائه شده در کتاب "داعش کشور وحشت" نوشته استرن وبرگر شمار زیادی از جنگجویان خارجی، اروپایی که به داعش ملحق می‌شوند در میان افراد رده بالای این گروه هستند. شاید بتوان شبکه‌های اجتماعی را در این روند مؤثر دانست اما چنین توضیحی برای شرایط برعلل اصلی جلب حمایت از سوی این گروه سایه می‌اندازد. تویتر و فیس بوک شیوه‌های قابل توجهی برای سازماندهی فراهم می‌آورند اما نمی‌توانند انگیزه‌ای برای سازماندهی باشند. برخی نیز بر این باورند که جوانان اروپایی که مشکلات مالی دارند و از سوی جامعه رانده شده‌اند با گرایش به افراط‌گرایی مواجه هستند این مسئله درست است و همواره صحیح بوده چرا که مشکلات اجتماعی، اقتصادی زمینه مساعد برای ایدئولوژی‌های افراطی فراهم می‌آورد.

اما بسیاری از جوانانی که به داعش می‌پیوندند از خانواده‌هایی از قشر متوسط جامعه هستند و چشم انداز زندگی آنها عالی بوده است. اگر این مردان جوان و بطور فزاینده زنان جوان تا این اندازه خود را مشتاق پیوستن به جنبشی می‌بینند که در نهایت احتمالاً منجر به مرگ آنها خواهد شد می‌بایست دلیل و برهانی مهم‌تر از مشکلات اقتصادی و یا شرایط خوب اجتماعی وجود داشته باشد.

داعش به این دلیل برای مسلمانان اروپایی جذاب نیست که به آنها کمک می‌کند فقر خود را فراموش کنند بلکه به این دلیل برای آنها جذابیت دارد که جایگزینی جذاب و معنادار در مقابل زندگی برای رفاه مادی و امنیت اقتصادی به آنها پیشنهاد می‌کنند. این تفکر که بهبود شرایط اجتماعی و مالی در مناطق مسلمان نشین غرب اروپا در پیوستن افراد جدید به داعش تأثیر می‌گذارد ساده انگارانه است. همچنین درست است که بکارگیری نیرو در میان افرادی که از نظر مالی با مشکل مواجه شدند

...خاطرات دردناک...

ساده‌تر است چرا که این افراد به پول احتیاج دارند و چیزی برای از دست دادن ندارند با این وجود این نظریه نیز نمی‌تواند موفقیت داعش را در جذب آن دسته از افراد که فقر مالی نداشتند و یا در شرایط خوب اجتماعی بودند توضیح دهند برای نمونه می‌توان به ناصر موتانا مرد جوانی از ویلز اشاره کرد که برای پیوستن به داعش ۴ پیشنهاد برای تحصیل در رشته پزشکی در دانشگاه انگلیس را رد کرد.

اگر دموکراسی‌های غربی واقعا در تلاش هستند، از جذب شدن جوانانشان به سمت داعش جلوگیری کنند. آنها می‌بایست در تفکرات ارتدکسی صلح اقتصادی و عقید سکولار در مورد اینکه راحتی فیزیکی و فرصت‌های اقتصادی راه حلی برای همه نارضایتی‌های اجتماعی هستند، تجدید نظر کنند. امروز اروپا با چالش جدیدی روبه روست از جمله نسل جدید اروپایی از پدران داعشی که در همین رابطه روزنامه اسپانیایی "لافانگواردیا" در گزارشی به چند جنبه دیگر حضور دختران و زنان اروپایی در صفوف داعش پرداخته و نوشت هم اکنون مراکز امنیتی در اروپا نگران موج بازگشت دختران و زنان حامله اروپایی تبار از پدران داعشی می‌باشند که در چارچوب قوانین اروپایی فرزندان شان هم باید از تابعیت این کشورها برخوردار باشند. هم اکنون این پدیده به شکل قابل توجهی در حال گسترش است به نحوی که شاهد سفر شماری از دختران کم سن و سال به بهانه گذراندن تعطیلات در کشورهای خاصی هستیم اما بعد از آن با مدارک جعلی وارد کشور سوریه شده و در آنجا بعد از انجام عمل منافی عفت تحت عنوان جهاند النکاح پرداخته و باردار به کشور خود باز می‌گردند. بر اساس این گزارش دولت آلمان که مدتها چشم خود را به روی انتقال جنگجویان تبعه خود به کشورهای خاورمیانه می‌بست امروز با این مشکل بزرگ

...خاطرات دردناک...

مواجه شده است. نباید فراموش کرد امروز داعش از زنان و دختران به عنوان دامی برای بسیاری جوانان عرب و مسلمانی استفاده می کند که به دلیل بیکاری و تورم موجود در کشورهای شان ازدواج به عقده ای بزرگ برای شان تبدیل شده است، در این شرایط این جوانان می توانند با پیوستن به داعش و حضور در سوریه یا عراق به خواسته های خود با هزینه ای بین ۱۵۰ تا یک هزار دلار برسند. شش یا هفت ماه پیش یک یا دو زن از طریق اینترنت جذب داعش می د اما اکنون تعداد زیادی از زنان و دختران جذب این گروه می شوند و یکی از اعضای داعش در صفحه شخصی خود در سایت تامبلر نوشت: ۱۰ یا ۲۰ زن و دختر و گاه بیشتر هر روز به داعش می پیوندند. داعش در سایت های ارتباط اجتماعی به زنان و دختران نحوه گذشتن از مرزهای ترکیه را آموزش می دهد و از آنها می خواهد که روادید گردشگری اخذ کنند و اطلاعات سیاسی خود را برای پاسخ داد به سوالات مرزبانان افزایش دهند و با خود لباس اضافی به همراه داشته باشند تا اگر لباس آنها هنگام عبور کردن از زیر سیم خاردارهای مرزی پاره شد لباس دوم را بپوشند. منبع: باشگاه خبرنگاران به نقل از روزنامه لس آنجلس تایمز

اعدام ۳ زن عراقی در موصل به دست داعش

تروریست های تکفیری داعش ۳ زن عراقی را در منطقه الجزایر واقع در شرق موصل اعدام کردند. تروریست ها با شلیک مستقیم گلوله این ۳ زن را به قتل رسانده و اجساد آنها را نیز تحویل خانواده هایشان ندادند. به نقل از پایگاه خبری المدی پرس

...فاطرات دردناک...

زیباترین زن داعشی این خانم اروپایی است

داعش در برخی از نقاط جهان نیز جنایت های زیادی مرتکب شده است. دختر اتریشی که ملکه زیبایی داعش نام گرفته، در سوریه برای جهاد نکاح حضور یافته بود، تا این که زمان مرگش فرا رسید و به طرز مشکوکی جان خود را از دست داد.



گروه تروریستی داعش با اهداف شوم آمریکا و کشورهای عربی برای ضربه زدن به اسلام و به آشوب کشیدن منطقه به وجود آمد و برای جذب نیرو از پول تا مسائل جنسی دریغ نکردند. منبع: سایت سماتک



ملکه زیبایی داعش در کنار یکی از نیروهای تروریست داعشی

...فاطرات دردناک...

زنان بهترین راه برای به دام انداختن جوانان

به منظور به دام انداختن جوانان و جذب شان از طریق شبکه های اجتماعی سو استفاده می کرد. داعش با این دختران زیبا افراد زیادی را شکار و به گروه خودش می کشاند هر کسی به این گروه وارد می شد با پول و رابطه جنسی اغفال می شدند دختران زیبایی که برای به دام انداختن جوانان در شبکه های اجتماعی توسط داعش استفاده می شدند.



"سالی جونز نوازنده و خواننده زن انگلیسی موسیقی راک" نیز پیش از این به داعش پیوسته بود. سالی جونز خواننده راک انگلیسی پس از پیوستن به داعش به سوریه رفت و پس از رهبری و مشارکت بسیاری از عملیات تروریستی، کشته شد. سالی جونز یکی از معروفترین زنان عضو داعش بود که خبر پیوستنش به این گروهک تروریستی بازتابهای بسیاری در سطح جهان در پی داشت.

منبع: باشگاه خبرنگاران به نقل از روزنامه لس آنجلس تایمز

...خاطرات دردناک...

"لیندا وینزل"

این دختر ۱۶ ساله نوجوان از طریق شبکه‌های اجتماعی عاشق یک داعش شده بود و برای رسیدن به این جوان از خانه و خانواده خود فرار کرده و راهی موصل عراق شده بود. پس از آنکه موصل از اشغال داعش آزاد شد این دختر در یک تونل پنهان شده بود که توسط نیروهای عراقی یافته شد. سربازان عراقی در ابتدا اعلام کردند که این دختر زیبا چهره یک تک‌تیرانداز چچنی است. این دختر به دلیل چهره زیبا و کم سن بودنش به شدت مورد توجه سربازان عراقی قرار گرفت و آنها برای عکس گرفتن با وی به رقابت پرداختند.



...فاطرات دردناک...

ماجرای عجیب ازدواج دختر وزیر چینی با فرماندهان داعش



ماجرای عجیب ازدواج دختر وزیر سابق چینی با یکی از سران داعش توجه بسیاری از رسانه‌های ترکیه را به سوی خود جلب کرد. صدا دودورکایف، دختر "آسو دودورکایف" از وزرای سابق چین در ماه گذشته در یکی از خانه‌های تیمی پنهان در استانبول، همراه با چهار داعشی دیگر دستگیر شدند. در بازجویی‌های اولیه مشخص شد که خانم دودورکایف یکی از چهره‌های مهم گروه تروریستی تکفیری داعش بوده و روایت زندگی او شایان توجه است...

اسطوره تروریست‌های زن داعش را بشناسید

این دختر چینی در سال ۲۰۱۴ میلادی ابتدا در فضای مجازی با یکی از سران داعشی به نام "حمزات" آشنا شده و به منظور ازدواج با او از چین به سوریه گریخته و در یکی از اردوگاه‌های داعش خود را به عقد او در آورده است. انتشار خبر این ازدواج، پدر او را مجبور به استعفا از پست وزارت کرد و دختر آسو دودورکایف در دست داعشی‌ها گرفتار شد. پس از مدتی، حمزات که به عنوان یکی از فرماندهان نزدیک به رئیس شاخه نظامی داعش شناخته می‌شد، در یک عملیات کشته شد و خانم دودو کایف تصمیم گرفت که نزد خانواده خود در چین بازگردد، اما داعش به او اجازه نداد.

...فاطرات دردناک...

چرا که عمر الچینی (شیشانی) تصمیم گرفته بود این بیوه جوان را به عقد خود درآورد. طارقان تیموراز ویچ باتراشویلی یا همان عمر الشیشانی، پس از آنکه بیوه مزبور را به صورت اجباری به عقد خود درآورد، در عملیات نیروهای ائتلاف آمریکایی ضد داعش کشته شد و همسرش را با دو فرزند تنها گذاشت. در همین زمان بود که ابوسعید الشیشانی یعنی برادر عمر الشیشانی جای خالی برادر خود را پر کرد و به عنوان فرمانده نظامی داعش برگزیده شد. او سریعاً به همسر برادر کشته شده خود پیام داد که باید هرچه زودتر به عقد او در آید. اما صدا دودور کایف در مقابل خواسته او مقاومت کرد و تن به ازدواج سوم نداد. به همین دلیل الشیشانی هم عصبانی شده و تصمیم گرفت همسر برادر خود را به عنوان نیروی آماده انجام عملیات انتحاری به ترکیه بفرستد. دودورکایف در استانبول دستگیر شد و الشیشانی هم در دیرالزور سوریه، کشته شد. ماجرای این زن جوان بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های ترکیه پیدا کرده و نشان می‌دهد که در اردوگاه‌های داعش علاوه بر تهدید ترور و شکنجه، در خصوص انحرافات جنسی هم حاشیه‌های فراوانی وجود داشته است...منبع: تسنیم

روایت تلخ یک داعشی از تعرض جنسی به ۲۰۰ زن عراقی

«عمار حسین» جوان داعشی گفت مفتیان و رهبران داعش به او و دیگران اجازه داده بودند به هر تعداد از زنان ایزدی و دیگر اقلیت‌ها که خواستند، تجاوز کنند این داعشی دستگیر شده، همچنین، گفت از زمان پیوستن به داعش در سال ۲۰۱۳، ۵۰۰ نفر را نیز کشته است. او ضمن توضیح آموزش‌هایی که برای آدم کشتن دیده بود، گفت این کار در آغاز سخت بود اما هر روز آسان‌تر شد. به گزارش خبرگزاری "العالم"

...خاطرات دردناک...

بیش از ۱۸۰ بار مورد تجاوز قرار گرفتم

این دختر ۱۴ ساله که نامش "اخلاص" است تاکید کرد که شش ماه است که از خانواده‌اش جدا شده و طی این شش ماه هر روز مورد تجاوز اعضای داعش قرار گرفته است. او سعی داشت به تنهایی از طریق کوه‌های سنجار واقع در شمال عراق از دست داعشی‌ها فرار کند که مجدداً به دست آنها اسیر می‌شود و نمی‌تواند فرار کند تا قربانی تجاوزات جنسی آنها شود. از او به عنوان برده جنسی استفاده می‌شده و از میان ۱۵۰ زن ایزدی ربوده شده قرعه به نام وی افتاد و یکی از داعشی‌ها صاحب او شد و هر روز به وی تجاوز می‌کرد. این دختر ۱۴ ساله درباره این مرد متجاوز گفته است: او واقعا مانند حیوان وحشی پست و شنیع بود، موهای بلندی داشت، بوی بدی می‌داد. من خیلی از او می‌ترسیدم و نمی‌توانستم نگاهش کنم. اخلاص می‌افزاید، بعد از شش ماه ربوده شدنش زمانی که صاحبش خارج از منزل و برای جنگ رفته بود توانست فرار کند. او اکنون در آلمان در یکی از بیمارستان‌ها تحت مداوا و آموزش است و می‌خواهد وکیل شود.



...فاطرات دردناک...

مرگ تلخ ۲ دختر خردسال در زیر شکنجه های داعش

داعش والدین عراقی را مجبور می کرد تا یکی از دو شکنجه را برای فرزندان شان انتخاب کنند، شلاق و یا گاز گرفتن! والدین نیز با خیال اینکه گاز گرفتن راحت تر است این شکنجه را انتخاب می کردند، غافل از اینکه این نوع شکنجه باعث مرگ کودکان شان خواهد شد ... دو دختر زیر ده سال از سوی زنان تروریست های داعشی در غرب موصل ربوده شدند. والدین دخترها باید میان دو مجازات یکی را انتخاب می کردند. گاز گرفته شدن کودک یا شلاق. آنها به خیال اینکه کودکان به وسیله دندان گاز گرفته می شوند، این شکنجه را انتخاب کردند در حالی که این شکنجه شامل یک ابزار آهنی بود که کودکان را به شدت زخمی کرد و باعث خونریزی و در نهایت مرگ آنها شد... به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک



...خاطرات دردناک...

شب اول ازدواج دریا؛ عروس داعشی‌ها

فرادید، زنی که به سوریه رفته بود تا عروس گروه تروریستی داعش شود فاش کرد که شب عروسی را در «یک اتاق شکنجه‌ی خون آلود» سپری کرده است. دریا او، ۲۶ ساله و از یک خانواده‌ی ترک مقیم آلمان است که هم اکنون در این کشور تحت بازجویی قرار دارد. وی به بازجویان گفته است: او در سنی که «اثرپذیری» بالایی دارد با آدم‌های بد همراه شده است.



دریا و همسر اولش ماریو

او سال‌ها دوست دختر رئیس کلوپ موتورسواری Hells Angels بود و می‌گوید، قبل از آنکه از طریق اینترنت با یک آلمانی تازه مسلمان به نام ماریو Sciannimanica آشنا شود در روابط خود دچار مشکل شده بوده است. دریا می‌گوید، نخستین بار ماریو درباره‌ی زندگی با گروه داعش با او صحبت کرده

...خاطرات دردناک...

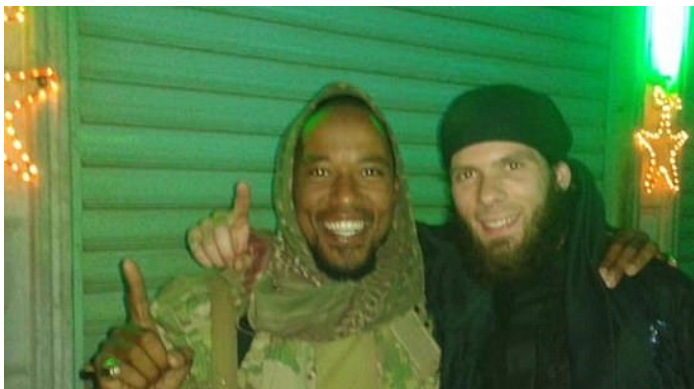
است. دو ماه بعد دریا هر آنچه در آلمان دارد را ترک و به ترکیه سفر می‌کند. سپس قاچاقی از مرز عبور می‌کند و وارد سوریه می‌شود. اولین بار که ماریو را با لباس‌های نظامی و ریش بلند و اسلحه دیدم به نظرم بسیار فوق العاده آمد... دریا می‌گوید، شب عروسی شان در مکانی غیر رمانتیک و در یکی از اتاق‌های سابق شکنجه‌ی داعش سپری شده است.



ما در یکی از اتاق‌های متروکه‌ی شکنجه زندگی می‌کردیم که از سقفش زنجیرهایی آویزان بود و رد خون هنوز روی دیوارهایش وجود داشت، واقعا ترسناک بود. دریا که از آن شب به بعد مجبور می‌شود لباس‌های بلند و کاملا پوشیده به تن کند، می‌گوید، هیچ تناسب و اشتراکی با تفسیر انحرافی این گروه از اسلام، احساس نمی‌کرده است.

...خاطرات دردناک...

در واقع، من همه‌ی آن چه را که آن‌ها انجام می‌دادند نمی‌خواستم، من فقط می‌خواستم کودکان سوری را نجات دهم. او و ماریو سپس به عراق می‌روند و در سال ۲۰۱۵ صاحب یک فرزند پسر می‌شوند. اما دعوای همیشگی شان خیلی زود باعث جدایی شان می‌شود. همه چیز خوب بود تا اینکه او (صلاح الدین) با یک پهپاد مورد اصابت قرار گرفت و دو ماه بعد جان خود را از دست داد. خدایا من واقعا شانس بدی در مورد مردها دارم. هر مردی اطراف من بوده، مرده است. دریا، به سرعت از طرف یکی دیگر از تازه مسلمانان داعش، به نام دنیس کاسپرت، که پیش از پیوستن به این گروه خواننده‌ی رپ در یکی از دیسکوهای معروف آلمان بود، و به سرعت به یکی از معروف‌ترین تروریست‌های آلمانی گروه داعش تبدیل شد، پیشنهاد ازدواج دریافت می‌کند. دریا می‌گوید، دنیس مهربان بود و اغلب در خانه‌ی آن‌ها وقت می‌گذارند. اما به پیشنهاد ازدواج دنیس جواب رد می‌دهد، چون به گفته‌ی خودش "زن‌ها حرفی برای گفتن با او ندارند"، و تصمیم می‌گیرد همسر دوم یک فرماندهی داعشی اهل بلژیک به نام ابو صلاح الدین شود.



دنیس و ماریو

...خاطرات دردناک...

دریا سپس به نخستین همسرش ماریو رجوع می‌کند. مدتی نمی‌گذرد که ماریو به اتهام جاسوسی علیه داعش در یک دادگاه سرپایی تفهیم اتهام و سپس توسط یکی از هم‌زمان سابقش سربریده می‌شود. بعد از آنکه ماریو دستگیر و شکنجه می‌شود، دریا به کمک قاچاقچیان انسان از قلمروهای داعش فراری داده می‌شود و خود را به مرز ترکیه و سوریه می‌رساند. او در ترکیه زندانی و سپس در تابستان سال ۲۰۱۷ به آلمان استرداد داده می‌شود. دریا یکی از ۵ داعشی آلمانی است که به این کشور استرداد داده شده اند و در بازداشت به سر می‌برند. گفته شده است که دریا مدتی کوتاه در آلمان به عنوان کارگر جنسی کار می‌کرده است. به نقل از "دیلی میل"

اعتراف هولناک زن تاجیکی فراری از داعش

بر اساس آمار مقامات تاجیکستان، بیش از ۵۰۰ تاجیکی در سوریه در صفوف داعش مشغول جنگ هستند که بیش از ۱۵۰ شهروند تاجیک تاکنون در خدمت به برنامه های گروه تروریستی داعش کشته شدند. امروزه افراد زیادی در سنین مختلف از ۱۹ تا ۴۵ سال همراه با خانواده خود برای جنگ عازم سوریه می‌شوند. اتباع تاجیک برای جنگ در جبهه داعش از طریق روسیه، پاکستان، ترکیه و افغانستان وارد سوریه می‌شوند. داعشی‌ها اکثر طرفداران تاجیکی خود را در میان مهاجران کارگری که در روسیه مشغول به کار هستند انتخاب می‌کنند. خانم "جملبی حمیدووا" ۳۰ ساله و وی اهل تاجیکستان است که یک سال در سوریه در اردوگاه های داعش زندگی کرد. وی با وحشت از آنجا یاد می‌کند و باورش نمی‌شود که موفق به فرار از آن جهنم واقعی شده است، اما بعد از مرگ شوهرش...

...فاطرات دردناک...

مصاحبه «آنورا سارکورو» خبرنگار خبرگزاری «بی بی سی» روسی با جملی حمیدووا زوایای تاریکی از جنایت پیشگی گروه تروریستی داعش که از سوی غرب حمایت می شود را روشن کرده است که در پی می آید: شما چطور سر از سوریه درآوردید؟ من تا کلاس چهارم دبستان درس خواندم و به سختی می توانم بنویسم و بخوانم. پدرم معلول و مادرم خانه دار است. پدر و مادرم توانایی مالی نداشتند که من و دیگر خواهران و برادرانم را به مدرسه بفرستند بطوریکه هیچ کدام از اعضاء خانواده ما حتی دیپلم دبیرستان هم ندارد. چون شوهرم کارگر بود برای کسب درآمد و زندگی بهتر به شهر «کراسنادر» روسیه مهاجرت کردیم. ما یک سال در روسیه زندگی کردیم تا اینکه یک روز تلویزیون جنگجویان داعش را در حال نبرد نشان داد و ناگهان شوهرم شریف گفت من می خواهم به سوریه بروم و در راه داعش بکنم. من از این حرف شوکه شدم و باورم نمی شد که آدم مهربان، آرام و قابل اعتمادی مثل شریف این حرف را زده باشد. من همیشه آرزوی یک خانواده آرام و بی حاشیه را داشتم. وقتی شوهرم با مخالفت شدید من روبرو شد ساکت شد و من خودم هم فکر می کردم که شوخی بود. شریف آدم مذهبی و از خانواده مذهبی بود و حتی در روسیه هم نماز و مسجد را ترک نمی کرد. پول بسیار کمی به دست می آورد و به سختی اجاره خانه را پرداخت می کردیم. اما یک روز شریف به من گفت می خواهد به ترکیه برود و عملاً من را در برابر عمل انجام شده قرارداد. بعد از یک ماه از ترکیه به من زنگ زد و گفت در استانبول کار پیدا کردم. پس شما هم به استانبول رفتید؟ من از استانبول خیلی خوشم می آمد و به آنجا رفتم و در استانبول شریف را ملاقات کردم. سپس سوار اتوبوس شدیم و باکمال تعجب دیدم که اتوبوس دارد از شهر

...خاطرات دردناک...

خارج می شود و شریف هم اصلاً به سؤال های من جواب نمی داد. یک شبانه روز درراه بودیم تا اینکه به مکانی رسیدیم و آنجا سوار ماشین دیگری شدیم که ما را به بیابان بردند در آنجا پیاده شدیم و شوهرم به من گفت تا جان در بدن داری فرار کن. فقط فرار کن الآن وقت سؤال پرسیدن نیست. ما چهار نفر بودیم و با تمام قوا پا به فرار گذاشتیم چون ماه رمضان بود از گرسنگی و تشنگی رمقی برایم نمانده بود. با گریه از شریف سؤال کردم اینجا کجاست؟... او گفت اینجا سوریه است و این خوشبختی و شانس بودن در سوریه نصیب هرکسی نمی شود. من داد کشیدم که من را فریب دادی ولی او با خونسردی جواب داد اگر دوست نداری می توانی برگردی. من به اطرافم نگاه کردم همه جا بیابان بود چون زبان عربی و ترکی بلد نبودم برگشتن برای من سخت بود. من چاره ای جز کنار آمدن با شرایط پیش آمده نداشتم. سرانجام افراد ناشناسی ما را ملاقات کردند و به مخروبه ای بردند که دو برادر عرب با زن هایشان در آنجا زندگی می کردند بعد از یک هفته ما را به مکان دیگری بردند. اطراف کوه بود و دریاغ از یک ذره سرسبزی. شوهرتان چه کار می کرد؟ من تقریباً او را نمی دیدم؛ من با زن های دیگر زندگی می کردم؛ آنجا زنان عرب، ازبک، روس و چچنی بودند. شوهرم هر هفته یک بار به من سر می زد و گاهی اوقات هم هر دو هفته یک بار مقداری سیب زمینی و ماکارونی می آورد. فقط زنان در خانه می ماندند، مردها شبانه روز در حال جنگ برای داعش بودند. هنگامی که هواپیماها بمب می انداختند همه ما در یک اتاق جمع می شدیم و با فریاد برای نجات یافتن از خدا کمک می خواستیم. صدای گریه کودکان بیش از همه، جو را غمگین می کرد. نمی توان با کلمات فضای بی رحمانه داعشی ها را بیان کرد. ما هر لحظه فکر

...خاطرات دردناک...

می کردیم که کشته می شویم یا زنده می مانیم و از شوهران مان ناراحت بودیم که چرا ما را به این مصیبت گرفتار کردند. بیرون آمدن از خانه ها برای زن ها ممنوع بود؛ دارو نبود؛ محصولات غذای اصلاً نداشتیم؛ شبانه روز توی خانه ها بودیم. صحبت کردن، خندیدن و گردش کردن با مردان در قانون داعشی برای زنان ممنوع است. در هر اتاق شش نفر زندگی می کرد، فرش، کولر، برق نداشتیم و آب هم فقط به اندازه یختن غذا داشتیم. در فصل تابستان، گرما و مگس امان ما را بریده بود؛ در زمستان نیز هوا بسیار سرد بود نه لباس گرم داشتیم و نه سیستم گرمایشی. من واقعاً جهنم را در سوریه در پناهگاه های داعش با چشمان خودم دیدم و حس کردم. کودکان اکثراً مریض می شدند و در مقابل چشمان مادرشان از درد ناله می کردند.

چون دارو، دکتر و داروخانه وجود نداشت. مردان داعشی با ما بسیار بد رفتار می کردند، اگر روبند به صورتمان نمی زدیم کتک مان می زدند. داعشی ها به زن به عنوان یک انسان نگاه نمی کنند. طی مدت اقامتم در سوریه، حتی یک بار با پدر و مادرم صحبت نکردم. ما کاملاً زندان بودیم و همه چیز را برای ما ممنوع کردند. علاوه بر این داعشی ها هرماه خانه های ما را تغییر می دادند. شوهرم بعد از یک ماه برگشت وقتی او را دیدم ابتدا نتوانستم بشناسم، بدنش غرق خون بود، رنگ پریده، لاغر و به زحمت راه می رفت. هیچ نوع امکانات پزشکی و حتی خوراکی مقوی هم نبود که شوهر بیمارم را درمان کنم و در این مدت هیچ کس از شوهرم عیادت نکرد. شوهرتان به شما گفت که چرا به سوریه آمد؟... برای جنگ درراه داعش آمد یا برای به دست آوردن پول؟...

شوهرم از عملکرد خودش بسیار پشیمان بود و از درد شدید نمی توانست زیاد صحبت

...خاطرات دردناک...

کند و گفت داعشی ها در ترکیه وعده های دیگری به ما دادند، ما را فریب دادند. بعد از دو هفته داعشی ها آمدند و او را درحالی که مجروح بود به زور با خودشان بردند. ما از هم خداحافظی کردیم و احساس کردم که دیگر بر نمی گردد. شوهرم بازهم اظهار پشیمانی کرد و از من طلب بخشش کرد و آرزوی خوشبختی برای من کرد. و هفته بعد از خداحافظی چند تا مرد داعشی آمدند و عکس شوهرم را که با دهان و چشمان باز مرده بود روی گوشی تلفن به من نشان دادند. من از شدت غصه و اندوه نمی دانستم چیکار باید بکنم. شب و روز گریه می کردم. اما گویا مصیبت های من تمام شدنی نیست. یک هفته بعد چند نفر سراغ من آمدند و گفتند باید با یک نفر دیگر ازدواج کنی، اعتراض آنجا به مثابه مرگ است. شوهر جدید من اهل داغستان روسیه بود ما باهم به روسی حرف می زدیم. زن در خلافت داعش مانند یک وسیله است و هنگام ازدواج رضایت زن مهم نیست و حتی از او یک بار هم نمی پرسند. یک ماه با شوهر دومم زندگی کردم. من در وحشت کامل و به عنوان برده زندگی می کردم. هرلحظه ممکن بود من را کتک بزنند و یا به مرد دیگری بفروشد. داعشی ها حتی نسبت به کودکان هم بی رحم بودند. کتک زدن زنان و کودکان در پناهگاه های داعش امری عادی تلقی می شد. در خلافت داعش همه زن هایی که چه باردار و چه دارای فرزند، شوهران شان در جنگ کشته می شوند اجباراً برای بار دوم باید ازدواج کنند... چطور موفق شدید به تاجیکستان برگردید؟

در اتاقی که زندگی می کردیم یک زن ترک با چند تا کودک زندگی می کرد. او باردار بود و شوهرش در جنگ کشته شده بود. داعشی ها می خواستند او را به زور شوهر بدهند. ایشان مدام گریه می کرد و بچه ها هم به دنبال او گریه می کردند صحنه

...خاطرات دردناک...

بسیار دردآوری بود. سرانجام یک زن چچنی از بومی های آنجا کمک خواست و شبانه ما را با ماشین به مرز ترکیه رساندند. شوهرم هیچ اطلاعی از نقشه های من نداشت. این بار مرز را با دیوار آهنی بسته بودند. روز هنگام ما نمی توانستیم به مرز نزدیک شویم زیرا مرزبانان به ما شلیک می کردند. هنگام شب، بومی هایی که ما را به مرز رساندند، دریچه بزرگی را در دیوار آهنی مرز به ما نشان دادند و از طریق آن به ترکیه رفتیم و تا سپیده پیاده راه را طی می کردیم تا به جاده رسیدیم. سپس به استانبول رفتیم و پس از بازجویی های مکرر به والدین من زنگ زدند و من را به تاجیکستان فرستادند. اکنون که در وطن خودم دوشنبه هستم باورم نمی شود.

هنوز فکر می کنم داعشی های وحشی به سراغ من می آیند. من اوج وحشت و رذالت را در داعشی ها دیدم. شوهر من آدم زودباور و ساده لوحی بود، او تحصیل کرده نبود. داعشی ها به سادگی تمام او را قربانی مقاصد شیطانی خود کردند. من به همه زنان عالم توصیه می کنم که اشتباه من را مرتکب نشوید، زیرا تمام هستی خود را از دست خواهید داد و خاطرات داعشی هرگز شما را رها نمی کند.

منبع: خبرگزاری فارس

دختر ۱۵ ساله عراقی که از چنگ داعش فرار کرد

دختری ۱۵ ساله که تبعیت عراق را دارد ابعاد جدیدی را از روند برده داری به سبک قرون وسطی را بیان کرده است. این روزنامه برای حفاظت و امنیت این دختر و خانواده اش از چاپ عکس و درج مشخصات این دختر خود داری کرده است و فقط در گزارش خود به ۱۵ ساله بودن دختر عراقی اشاره کرده است. این دختر از اهالی

...خاطرات دردناک...

ایزدی سنجار است و در کوه‌های اطراف سنجار به دست این گروه افتاده است. او تا به امروز هیچ خبری از افراد ذکور خانواده خود ندارد و اصلاً نمی‌داند که آن‌ها زنده هستند یا مرده اما دو تن از خواهرانش که با او اسیر شدند هنوز در دستان صاحبان خود هستند و مثل او آنقدر خوش شانس نبودند که بتوانند فرار کنند. او داستان خود را این گونه تعریف می‌کند:



هنگامی که ما را به اسارت گرفتند بلافاصله ما را به زندان تلغفر بردند چند روزی در آنجا بودیم و مدام دختران و زنان تازه اسیر شده را به آنجا می‌آوردند. چیزی که من بعدها متوجه شدم این بود که تمام زنان را به آنجا نمی‌آورند و بعضی از دختران را درب ورودی زندان جدا می‌کردند. بعد از چند روز شروع به انتقال ما به شهر موصل کردند که بعدها فهمیدم علت این جابجایی به خاطر حملات هواپیماهای آمریکایی

...فاطرات دردناک...

به تلغفر بوده است. در موصل بود که یکی از برده داران من و خواهرهایم را از داعش خرید و ما را با خود به شهر رقه سوریه برد. البته به غیر از ما تعداد زیادی از دختران دیگر بودند که این تاجر سوری از داعش خرید. ما ۵ روز در رقه بودیم و هر روز افرادی برای دیدن ما می‌آمدند و بر سر قیمت ما چانه می‌زدند در همین هنگام بود که یکی از تاجران موصل برای خرید خواهر من اقدام کرد او زمانی که ما هنوز در موصل بودیم خواهر من را دیده بود و از او خوشش آمده بود و برای همین تا سوریه آمده بود که خواهر من را بخرد که موفق به انجام این کار شد و خواهرم را با خودش برد از آن زمان تا حالا دیگر خبری از خواهرم ندارد. سر انجام من هم به فروش رفتم. یک خریدار فلسطینی مشتری من بود. وقتی مرا به خانه برد از من خواست که به حمام بروم و بعد از آنکه از حمام بیرون آمدم روبرویم یک میز با لوازم آرایش بود و.... مدتی با این مرد بودم و روزها در آشپزخانه و شبها در بستر به او خدمت می‌کردم. سرانجام بعد از آنکه توانستم اعتمادش را به خودم جلب کنم در یک فرصت مناسب اسلحه شکاری او را برداشتم و با شلیک یک گلوله او را به درک واصل کردم. هنگامی که او را کشتم نمی‌دانستم چکار کنم و به کجا بروم، تنها هدف من کشتن او بود و به بعد از کشتنش فکر نکرده بودم نمی‌توانستم در آن خانه بمانم از طرفی هیچ جا را در رقه نمی‌شناختم برای همین به همان خانه‌ای رفتم که تا قبل از فروش در آن با دیگر دختران بودم اما دوباره پلیس شهری داعش مرا دستگیر کرد و این دفعه من را به یکی از مجاهدان عربی به قیمت ۱۰۰ دلار فروختند. من را به این دلیل ارزان فروختند چون دیگر بکارت خود را از دست داده بودم و دیگر برای هیچ تاجری ارزشمند نبودم برای همین من را به ناچار به یک مجاهد عربی که از کشور دیگری

...خاطرات دردناک...

آمده بود فروختند. او یک مرد متدین و خشک مذهبی بود و به من گفت برای اینکه من را عقد کند ابتدا باید مسلمان شوم من هم از این کار امتناع کردم برای همین شروع به آزار و اذیت من کرد به طوریکه اسم من را تغییر داد و نام عبیر را رویم گذاشت تا هیچ کس نتواند من را پیدا کند. بعد از مدتی از پیش او هم توانستم فرار کنم. او هر چند وقت مواد مخدر استفاده می‌کرد و من هم مکانی را که او مواد را در آنجا می‌گذاشت پیدا کردم سرانجام در یک وقت مناسب از این مواد داخل چای او و دوستانش ریختم و آن‌ها به قدری نئشه شدند که به خواب رفتند و من هم از فرصت استفاده کردم و فرار کردم بزرگ‌ترین شانس من این بود که هنگام فرار به یک راننده برخوردم که داشت به سمت ترکیه می‌رفت. او اظهار داشت: در ترکیه توانستم برادرم را پیدا کنم با کمک هم و قرض گرفتن از کردهای ترکیه توانستیم با پرداخت ۲ هزار دلار به یک قاچاقچی دوباره به عراق بازگردیم و اکنون در دهوک هستیم ولی همچنان نمی‌دانم بر سر خانواده‌ام چه آمده است و خواهرانم الان برده چه کسانی هستند. به گزارش روزنامه "دیلی میل" چاپ لندن

دختر ۸ ساله ای که عروس داعش شد!

غیدان ۱۲ ساله اهل عراق یکی از قربانیان این عملیات روانی است که در سن ۸ سالگی به عقد یکی از تروریست های داعشی درآمد، در گذر زمان آنقدر روی ذهن و روح او کار شد که یکباره تمامی اعتقاداتش دست خوش تغییر گشت و زلزله ای تمام باورهایش را زیر و رو نمود. باسل برادر غیدان درباره خواهرش گفت:

...خاطرات دردناک...

تروریست داعشی پس از ازدواج با غیدان، او و برادر کوچکترم را در خانه پدر همسر اولش نگه می داشت و خودش هم به ماموریت رفته بود، خوشبختانه از آنجایی که پدر زن او انسان بدی نبود، هنگامی که که مرد داعشی به ماموریت رفت، او با ما تماس گرفت و گفت که خواهر و برادرم آزاد هستند اما باید برای بازگرداندن شان خودمان اقدام کنیم .

با غیدان تماس گرفتم و به من گفت: میلی به بازگشت ندارد. گفتم من برادرت هستم مرا دوست نداری؟ و او با بر نظر منفی خود پافشاری می کرد. به هر حال از وی خواستم با هر تفکری که پس از ارتباط با داعشی ها دارد نزد ما بیاد و در هر حالی او را قبول داریم.

با یک قاچاقچی انسان ملاقات کردم و با ۲۰ هزار دلار قرار شد غیدان و برادرم را از سوریه به عراق بیاورد. باسل با پول هایی که برای نجات او خرج کرد، سرانجام موفق شد خواهرش را به خانه بازگرداند در حالی که این دختر دیگر تمایلی برای برگشت نداشت و حالا هم در کنار خانواده اش هیچ علاقه ای به برقراری ارتباط با آنها نشان نمی دهد. غیدان شب ها با خودش از جنگ و نبرد حرف می زند و می گوید:

به گفته باسل، خواهرش که در گذشته تمامی اوقات فراغت خود را با آنها می گذارند اکنون حتی به زور برای خوردن غذا هم با آنها سر میز می نشیند. در حال حاضر با گذشت مدت زمان بسیار از شکست داعش تعداد فراوانی از آوارگان و نجات یافتگان از دست داعش در اردوگاهی نزدیکی دهوک سکنی گزیده اند.

گزارشی از "بی بی سی"

...خاطرات دردناک...

داستان عجیب دختر اتریشی

مدتی قبل بود که یک زن تونسی که قبلا به عضویت داعش درآمده بود، اما به دلیل نافرمانی در بازداشت این گروه تروریستی به سر می‌برد حقایق جدیدی از سرنوشت ۲ دختر اتریشی فاش کرد که برای ملحق شدن به داعش راهی سوریه شده بودند. این زن تونسی فاش کرد: "سامیرا کسینویچ،" ۱۷، و "سابینا سلیمویچ،" ۱۵ ساله، از اتریش راهی رقه در سوریه شدند تا در کنار مردان داعشی مبارزه کنند؛ اما خیلی زود دریافتند نقشی غیر از برده جنسی شدن به آن‌ها واگذار نمی‌شود. هر ۲ دختر اتریشی در یک خانه نگهداری می‌شدند و به دلیل سن کم و ظاهر اروپایی‌شان، هدایای ویژه برای اعضای برجسته داعش محسوب می‌شدند. آن‌ها برده جنسی بودند و در طول روز بارها از سوی مردان مختلفی مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند.



طبق گفته این زن تونسی وقتی "سامیرا" تصمیم گرفت برای پایان دادن به این زندگی دردناک از رقه فرار کرده و به وین بازگردد، بوسیله تروریست‌ها دستگیر شد و پیش از مرگ بارها مورد تجاوز قرار گرفت. طبق گزارش ایندیندنت، سامیرا سرانجام توسط سربازان داعش با ضربات چکش به سر و به طرز وحشیانه‌ای کشته شد.

...خاطرات دردناک...

فرار به سمت جهنم

این دو دختر اصالتی بوسنیایی داشتند و زمانی که در وین زندگی می‌کردند، از طریق اینترنت با داعش آشنا شده و با هم به سوریه فرار کردند. پدر و مادر یکی از این دو دختر زمانی که صبح از خواب بلند شدند یادداشتی پیدا کردند که روی آن نوشته شده بود:

"دنبال ما نگریدید. ما به خدا خدمت خواهیم کرد و برای او می‌میریم".

چند وقت بعد این دو دختر عکس خود را در شبکه‌های اجتماعی با پوشش کامل و برقع منتشر کرده و اعلام کردند که آماده خدمت به داعش هستند. مدتی بعد اما برخی دوستان سامیرا اعلام کردند که او از طریق شبکه‌های اجتماعی با آنها تماس گرفته و گفته قصد دارد باز گردد. آنها گفتند که سامیرا وضعیت نامساعدی دارد و اگر به داد او نرسند به زودی از دست می‌رود. چند ماه بعد نیروهای سازمان ملل جنازه یکی از این دو دختر را پیدا کردند، اما جسد دختر دیگر (سامیرا) پیدا نشد. جستجوها مدتی ادامه داشت تا اینکه سرانجام سر و کله دختر تونس‌سی پیدا شد و او از رازهای مخوف داعش و بلاهایی که بر سر دختر اتریشی آمده بود، پرده برداشت. ایندیندنت در گزارشی که همان زمان نوشت از شخصی بوسنیایی الاصل که در اتریش زندگی می‌کرد نام برد که احتمالاً دختران جوان را از اتریش به سوریه و مقر داعش می‌فرستاده است. این فرد که "ابو تجدا" نام داشت اتهامات وارده به خود را رد کرد با این حال، مدتی توسط پلیس اتریش تحت نظر بود.

گزارشی از " ایندیندنت "

...فاطرات دردناک...

مصاحبه عجیب دختر اتریشی؛ رضایت یا ترس؟

نکته جالب این است که این دو دختر اتریشی هم مانند مولر ابتدا از وضع شان در بین داعشی‌ها رضایت داشتند و بعدها شروع به گلایه و شکایت و سپس فرار کردند. پرسش و پاسخ‌های زیر بخشی از مصاحبه‌ای است که یک خبرنگار، زمانی که یکی از این دو دختر اتریشی(سابینا) در بین داعشی‌ها حضور داشته و به عقد یک جوان داعشی درآمده با او داشته است.



...خاطرات دردناک...

خبرنگار: در سوریه شما در یک خانه زندگی می کنید یا در آپارتمان؟
دختر جوان: آپارتمان. دو ماه اول ورودم به سوریه، به همراه دوستم "سمر" و شوهرهای مان در یک خانه زندگی می کردیم. بعد از آن هرکدام مان یک آپارتمان پیدا کردیم. آپارتمانی که ما الان در آن زندگی می کنیم سه اتاق دارد.

خبرنگار: وقتی صبح بیدار می شوید اولین کاری که انجام می دهید چیست؟
دختر جوان: صبحانه می خورم. صبحانه من شبیه همان چیزی است که در اتریش می خوردم. البته اغلب اوقات غذای ما حلال است. اینجا با مواد غذایی جدید زیادی آشنا شده ام اما اسم دقیق آنها را نمیدانم. اینجا البته مواد غذایی همچون کچاپ، نوتال و کورنفلکس هم پیدا می شود. خبرنگار: شوهرتان حقوق بگیر است؟

دختر جوان: بله، او سرباز است و از این راه حقوق می گیرد. خبرنگار: بزرگترین تفاوتی که بین زندگی شما در اتریش و زندگی تان در سوریه وجود دارد، چیست؟

دختر جوان: اینجا من آزاد هستم. میتوانم آزادانه اعمال مذهبی ام را انجام دهم. در وین اما چنین آزادی نداشتم. لحن و کلام این دختر هنگام پاسخ به پرسشهای خبرنگار حاکی از این است که او از اوضاع خود رضایت دارد. در مورد این امر دو حدس می توان زد. اول اینکه داعشی ها این دختران را (چه دختران اتریشی و چه مولر) تهدید کرده اند که سکوت پیشه کنند و از نارضایتی خود چیزی نگویند. احتمال دیگر این است که داعشی ها در ابتدا با این دختران خوب برخورد کرده و پس از جلب اعتماد و حمایت آنها، اعمال شنیع خود را روی آنها اجرا می کردند. هر کدام از این تحلیل ها درست باشد فرقی در اصل قضیه نمی کند. سرانجام همه این دختران تلخ بوده است. به گزارش گروه رسانه های خبرگزاری تسنیم

نقاشی دختر ۱۵ ساله ایزدی از یک تروریست داعشی

آگوست سال ۲۰۱۴، تروریست‌های داعش به اراضی اطراف کوه “سنجار” در عراق حمله کردند، جایی که اقلیت ایزدی در آن زندگی می‌کنند. داعشی‌ها مردانی را که توان جنگیدن داشتند، قتل‌عام کردند، و زنان و کودکان آن‌ها را ربودند تا به عنوان برده بفروشند. خانواده‌ها را از هم جدا کردند و دختران جوان را برای لذت‌های جنسی خود اسیر کردند. پسران جوان نیز مجبور شدند تحت آموزش‌های جنگی داعش قرار بگیرند و به نیروهای تروریستی تبدیل شوند. افراد ربوده شده هیچ‌کس را به جز خانواده‌های شان نداشتند که بتواند به آن‌ها کمک کند. خانواده‌های این افراد مجبور بودند هزاران دلار باج به داعش بدهند تا بتوانند عزیزان شان را ببینند، آن هم در شرایطی که اغلب حتی نمی‌دانستند اعضای خانواده‌شان زنده هستند یا نه.

برخی از زنانی که به بردگی گرفته شده بودند، موفق به فرار و یا به دست خانواده‌های خود، آزاد شدند. آن‌ها داستان‌های دل‌خراشی از جنایات داعش تعریف می‌کنند و با وجود این‌که الآن در شرایط امنی هستند، اما هنوز هم به شدت تحت تأثیر دوران اسارت خود قرار دارند. برخی اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند و اکنون برای بازسازی زندگی خود، راه فوق‌العاده سختی پیش رو دارند.

در چنین وضعیت فاجعه‌باری، “ابو شجاع” یکی از قاچاقچیان سابق عراق، مقابل داعش دست به مقاومت زده است. وی با استفاده از شبکه گسترده و مخفیانه خود در سراسر عراق و حتی خارج از این کشور، اسیران ایزدی را از دست داعش آزاد می‌کند. ابوشجاع در عملیات‌های نجات، شرکت و آن‌ها را سازمان‌دهی می‌کند تا اسیران

...خاطرات دردناک...

داعش را به خانواده‌های شان برگرداند. این مرد عراقی، در همین راه، هر روز زندگی خود را به خطر می‌اندازد. وی نه تنها ممکن است در طول عملیات کشته و یا دستگیر شود، بلکه هر روز توسط داعش تهدید به مرگ می‌شود. با این حال، نمی‌تواند تسلیم شود، چون می‌داند تنها امید بسیاری از مردم عراق است.

ابوشجاع، قاچاقچی سابق عراقی که اکنون مقابل داعش ایستاده است... شجاعت ابوشجاع برای وی بدون هزینه هم نبوده است. او برای محافظت از خانواده‌اش مجبور شده با آن‌ها خداحافظی کند و همسر و فرزندان خود را به کشوری دیگر بفرستد. خانواده ابوشجاع درحال حاضر در میان هزاران نفر از پناهندگانی هستند که راهی اروپا شده‌اند و زندگی‌شان به افراد غریبه‌های دیگری درست مانند ابو شجاع وابسته است. "مادلین" دختر ۱۷ ساله‌ای که ۳ ماه اسیر داعش بود، درباره تجربه‌اش این‌گونه توضیح می‌دهد: زندگی من تا پیش از تصرف سنجار به دست داعش، هیچ نقصی نداشت. به مدرسه می‌رفتم، پدر و مادرم بودند. ثروتمند نبودیم، اما خوش بخت بودیم. ۳ آگوست وارد سنجار شدند. می‌گفتند: "یا مسلمان شوید، یا بمیرید." داعش، مادرهای مان را بردند و گفتند بعد از ظهر دوباره آن‌ها را برمی‌گردانند، اما هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاد."

“ آریانا” زن ۳۳ ساله‌ای که ۹ ماه در اسارت داعش به سر برد، ادامه می‌دهد: "مردم را به ساختمان مدرسه بردند. دختران و زنان را طبقه بالا و پسران و مردها را در طبقه پایین نگه داشته بودند. بعد، صدای شلیک پی‌درپی گلوله از طبقه پایین آمد. فکر کردیم همه مردها را کشته‌اند." "ویان" دختر ۱۵ ساله‌ای که ۴ ماه در اسارت داعش بود، این‌گونه توضیح می‌دهد: "اطراف ما، زمین را هدف گرفتند و من را با

...فاطرات دردناک...

خود بردند. زن‌ها را از دخترهای جوان جدا کردند. حدود ۱۰۰ دختر جوان و نوجوان را که زیباتر بودند، با خود به سوریه بردند. من در "رقه" (پایتخت اعلام شده داعش) بودم. حتی نمی‌توانم تعریف کنم آن‌جا چه اتفاقاتی افتاد. هر بار که به یاد آن روزها می‌افتم، حس خفگی به من دست می‌دهد و می‌خواهم خودم را بکشم".

تروریست‌های داعشی، طبقه پایین مدرسه را به گلوله بستند و مردها و پسرهای ایزدی را قتل‌عام کردند...

در یکی از فیلم‌های منتشر شده از داعش، تروریست‌ها درباره دختران ایزدی و خرید و فروش آن‌ها صحبت می‌کنند و در روزی که آن را روز "بازار برده‌ها" و "روز تقسیم" می‌نامند، می‌گویند امیدوار هستند که کسی، یک دختر را به عنوان هدیه به آن‌ها بدهد. ویان می‌گوید: "این‌ها وحشی هستند. آدم نیستند. در میان دخترها، دختر بچه‌های ۷، ۸ و ۹ ساله هم بودند در حالی که تروریست‌ها ۲۰، ۲۵، ۳۰، یا حتی ۵۰ ساله بودند. به یک دختر ۱۰ ساله در حالی تجاوز کردند که دست‌هایش را بسته بودند و هیچ کاری نمی‌توانست بکند. هر روز، ده بار به دخترها تجاوز می‌کردند.

تروریست‌ها از ۱۵ سالگی، می‌توانستند در این عمل کثیف شرکت کنند".

آریانا ادامه می‌دهد: من را پنج بار میان خودشان فروختند. به زن‌های آن‌ها التماس می‌کردم و می‌گفتم هر کاری بگویند انجام می‌دهم، اما نگذارید به من تجاوز کنند. قبول نمی‌کردند. زن‌های شان از مردها بدتر بودند. وقتی می‌خواستند به من تجاوز کنند، مقاومت می‌کردم، اما زورم به آن‌ها نمی‌رسید. می‌گفتند: فکر می‌کنی ما (اگر تو را بکشیم) جسدت را خاک می‌کنیم؟ اگر تو راه بدهیم سگ‌ها بخورند، باز هم ضرر

...فاطرات دردناک...

نکرده‌ایم. وی توضیح می‌دهد که چگونه او را به تروریستی عراقی فروخته‌اند، سپس به تروریستی تونسی که او را به سوریه برد. این قربانی ایزدی ادامه می‌دهد:

“تروریست تونسی من را در اتاقی زندانی می‌کرد و خودش چند روز برای جنگیدن می‌رفت. یک بار که برگشت، از کمر تا پایش زخمی شده بود. دکتر به او می‌گفت، رابطه جنسی برای پاهایش ضرر دارد، اما باز هم دست از تجاوز به من برنمی‌داشت.”

آریانا سپس درباره شیوه فرارش توضیح می‌دهد: “من به تروریست تونسی گفتم، شما که من را به دیگران می‌فروشید، چرا به خانواده‌ام نمی‌فروشید؟ گفت: تو را به ایزدی‌ها نمی‌فروشم. من هم به دروغ گفتم داماد ما مسلمان است و قبل از جنگ، با خواهرم ازدواج کرده است. از این طریق بود که خانواده‌ام من را به قیمت ۱۰ هزار دلار از تروریست‌ها خریدند. وقتی به خانه برگشتم، پدر و مادرم و دو نفر دیگر از اعضای خانواده‌ام دیگر نبودند.”

“ آریانا” می‌گوید داعشی‌ها تهدید کرده‌اند او را می‌کشند و جلوی سگ‌ها می‌اندازند مادلین درباره شیوه فرار خود می‌گوید: “خانه‌ای را که در آن زندانی بودیم، گشتیم و یک گوشی همراه پیدا کردیم. با یک نفر تماس گرفتیم و گفتیم که گرفتار داعش شده‌ایم. او هم گفت اگر بتوانیم فرار کنیم، خودرویی را به موصل می‌فرستد تا ما را نجات دهد. ساعت ۳ صبح که نگهبان‌ها خواب بودند، سه نفری از پنجره فرار کردیم. چند ساعت فقط می‌دویدیم. بعد، یک جا ایستادیم و با همان شماره تماس گرفتیم. او هم خودرویی دنبال ما فرستاد و ما را نجات داد.”

ویان هم فرار خود را این‌گونه توضیح می‌دهد: “من همیشه با زن خانه [تروریست‌ها] همراه بودم. یک روز به او گفتم اجازه بدهد با او بیرون بروم. بعد از مدتی که بیرون

...خاطرات دردناک...

بودیم، به من گفت حواسم به فرزندش باشد، اما من همانجا فرار کردم و خودم را به جاده اصلی رساندم. از آنجا یک نفر من را تا ترکیه برد و آنجا هم یکی اعضای خانواده‌ام به دنبال من آمد. باورم نمی‌شد دوباره خانواده‌ام را می‌بینم.”

او توضیح می‌دهد که اگرچه از آن محیط فاصله زیادی گرفته و خودش را هم به خاطر اتفاقاتی که برایش افتاده، مقصر نمی‌داند، اما باز هم نمی‌تواند خاطرات و فکر آن روزها را از ذهن خود بیرون کند و آرام بگیرد.

در حالی که حدود ۳۰۰۰ ایزدی در اسارت داعش هستند، هیچ تلاش بین‌المللی برای آزادی آن‌ها صورت نمی‌گیرد. با این حال، افرادی هستند که تصمیم گرفته‌اند خودشان کاری بکنند. ابو شجاع که خودش ایزدی و اهل سنجار است، می‌گوید وقتی داعش سنجار را تصرف کرد، بیش از ۵۰۰۰ ایزدی را به اسارت گرفت. وی با شکایت از این‌که همه دنیا فقط تماشا کرد که چه بلایی بر سر ایزدی‌ها می‌آید، توضیح می‌دهد که به همین دلیل، تصمیم گرفته تا خودش جان ایزدی‌ها را نجات دهد و در این راه، ۱۵ تا ۲۰ بار وارد قلمرو داعش شده است.

ابوشجاع تصویری از سه دختر را که اعضای خانواده‌اش هستند، نشان می‌دهد و می‌گوید به خاطر این سه نفر بوده که عملیات‌های آزادسازی اسیران ایزدی را آغاز کرده است، اما تا کنون حتی نتوانسته بفهمد آن‌ها کجا هستند.

ابوشجاع می‌گوید انگیزه اولیه‌اش برای عملیات‌های نجات، آزاد کردن سه نفر از اعضای خانواده‌اش بوده است.

ابوشجاع اولین عملیات خود را این‌گونه توصیف می‌کند: “قرار بود هفت دختر را از دست دو مرد و یک زن جهادی که از استرالیا آمده بودند، نجات بدهیم. تحقیق

...خاطرات دردناک...

کردیم تا بفهمیم چه زمانی معمولاً از خانه بیرون می‌روند. یک نفر به ما گفت مردها قرار است چند روز برای جنگ از رقه خارج و عازم دیرالزور شوند. وقتی به خانه استرالیایی‌ها رسیدیم، زن تروریست‌ها مقاومتی در برابر ما نکرد، اما نه به این خاطر که آدم خوبی بود، بلکه می‌ترسید شوهرش با آن دخترها ازدواج کند".

اما ابوشجاع و دخترها بعد از فرار، در رقه گرفتار شدند، چون داعش به دنبال آن‌ها بود. ابوشجاع خانهای را در ۵ متری خانه همان تروریست‌های استرالیایی اجازه می‌کند و مدتی آن‌جا می‌مانند. تروریست‌ها همه جا را می‌گردند، اما به خانه‌های نزدیک خود شک نمی‌کنند. بعد از چند روز، بالأخره ابوشجاع، دخترها را با چند کودک در یک خودرو فراری می‌دهد. وی می‌گوید خاطرات تلخی که دخترها از اسارت شان تعریف کردند و درخواست‌های پدر و مادرهایی که فرزندان شان در اسارت داعش بودند، باعث شد تا وی این عملیات‌هایش خود را ادامه دهد.

ابوشجاع می‌گوید: "داعشی‌ها معتقدند که اسلام به آن‌ها اجازه داده تا دختران غیرمسلمانی را که ۹ سال سن داشته باشند، به بردگی بگیرند. آن‌ها روی دخترانی که اسیر گرفته بودند، شماره می‌گذاشتند و تصویر آن‌ها را در واتس‌آپ منتشر می‌کردند. بعد پیام می‌دادند که بازار برده‌ها سه روز باز است. هر کس که می‌خواهد برده بخرد، در این سه روز باید این کار را بکند. بعضی از برده‌ها را با بچه‌هایش می‌فروختند. دخترانی که جوان و زیبا بودند، گران‌تر و آن‌هایی که بچه داشتند، ارزان‌تر بودند".

"وسام" پسر بچه ۵ ساله‌ای که ۹ ماه در اسارت داعش بود، توضیح می‌دهد که چگونه او را کتک زده‌اند و زندانی کرده‌اند. وی می‌گوید به او قرآن و نماز را یاد داده‌اند و یک بار به قیمت ۴۵۰۰ دلار به یک تروریست الجزایری و بار دیگر با قیمتی بیش از ۵۰۰۰

...خاطرات دردناک...

دلار به یک تروریست سوری فروخته‌اند.

وسام هم‌چنین تعریف می‌کند که دست و پای او را بسته‌اند و روی تانک سوارش کرده‌اند، سپس مقابل چشم او از روی سر یک نفر رد شده‌اند.

"حنان" مادر وسام توضیح می‌دهد: "وسام را بردند و گفتند به او تیراندازی و اسلام را می‌آموزند. بردند و مغزش را شستشو دادند. دائماً به او می‌گفتند تو در خدمت "دولت اسلامی" هستی، تنها دولت واقعی که وجود دارد. به او یاد داده بودند تیراندازی کند و اگر همین الان هم سلاح پر به دستش بدهند، ممکن است دوستانش را بکشد. علاقه خاصی به تیراندازی پیدا کرده است. او را به دفتر خود بردند و عربی به او یاد دادند. وقتی پیش ما برگشت، دیگر کُردی حرف نمی‌زد. حتی به او گفته بودند موهایش را بگذارد بلند شود تا شبیه آن‌ها شود. نهایتاً شوهرم آمد و من به تروریست‌ها گفتم که پس‌رمویم است. آن‌ها هم من را به قیمت ۲۰ هزار دلار به او فروختند." داعش پسر بچه‌ها را از سن ۵ سالگی آموزش می‌دهند و از ۱۳ سالگی به جنگ می‌فرستند. ابو شجاع درباره یکی دیگر از عملیات‌های نجات خود هم توضیح می‌دهد: "برخی می‌گویند داعشی‌ها باهوش هستند، اما به نظر من خیلی هم احمق هستند. من برای آزادی یکی از دخترهای ایزدی با یکی از تروریست‌ها طرح دوستی ریختم. به من شکایت کرد که این دختر همیشه با او بداخلاقی می‌کند. من هم گفتم دلش برای خانواده‌اش تنگ شده است. او را پیش سه دختر دیگر ببر که دختر خاله‌هایش هستند. وقتی عربی با او حرف زدم، او هم خوشش آمد و حرف را قبول کرد. وقتی دو روز می‌خواست برای جنگ اعزام شود، هر چهار دختر را نجات دادم و به ترکیه بردم."

...خاطرات دردناک...

تصاویر "وسام" در اسارت و تحت آموزش داعش، در اینترنت مشهور شد. وی تعریف می‌کند که چگونه بعد از آن‌که تروریست داعشی را فریب داده، از او طلب‌کار هم شده است: "بعد از چند روز به من زنگ زد و گفت "تبراز" در خانه نیست. من هم سر او فریاد زدم که مگر من او را به دست تو نسپرده بودم؟ با او چه کار کرده‌ای؟ باید بگردی و پیدایش کنی..."

به خاطر همین نوع عملیات‌هاست که داعش قول داده به هر کس درباره ابوشجاع اطلاعاتی به آن‌ها بدهد یا او را دستگیر کند و به آن‌ها تحویل دهد، ۵۰۰ هزار دلار پاداش خواهد داد.

ابوشجاع در پاسخ به این سؤال که آیا از این تهدیدهای داعش ترسی ندارد، می‌گوید: "اولش می‌ترسیدم، اما بعداً به آن‌ها عادت کردم. الآن فکر می‌کنم دیگر اهمیتی ندارد. هر انسانی بالأخره می‌میرد و مرگ هم تنها یک بار سراغ آدم می‌آید، نه دو بار. من هم ترجیح می‌دهم با شجاعت و افتخار بمیرم تا با ذلت."

این شهروند عراقی تا کنون حدود ۳۸۰ زن، دختر و کودک را از دست داعش نجات داده و می‌گوید احتمالاً ۲۷۰۰ یا ۲۸۰۰ نفر دیگر هنوز اسیر داعش هستند.

ابوشجاع پس از پخش یکی از پیام‌های داعش علیه او با این مضمون که جنگ میان ما، جنگ فردی گمراه با انسان‌های درست و یکتاپرست است و تو دشمن خدا هستی، در واکنش می‌گوید: "این‌ها صرفاً پارس کردن‌های یک سگ است. البته افرادی که من نجات داده‌ام می‌گویند داعشی‌ها فقط تهدید نمی‌کنند، بلکه واقعاً دارند به دنبال من می‌گردند." به گزارش روزنامه "دیلی میل" چاپ لندن

...خاطرات دردناک...

قیمت گذاری داعشی‌ها روی زنان ایزدی یا مسیحی

“به او گفتم، ما از مردن تو ترسی نداریم، اما می‌ترسیم داعش دستش به ما برسد. این‌ها وحشی هستند. هیچ چیز برایشان اهمیت ندارد. هر کدام از دخترهایی که او نجات می‌داد، می‌گفت همه داعشی‌ها اسم و شماره تلفن و عکس او را دارند. می‌گفتند داعش تهدید کرده که اگر هر کدام از اعضای خانواده ابو شجاع را بگیریم، شکنجه‌اش بی‌پایان خواهد بود.” خانواده ابو شجاع از عراق به ترکیه فرار کردند تا در امان باشند. اما هنگام انتقال از ترکیه به بلغارستان، دستگیر شدند. آن‌ها اکنون در میان پناهندگان بی‌شماری هستند که از عراق و سوریه گریخته‌اند و به دنبال پناهندگی در اروپا هستند. این در حالی است که ابو شجاع هنوز هم به تلاش‌هایش برای نجات اسیران ایزدی از دست داعش ادامه می‌دهد... منبع: مشرق

ولذلك فقد ارتأت هيئة بيت المال وضع الضوابط والأسعار بخصوص النساء والغنائم وتلزم جميع المزاولين لهذا العمل بالالتزام بها وبخلافه سيتم إعدام كل مخالف:

البضاعة	الأسعار
Price for Yazidi or Christian Women	
للمرأة البالغة من العمر 40-50 سنة / إيزيدية/مسيحية	50,000 دينار
aged 40-50	43 \$US
للمرأة البالغة من العمر 30-40 سنة / إيزيدية/مسيحية	75,000 دينار
aged 30-40	75 \$US
للمرأة البالغة من العمر 20-30 سنة / إيزيدية/مسيحية	100,000 دينار
aged 20-30	86 \$US
للمرأة البالغة من العمر 10-20 سنة / إيزيدية/مسيحية	150,000 دينار
aged 10-20	130 \$US
لجميع الأطفال من 1 سنة إلى 9 سنة / إيزيدية/مسيحية	200,000 دينار
aged 1-9	172 \$US

لا يسمح لأي شخص بشراء أكثر من ثلاث غنائم ويستثنى من ذلك الأجانب من الأتراك والسوريين والعراقيين
التاريخ: 21 ذو الحجة 1435 هـ

...خاطرات دردناک...

روایت زن ایزدی در بازار برده فروشان

با شلاق، چوب، محرومیت، گرسنگی و ترس، شریهان که در آن زمان ۱۶ سال داشت، روزهای خود را به همراه هزاران ایزدی که از چندین روستا از جمله «تل قصب»، «رمبوسی»، «کوجو»، «تل بنات» و خانصور جمع آوری کرده بودند، بوسیله اتوبوس به شهرهای موصل و رقه انتقال دادند.

سه تاجر برده که وی القاب آنها را این چنین نام می‌برد: ابو حمزه، ابوموسی و ابوهاجر از نخستین افرادی بودند که آنها را از بازارهای برده فروشان در عراق خریداری و آنها را مجبور به پوشیدن لباس‌های نامتعارف کردند.



...فاطرات دردناک...

سپس شریهان به مزرعه‌ای که فردی به نام «ابوسعید» مالک آن بود، برده شد. ابوسعید نخستین فردی بود که پس از خریداری شریهان، به وی تجاوز کرد. او در این خصوص می‌گوید: هنگامی که (ابوسعید) متوجه شد که من باردارم، با پوتین نظامی اش ضربه‌ای محکم به شکم من زد که در پی آن جنین سقط شد و نزدیک بود من نیز از شدت خونریزی، جان خود را از دست بدهم. من آرزوی مرگ می‌کردم تا از عذاب‌هایی که می‌کشم، راحت شوم



ابوسعید بار دیگر مرا به ابوعبدالله و ابوظباب جزراوی فروخت و پس از آن به ابو انس عراقی فروخته شدم تا معاملات فروش در خانه ابوناصر شامی به عنوان خدمتکار و برده جنسی پایان یافت. او در خصوص عملیات‌های فروش میان عراق و

...خاطرات دردناک...

موصل می‌گوید که قابل شمارش نیستند؛ اما آخرین آن‌ها سفری عبوری از رقه به سوی مناطق گروه تروریستی جبهه النصره در شهر ادلب بود. این بار، تاجران برده او را از ابو عبدالله داغستانی و ابو خالد عراقی که هر دو از ادلب به رقه سوریه آمده بودند، سپس از حومه حماه به جبال الزاویه رفته بودند، خریداری کردند. او سپس در زندان عقاب که او آن را به جهنم توصیف می‌کند، بازداشت شد. وی در خصوص ویژگی‌های این زندان می‌گوید:



زندان بسیار بزرگی بود که اتاق‌های تاریک فراوانی داشت، هیچ صدایی از فریادهای شکنجه شدگان در آن شنیده نمی‌شد. زندان باستانی «عقاب» در میان منطقه کفرنیل و الباره در جیل زاویه قرار داشت و بر پایه گزارشگران شهر ادلب، زندان‌های متعددی متعلق به جبهه النصره در این شهر وجود داشته است. فرمانده تیپ ادلب

...خاطرات دردناک...

شمالی که تحت نیروهای سوریه دموکراتیک قرار دارد، در این خصوص گفت: زندان عقاب، ساختمانی قدیمی است که اتاقهای فراوانی دارد که از آنها به عنوان سلولهای زندان برای زندانی کردن افراد انتخاب شده از سوی دستگاه اطلاعاتی ترکیه استفاده می‌شود. این ساختمان همچنین شامل حیاط بزرگ زیر زمینی برای تحقیق و بازجویی بود. این زندان را فردی به نام «ابوتراب جبهه» که اصالتی سوری دارد، اداره می‌کرد. او همچنین از وجود ۵ زن بازداشتی در این زندان سخن گفت و اعلام کرد: در میان این افراد، کردهایی از عفرین، ایزدی، علوی، مسیچی‌ها وجود داشتند که به عنوان زندانی با شوک الکتریکی شکنجه شده و به عنوان کافر به آنها تجاوز می‌شد. به گزارش روزنامه "دیلی میل" چاپ لندن



...فاطرات دردناک...

شکنجه و تجاوز، جلوی چشم زن داعشی

یک زن ایزدی اسیر شده توسط گروه تروریستی داعش گفت که بارها توسط یکی از فرماندهان عربستانی داعش در حضور همسر انگلیسی او مورد تجاوز و شکنجه قرار گرفته است. این زن ایزدی اعلام کرد که عضو عربستانی داعش به وی تجاوز می‌کرد و به ضرب و جرح وی می‌پرداخت در حالی که زن جوان و تبعه انگلیس این تروریست نظاره‌گر جرایم شوهرش بود...



این زن ایزدی که نامش را برای حفظ جانش به «فریده» تغییر داده است، گزارش کرد: به مدت چهار ماه اسیر یک عضو عربستانی داعش در استان دیرالزور در شرق سوریه بودم و وی با من بسیار بدرفتاری می‌کرد. فریده گفت: داعش اوت ۲۰۱۴ مرا از خانام در شهر سنجار عراق ربود و بیش از یک ماه در اماکن مختلف زندانی بودم، سپس به یکی از اعضای عربستانی داعش به نام «ابومسلم» به عنوان هدیه داده شدم و دیگر زنان نیز به دیگر اعضای این گروه ترویستی داده شدند. ابومسلم در رشته داروسازی در آمریکا تحصیل کرده بود. ابومسلم زنی انگلیسی داشت که نامش برای من مشخص نشد. داعش این زن را از اروپا به سوریه منتقل کرده و به ابومسلم

...خاطرات دردناک...

داده بود. زن انگلیسی ابومسلم ۲۰ ساله به نظر می‌رسید که چهره‌ای تیره و موهای عجیبی داشت و زبان عربی را بسیار بد صحبت می‌کرد.

فریده بعدها فهمید که ابومسلم یکی از قضات داعش است که پس از ورود به آنکارا با عنوان عکاس، از طریق مرزهای ترکیه وارد سوریه شده بود. او در عربستان یک زن و دو پسر و یک دختر داشت که همه آنها را ترک کرده و به سوریه رفته بود تا به داعش بپیوندد. ابومسلم این زن ایزدی را به علت مخالفتش با گرویدن به اسلام شکنجه می‌کرد. ابومسلم بیش از حد خشن بود و همیشه مرا می‌زد؛ به همین دلیل دستوراتش را اجرا می‌کردم و به خادم ابومسلم و همسرش تبدیل شده بودم. فریده گاه به خودکشی فکر می‌کرد ولی به خاطر پسر برادرش که با وی در یکجا زندانی بود و همچنین به خاطر برادرزاده‌های دیگرش که در منطقه‌ای نزدیک به اسارت داعش درآمده بودند، از خودکشی صرف‌نظر کرد. همسر انگلیسی ابومسلم نیز همچون شوهرش معتقد بود که ایزدی‌ها کافر هستند و این زن انگلیسی یک بار به من گفت که هر فردی عضو داعش نباشد، کافر است. فریده نتوانست به هویت زن انگلیسی ابومسلم پی ببرد ولی به نظر می‌رسد که این زن انگلیسی یکی از ۶۰ دختری باشد که کشورشان را ترک کرده و به داعش پیوستند و هر یک از آنها با یکی از اعضای این گروه تروریستی ازدواج کرد. فریده با رؤیت عکس یکی از این ۶۰ دختر انگلیسی به نام «سلمی هالانی» گفت که صد درصد مطمئن است که صاحب این تصویر همان زن انگلیسی ابومسلم است. "سلمی هالانی" همراه خواهر دوقلویش به نام زهره منچستر را ترک کرده و به داعش پیوسته بودند...

العالم به نقل از روزنامه دیلی میل

...فاطرات دردناک...

تجاوزهای دسته‌جمعی

داستان مروه خدر یکی دیگر از نشانه‌هایی است که اوج بربریت و وحشیگری در تفکرات داعشی را نشان می‌دهد. مروه خدر دختری که در ۱۰ سالگی توسط مزدوران داعشی در شمال عراق به اسارت گرفته شد، در جریان اسارت خود لحظات سخت و دردناکی را تجربه کرد. مروه خدر تنها ۱۰ سال سن داشت که مزدوران داعش به روستای محل زندگی او در منطقه سنجار (شنگال) در شمال عراق وارد شدند و به زور اسلحه تمام ساکنین روستا را دور هم جمع کردند. مردان را زنده زنده در قبرهای دسته‌جمعی دفن کردند و زنان و کودکان را به شهر مجاور در شمال کشور بردند، جایی که بر اساس سن آن‌ها را از هم جدا کردند. باارزش‌ترین این اسیران که توسط فرماندهان ارشد داعش تصاحب می‌شدند دختران و زنانی بودند که بین ۱۰ تا ۲۰ سال سن داشتند.



...فاطرات دردناک...

مروه خدر از اقلیت دینی ایزدی کردستان عراق نیز در میان این گروه نگون بخت بود که در سال ۲۰۱۴ که داعش محل زندگی آن ها را به تصرف خود درآورد تازه ۱۰ ساله شده بود. در روزهای گذشته، خاله اش مهدیه، که به تازگی توانسته از روستای باغوز، آخرین پناهگاه نیروهای خلافت اسلامی داعش، فرار کرده و خود را به نیروهای دموکراتیک سوریه رسانده گفته است که آخرین بار که خواهر زاده خود را دیده، دخترک همراه با گروهی دیگر از دختران ایزدی در بازاری در شهر هاردان بوده و بعدها به شهر رقه، پایتخت خلافت، منتقل شده است.

ماه ها بعد، یکی از دوستان مهدیه به او می گوید که وی بار دیگر مروه را دیده که باردار بوده است. اکنون معلوم نیست که مروه کجاست و چه بر سر او آمده است. زیاد اودال، معلم سابقی که خانه خود را در اختیار ایزدی های فرار کرده از دست داعش قرار می دهد می گوید: «دختران زیادی مثل او هستند. باردار بودن او به تنهایی دردناک و وحشتناک نیست زیرا دخترانی هستند که قبل از باردار شدن توسط ۱۰۰ مرد مورد تجاوز قرار می گیرند... مهدیه، ۲۹ ساله، که همراه با دو دختر ۸ و ۱۰ ساله اش از باغوز فرار کرده، تنها یکی از حدود ۶۵۰۰ زن ایزدی است که توسط نیروهای داعش ربوده شده و وادار به دست کشیدن از دین باستانی خود شدند.

هنوز هیچ خبری از نیمی از این زنان در دست نیست. مهدیه داستان های هولناکی از مدت طولانی اسارت خود در دست داعش تعریف می کند، از این که بارها فروخته شده، مورد تجاوز قرار گرفته، تن به ازدواج های اجباری متعدد داده، توسط مردان مسن تهدید شده که دختران خردسالش مورد تجاوز قرار گرفته و توسط عروس های داعشی با کابل کتک زده شده است...



...فاطرات دردناک...

یکی دیگر از بچه های او در اثر بمباران ها کشته شده است. او درباره آنچه که در دولت خلافت اسلامی بر سرش آمده جمله ای می گوید که دل تمام انسانها را به درد می آورد: **"نمی دانم چند بار فروخته شدم"...**

مهديه در ادامه چنین می گوید: یکی از آن ها فقط سه روز مرا داشت و بعد از آن دوباره مرا فروخت. همچنین آن ها دو ماه مرا زیر زمین زندانی کردند. آنقدر تاریک بود که نمی توانستم بگویم شب است یا روز.

در میان مردانی که در زمینه تجارت دختران و زنان ایزدی فعال بوده و مهديه در دوران ۴ سال و نیم اسارت کابوس وارث با او روبرو شده بود از یک مرد سفید پوست غربی سخن می گوید که پس از سال های زندانی بودن به داعش پیوسته بود. او ۱۰ روز مهديه را در اسارت و مالکیت خود داشت. مهديه در مورد این مرد می گوید: «او دختران را می خرید، آن ها را حمام می داد، لباس های تمیز و زیبا به تن آن ها کرده و آن ها را می فروخت». یکی دیگر از جنگجویان داعش او را برای تمیز کردن خانه و پختن غذا خرید اما بعد از ۴ ماه اعلام کرد که می خواهد با برده ایزدی خود ازدواج کند: او به من گفت که اگر از دستور او اطاعت نکنم با دختر ۸ ساله ام ازدواج می کند یا او را با مرد دیگری می فروشد...

اوایل ماه فوریه کنونی بود که مهديه در نهایت توانست از آخرین پناهگاه نیروهای داعش در باغوز و آخرین شوهرش که یک مرد ازبک بود، پس از ماه ها گرسنگی فرار کند. وی در این مدت چنان گرسنگی کشیده بود که در نهایت برای زنده ماندن به خوردن چوب و حتی فضولات حیوانات روی آورده بود:

...فاطرات دردناک...

«هیچ وقت فکر نمی کردم زنده بمانم»...

اولین باری که مهدیه دست به فرار زد دخترانش آنچنان در طول اسارت در دستان نیروهای داعش شستشوی مغزی داده شده بودند که از همراهی با او سر باز زدند، زیرا نیروهای کُرد که در تلاش برای آزاد کردن آنها بودن را بی دین می دانستند: در نهایت مجبور شدم به آن ها بگویم که برای پیدا کردن غذا می رویم... آنها اکنون در یک روستا در شمال سوریه در حال بازی با یک دختر ایزدی دیگر به نام هدیه که به تازگی آزاد شده و هنوز عبا و روبندش را به سر دارد بازی می کنند. این دختر نیز نمی دانست چند سال سن دارد اما ۹ ساله به نظر می رسید و تنها یک سال دیگر جنگجویان داعشی می توانستند او را به عقد خود در بیاورند. هدیه می گوید که وی در ۵ سال اخیر مجبور بوده خانه های خانواده های داعشی را تمیز کند و به طور مرتب از آن ها کتک می خورده است. او زخمی قدیمی که روی گونه اش است و زخم های عفونت کرده تازه ای که پشت سرش دارد را نشان می دهد. دخترک در ادامه چنین می گوید: من مجبور بودم هر کاری برای این زنان انجام دهم... او همچنین می گوید که در طی این مدت داعشی ها او را با نام اسلامی «امه الله» به معنای مادر خداوند صدا می زده اند و همراه او ۱۵ دختر ایزدی دیگر نیز در همان منطقه نگه داشته می شدند. هدیه می گوید: «تمام این زنان و حتی بچه های شان نیز ما را کتک می زدند». او اکنون برای اولین بار در دو سال اخیر با مادرش حرف زده است، مادری که او نیز دو سال پیش توانسته بود از دست نیروهای داعش فرار کند. هدیه می گوید: «او گریه می کرد و من هم گریه می کردم، دلم برایش خیلی تنگ شده بود». هنوز هیچ خبری در مورد سرنوشت

...فاطرات دردناک...

هزاران زن و دختر ایزدی که در سال ۲۰۱۴ توسط جنگجویان داعش ربوده شده اند وجود ندارد اما بسیاری از آن ها پس از تجاوز کشته شده و بسیاری دیگر نیز دست به خودکشی زده و یا در اثر بمباران ها و بیماری جان خود را از دست داده اند...

فریادهای زن جوان ایزدی در قفس آتشین داعش

یک زن ایزدی در غرب استان دهوک عراق صحنه سوزانده شدن ۱۹ دختر ایزدی به دست عناصر تروریستی داعش را بازسازی کرد. گروه تکفیری داعش در ژوئن سال ۲۰۱۶ در اقدامی وحشیانه و هولناک ۱۹ دختر از اقلیت ایزدی عراق را زنده زنده در شهر موصل واقع در شمال عراق سوزاندند. این گروه تروریستی با قرار دادن قفس های آهنی در یکی از میدان های شهر موصل، ۱۹ دختر کرد و از اقلیت ایزدی را در آن قرار داد و سپس قفس را آتش زد که در نتیجه آن، همه این افراد سوخته شدند.

اعدام دختران ایزدی در پی آن صورت گرفت که این افراد از درخواست تروریست های داعش مبنی بر این که برده جنسی نیروهای این گروه تروریستی شوند، سرباز زده بودند. "نادیا بشار" از زنان ایزدی عراق با هدف رساندن فریاد زنان ایزدی به جهانیان و رنج و مشقت هایی که تروریست های داعش بر آنان رو داشته اند این صحنه هولناک را شبیه سازی کرد.

در بازسازی این صحنه برادر نادیا و دو تن از دوستانش در نقش تروریست های داعش ظاهر شده و پس از قرار دادن وی درون قفس؛ آتش روشن کرده و نادیا در حالی که درون قفس آتشین قرار گرفته بود فریاد می کشید.



گروه تروریستی داعش در سوم اگوست ۲۰۱۴ (۱۲ مرداد ۹۴) به شهرستان سنجار واقع در ۱۲۴ کیلومتری غرب موصل، که اهالی بیشتر آن را ایزدی‌ها تشکیل می‌دهند، حمله کرد که این امر منجر به فرار هزار تن از ساکنان این منطقه به کوه‌های سنجار شد. داعش پس از این حمله جنایت‌های بسیار هولناکی علیه ایزدی‌ها انجام داد که در رأس آنها می‌توان به کشتار وحشیانه، ربایش و به برده گرفتن زنان ایزدی اشاره کرد. سوزاندن در قفس یکی از ابتکارات غیر انسانی داعش و اعدام این گروهک تروریستی است، به گونه‌ای که «معاذ الکسسه» خلبان اردنی از سوی این گروه تروریستی به همین روش اعدام شد. سرانجام سنجار و دیگر مناطق ایزدی‌نشین در غرب استان در عملیات نیروهای ارتش و الحشد الشعبی از دست عناصر تکفیری داعش آزاد شدند و «تحسین سعید بک» رهبر ایزدی‌ها با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد:

...خاطرات دردناک...

از سوی خود و شورای روحانیت ایزدی، از نیروهای بسیج مردمی که مجد و عزت را به عراق بازگردانده‌اند، کمال امتنان و تشکر را دارم.

وی از فتوای آیت‌الله العظمی سیستانی در ارتباط با مبارزه با تروریسم هم تجلیل کرد و ادامه داد: در جریان نسل‌کشی ایزدی‌ها توسط داعش، موضع برادرانه شیعیان و فتوای تاریخی آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی (دام‌ظله) در حرام دانستن (ریختن) خون ایزدی‌ها، هرگز از یاد ما نخواهد رفت.

آیین ایزدی با نیم میلیون پیرو عمدتاً در منطقه سنجار در غرب استان نینوا رواج دارد. باورمندان به این آیین، بیشترین ضربه را از یورش داعش به عراق دیده‌اند، به طوری که هزاران نفر از آنها کشته، آواره و یا اسیر داعش شده‌اند و هم‌اکنون نیز حدود ۳۰۰۰ زن که بیشتر آنها ایزدی هستند، در اسارت داعش به سر می‌برند. ایزدی‌ها در آیین خود که امتزاجی از اسلام و دین زردشتی است، نگاه احترام‌آمیزی به مردم و سرزمین ایران دارند.

تجاوز گروهی تروریست‌های داعش

این دختر ۲۱ ساله ایزدی با حضور در سازمان ملل متحد و در حضور ماتیو وایکرافت و محمد علی الحکیم سفرای انگلستان و عراق، درباره جنایات وحشتناکی که داعشی در حق او و دیگر دوستانش انجام داده بودند سخن گفت. وی که به عنوان سفیر حسن نیت درباره قربانیان تجاوز و خشونت جنسی تروریست‌ها انتخاب شده بود، در حالی که اشک امانش را بریده بود، گفت: "من مانند دیگر دوستانم مثل فریده، شیرین و بقیه دختران ایزدی قربانی جنایات وحشتناک داعش از نظر جسمی و روحی

برندهٔ جایزهٔ نوبل صلح سال ۲۰۱۸



آخرین دختر

سرگذشت من از اسارت و مبارزه با خلافت اسلامی (داعش)



نادیا مراد، جنرالی کراچسکی
با مقدمهٔ امل کلونی
ترجمهٔ سمیرا چوبانی

...خاطرات دردناک...

قرار گرفته ایم می خواهیم در مورد این جنایات حرف بزنم. درباره جنایاتی که این تروریست ها بدون توجه به زجه های من و دوستانم بر ما روا داشتند. " نادیا تصریح کرد: "تصمیم گرفتم برای تحقق عدالت بکوشم و درباره جنایات داعش سخن بگویم که هزینه گزافی به خاطر آن پرداخته ام.



"وی با ابراز ناامیدی از اقدام شورای امنیت و جامعه جهانی برای بازخواست داعش به خاطر جنایاتش، تصریح کرد: به همین دلیل داعش بی پروا به جنایاتش برای نابودسازی اقلیت های مسیحی، ایزدی، صابئی و غیره که زمانی جزئی از جامعه عراق بودند، ادامه می دهد.

...خاطرات دردناک...

دختر جوان ایزدی که دو سال اسیر داعشی‌ها بوده

لامیا تنها یکی از چند هزار دختر و زن ایزدی است که به اسارت گروهک تروریستی داعش درآمده‌اند. دختران و زنان بی‌گناهی که مانند حیوان در بازار خریدوفروش می‌شوند تا به‌عنوان برده مورد سوءاستفاده قرار گیرند. او با وجود اینکه ۱۸ سال بیشتر ندارد، کوهی از درد و رنج بر دوشش سنگینی می‌کند. زخم‌هایی عمیق روح او را می‌آزارد؛ زخم‌هایی عمیق‌تر از آنچه که در صورتش دیده می‌شود. او دو سال در اسارت داعش بوده، روزها و شب‌هایی که یادآوری‌شان کابوس تلخ زندگی او شده است. لامیا اهل روستایی در شمال عراق است. او کودکی شادی داشته، خانواده‌اش کشاورز بوده‌اند و او نیز پایه‌پای آنها کار می‌کرده تا به رویای معلم شدن دست یابد. او می‌گوید وقتی برای اولین بار داعش را از تلویزیون دیدم نمی‌دانستم آنها داعشی هستند. یک روز صبح داعشی‌ها به روستای آنها هجوم بردند و مردان روستا را کشتند و زنان و دختران از جمله لامیا و سه خواهرش را با خود به اسارت بردند. پدر و برادران لامیا نیز جزو کشته‌شده‌ها بودند. داعشی‌ها او و سه خواهرش را در بازار شهر موصل به فروش گذاشتند و هر کدام به قیمتی به فروش رفتند.

لامیا در مدت اسارت پنج بار اقدام به فرار کرد اما هر بار ناموفق بود تا اینکه سرانجام توانست خود را نجات دهد. در یکی از فرارهای ناموفق وقتی دوباره دستگیر شد صاحب او به او گفت اگر فکر فرار به سرت بزند یا تو را می‌کشم یا پایت را قطع می‌کنم. پاسخی که این دختر ایزدی به صاحبش داد این بود "اگر پایم را قطع کنی با پای دیگرم فرار می‌کنم. من هرگز تسلیم نخواهم شد". او می‌گوید من تصمیم گرفته بودم به هر نحوی مقاومت کنم.

...خاطرات دردناک...



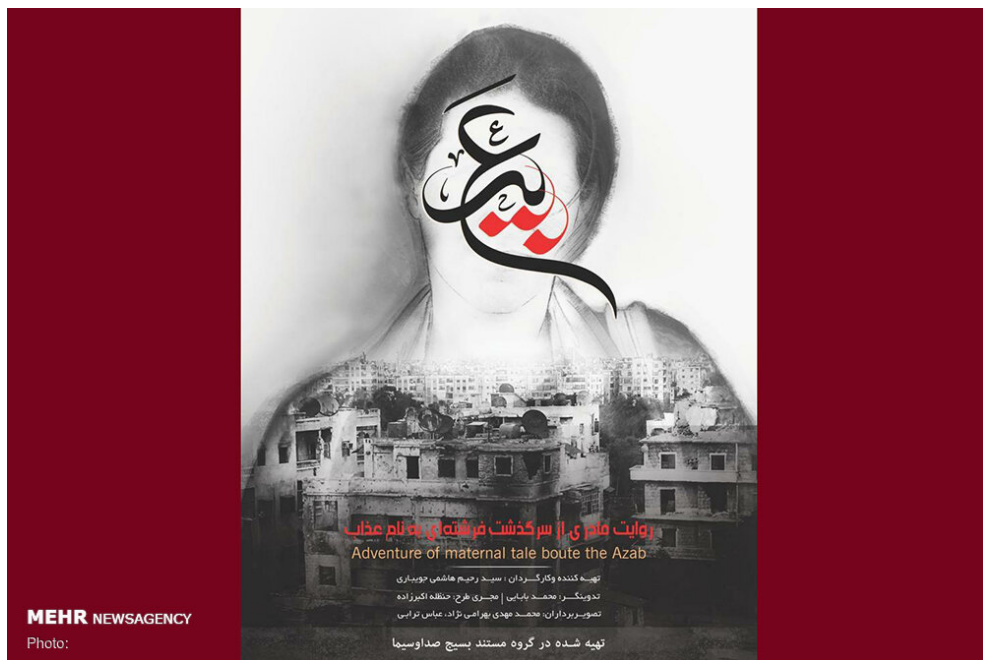
من باید با سرنوشتی که آنها برایم رقم زده بودند مبارزه می‌کردم. یکی از تلخ‌ترین خاطراتی که در ذهن لامیا مانده تعرض ۴۰ داعشی به اوست. او شاهد فروش دختران خردسالی بود که به‌عنوان برده به فروش می‌رفتند. با این حال هرگز امید خود را از دست نداد و تسلیم نشد. هر بار که صدای جنگنده‌ها به گوشش می‌رسید از خدا می‌خواست که مقرر آنها را بمباران کنند تا از این زندگی خلاص شود. او حتی مجبور بود در ساخت بمب‌های انتحاری به آنها کمک کند و سرانجام در انفجاری خودساخته که باعث آسیب‌های جدی به صورتش شد توانست از چنگال داعش فرار کند. لامیا اکنون در آلمان زندگی می‌کند و یکی از اهدافش این است که به دختران و زنان اسیر داعش کمک کند و صدای آنها را به مجامع جهانی برساند. او به خاطر شجاعتش برنده جایزه ساخاروف (جایزه اتحادیه اروپا) شد.

به گزارش روزنامه "دیلی میل" چاپ لندن

...خاطرات دردناک...

روایت ۸۵ روز مقاومت یک زن در اسارت داعش

«عبیر» نام یکی از زنان اهالی روستای «شبکی» از توابع استان «سویدا» در جنوب شرقی دمشق با فاصله تقریباً ۱۳۵ کیلومتر آن؛ شب ۲۷ تیرماه ۱۳۹۷ داعش به ۴ روستای این منطقه حمله می‌کند که این چهار روستا شامل روستای «وزیحی»، «شریحی»، «شبکی» و «رامی» می‌شد. روستای شبکی چهارمین روستایی بود که داعش در آن تاریخ به آن حمله کرد؛ در خانه‌ها را زدند، مردان را از خانه‌ها بیرون کشیدند، آنها را کشتند و زن‌ها را به اسارت بردند. ۳۳ زن و بچه در این شب به مدت ۸۵ روز به اسارت گرفته شدند و در همان شب داعش ۴۴ نفر از مردان این ۴ روستا را کشت!



...خاطرات دردناک...

در همان شب، تعدادی از روستاییان در شبکی می‌مانند و از روستا دفاع می‌کنند تا داعش از منطقه دور شود. در این درگیری دوم هم ۵۵ نفر دیگر کشته می‌شوند که شامل ساکنان این روستا و برخی روستاهای مجاور می‌شد. عبیر زمانی که به اسارت گرفته شده بود، باردار بوده اما بچه هشت ماهه خود را سقط می‌کند. در این حمله کسی همراه عبیر نبوده که به او کمک کند. همسر عبیر هم یک بنا است که در لبنان کار می‌کند و در شب حمله وی در لبنان حضور داشته است و همین مساله باعث زنده ماندن شوهر عبیر می‌شود.



داستان زندگی دختران که توسط داعش مورد تجاوز قرار گرفتند

سنش ۱۹ سال است، شوهرش و برادرشوهر و پدر شوهرش جلوی چشمان این زن گلوله باران شدند. این زن، قبل از آنکه همچون گله های گوسفند! از روستای خودش به همراه صدها دختر و زن کرد ایزدی به شهر موصل برده شوند و بازار خرید و فروش داعشی ها را گرم کنند، تمام خانواده اش را جلوی چشمانش گلوله باران کردند. در چهره و رخسار درهم شکسته این زن، همه این حوادث ناگوار و دردناک خوانده می شود که تمام این حوادث، تنها در فاصله چند روز بسیار کم اتفاق افتاد و دو سه روز بیشتر طول نکشید. اما روزهاست که یادآوری های این روزها، زخم عمیقی برای همیشه بر روح این زن سایه انداخته است. این زن "ح.ع" نام دارد، کرد است و مادر بچه خردسال ۳ ساله ای است و اهل روستای "گرعوزیره" می باشد. او یکی از آن زنانی است که بصورت جمعی از سوی تروریست های داعش دستگیر شده و به اسارت آنها درآمدند. بعد از آن نیز او و زنان زیبا رو و کم سن و دختران باکره به بازار اصلی موصل (بازار خرید و فروش زنان توسط داعش) برده شده و در آنجا فروخته شدند. اما این زن، تنها با یک معجزه موفق به فرار شد و در حال حاضر در استان دهوک بسر می برد. این زن با این شرط از سرگذشت تکان دهنده اش حرف زد که تصویرش پخش نشود. اما او نه به خاطر داستان زندگی دردناک خودش که با صراحت و با شهامت و بدون کم و کاست آن را تعریف می کند، بلکه از ترس اینکه مبدا تروریست های داعش از خواهرشوهر و مادرزنش که هنوز هم در دست آنها اسیر هستند و در حال خرید و فروشند، انتقام بگیرند. "ح" اما داستانش را چنین ادامه می دهد که؛ نیروهای داعش که آمدند، قبل از هر چیزی، زنان و بچه ها و

...خاطرات دردناک...

مردها را از همدیگر جدا کردند. دست مردها را بستند و پس از آن تمام مردها را گلوله باران کردند. شوهر من و پدرشوهرم و برادرشوهرم نیز در میان مردهای تیرباران شده بودند. ما در ابتدا به سیبا شیخ خذر برده شدیم، سپس به ناحیه بعاج و پس از آن نیز به سنگال و از آنجا نیز همراه با تعداد دیگری از زنان دیگر به شهر بزرگ موصل محل استقرارشان، برده شدند. "ح" که متولد سال ۱۹۹۵ میلادی است و تنها یک فرزند خردسال ۳ ساله دارد در ادامه گفت؛ نیروهای داعش حرفهای بسیار زشت و رکیکی به ما زنان می گفتند. آنها به ما می گفتند؛ دین شما هیچی نیست و اصلا دین نیست و باید به دین ما ملحق شوید. آنها چند آیه قرآنی را به ما گفتند تا بر زبان جاری کنیم، برای آنکه مسلمان شویم. داعشی ها، دختران باکره و زنهای جوان را از زنان مسن و کهنسال، جدا کردند. برای همین در موصل از سرنوشت مادر شوهرم خبری نداشتیم و تنها من و خواهر شوهرم باهم ماندیم.



...خاطرات دردناک...

داعشی‌ها آمدند و گفتند شما را به خانه هایتان برمی‌گردانیم، اما ما را به خانه بزرگی بردند و گفتند؛ هر زنی که به این مکان آورده می‌شود و به اینجا می‌آید، هیچ چاره‌ای ندارد و باید شوهر کند! این زن با گریه و با صدایی بعضی‌آلود و بسیار به آرامی از این حوادث سخن می‌گفت و افزود که هرگز نمی‌خواست و دوست نداشت تا این اتفاقات را جایی تعریف و بازگو کند و با گریه‌های شدید ادامه داد؛ ما را به قیمت‌های ۱۰ هزار تا ۱۵ هزار دینار خرید و فروش می‌کردند. داعشی‌ها روزی ۱۰ بار دیگر به میان ما می‌آمدند و آنهایی را که می‌خواستند و می‌پسندیدند با خود می‌بردند. داعشی‌ها بخصوص دخترهای باکره را با خود می‌بردند و بعد از تجاوز کردن به آنها، برای فروش عرضه می‌شدند. افرادی از داعش بودند که دخترهایی را می‌بردند و ۲ روز با دخترها بسر برده و بارها طی این ۲ روز به این دختران تجاوز می‌کردند و خوشگذارانی می‌کردند و وقتی هم که از آنها سیر می‌شدند، آنها را به کسان دیگری، می‌فروختند! یکی از امیران و فرماندهان داعشی بود که دختری را به یک راننده فروخت. با گوشه‌های خودم شنیدم که برخی از آنها ترکی حرف می‌زدند و برای خرید دختران آمده بودند، البته در این بین، خریداران عرب سوریه‌ای نیز وجود داشتند که این مردهای هوسران برای خرید این زنان و دختران راه‌های طولانی را طی می‌کردند تا زن و دختر بخرند!

برخی خریداران می‌آمدند و به زور لباس عروسی را بر تن دختران می‌پوشاندند و آنها را با خود می‌بردند. "ح" با چشمانی اشکبار، آهی عمیق سر کشید و گفت؛ هیچ خجالتی ندارد که این حرفها را تعریف می‌کنم چون این واقعیت است و باید بگویم که من را نیز به یک عرب سوری فروختند. اما نمی‌دانم به چه قیمتی بود... این مرد

...خاطرات دردناک...

به من گفت؛ دیگر تو زن منی. اما من حاضر به قبول او نبودم. اما این مرد به من گفت؛ پدر و مادرت را فراموش کن. همه آنها کشته شده اند. کردستان عراق نیز در اختیار ماست و چاره ای نداری. "ح" ماجرای پس از فروشش به این مرد و فرارش را چنین بازگو کرد. یک شب حدود ۱۲ ساعت شب، پسر ۳ ساله ام تشنه بود و برای آب خوردن گریه می کرد. ما در یک خانه بودیم اما درب خانه به روی مان قفل شده بود. درب خانه پلاستیکی بود، هر چقدر درب خانه را زدم کسی نبود تا به پسر آب بدهد. به خاطر تشنگی پسر، مجبور شدم درب خانه را شکستم و برای پسر آب آوردم. اما دیدم در خانه ای که در آن هستم سه نفر حضور دارند، اما هر سه آنها خوابیده بودند و بیدار نشدند. دیگر من نیز فرصتی بدست آوردم و فرار کردم. "ح" بعد از مدتی پیاده روی خودش به خانه یک عرب پناه می برد و داستان زندگی اش را برای وی تعریف می کند. آنها نیز به وی قول دادند که از او حفاظت و مراقبت کنند. مرد این خانه وقتی صبح شد من را سوار اتومبیلش کرد و به هر ایست و بازرسی داعش که می رسیدیم می گفت؛ این همسر من است. این مرد عرب، من را تاجایی برد که نزدیک به محل حضور پیشمرگان شوم، در آنجا نیز من را پیاده کرد و راه را به من نشان داد و خودش برگشت. من نیز با پای پیاده حرکت کردم تا رسیدم به پیشمرگان و آنها نیز من را به شهر رساندند. "ح" می گوید؛ دخترهای آنجا آنقدر با حیا و با شهامت بودند که به هیچ وجه حاضر نبودند، خودشان را در اختیار داعشی های فاسد بگذارند و داعشی ها نیز با تهدید به کشتن و قتل شان، آنها را با خود می بردند. "ح" در پایان گفت: ۳ دختر باکره که اهل روستای "وردیی" بودند تنها برای آنکه به آنها از سوی داعشی ها، تجاوز نشود، خودشان را حلق آویز کرده و خودکشی کردند... اسپوتنیک

...خاطرات دردناک...

آشنائی با رهبران داعش

اسامه بن لادن

اسامه بن لادن سرکرده و موسس گروه تروریستی القاعده از زمان حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به عنوان جنجالی‌ترین رهبر گروه‌های تروریستی و افراط گرا معرفی شد. بر اساس گزارش‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته، اسامه بن لادن ۵ بار ازدواج کرده که از همسران خود صاحب ۲۰ فرزند شد.



همسر اول بن لادن دختر دایی وی بود که نجوی غانم نام داشت. او در سال ۱۹۷۴ و هنگام ازدواج با بن لادن ۱۷ ساله بود و از او ۱۱ فرزند به دنیا آورد. غانم اما مدتی قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر بن لادن را ترک کرد و از افغانستان خارج شد. همسر دوم بن لادن خریده شریف نام داشت و ۹ سال از بن لادن بزرگتر بود و در سال ۱۹۸۳ با وی ازدواج کرد. خدیجه سه فرزند برای بن لادن به دنیا آورد، اما در نهایت آنها از یکدیگر جدا شدند. این اتفاق زمانی افتاد که بن لادن و همسرش در دهه نود قرن گذشته میلادی در سودان زندگی می‌کردند. همسر سوم بن لادن خیریبه صابر نام دارد. او یک زن تحصیل کرده بود و تحصیلات عالییه داشت و مدرک دکترای خود را در علوم اسلامی

...فاطرات دردناک...

دریافت کرده بود. خیریه در سال ۱۹۸۵ با بن لادن ازدواج کرد و یک فرزند پسر برای وی به دنیا آورد. همسر چهارم سرکرده القاعده سهام صابر نام داشت. آنها در سال ۱۹۸۷ با یکدیگر ازدواج کردند. سهام چهار فرزند برای وی به دنیا آورد. سرنوشت او نیز مانند خیریه نامعلوم است و از زمان اشغال افغانستان چیزی در رابطه با وی شنیده نشده است. پنجمین همسر بن لادن امل السادة یا امل الصداح از اهالی یمن است که در سال ۲۰۱۰ افغانستان با وی ازدواج کرد. او در زمان ازدواج با بن لادن ۱۸ ساله بود. از زمان ازدواج وی با لادن خانواده‌اش هیچ‌گونه خبری از وی ندارند.

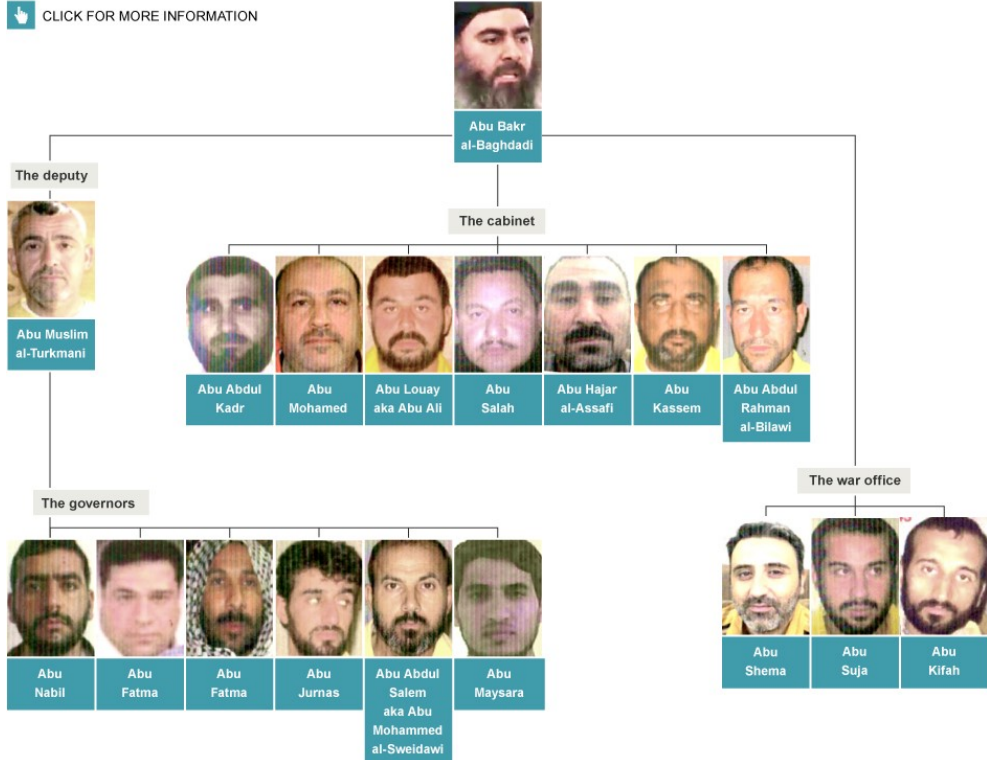
در مه سال ۲۰۱۱ سرویس جاسوسی آمریکا اعلام کرد یک میلیون سند در منزل شخصی بن لادن کشف کرده که بخشی از آنها مجلات جنسی و نوارهای ویدئویی بوده که در جریان حمله نیروهای آمریکایی به منزل و پس از کشته شدن اسامه بن لادن به دست نیروهای آمریکایی افتاده است. یکی از اسنادی که آمریکا به آنها دست پیدا کرده، نامه ای است که وی به یکی از رهبران القاعده در شمال آفریقا نوشته است. وی در این نامه دستوری ویژه و بسیار محرمانه به این سرکرده القاعده داده و می‌نویسد که مشکل افرادی که با تو مبارزه می‌کنند، این است که ازدواج نکرده‌اند و در شرایط مختلفی که با آن مواجه هستند، نیازمند همسر هستند. وی در این نامه نوشت که برای حل این مشکل با دکتر ایمن الظواهری نامه نگاری کرده و همچنین با شیخ ابو یحیی اللیبی نیز رایزنی کرده است. بن لادن در این نامه می‌افزاید: دکتر ایمن الظواهری نظر خود را برای ما فرستاده و اعلام کرده که باید به برادران توضیح داده شود که در این شرایط سخت می‌توانند مشکل خود را با خودارضایی حل کنند... خبر از "پیتربرگن" تحلیلگر شبکه تلویزیونی "سی ان ان"

...فاطرات دردناک...

فرماندهان ارشد داعش چه کسانی بودند؟

گروه تروریستی داعش که خود را دولت اسلامی خوانده است، با نام ابوبکر البغدادی شناخته می‌شود. خلیفه خودخوانده تروریست‌هایی که کمتر جنایت و شیوه اعدامی بوده که اعضای آن روی مردم سوریه و عراق امتحان نکرده باشند. اما داعش هم مانند یک حکومت، برای خود سلسله مراتبی دارد؛ از جمله شورای شرعی و والیان ولایت‌های اشغال شده، و فرماندهان نظامی در بخش‌های مختلف قلمرو اشغال شده توسط این گروه.

 CLICK FOR MORE INFORMATION



...خاطرات دردناک...

روابط کایلا مولر با ابوبکر البغدادی

البغدادی سرکرده داعش است که نام واقعی وی "ابراهیم عواد البدری" است. او پس از "مرگ ابو مصعب الزرقاوی" سرکرده معروف‌ترین گروه تروریستی جهان شد. پدرش می‌گوید که اولین همسر بغدادی ورده جاسم محمد نام داشت که دختر عمویش بود. ابوبکر ۵ فرزند به نام‌های محمود، حذیفة، صهیب، زید و عبدالمجید از وی دارد. همسر دوم بغدادی ایمان مقبول طه نام دارد که یک فرزند پسر به نام بصیر و ۲ دختر به نام‌های أمل و بشری برای او به دنیا آورد.



همسر سوم وی سچی الدلیمی است که بعدها از وی طلاق گرفت و در لبنان بازداشت شد. سرنوشت این زن نامعلوم است. وی متهم به تامین مالی گروه تروریستی داعش بوده و گزارش‌های بین المللی او را زنی با اراده و مستقل توصیه کرده است. گفته می‌شود او صدها هزار دلار در سال ۲۰۱۴ برای عناصر تروریستی داعش در مرزهای لبنان انتقال داده است. به تازگی گروه تروریستی داعش از هلاکت یکی از

...فاطرات دردناک...

فرزندان ابوبکر البغدادی یعنی حذیفة در درگیری با دیگر گروه‌های تروریستی در استان حمص خبر داد.



در سال ۲۰۱۵ خانواده یکی از کارمندان سازمان‌های امدادی بین‌المللی در عراق به نام کایلا مولر که گروه تروریستی داعش او را به گروگان گرفته بود، ابوبکر البغدادی را به تجاوز جنسی به وی در منزل ابوسیاف از سرکردگان داعش متهم کرد. بر اساس گزارش شبکه سی ان ان آمریکا خانواده مولر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ابوبکر البغدادی در منزل یکی از عناصر وابسته به داعش به دخترشان تجاوز جنسی کرده است. مدتی بعد گزارش‌های مطبوعاتی اعلام کردند که کایلا مولر در یکی از حملات صورت گرفته در مرز اردن و سوریه کشته شده است. ابوبکر بغدادی اقدام به تجاوز به عنف به این دختر ۲۶ ساله آمریکایی کرده است. این اتفاق زمانی افتاد که عناصر گروه تروریستی داعش این فرد را ربودند. در نهایت در فوریه سال گذشته اعلام شد که وی کشته شده است... رسانه‌های جمعی به نقل از یکی از منابع اطلاعاتی آمریکا

...فاطرات دردناک...

می‌گویند که سرکرده داعش هنگامی که در زندان بوکا در بصره بوده است، بارها در حال اقدامات جنسی با دیگر مردان زندانی دستگیر شده بود.

مطرح شدن مجدد نام مولر ما را به یاد این می‌اندازد که زنان بسیاری در طول این چند سال قربانی داعش شده اند. به جز زنان ایزدی، مسلمان و مسیحی خاورمیانه، برخی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها هم بودند که اسیر دست داعش شدند. در این میان، اما نام یکی از این دختران بیش از سایرین مطرح شد. "سامیرا کسینویچ" کسی است که داستان تراژیک اسارت و مرگش بسیاری را دچار شوک و غم کرد... به گزارش گروه رسانه های خبرگزاری تسنیم، منبع: خبرگزاری آسوشیتدپرس

انتخاب زنان بسیار زیبا برای حرمسرای ابوبکر البغدادی ...

با اینکه اسلام جایگاه ویژه ای برای زن قرار داده و از منزلت خاصی برخوردار کرده است اما گروه های تروریستی همچون داعش این مقام و منزلت را زیر پا گذاشته که هنوز هم عقاید و تفکرات پست و وقیح را برای پیشبرد اهداف خود قرار داده و زنان را سپر انسانی کرده و حتی بعضی از زنان نیز هستند که خود این کار را جهاد نکاح می دانند و با میل و رغبت خود تن به این کار می دهند.

تبصره ای هم درباره "عکس" این زنان از سوی برخی فعالان این شبکه ها وارد شد مبنی بر اینکه تصویر مذکور متعلق به زنان تن داده به جهاد نکاح البغدادی است و نمی توان صفت کنیز را به آنان اطلاق کرد. به هر روی، گذشته از نام و صفت اطلاقی به این زنان، حتی اگر تعلق آنها به شخص خلیفه موثق نباشد، بردگی جنسی این زنان امری محرز است. تاکنون اخبار زیادی در رسانه های جهان درباره بدعت قبیح

...خاطرات دردناک...

جهاد نکاح در میان اعضای گروه تروریستی داعش منتشر شده است اما ظاهراً وراى همه این اخبار، بازگشت به رسم مذموم حرمسراهای پادشاهی و خلافتی به تدریج به یکی از مشخصه های تروریسم داعشی بدل می شود.



شاید بعد از جهاد نکاح اعضای داعش با زنان پیوسته به این گروه، مساله ای که داعش را به راه انداختن حرمسرا تشویق کرد، جایزه ای بود که اعضای آن از ابوبکر البغدادی خلیفه خودخوانده خود دریافت کردند. به گزارش ناظر حقوق بشر در سوریه روز ۳۰ آگوست (۸ شهریور ۱۳۹۳) البغدادی ۳۰۰ زن و دختر اسیر ایزدی را به جنگجویان خود در سوریه تحت نام غنیمت جنگی هدیه کرد. بلافاصله بعد از این اقدام ابوبکر البغدادی، بازار خرید و فروش زنان ایزدی با عنوان کنیز در حاشیه شمالی

...خاطرات دردناک...

حلب، الرقه و الحسکه سوریه داغ و متوسط قیمت خرید و فروش دختران و زنان ایزدی ۸ تا ۱۰ هزار دلار اعلام شد. به نوشته روزنامه دیلی تلگراف، داعش همچنین در بسیاری از مناطق تحت کنترل خود از زنان و دختران ایزدی به عنوان سپر انسانی استفاده کرد.



اما صرفنظر از گرفتن زنان ایزدی به کنیزی عوامل دیگری از جمله پیوستن زنان و دختران از سایر کشورها از جمله کشورهای اروپایی به این گروه تروریستی در چارچوب جهاد نکاح و همچنین آنچه این زنان آن را «ایثار» می نامیدند در تقویت جریان بهره برداری هر چه بیشتر جنسی از زنان موثر بود. روزنامه اسپانیایی «لاوانگواردیا» با اشاره به گرایش دختران اروپایی به داعش نوشت: هم اکنون مراکز امنیتی در اروپا نگران موج بازگشت دختران و زنان حامله اروپایی تبار از پدران داعشی می باشند، که در چارچوب قوانین اروپایی فرزندان شان هم باید از تابعیت این کشورها برخوردار شوند.



این روزنامه اسپانیایی به نقل از دفتر فدرال حمایت از قانون اساسی آلمان نوشت : هم اکنون این پدیده به شکل قابل توجهی در حال گسترش است به نحوی که شاهد سفر شماری از دختران کم سن و سال به بهانه گذراندن تعطیلات در کشورهای خاصی هستیم اما بعد از آن با مدارک جعلی وارد کشور سوریه شده و در آنجا بعد از انجام اعمال منافی عفت تحت عنوان جهاد نکاح پرداخته و باردار به کشور خود باز می گردند. در همین حال روزنامه التیمیو کلمبیا نوشت: شمار دقیق زنان یا «نامزدهای» خارجی در بین جنگجویان داعش مشخص نیست اما برآورد می شود که ۱۰ درصد کل نیروهای جهادی های غربی را در دو کشور سوریه و عراق تشکیل دهند.

...خاطرات دردناک...

داعش و زنان پیوسته به آن، خود، نام «ایثار کننده» را به این دسته داده اند. بر اساس این گزارش، ۶۳ زن فرانسوی به داعش در منطقه پیوسته اند که این میزان ۲۵ درصد کل زنان موسوم به جهادی را تشکیل می دهد به عبارت دیگر تعداد کل زنان مذکور از کشورهای اروپایی باید چیزی در حدود ۲۵۰ نفر باشد. در این گزارش آمده است که انتظار می رود ۶۰ زن دیگر هم به زودی عازم قلمرو خلیفه خودخوانده شوند. در انگلیس انتظار می رود که ۵۰ زن در دایره داعش گرفتار شده باشند و گفته می شود از آلمان و اتریش به ترتیب ۴۰ و ۱۴ زن عازم سوریه و عراق شده باشند و وزارت کشور اسپانیا نیز از پیوستن ۶ زن اسپانیایی به این گروه تروریستی خبر داده است. گزارش التیمیو تصریح می کند که این زنان عمدتاً از طریق شبکه های اجتماعی به عضویت داعش درآمدند. فراخوان البغدادی برای پیوستن زنان به داعش حاکی از دستورکار این گروه تروریستی برای زاد و ولد و افزایش جمعیت (تغییر ترکیب جمعیتی) در عراق و سوریه است، هر چند بسیاری از گزارش ها حاکی از پشیمانی تعداد زیادی از زنان پیوسته به داعش و افسردگی های شدید آنان در اثر اسارت در دست این گروه تروریستی است. مصاحب شیراز یکی از کارشناسان کالج سلطنتی لندن گفته است که «جهادگران سنی، زنان را برای جنگ نمی خواهند بلکه برای «آشپزی»، نظافت و ارائه خدمات پشتیبانی! به آنها نیاز دارند و زنان مذکور ناچار به «ازدواج» با داعشی ها می شوند. خلافت داعش مانند القاعده هیچ نقش مشخصی در «جهاد» برای زنان قائل نیست، آینده زنان غربی حاضر در صفوف داعش مبهم و نامعلوم است و احتمالاً به بخشی از یک حرمسرا به عنوان بردگانی جنسی مبدل شوند... به گزارش ادل بونت نویسنده "التیمیو"

...فاطرات دردناک...

جسد ابوبکر البغدادی چه می‌شود؟



احتمالا جسد ابوبکر البغدادی، سرکرده گروه تروریستی داعش مانند جسد اسامه بن لادن، سرکرده پیشین القاعده، به دریا انداخته می‌شود. یک مقام نظامی آمریکایی مدعی شد ابوبکر البغدادی در ادلب سوریه هدف حمله نیروهای ویژه آمریکا قرار گرفته و کشته شده است. دیده‌بان حقوق بشر سوریه نیز مدعی شد بقایای جسد ابوبکر البغدادی، سرکرده گروه تروریستی داعش به پایگاه عین‌الاسد در عراق منتقل شده است. عین‌الاسد، پایگاهی در استان الانبار واقع در غرب عراق است که نیروهای آمریکایی در آن حضور دارند. این در حالی است که مقامات عراقی هنوز در خصوص ادعای دیده‌بان حقوق بشر سوریه اظهار نظر نکرده‌اند. یک مقام بلندپایه پنتاگون نیز ادعا کرد جسد ابوبکر البغدادی در اختیار نیروهای آمریکایی قرار دارد و آزمایش دی‌ان‌ای هویت او را ثابت کرده است... به گزارش "سی‌ان‌ان"

...خاطرات دردناک...

اطلاعات مربوط به محل اختفای ابوبکر بغدادی، سرکرده گروه تروریستی داعش در نتیجه بازداشت و بازجویی از یکی از همسرانش و پیام رسان همراه وی در تابستان گذشته به دست آمده است. پس از دستیابی به این داده‌های اطلاعاتی اولیه، آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) از نزدیک با مقامات اطلاعاتی عراق و کردهای سوریه و عراق برای مشخص کردن مکان دقیق اختفای بغدادی و فرستادن جاسوسان خود برای زیر نظر گرفتن فعالیت‌های وی همکاری کرد و همین مسأله امکان انجام عملیات علیه سرکرده داعش را فراهم کرد.

در همین راستا، چند مقام نظامی و اطلاعاتی آمریکایی گفتند که تصمیم غافلگیر کننده ناگهانی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری این کشور برای خارج کردن نیروهای واشنگتن از شمال سوریه، مانع از برنامه ریزی دقیق در این باره شد و مقامات پنتاگون را ناگزیر کرد تا پیش از خارج شدن کنترل نیروها، جاسوسان و هواپیماهای شناسایی، به یک حمله شبانه خطرناک دست بزنند.

طبق گفته این منابع، برنامه‌ریزی اولیه برای انجام این عملیات تابستان گذشته و با آغاز برنامه‌های آموزشی یگان کماندوی وابسته به دسته عملیاتی "دلتا" آمریکا برای انجام یک عملیات محرمانه و کشتن یا بازداشت بغدادی آغاز شد. این عملیات با موانع بزرگی مواجه شد، طوری که محل مورد نظر در عمق اراضی خارج از کنترل قرار داشت و حریم هوایی این منطقه نیز تحت کنترل سوریه و روسیه بود و ارتش (آمریکا) دست‌کم دو بار این مأموریت را در آخرین لحظه لغو کرد.

داعش توسط آمریکایی‌ها ایجاد و در این سال‌ها حمایت شد. پس آنها به خوبی می‌دانستند که سرکرده آنها در چه محلی مخفی شده است، سران آمریکا به این

...خاطرات دردناک...

نتیجه رسیدند که داعش دیگر سودی برای آنها نداشته و بی مصرف شده است. به همین دلیل با این هیاهوی رسانه ای می خواهند اعلام کنند که ما با تروریسم مبارزه می کنیم در صورتی که طالبان و القاعده و افرادی چون اسامه بن لادن را که خود به وجود آوردند و بعد با پوشش رسانه ای و جنجالی که راه انداختند گفتند که ما این سرکرده های گروه های تکفیری را کشته ایم.

آنها بعد از تجربه کشتن "بن لادن" و ناپدید شدن جنازه اش در دریا، اینک دیدند داعش و ابوبکر البغدادی دیگری منفعتی برای آنها ندارند با اقدامی رسانه ای و به دروغ اعلام می کنند که ما ضد تروریسم هستیم و به دنبال فریب مردم هستیم. احتمالا "جسد ابوبکر البغدادی"، سرکرده گروه تروریستی "داعشگ مانند جسد" اسامه بن لادن"، سرکرده پیشین "القاعدهگ، هم به دریا انداخته می شود. مردم منطقه و جهان به خوبی می دانند که به وجود آورنده داعش کیست و نباید فریب این صحنه آرائی ها را بخورند.

آمریکایی ها با این اقدامات می خواهند ارزش کار جبهه مقاومت را زیر سوال برده و اعلام کنند که ما هستیم که داعش را تضعیف و با تروریسم مبارزه می کنیم در صورتی که این چنین نیست. آمریکایی ها در این سالها ائتلاف ضد داعش ایجاد کردند اما کوچکترین اقدامی علیه تروریست ها نکردند و در عوض با تمام توان از آنها حمایت و این گروه ها را تجهیز کرده و همچنان تجهیز می کنند...

به گزارش ایسنا، از روزنامه نیویورک تایمز

...خاطرات دردناک...

انحرافات جنسی، ابومصعب الزرقاوی

"ابومصعب الزرقاوی" موسس گروه تروریستی داعش و پدر معنوی آن است. مایکل ویس تحلیلگر سیاسی و مولف کتاب "از داخل ارتش وحشت"، می‌نویسد که وی در گذشته یک واسطه برای اعمال منافی عفت بوده است. اتهامات جنسی متعددی به وی وارد شده و او همچنین معتاد به مشروبات الکلی بوده است.



ابومصعب الزرقاوی (احمد فاضل النزال الخلیله) ۲۰ اکتبر سال ۱۹۶۶ در شهر زرقای اردن به دنیا آمد. او در افغانستان اردویی برای تعلیم شبه‌نظامیان راه انداخت و در اواخر سال ۲۰۰۴ به اسامه بن لادن و القاعده پیوست. الزرقاوی پس از رفتن به عراق و به مسئولیت گرفتن تعدادی بمب‌گذاری در زمان جنگ به شهرت رسید. الزرقاوی در سال ۱۹۹۰ گروهی به نام جماعت توحید و جهاد را بنیان گذاری کرده و سرکردگی آنرا تا زمان مرگ (ژوئن سال ۲۰۰۶) برعهده داشت. ابومصعب الزرقاوی در ۷ ژوئن سال ۲۰۰۶ در ۸ کیلومتری شمال شهر بعقوبه در شمال بغداد پایتخت عراق به دست نیروهای آمریکایی کشته شد.

...خاطرات دردناک...

ابوعمر الشیشانی

عمر الشیشانی (چینی)، با نام اصلی "طرخان تیمورازویچ باتیراشویلی"، متولد ۱۹۸۶ در شهر بیرکیانی گرجستان است. الشیشانی، فرمانده میدانی گروه تروریستی-تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و مغز متفکر نظامی این گروه به حساب می‌آید. او از پدری گرجی و مسیحی ارتدوکس و مادری چچن‌تبار و مسلمان به دنیا آمد و کودکی خود را در منطقه سرسبز و کوهستانی «پانکیسی گرج» گذراند و به گفته پدرش در نوجوانی به چوپانی مشغول بود. گفتنی است که منطقه پانکیسی گرج در مرز جمهوری چچن، در اواسط دهه ۱۹۹۰ و حوالی جنگ دوم چچن با روسیه، مسیر اصلی عبور تروریست‌های چینی به سمت روسیه بود (هم اکنون هم این منطقه مرکز صدور مواد مخدر، اسلحه و تروریست جهادی از چچن به سرتاسر دنیا است). آشنایی باتیراشویلی نوجوان با تفکر وهابی و افراط‌گرایی اسلامی از همین جا کلید خورد. پدرش «تیمور باتیراشویلی» در مصاحبه با شبکه اسکای گفت که طرخان بارها راهنمایی گروه‌های شبه نظامی چینی را به عهده داشت. حتی گزارش‌هایی وجود دارد که طرخان ۱۴ ساله در کنار گروه «روسلان گالیف»، با شورشیان طرفدار روسیه در آبخازیا جنگیده است (که چندان قابل تایید نیست). او بعد از پایان تحصیلات دبیرستان، به ارتش گرجستان پیوست. جایی که در آن به درجه سرگروهانی ارتقا یافت. استعداد نظامی بالا و مهارت در کار کردن با انواع اسلحه و نقشه‌خوانی باعث شد که به واحد تازه تاسیس اطلاعات ارتش گرجستان (اشپتسناز) ملحق شود. نکته قابل ملاحظه این که اعضای این واحد توسط مربیان زبده اطلاعاتی آمریکایی و بریتانیایی تعلیم دیده‌اند تا در جنگ‌های احتمالی با روسیه به کار ارتش این کشور

...فاطرات دردناک...

بیایند. در جنگ ۲۰۰۸ روسیه با گرجستان بر سر اوستیای جنوبی، او در خط مقدم جبهه حضور داشت. وظیفه او در نبرد تسخینوالی (مرکز اوستیای جنوبی) گزارش گرای تانک‌ها و ستون‌های پیاده ارتش روسیه به توپخانه ارتش گرجستان بود. با وجود ورود به رده افسری، باتیراشویلی هیچ گاه تشویق نظامی دریافت نکرد. در سال ۲۰۱۰، به علت ابتلا به بیماری سل، چند ماهی را در بیمارستان نظامی گذراند و در نهایت به همین دلیل از خدمت نظام مرخص شد. درخواست او برای بازگشت به ارتش بی پاسخ ماند و او در بازگشت به زادگاهش نتوانست وارد نیروی پلیس محلی شود. در همین برهه، مادر او بر اثر سرطان مرد و بنا به گفته پدرش او به شدت دچار ضربه روحی شد. بر اساس گزارش وزارت دفاع گرجستان، او در همین سال ۲۰۱۰، به جرم پنهان کردن اسلحه به سه سال زندان محکوم شد. تصور این که یک جوان ۲۴ ساله افسرده، با سابقه آشنایی با تفکر افراطی، در زندان‌های گرجستان به چه موجودی تبدیل شود چندان دشوار نیست. او بعد از گذراندن ۱۶ ماه در زندان آزاد شد. بنا به اظهار خانواده اش، او چنین قراری در زندان با خود گذاشت: «به خداوند قول دادم که اگر از زندان زنده بیرون بیایم، به جهاد برای خدا خواهم پرداخت!» او بلافاصله بعد از آزادی از زندان، کشور را ترک کرد و به استانبول رفت. در آن جا، از طریق شبکه مهاجرین چینی خیلی زود به گروه‌های جهادی پیوند خورد. به گفته خود او (در یکی از وبسایت های داعش)، پیش از رفتن به سوریه، قصد رفتن به یمن را داشت و مدت کوتاهی را در مصر به سر برد. او در نهایت در مارس ۲۰۱۲ وارد سوریه شد. در سوریه او کنیه «ابوعمر الشیشانی» را برای خود برگزید. الشیشانی در سوریه، نخست به واحدی نظامی متشکل از جنگجویان خارجی پیوست که به آن «کتائب المهاجرین»

...خاطرات دردناک...

گفته می‌شد. این نیرو در نبرد حلب با ارتش سوریه که منجر به حمله به پایگاه دفاع هوایی و موشک اسکاد ارتش سوریه شد، به جبهه النصره وابسته به القاعده یاری رساند. همچنین در جریان تسلط بر پاسگاه شیخ سلمان در غرب حلب هم حضور داشتند. اعضای این گروه در فوریه ۲۰۱۳، با همکاری جبهه النصره و لواء توحید به مقر هنگ ۸۰ ارتش سوریه در نزدیک فرودگاه حلب حمله کردند. در ماه مارس از پیوستن سه گروه جهادی جیش محمد، کتائب خطاب و کتائب المهاجرین، گروه جدیدی به نام «جیش مهاجرین و الانصار» شکل گرفت که بیشتر تروریست‌های آن را اهالی چچن و سایر مناطق قفقاز تشکیل می‌دادند. این گروه نقش اصلی را در تصرف پایگاه هوایی مهم مناخ در استان حلب به عهده داشت. ابتکار خودروهای انتحاری به عنوان پیشران عملیات، اولین بار به صورت گسترده در این عملیات استفاده شد. از همین رو به نظر می‌رسد که این تاکتیک موثر از ایده‌های الشیشانی باشد.



...خاطرات دردناک...

ابوعلی الانباری

درباره تاریخ تولد این فرماده داعشی گزارش قابل اعتمادی در دسترس نیست ولی از روی ظاهر و سوابق او می‌توان حدس زد که او یکی از مسن‌ترین چهره‌های اصلی داعش با بیش از ۵۰ سال سن است. الانباری از اقلیت ترکمن عراق و از اهالی موصل از استان نینواست. او در ارتش بعثی عراق به درجه سرلشکری رسید و از همین رو یکی از شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌های داعش برای مقامات امنیتی و نظامی عراقی و آمریکایی است. او هم به سان بیشتر چهره‌های عراقی رهبری داعش، مدتی را در کمپ معروف «بوکا» در جنوب عراق در نزدیکی شهر ام‌القصر، در اسارت آمریکایی‌ها به سر برد و در همان جا بود که در کنار ابو عمر البغدادی، ابوبکر البغدادی، التکرمانی و البیللوی و امثال آن‌ها شالوده‌های دولت اسلامی را بنا گذاشتند. اصولا کمپ بوکا، در میان عراقی‌ها به دانشگاه تروریست‌پروری مشهور شده است، چرا که تقریباً همه تروریست‌های معروف کنونی در عراق، گویی مدتی در این دانشگاه! دوره‌های علمی لازم را گذرانده‌اند! او از ۱۹۹۰ وارد حزب بعث شد و تا زمان سرنگونی صدام در ۲۰۰۳ وفادار سرسخت صدام بود. با تسلط آمریکایی‌ها بر عراق، در جریان «بعثی زدایی» عراق توسط پاول و لفوویتز، او هم به زندان افتاد. الانباری پس از آزادی به یک گروه سنی شورشی مخالف دولت عراق به نام «انصار الاسلام» پیوست. ظاهراً به دلیل اتهام فساد و سوءاستفاده مالی از سوی گروه، از آن اخراج شد. او در حوالی سال ۲۰۰۵، به القاعده پیوست و در سلک همراهان ابومصعب الزرقاوی فرمانده شاخه عراق القاعده در فلوجه درآمد. نقش الانباری در گروه دولت اسلامی ابو عمر البغدادی و بعدتر داعش چندان روشن نبود، تا این که در ژوئن سال گذشته، با حمله نیروهای

...خاطرات دردناک...

ویژه آمریکایی به خانه فرمانده نظامی داعش، ابوعبدالرحمن البیلاوی، که به کشته شدن او انجامید، در فلش مموری‌هایی که در خانه او به دست آمد، نقش پررنگ الانباری در ساختار داعش آشکار گشت.



یکی از معدود تصاویر منسوب به ابوعلی الانباری

الانباری در کنار ابومسلم التركمانی (معدوم) دو معاون ارشد ابوبکر البغدادی بوده‌اند، به این مفهوم که ترکمانی مسوول قلمرو عراق داعش و الانباری مسوول قلمرو سوریه بودند. در حال حاضر هم مسوولیت تمامی امور نظامی و غیرنظامی سوریه اوست و او نظارت بر ۱۲ به اصطلاح فرمانداری داعش در قلمرو اشغالی سوریه توسط داعش به عهده دارد. برخی از منابع، او را مسوول شورای اطلاعات و امنیت داعش و عضو مهم شورای مشورتی خلیفه بغدادی معرفی می‌کنند. محل استقرار الانباری عمدتاً در شهر «رقه» سوریه، پایتخت خودخوانده دولت موسوم به عراق و شام، و او نماینده سیاسی ویژه البغدادی برای رایزنی‌ها و رساندن دستورات یا پیغام‌های وی است.

...خاطرات دردناک...

با شدت گرفتن شایعه مرگ یا از کارافتادگی ابوبکر البغدادی، یکی از جانشینان بالقوه او ابوعلی الانباری است. گرچه سابقه آشکار او به عنوان ژنرال ارتش صدام، باعث می‌شود که انتخاب یک بعثی دوآتشه سابق، برای مقام خلافت دست کم چندان خوشایند عراقی‌های عضو گروه نباشد. مایکل ویز، نویسنده کتاب "دولت اسلامی؛ درون ارتش ترور"، برای داعش بهتر است که یک افسر رده بالای صدام در جایگاه خلیفه قرار نگیرد و او مرد پشت پرده کرسی خلافت باشد تا خلیفه واقعی داعش به علاوه، بنا به اقوال بعضی از جدانشدگان از داعش، او به لحاظ معلومات دینی بسیار ضعیف است و با فردی مانند البغدادی که گویا دارای دکترا در مطالعات اسلامی است، قابل مقایسه نیست (البته این ویژگی تمامی افسران بعثی سابق عضو داعش است). همین امر از احتمال جایگزینی او می‌کاهد.

برخی گزارش‌های امنیتی دولت عراق که به مطبوعات راه یافته نشان می‌دهد که الانباری طراح اصلی راهبرد نظامی کلان گروه است که بر سه پایه اصلی قرار دارد: یک، فعال کردن هسته‌های خاموش داعش در اروپا برای انجام عملیات هماهنگ در این قاره است. دو، حملات برنامه‌ریزی شده در شمال آفریقا از طرابلس در لیبی تا شهرهای کانال سوئز و صحرای سینا با هدف سرنگونی دولت عبدالفتاح السیسی. سه، تسلط بر شهر نفت خیز کرکوک به عنوان یکی از منابع اصلی تامین مالی داعش.

عبدالرحمن مصطفی القدولی

عبدالرحمن مصطفی القدولی، معروف به ابوعلی العفری، جانشین عملی ابوبکر البغدادی، بنا به گمانه‌زنی‌ها در سال ۱۹۵۷ یا ۱۹۵۸ در موصل استان نینوا به دنیا آمد. او هم به مانند الانباری از اقلیت ترکمن عراق است و در جوانی در شهر تل عفر، در

...خاطرات دردناک...

نزدیک موصل، معلم فیزیک بود. با این حال تحصیلات دینی مستقل خود را هم گذرانده و گویی تالیفاتی هم در زمینه شریعت انجام داده است. بنا به گزارش‌ها، او در حوالی ۱۹۹۸ به افغانستان رفت و تحت آموزش القاعده قرار گرفت. در همین برهه بود که توجه اسامه بن لادن را به خود جلب کرد و مورد اعتمادش قرار گرفت. بعد از بازگشت از افغانستان، بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۴ به ابومصعب الزرقاوی، رهبر القاعده عراق پیوست. زرقاوی او را مسوول اداره مناطق تحت تسلط القاعده در موصل قرار داد. او در این دوره، چند باری به عنوان رابط زرقاوی و بن لادن به پاکستان سفر کرد. بعد از هلاکت زرقاوی در ژوئن ۲۰۰۶، در دوره جانشینان او ابوعمر البغدادی و ابو ایوب مصری، العفری جایگاه خود را در القاعده عراق، که حال با بازسازماندهی ابوعمر البغدادی «دولت اسلامی عراق» نام گرفت، ارتقاء داد. با هلاکت بغدادی و مصری در حمله هوایی نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۱۰، نظر اسامه بن لادن قرار گرفتن العفری در راس گروه دولت اسلامی بود، اما «حاجی بکر»، سرهنگ سابق ارتش بعث و از اعضای کلیدی این گروه، شورای مشورتی را برای انتخاب ابوبکر البغدادی قانع کرد.



...فاطرات دردناک...

بنا به اخبار تایید نشده، العفری، تا پیش از مطرح شدنش به عنوان جایگزین بغدادی، هماهنگ‌کننده اصلی میان البغدادی و به اصطلاح امیران داعش در استان‌های تحت تسلط این گروه در عراق، سوریه و لیبی بوده است. او فردی پرجنب و جوش، دارای تجربه میدانی وسیع و روابط عمومی است. به علاوه، از او به عنوان یک واعظ سخنور و تهییج‌کننده یاد شده است. هشام الهاشمی، برجسته‌ترین کارشناس داعش و مشاور دولت عراق، او و الانباری و الشیشانی را سه ضلع طراحی راهبرد نظامی برای داعش می‌داند. در ۱۴ می ۲۰۱۴، او در فهرست «تروریست جهانی ویژه» وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفت. در ماه مارس سال جاری، شایعه‌ای قوی در محافل خبری پیچید که ابوبکر البغدادی به دلیل شدت جراحت در ستون مهره‌اش، از انجام وظایف گروهکی (یا به تعبیر خودشان خلافت) عاجز مانده است. متعاقب آن از العفری به عنوان «جانشین عملی البغدادی» و نفر دوم داعش (به جای الانباری) نام برده شد. در ماه می، العفری نماز جمعه را در مسجد زنگی موصل اقامه کرد. در همین ماه، وزارت خارجه آمریکا در چارچوب «برنامه پاداش‌ها برای عدالت»، جایزه‌ای ۷ میلیون دلاری برای اطلاعات منجر به دستگیری او تعیین کرد، که همین شایعه جانشینی او را بیشتر تقویت کرد. در ۱۲ می هم وزارت دفاع عراق، طی بیانیه‌ای از کشته شدن العفری و شماری از افراد مهم داعش، از جمله قاضی القضاات این گروه، در بمباران مسجدی در تل عفر، در جریان بمباران نیروهای ائتلاف آمریکایی خبر داد. با این حال، پنتاگون این خبر را تایید نکرد و اعلام کرد که در جریان بمباران آمریکایی، مسجدی هدف قرار نگرفت. العفری را از علاقه مندان برقراری پیوند مجدد داعش با القاعده و شعبه سوریه آن، جبهه النصره می‌دانند. به نظر او، اعضای شورای مشورتی داعش

...خاطرات دردناک...

باید نیمی عراق، و نیمی غیرعراقی باشند. هشام الهاشمی درباره او چنین نظری دارد: «او باهوش و یک اداره کننده و رهبر خوب (برای داعش) است. اگر مرگ البغدادی قطعی شود، او آنان را رهبری خواهد کرد.» گزارشی از مجله «نیویورک آبزور»

صلاح الدین الشیشانی

او در ماه می ۲۰۱۳ از سوی «ابوبکر البغدادی» خلیفه خودخوانده داعش، به عنوان فرمانده میدانی این گروه در شمال سوریه برگزیده شد. البته بسیاری از جنگجویان قفقازی موافق بیعت او با البغدادی نبودند و بر بیعت خویش با «دگا عمرف»، امیر امارت قفقاز باقی ماندند، در نتیجه الشیشانی را با فرمانده چچنی کاربلد دیگری به نام «صلاح الدین الشیشانی» جایگزین کردند.



...خاطرات دردناک...

دکا عمر ف

در اواسط ۲۰۱۳، او به عنوان امیر شمالی (سوریه) داعش از سوی البغدادی انتخاب شد. در اواسط سال ۲۰۱۴، با مرگ نفر دوم داعش، تبعه عراق، ابو عبدالرحمن البیلاوی الانباری، ابو عمر الشیشانی به فرمانده ارشد نظامی داعش و عضو مهم شورای مشورتی آن تبدیل شد. بنا به گزارش‌ها او با همسر چینی خود به نام عائشه و دخترش سوفیا در ویلیایی بزرگ در شمال غرب استان حلب زندگی می‌کند، که متعلق به تاجری سرشناس بوده است. البته این گزارش‌ها هیچ‌گاه تایید قطعی پیدا نمی‌کنند. حوزه فرماندهی الشیشانی حلب، رقه (پایتخت داعش)، لاذقیه و شمال استان ادلب است. مسوولیت کلیه جنگجویان چینی، قفقازی، اوکراینی و افغان داعش با اوست و گفته می‌شود گروگان‌های خارجی این گروه تروریستی هم زیر نظر او نگهداری می‌شوند.



...خاطرات دردناک...

شاکر وهیب

شاکر وهیب الفهداوی، متولد ۱۹۸۶ استان الانبار عراق، یکی از تبلیغاتی ترین فرماندهان داعش است. او را «خوش تیپ داعش»، «مانکن داعش»، «شیر صحرا» و امثال این خزعبلات نامیده اند. او همان کسی است که در یک ویدیوی معروف، سه راننده کامیون سوری را در استان انبار متوقف می کند و بعد از به راه انداختن یک آزمون شرعی کوتاه، همان جا به جرم علوی بودن آن ها را به رگبار بست. بر حسب معدود گزارش هایی که درباره او هست، وهیب دانشجوی کامپیوتر در دانشگاه الانبار بود که در سال ۲۰۰۶ به جرم ارتباط با القاعده به زندان افتاد. باز هم مثل قریب به اتفاق چهره های داعش، او هم مدتی را در کمپ «بوکا» نزد آمریکایی ها زندانی بود. او را بعدا به زندان تکریت منتقل کردند، جایی که بعد از مدتی، با حمله ای برنامه ریزی شده از بیرون و شورش همزمان در داخل، او و ۱۱۰ تن از زندانیان گریختند.



او در سال ۲۰۰۹ جزو فرماندهان میدانی «دولت اسلامی عراق» به رهبری ابوعمر البغدادی شد. برخی تحلیلگران غربی، بر این نظرند که شاکر وهیب قصد دارد تا خود را به عنوان جانشین «ابومصعب الزرقاوی»، تروریست خشن اردنی و رهبر القاعده

...خاطرات دردناک...

عراق (در ۲۰۰۶ به هلاکت رسید)، مطرح کند. نوع لباس پوشیدن سرتاسر سیاه او، ظاهر شدن در میان مردان نقابدار مسلح، به دست گرفتن تیربارهای سنگین آمریکایی، بر دوش گرفتن یک شاهین شکاری، سخنانی‌ها پر حرارت همراه با چند بیت شعر و از همه مهم‌تر تلاش برای انجام هولناک‌ترین جنایت هاهمزمان با ظاهری خونسرد، همه نشان از آن دارد که این تروریست جانی قصد دارد که به مرادش زرقاوی تشبه بچوید. او برخلاف بسیاری از مهره‌های اصلی داعش، به راحتی و با روی نمایان در کلیپ‌ها و عکس‌های فراوانی که از او منتشر می‌شود، ظاهر می‌گردد و به نظر می‌رسد که داعش روی او به عنوان یک ستاره تبلیغاتی برای جذب نیرو (به ویژه زنان) بسیار حساب کرده است. علی‌الظاهر این تاکتیک داعش تا حدی جواب داده است، چرا که اکانت‌های زنان و دختران طرفدار داعش در شبکه‌های اجتماعی، پر از مدیحه سرایی‌های وقیحانه در وصف این جرثومه تباهی و مصداق مفسد فی الارض است. تعبیری چون مرد رویاها، و یک همسر مسلمان ایده‌آل!، بخشی از القابی است که از طرف نسوان گمراه داعش دوست نثار او می‌شود. البته سرنوشت تلخ دخترانی که به هوای رسیدن به وصال مردی چون شاکر وهیب راهی مناطق غصب شده داعش می‌شوند، روز به روز بیشتر از پرده بیرون می‌افتد. مقامات استان الانبار یک جایزه ۵۰۰۰۰ دلاری برای اطلاعات منجر به دستگیری او تعیین کرده‌اند.



...فاطرات دردناک...

بی‌گمان مرگ چنین مهره‌ای، ضربه سنگینی به دستگاه تبلیغاتی داعش وارد خواهد کرد، از همین رو، تاکنون چندین بار خبر هلاکت او توسط گروه‌های مختلف (نیروهای امنیتی عراق، پهپادهای آمریکایی، پشمرگه‌های کرد) اعلام شده است. اخباری که هر بار با انتشار تصاویر ویدیوهای جدید از او، توسط داعش تکذیب می‌شود. البته لازم به ذکر است که با گسترش عملیات ضد داعش ارتش عراق و حشد الشعبی، و افزایش تلفات این گروه، در سال جاری از میزان ویدیوها و عکس‌های شاکر وهیب در اینترنت کاسته شده و گویا او از ترس جان‌ش قصد کرده که کم‌تر در مرکز توجه قرار گیرد.

طارق الحرزی

با نام اصلی «طارق تحریر فلاح العونی الحرزی»، متولد ۱۹۸۱ یا ۱۹۸۲ در تونس و شهروند تونس است. او یکی از نخستین جنگجویان خارجی است که به داعش ملحق شده است. از سال ۲۰۰۱ به شبکه القاعده پیوست و از همین رو جایگاه مهمی در میان تمامی گروه‌های تروریستی دارد. گویی او یکی از ۱۱۰ تروریستی است که در جریان حمله تروریست‌های دولت اسلامی (القاعده عراق) به زندان تکریت در سال ۲۰۱۲ از آن گریخت. او را مسوول عملیات‌های انتحاری داعش می‌دانند که ده‌ها حمله سنگین با خودروهای انفجاری را هدایت کرده است. از همین رو لقب «امیر انتحاری‌ها» را به او داده‌اند. به علاوه او مسوول تحویل گرفتن نیروهای خارجی جدید در عراق و تجهیز آن‌ها، و سپس اعزام شان به سوریه هم هست. الحرزی نقش مهمی در جمع‌آوری پول برای داعش دارد. برای مثال، در سپتامبر ۲۰۱۳ که هنوز البغدادی اعلام خلافت نکرده بود، در یک مورد ۲ میلیون دلار پول توسط الحرزی از

...فاظرات دردناک...

قطر برای گروه دولت اسلامی فرستاده شد. او در فهرست «تروریست‌های جهانی ویژه» وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار دارد. همچنین «برنامه پاداش برای عدالت» وزارت خارجه آمریکا هم یک جایزه ۳ میلیون دلاری برای اطلاعات منجر به دستگیری او تعیین کرده است. در وبسایت وزارت خارجه آمریکا، کنیه‌های زیادی برای او ذکر شده که «ابوعمر التونسی» و «ابوعمر حدود» از آن جمله است. همچنین، او را مرد پشت پرده حمله به سفارت آمریکا در لیبی، در سپتامبر ۲۰۱۲ می‌دانند. در اواسط ۲۰۱۳ هم او یک حمله بزرگ به مقر صلح‌بانان سازمان ملل در لبنان را هم به عهده داشت.

از میان مسوولیت‌های کلیدی او در داعش، یکی هم تسهیل سفر داوطلبان اروپایی است و الحرزی جنگجویانی را از کشورهایی چون بریتانیا، دانمارک و آلبانی جذب این گروه کرده است. با ایجاد یک سرپل در لیبی، او شبکه وسیعی را هم برای سربازگیری از کشورهای شمال آفریقا به ویژه تونس شکل داده است. طبق اطلاعات وزارت خارجه

...خاطرات دردناک...

آمریکا، الحرزی از ۲۰۰۱ عضو القاعده، از ۲۰۰۴ عضو القاعده عراق و از ۲۰۱۴ عضو انصارالشریعه تونس بوده است. گفتنی است که مثل دیگر فرماندهان داعش، چندین بار گزارش کشته شدن حرزی در اخبار پیچید. مهم‌ترین آن‌ها در جولای سال ۲۰۱۴ بود که پنتاگون از مرگ او در بمباران نیروی هوایی ائتلاف خبر داد. لکن هیچ‌گاه عکس یا سندی در تایید مرگ او منتشر نشد.

جان جهادی

نام اصلی او محمد جاسم عبدالکریم علیان الظفیری معروف به «محمد اموازی» است. او متولد ۱۹۸۸ در کویت است که در ۶ سالگی به همراه والدین خود به بریتانیا مهاجرت کرد. اموازی یکی از اعضای هسته ۴ نفره بریتانیایی‌های داعش است که به آن‌ها «بیتل‌ها» می‌گویند. او به همراه خانواده‌اش در محله‌های سنت جان وود و کوئینز پارک لندن ساکن بود. او دوره ابتدایی را در مدرسه کلیسای سن مری ماگدالن و بعد مدرسه کوئینتین کانپستون گذراند. در کودکی به او، به خاطر جثه کوچکش، «موی کوچک» می‌گفتند. برخی هم‌کلاسی‌های دوره دبیرستان او می‌گویند که در نوجوانی با کلاه کپ، تی شرت بیس بال و جین کوتاه می‌گشت و کفر خانواده خود را در می‌آورد. بنا به صحبت کسانی که او را در نوجوانی می‌شناختند او به شدت خجالتی و عصبی بود، انسانی که اصطلاحاً به یک گربه هم اردنگی نرزه بود. آن قدر خجالتی بود که به ندرت با کسی حرف می‌زد و به شدت از طرف دخترها تحقیر می‌شد. بوی بد تنفس او هم مزید بر علت بود تا مورد تحقیر قرار گیرد. یکی از همبازی‌های فوتبال او در دوره مدرسه می‌گوید که وقتی همه به او می‌خندیدند، او کنار زمین بازی کز می‌کرد و چشمانش اشک آلود می‌شد.



در ۱۸ سالگی وارد دانشگاه وست مینیستر لندن شد و به تحصیل در رشته سیستم اطلاعات در مدیریت بازرگانی تحصیل کرد. در اوایل دوره دانشگاه، بنا به گزارش هم دوره‌هایش، اصلاً یک «مسلمان خوب» محسوب نمی‌شد چرا که بدون ملاحظه مشروب می‌خورد و مواد مصرف می‌کرد و دنبال دختربازی بود. کم‌کم در دوران دانشگاه تحت تاثیر امام جماعتی در غرب لندن به نام «هانی السبایی» قرار گرفت و دچار تحول شخصیتی شد. یکی از دوستان نزدیک این دوره او «بلال البرجاوی» بود که به دلیل سفر به سومالی برای پیوستن به الشباب لغو تابعیت شد. او به همراه البرجاوی به تانزانیا سفر کرد. در این سفر آموزشی تحت نظر ام‌آی ۵ بود چرا که احتمال پیوستن او به گروه الشباب می‌رفت. برخی از گزارش‌ها از تلاش ام‌آی ۵ برای جذبش (برای خبرچینی) در این برهه حکایت دارد. از ۲۰۰۹ به مدت حدوداً دو سال به همراه خانواده به کویت رفت و در یک فروشگاه آی تی مشغول به کار شد. پس از

...مخاطرات دردناک...

از بازگشت به لندن به شدت تحت مراقبت ام آی ۵ قرار گرفت و جلوی سفر دوباره‌اش به کویت گرفته شد. او سعی کرد با نام محمد علیان از کشور خارج شود ولی جلوییش را گرفتند. اموازی در اواسط ۲۰۱۳ ا ناپدید شد و والدینش خبر گم شدنش را به پلیس گزارش کردند. بعد از مدتی خبر او را از سوریه آوردند.



فردی به نام ابوایمن، عضو سابق داعش، او را به یاد می‌آورد که سرد و کم حرف بود و در نماز جماعت به دیگران ملحق نمی‌شد و به تنهایی نماز می‌خواند. در آگوست ۲۰۱۴، اولین ویدیوی او ظاهر شد که سر «جیمز فولی» آمریکایی را برید. بعد ویدیوهای با کیفیت دیگری از او منتشر شد که همین بلا را بر سر آلن هنینگز، پتر کسیگ و استیون سوتلوف آورد (این ویدیوها توسط مرکز الحیات، بازوی رسانه‌ای داعش، ساخته شد). خیلی زود محمد اموازی که حالا لقب «جان جهادی» گرفته بود، تبدیل به یکی از نمادهای داعش شد و حال عناصر روانی، مشکل‌دار و تحقیر شده در سرتاسر دنیا او را الگویی برای تخلیه خشم خود می‌بینند. در ۲۵ جولای، خبری در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر این که جان جهادی از دست داعش در داخل خاک سوریه

...خاطرات دردناک...

فراری شده است. گویا او از ترس حسادت دیگر اعضای داعش و این که تاریخ مصرفش (با شناسایی کامل او) برای داعش تمام شده باشد، فرار کرده تا به گروه‌های تروریستی کوچک‌تر و کم نام و نشان‌تر بپیوندد. مضاف بر این که او یکی از تحت تعقیب‌ترین افراد برای سرویس‌های امنیتی غربی است (برای کشتن اتباع غربی) و به دنبال زنده دستگیر کردن او هستند. فرار جان جهادی، اقدامی برای کم رنگ‌تر شدن تصویر و اسمش در رسانه‌هاست تا به اصطلاح کمی آب‌ها از آسیاب بیافتد. با این حال، آمریکا چند روز پیش و یک روز قبل از انفجارهای پاریس اعلام کرد که جان جهادی در حمله پهپادهای ائتلاف به رهبری آمریکا، در سوریه کشته شده است. اما تصویر یا شهادی بر این ادعا تاکنون منتشر نشده است.

الخوارج [داعش] المطلوبين للمكتب الأمني في الغوطة

ملاحظة : - قائمة لغوية قوامها 1000.000 آية الله العظمى من مكتب أمن الغوطة المطلوبين أو إعدامه في الغوطة
- الرهن المطلوبين بغير مبالغ مع عنوان المرسل إلى المكتب الأمني لغوطة العراقية من طريق القضاء الموحد

...خاطرات دردناک...

وزیر داعشی متجاوز به زنان در کرکوک

وزیر داعشی که پیشتر پزشک بود، با پیوستن به داعش پزشکی را رها کرده و اقدام به شکنجه جنسی زنان و کودکان می کرد. اسلام طه العبیدی، پزشک سفاک داعش که لباس سفید پزشکی را به کناری نهاد، تحت لوای گروه تروریستی داعش اقدام به قتل، شکنجه و تجاوز به زنان نموده بود. طه العبیدی ۵ دسامبر ۲۰۱۶ در حمله هوایی ائتلاف بین المللی در جنوب غرب استان کرکوک در شمال عراق به هلاکت رسید.



این داعشی شخصا ده ها تن از زنان ربوده شده ایزدی و نیز یک دختر بچه دوازده ساله ایزدی را مورد تعرض قرار داده بود که به درگذشت این کودک انجامید. العبیدی که قبل از حمله داعش در حرفه پزشکی فعالیت داشت، مسئول قتل ده ها غیرنظامی استان کرکوک و رنج های دختران کرد ایزدی و جنایت علیه آنان بوده است. داعش وی را ابتدا به عنوان رئیس بیمارستان الحویجه و سپس به عنوان وزیر بهداشت برگزیده بود... منبع: العالم به نقل از "فیان دخیل" نماینده ایزدی در مجلس عراق

...خاطرات دردناک...

مشهورترین اعضای داعش را بشناسید

حدود یک سوم از ۱۷۰۰۰ مبارز مسلح داعش، تابعیت خارجی دارند. پروفیسور «پیترو نویمان» کار شناس تروریسم در کینگزکالج شهر لندن در همین خصوص به خبرنگار بیلد گفت: تروریست ها قادرند به وحشیانه ترین کار ها دست بزنند و انگیزه های ایدئولوژیک آنان را به این قبیل اقدامات وامی دارد. حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ آلمانی، ۴۰۰ انگلیسی، ۶۰۰ فرانسوی، ۵۰۰ بلژیکی و بقیه به طور پراکنده از سایر کشورهای اروپایی در داعش فعالیت دارند. شاید باورش سخت باشد ولی ۱۰۰ چینی، ۲۰۰ استرالیایی و حدود ۵۰ اندونزیایی نیز عضو داعش هستند. پروفیسور نویمان معتقد است شبه نظامیان خارجی به مراتب خطرناک ترند. تروریست های غربی، به این دلیل که در سنین بزرگسالی داوطلبانه به ایدئولوژی داعش می گرایند، از انگیزه بالایی برخوردارند و قادر به انجام وحشیانه ترین ترورها هستند.



"من ماه ها با این سؤال درگیر بودم تا اینکه خدا همان جوابی را که بدان نیاز داشتم، به من داد. خدایا، تو مرا به نزد این ها آوردی! (به داعش) این جمله را دان مورگان (Don Morgan) ۴۴ ساله، یک آمریکایی تبار عضو داعش در مصاحبه با خبرگزاری

...خاطرات دردناک...

آمریکایی NBC و درپاسخ به سؤالی مبنی بر انگیزه اش برای پیوستن به تروریستها گفت " و ادامه داد: من خودم را افراطی نمی دانم، من فقط یک انسان عمل گرا هستم!



"دسو داگ" ۳۸ ساله خواننده موزیک رپ گانگس تر در ویدئوهای متعددی همگان را به مبارزه علیه «دشمنان اسلام» (!) فرا می خواند و امروز در زمره تروریست های داعش است. وی از سال ۲۰۰۴ در زمینه موزیک رپ مشغول به فعالیت بود و یک بار به جرم حمل موادمخدر بازداشت شد.

شش سال بعد یک تحول اساسی در زندگی اش ایجاد کرد و با نام مستعار «ابومالک» به سخنرانی های شدیدالحن و خشونت طلبانه پرداخت. وی با انتشار این سخنرانی ها در اینترنت، نهادهای امنیتی آلمان را متوجه خود ساخت.

...خاطرات دردناک...



"سارا او" دانش آموز ۱۶ ساله آلمانی که به گفته هم کلاسی هایش دختری محبوب، درسخوان و با اعتماد به نفس بود اکتبر ۲۰۱۳ بدون اینکه والدین، همکلاسی ها یا معلمانش در مدرسه هومبولت متوجه شوند، راهی استانبول و از آنجا عازم سوریه شد. سارا پس از فرار از آلمان، فقط از طریق شبکه های اجتماعی با دیگران ارتباط برقرار می کرد و روزمره خود را برای دوستانش اینطور توصیف می کرد:

خوابیدن، خوردن، کشتن، یادگرفتن و گوش دادن به سخنرانی ها. پس از چند هفته سارا به همراه یک تروریست داعشی از اهالی کلن آلمان، با پدرش تماس تلفنی برقرار کرد تا به آن ها اجازه ازدواج بدهد. پدر سارا مخالفت کرد، با این وجود سارا ۴ ژانویه ۲۰۱۴ در فیسبوکش نوشت که با این فرد اهل کلن ازدواج کرده است.

...خاطرات دردناک...



"فیلیپ ب." ۲۷ ساله از اهالی ایالت وستفالن که به عنوان پیک پیتزایی مشغول به کار بود، در سال ۲۰۰۹ به اسلام تکفیری ها گروید و ۲۰۱۳ با هدف پیوستن به داعش به همراه گروهی از تکفیری های آلمان به سوریه سفر کرد. فیلیپ طی یک عملیات انتحاری در ماه اوت، خودش و ۲۰ کُرد را در نزدیکی موصل عراق منفجر کرد.



...خاطرات دردناک...

مجدی ۲۴ ساله آرایشگر دوره آلمانی-تونسی ساکن فرانکفورت و دارای سبک زندگی غربی بود. بیلد می نویسد او دائماً به پارتی های مختلط می رفت و مشروبات الکلی می نوشید. مجدی پس از فارغ التحصیلی، دیپلم آرایشگری گرفت و یک سالن در اوفن باخ اجاره کرد. اولین ارتباط وی با سلفیون فرانکفورت در همین سالن آرایشگری شکل گرفت. وقتی مجدی به شهر خودش برگشت دیگر کسی او را نمی شناخت چون همواره یک لباس سفید بلند به تن داشت و ریش می گذاشت. وقتی از او پرسیدند که چرا آرایشگری را کنار گذاشت، مدعی شد:

"امور دنیوی دیگر برای من جذابیتی ندارند."



مارکو کارگزار کلیسای کاتولیک ساکن ایالت وستفالن آلمان با تنها ۱۷ سال سن به سلفیون رادیکال گروید، عقاید خود را از طریق سایت یوتیوب منتشر کرد و نهایتاً تصمیم گرفت برای پیوستن به داعش در مبارزه با «بشار اسد» عازم سوریه شود. مارکو در ویدئوهایی که از سوریه ارسال می کرد به زبان آلمانی سخن می گفت. مارکو در ابتدای سال ۲۰۱۴ در سوریه کشته شد.

...خاطرات دردناک...



یکی از ۱۳۰ اتریشی تروریست در میان داعشی ها فیراس هودی ۱۹ ساله از اهالی فلوریسدورف وین است که از سال گذشته برای داعش در سوریه می جنگد و مطالبی را در صفحه فیسبوکش می گذارد. به نوشته روزنامه صبح اتریش، فیراس در شهر وین آموزه های افراطی را فراگرفت و در جواب این سؤال که چه چیز باعث شد در این جنگ شرکت کند گفت: شبکه «دولت اسلامی» (داعش) بسیار گسترده است؛ از آلاسکا تا اقیانوس. تو نمی فهمی که ما در وین چه تشکیلاتی داریم.



...خاطرات دردناک...

"نموش" جوان فرانسوی ۲۹ ساله با ریشه های الجزایری، نخستین تروریست داعشی بود که وقتی از سوریه به اروپا بازگشت، عملیات تروریستی فجیعی در وطن خود یعنی فرانسه پیاده کرد: ۲۴ مه امسال بود که او با یک کلاشینکف در مقابل موزه یهودیان شهر بروکسل به چهار نفر شلیک کرد. وی پیش از این مدت هفت سال به جرم دزدی و رانندگی بدون گواهینامه در بازداشت به سر می برد که در همانجا به شبکه های ترور وصل شد و بلافاصله بعد از آزاد شدن از زندان در سال ۲۰۱۲ جهت آموزش دیدن، به سوریه سفر کرد.



شکیر ۳۰ ساله معروف به «ابوشاهد» تا زمان مرگش در مه ۲۰۱۴ بانفوذترین تروریست اروپایی داعش در رسانه ها به شمار می رفت. وی که ابتدا ساکن روستای کوهستانی پیرنه فرانسه بود، بعد از پیوستن به داعش طبق سنت معمول این گروه، پاسپورت فرانسوی خود را به آتش کشید و فیلم آن را در صفحات فیسبوک و

...خاطرات دردناک...

توییتش گذاشت. وی به آن دسته از شهروندان اروپایی که مایلند به داعش بپیوندند ولی معمولاً به زبان عربی مسلط نیستند مژده داد که واحدهای ویژه ای با پنج یا شش عضو برای فرانسوی ها و بلژیکی ها در داعش تدارک دیده شده و منتظر آن هاست.



"یونس عبعود (Younes Abaaoud) "جوان ترین عضو اروپایی داعش، نوجوان اهل بروکسل است که والدینش با ریشه های مراکشی بیش از ۴۰ سال در بلژیک هستند. او در آخرین عکس توییتش تنها با ۱۴ سال یک کلاشینکف به دست دارد.

...خاطرات دردناک...



"طاها شید" (Taha Shade) ۲۷ ساله متولد شهر صنعتی تروله تان سوئد در مه ۲۰۱۳ چنانچه خودش می گفت، وطن خود را برای کمک به خلیفه البغدادی ترک کرد. نهادهای مالیاتی سوئد درآمد سالیانه وی پیش از عزیمت به سوریه را بیش از ۳۲۰۰۰ یورو اعلام کرده اند. طاها پنج ماه قبل از انجام عملیات انتحاری اش در ژانویه ۲۰۱۴ با «ام هاریتا» ی ۲۰ ساله تروریست داعشی اهل کانادا ازدواج کرده بود.



...خاطرات دردناک...

"عبدالماجد عبدالباری" (Abdel-Majed Abdel Bary) ۲۳ ساله مظنون به قتل «جیمز فولی» خبرنگار آمریکایی، قبلاً خواننده رپ اهل انگلیس بود که بعد ها به گروهک موسوم به «جنگندگان جوان انگلیسی داعش» (Beatles) پیوست. وی در سن دو سالگی به همراه والدین و پنج خواهرش از مصر به انگلیس مهاجرت کرد و این خانواده در نزدیکی لندن از وضعیت اقتصادی عالی برخوردار بودند. شهرت وی بیش از همه به خاطر به خدمت گرفتن جوانان در داعش است.



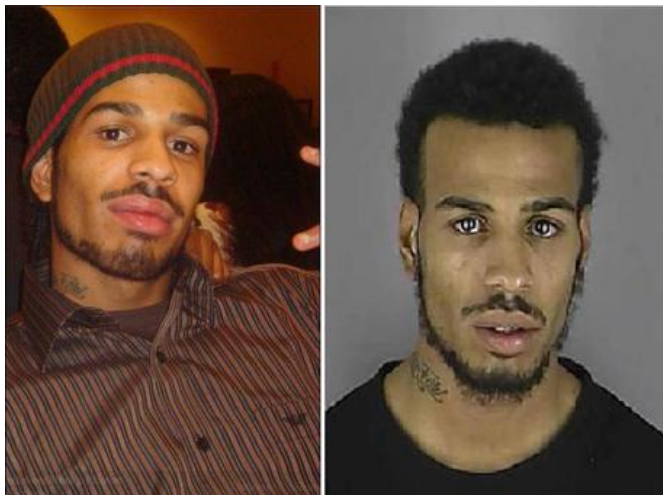
"اقسی محمود" (Aqsa Mahmood) اقسی ۲۹ ساله معروف به آنچه «جهادگر نکاح» نامیده می شود، که در لندن از سوی اکانت های توئیتری دیگر زنان داعش تشویق می شد، روز به روز در سلفی گری افراطی تر شد تا اینکه نوامبر ۲۰۱۳ به سوریه سفر کرد. یکی از والدین اقسی در بی خبری و گیجی کامل به یک خبرگزاری انگلیسی گفته بود: متأسفانه اقسی در محیط پیرامون خود حل شد،

...خاطرات دردناک...



"محمد حمید الرحمن" (Muhammad Hamidur Rahman) محمد ۲۵ ساله در انگلیس فروشنده بود و بعد ها جزو گروهی شد که تابستان ۲۰۱۳ از شهر پورتموث انگلیس به سوریه عزیمت کرد. اتوبوس این گروه برای از بین بردن هرگونه ردپایی اول راهی ترکیه شد و سپس مسیر خود را به سمت مرزهای سوریه کج کرد. محمد از آن روز به بعد فقط از طریق شبکه های اجتماعی با پدرش ارتباط برقرار می کند. پدرش معتقد است که محمد آرزو داشت در میان داعشی ها کشته شود. او اوایل اوت امسال در درگیری های زمینی سوریه کشته شد.

...خاطرات دردناک...



"دوگلاس آرتور مک کین" (Douglas Arthur McCain) دوگلاس ۳۳ ساله از اهالی ایالت می نه سوتای آمریکا در درگیریهای اوت ۲۰۱۴ با گروه موسوم به ارتش آزاد سوریه کشته شد. یکی از همکاران سابق وی، او را از هر لحاظ یک جوان آمریکایی می داند. او طرفدار تیم بسکتبال شیکاگو بود و دیپلم خود را در سال ۱۹۹۹ اخذ کرد. دوگلاس بار ها به جرم اخلال در نظم عمومی و خرید و فروش موادمخدر با پلیس درگیر شد. او در سال ۲۰۰۳ به تکلیفی گری متمایل شد و عقاید افراطی اش را در فیسبوک اعلام نمود. دوگلاس پس از سفر به سوئد و کانادا عکسی از خودش منتشر کرد که پرچم سیاه داعش را به دور خودش پیچیده بود. این جوان آمریکایی اوایل امسال خبر عزیمتش به ترکیه را توییت کرد و نوشت: در گروه های سلفی مسلح در ترکیه، بسیاری از رفقای سابقم که با من در فست فود رستوران بورگرکینگ کار می کردند را دیدم. من اکنون در میان برادرانم هستم. برای داعش دعا کنید!!!

...خاطرات دردناک...



آندره ۲۴ ساله اهل کانادا که بعد ها نام خود را به «ابومسلم» تغییر داد، اندکی پیش از مرگش طی ویدئویی جهان بینی خود را خطاب به جوانان غربی تشریح کرد و از رفاه و آسایشی که در کانادا داشت با آن ها سخن گفت:

«من یک نوجوان کاملاً عادی بودم که در کانادا بزرگ شده. قبل از اینکه به سوریه بیایم، عاشق ماهیگیری و هاکی روی یخ بودم. من افراطی نیستم!»

بیلد می نویسد:

البته اداره امنیت کانادا نظر دیگری دارد و اسناد موجود نشان می دهد آندره در خلال ارتباطاتش نحوه ساخت بمب های گوناگون را یاد گرفت و سرانجام در یکی از در سوریه کشته شد.

...خاطرات دردناک...

"مسلم چچنی" مشهور به "ابو ولید" که از اعضای گروهک "جبهه النصره" بود؛ وی در ماه می ۲۰۱۲ از مرزهای ترکیه وارد سوریه شد. این تروریست چچنی به عنوان خشن ترین جنگجو در میان گروههای شبه نظامی مخالف سوریه، شهرت یافت. پایگاههای وابسته به تروریست ها اعلام کرده اند که عملیات سربریدن طرفداران نظام سوریه در سراسر مناطق تحت کنترل شورشیان به مسلم واگذار می شد، و گاهی این تروریست چچنی دهها کیلومتر سفر می کرد تا سر یک شهروند نگون بخت سوری را که به دست شورشیان و تروریست ها افتاده است از تن جدا کند.



...خاطرات دردناک...

یکی از دیگر از خشن‌ترین اعضای گروه موسوم به «داعش» (دولت اسلامی عراق و شام) «ابو عبدالرحمن العراقي» معروف است.



او به همراه دیگر اعضای داعش در مناطق مختلف سوریه و عراق حضور یافته و دست به جنایات متعددی زده و بعد از هر عملیات، با افتخار تصاویر اقدامات غیرانسانی خود را در اینترنت منتشر کرده است. در اغلب عملیات‌های تروریستی که این فرد در آن حاضر است، شخص دیگر هم ملقب به «ابومحمد الامریکی» وی را همراهی می‌کند. با توجه به لقب انتخاب‌شده برای این فرد، به نظر می‌رسد وی ملیت آمریکایی داشته باشد. گفته می‌شود «ابومحمد الامریکی» پیش از این عضو «جبهه‌النصره» دیگر گروه تروریستی فعال در سوریه بوده، اما اخیراً به «داعش» پیوسته است.

...خاطرات دردناک...

ابوعبدالرحمن العراقی در تازه‌ترین اقدام خود در جریان تصرف یکی از مقرهای «جبهه‌النصره» در شمال سوریه، دستکم ۳ عضو این گروه و ۲ نفر از اعضای گروه تروریستی «احرار الشام» را سر بریده است. «داعش»، «جبهه‌النصره» و «احرار الشام» هرچند تفکراتی مشابه هم دارند، اما از منابع متفاوتی حمایت مالی می‌شوند و به همین جهت در چند ماه اخیر با یکدیگر درگیر شده و تلاش می‌کنند تا گروه‌های رقیب را نابود کنند. اقدامات «ابو عبدالرحمن العراقی» تنها به حمله به گروه‌های رقیب محدود نیست و دست او به خون بسیاری از شهروندان سوری آلوده است. او و «ابومحمد الامریکی» از جمله کسانی هستند که در جریان حمله وحشیانه به شهر «اعزاز» استان حلب سوریه «ابو عمر الشیشانی» (چچنی) را همراهی کرده و دست به جنایات متعددی زدند. در جریان حمله به این شهر که مدتی تحت کنترل ارتش آزاد بود، بسیاری از مردان شهر از جمله گروهی از کردها سر بریده شدند... به گزارش "تابناک"

با رهبران جبهه‌النصره آشنا شوید

مهاجرین بر خلاف ادعای اعضای جبهه‌النصره شاکله اصلی و مناصب عالی جبهه‌النصره را تشکیل داده‌اند و سوری‌ها جزء اندکی از کل چارچوب و بدنه این جریان شبه‌نظامی را شامل می‌شوند. جبهه‌النصره، همواره مدعی بوده که اکثریت آن را اتباع سوریه تشکیل داده‌اند. منابع نزدیک به این جبهه همواره تلاش می‌کردند القا کنند که ۸۰ درصد اعضای آن سوری و تنها ۲۰ درصد اتباع دیگر کشورها یا به قول خودشان «مهاجرین» هستند. حتی یکی از اعضای جبهه‌النصره مدعی بود که جبهه‌النصره از "رحم ملت سوریه"

...خاطرات دردناک...

زاده شده و مهاجرین بعدا به آنها ملحق شدند تا در پیروزی آنها را یاری کنند و در رهایی از "نظام کفر" به آنها کمک رسانند. اما در پی درگیری های گذشته جبهه النصره در شهر حلب، در شمال سوریه افشا شد که اکثریت قریب به اتفاق جبهه النصره نه تنها سوری نیستند بلکه کسانی هستند که سابقه های طولانی در عملیات جهادی و تروریستی در عراق و افغانستان و دیگر کشورها داشته اند.



مهاجرین بر خلاف ادعای اعضای جبهه النصره شاکله اصلی و مناصب عالی جبهه النصره را تشکیل داده اند و سوری ها جزء اندکی از کل چارچوب و بدنه این جریان شبه نظامی را شامل می شوند. بنا به این گزارش ابو ماریا القحطانی، مسئول شرعی جبهه النصره عراقی است، ابو سمیر الاردنی، مسئول شاخه کل نظامی جبهه شناسنامه اردنی دارد و دیگر رهبران شرعی این تشکل شبهه نظامی که دستورات جهادی را صادر می کنند مثل ترکی الاشعری، عبدالله الخالدی، سلطان العطاوی نیز عربستانی هستند و ابوحسن دیگر رهبر شرعی این جریان نیز کویتی است این در حالی است که هویت ابومحمد الجولانی نیز همچنان مجهول است، در حالی که این گونه معروف است که

...خاطرات دردناک...

وی سوری است اما ظاهرا در حقیقت او عراقی الاصل است و چون به جولان آمده به او لقب جولانی داده اند در حالی که در فلوجه بوده و مدت ها در آن جا فعالیت های تروریستی انجام می داده است. آمار می دهد که اخیرا منتشر شده و در اختیار رسانه ها قرار گرفته است نشان می دهد که اعضای جبهه النصره بالغ بر شش تا ۷ هزار نفر است که گفته می شود این افراد، "نیروهای سرسخت" این جبهه به حساب می آیند که اکثر آنها مهاجرینی هستند که به هیچ عنوان شناسنامه سوری ندارند و شناسنامه های دیگر خود را نیز از بین برده اند. با این حال بسیاری می گویند با احتساب شمار نیروهای دیگری که به عنوان جبهه النصره می جنگند و شاخه های نظامی دیگر وابسته به آن شمار نیروهای این جبهه به چند برابر این رقم می رسد. در همین رابطه، گفته می شود جریان های تازه جهادی ای نیز وجود دارند از جمله "جیش الخلافة" به فرماندهی سیف الله الشیشانی که شامل ۲۰۰ جنگجوی چچنی است و گردان "مهاجرین لیبی" که فرماندهی آن بر عهده ابو صهیب الیبی است و در ریف لاذقیه فعالیت دارند که شمار نیروهای آن به ۳۵۰ نفر می رسد که اغلب از اتباع لیبی هستند، که هر دوی آنها نیز با جبهه النصره بیعت کرده اند.



سیف الله الشیشانی که به درک واصل شده است

...خاطرات دردناک...

سخن آخر

شاهکار شهید حاج قاسم سلیمانی و نیروهای مقاومت

در این میان نبرد تمام عیار ایران با گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه مهم‌ترین شاهکار قاسم سلیمانی است. موج گسترده ناآرامی در سوریه از سال ۲۰۱۱ و از منطقه درعا آغاز شد که به سرعت با دخالت طرف‌های خارجی از جمله کشورهای عربی و آمریکا به یک درگیری تمام‌عیار کشانده شد...

یک پل هوایی تمام‌عیار از کشورهای اروپای شرقی تسلیحات روسی را که با پول قطر، عربستان و امارات خریداری شده بود به ترکیه، اردن و لبنان انتقال می‌داد تا به دست گروه‌های جهادی و سلفی برسد.

زمانی که نظام سوریه در حال فروپاشی بود و دمشق پایتخت این کشور در آستانه سقوط قرار داشت، باز هم این قاسم سلیمانی بود که به کمک این کشور رفت. در ابتدا این حزب‌الله لبنان بود که در عملیات آزادسازی شهر القصیر توان نظامی خود را به رخ متحدان غربی کشید و در ادامه مستشاران ایرانی وظیفه بازآرایی و تجدید حیات ارتش سوریه را بر عهده گرفتند. هر چقدر نبرد شدت می‌یافت بسیج نیروها از دو طرف گسترده‌تر می‌شد. تشکیل گروه تروریستی داعش از بقایای شاخه عراق القاعده و تصرف سریع مناطق مختلف در سوریه و عراق از جمله نقطه اوج این نبرد بود. داعش پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین گروه تروریستی بود که از امکاناتی جهانی بهره می‌برد. گروهی که سربازان افرادی از ۸۰ ملیت مختلف تشکیل می‌دادند و می‌رفتند که به راستی حکومتی جهانی را تشکیل دهند. در اینجا بود که باز هم حضور

...خاطرات دردناک...

قاسم سلیمانی به مهم‌ترین برگ برنده ایران تبدیل شد. اولین نقطه مقاومت ایران در منطقه جولای در استان دیالی عراق بود و به تدریج بقیه مناطق عراق همچون تکریت، سامرا، فلوجه و الانبار آزاد شدند... در سوریه نیز حضور نیروهای هوافضای روسیه توانست برتری هوایی را به سمت محور مقاومت عوض کند. از سوی دیگر رزمندگانی از عراق و افغانستان نیز به یاری ارتش سوریه، نیروهای حزب‌الله و کردهای سوریه آمدند. پیشروی نیروهای گروه‌های تروریستی نه تنها متوقف شد بلکه در کمتر از سه سال در سوریه و عراق به نقطه پایانی خود رسید...

داعش نابود شد، اما نیومده بود برای نابود شدن...!

داعش را نساخته بودن که برای یه سال و دو سال و چند سال !

داعش تجهیز شده بود برای ماندن، برای بودن !

ابوبکر البغدادی رفته بود تل‌آویو زیر نظر موساد ،

آموزش سخن وری و حکومت داری دیده بود !

اومده بود که حکومت کنه !

اسمش: دولت اسلامی عراق و شام بود،،،،

دولت بود دووووللتتت ، دقت کن دولت بود ...

دولت نیاز به عقبه فکری عقیدتی سیاسی نظامی و امنیتی داره !

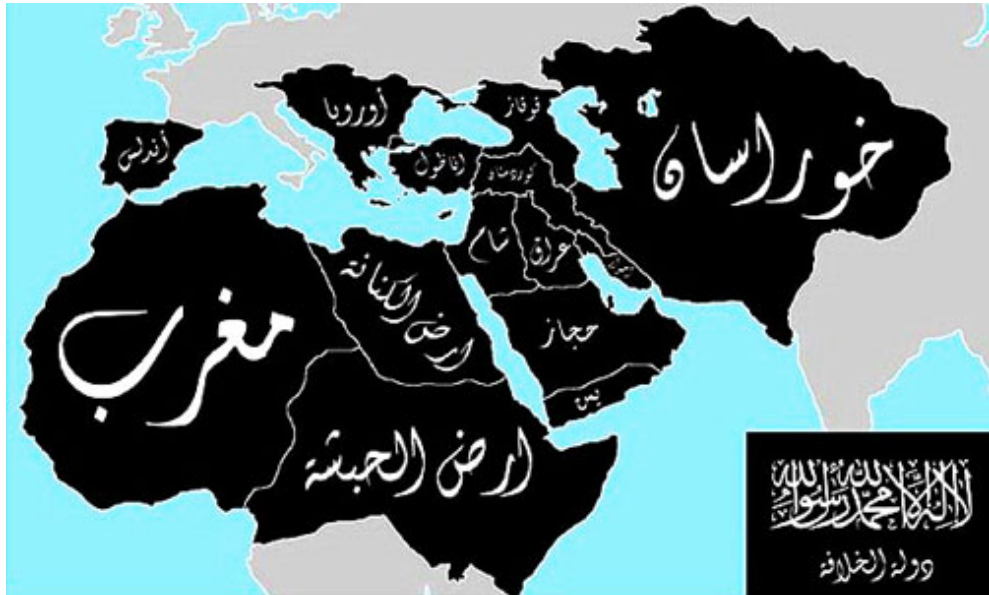
آمریکا بیش از ۷ هزار میلیارد دلار پول داده بود!

فقط عربستان ۵۰ میلیارد دلار پول نقد داده بود !

امارات متحده ۵۰ میلیارد دلار پول داده بود !

کویت و قطر و بحرین هم همینطور!

...خاطرات دردناک...



غول ترین سرویس های جاسوسی دنیا

موساد اسرائیل

ام آی ۶ انگلیس

سیا آمریکا

مسئول تغذیه اطلاعاتی و امنیتی داعش و... بودن !

اردن محل آموزش اینا بود!

ژاپن با آن ته فرهنگ انسانیش،

با کمک کشورهای دیگر فقط،

۶۰/۰۰۰ هزار تا تویوتا داده بود به داعش !

فهمیدی، ۶۰/۰۰۰ هزار تا تویوتا مدرن هایلوکس...

...خاطرات دردناک...



فرانسه، انگلیس، آلمان و... سلاح های مدرن و اتوماتیک می دادند! ...
ترکیه مسول ترانسفر (نقل انتقال) نیروی انسانی و ادوات و خرید نفت از داعش بود!
آمریکا، تجهیزات نظامی و تسلیحاتی را مستقیم برایشان از راه هوا در وسط درگیریها
خالی می کرد، مخوف ترین تجهیزات نظامی از آسمان براشون هلی برد می شد!
از کجاش بگم؟... کل آمریکا و اروپا و کانادا و استرالیا و ناتو و...
به داعش "کمک رسانی تجهیزاتی، مالی، فکری و عملیاتی" می کردند...
جدیدترین نسل موشک های ضد زره تاو را میدادن به داعش، قیمت این موشک ها
آنقدر بالاست، گاهی از قیمت اون تانکی که میزدن گرون تر در میومد!...
با ضد زره (موشک تاو)، داعش آدم میزد!... میدونی یعنی چی؟...
یعنی مردم و مدافعان حرم پودر می شدند... پودر!

...خاطرات دردناک...

فرمانده میدان و خط شکن هاشون ریش قرمزهای چچنی بودن!... برید تو یکی از این کنسرت ها، صدتا روشنفکر و بیارید به خط کنید یه ریش قرمز چچنی بزارید جلوشون! ... از اون اولی تا اون آخری، صد تاشون شلوارهاشونو خیس می کنن!... همیی هایی که فقط ادعا دارن و طلبکارن! تو یه فقره جنایت جنگی در اسپایکر عراق، ۲۲۰۰ نفر جوان را در یه روز دست بسته سلاخی کردن و دجله را قرمز از خون! ...



...خاطرات دردناک...

داعش این بود! داعش یه شبه از تو" لپ لپ" در نیومده بود...

ادوارد اسنودن پیمانکار "nsa" رسماً گفت داعش محصول پروژه ای به اسم "لانه زنبور" در سرویس های اطلاعاتی غرب بود! ... "هیلاری کلینتون" در کتاب گزینه های دشوار، رسماً گفت داعش را ما ساختیم و برای رسمیت دادن به داعش شخصا خودم به "۱۲۰ کشور" سفر کردم! ... ترامپ رسماً در پیش چشم میلیاردها انسان در تلویزیون گفت: داعش را اوپاما و آمریکا ایجاد کرد!... داعش این بود ...!

"کل هالیوود و کارگردانانش" در اختیارش بود تا با "بهترین فیلم برداری و صحنه های ویژه"، فیلم هائی از اسارت، سربریدن، سوزاندن، تکه تکه کردن انسانها را در سراسر دنیا مخابره و باپخش آن القای "وحشت" و "ترس" و "اضطراب" را به همه ی جهان مخابره کنند و در سراسر دنیا از "جنایات شان پخش مستقیم" داشته باشند.... کل دنیای کفر و الحاد و نفاق تمام ظرفیت شونو از "۱۲۰کشور" آوردن تو میدان، تا ایران و دوستان ایران(محور مقاومت) رو نابود کنند، اما! ...

اما فکر اینجاشو نکرده بودید آقای اتاق فکر سازمان سیا و اتاق عملیات پنتاگون!

"و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین... آل عمران / ۵۴...و آنان دست به فریب زدند

و خدا هم مکر کرد و خداوند بهترین مکر کنندگان است... و نیز می فرماید:

...یخادعون الله و هو خادعهم النساء / ۱۴۲... آنان با خدا مکر و حیله کردند و خدا نیز

با آنان مکر می کند... انهم یکیدون کیدا. واکید کیدا... الطارق / ۵۱ - ۶۱ ... همانا

آنان دست به مکر و حیله زدند و من هم (با آنان) مکر می کنم ..."

...خاطرات دردناک...

تا داعش ها خوردند به سد محکم ایران و جبهه مقاومت...
خوردند به تور "شیر بچه های حیدر کرار" عاشقان امیرالمومنین(ع) و امام حسین (ع)
با سربندهای یا زهرا (س)... "دلاور مردان سپاه ، دلیران ارتش اسلام ، یلان فاطمیون
افغانستان ، زینبیون پاکستان، حیدریون عراق، شیربچه های لبنانی و... تنتون به
تن ایرانی جماعت نخورده بود؟... حالا مائیم و نابودی داعشیون...
حالا باید بیشتر بفهمی سردار سلیمانی و شهدای مدافع حرم چه کردند؟!
باید بفهمی چرا دشمن عقده سپاه پاسداران ما را کرده؟!...
چرا میگن فشار بیاریم تا ایران نیروهایش را از سوریه بیاره بیرون. ولی کور خوندن
اولین قدم سوریه دادن اختیار کامل بندر لاذقیه به ایران بود...
"یعنی ایران یه بندر داره تو مدیترانه از راه زمینی عراق و سوریه ...
یعنی تحریم دیگه کاملا دور زدنی میشه واسه ایران... باید بفهمی کل ماجرا از اول
تا آخر زدن دوستان ایران تو منطقه بوده تا بعدش بیان سروقت ایران... حالا باید
بیشتر بفهمی هر چه پول تو سوریه خرج کردیم نفعش را صدها برابر بردیم...
باید بفهمی تا فریب شایعات دروغ bbc انگلیس را نخوری"...
باید به سیاست رهبر جمهوری اسلامی ایران عزیز امام خامنه ای، اعتماد و افتخار
کرد چون ما ایرانی های بصیر هستیم... چون در حال حاضر یه منطقه نفوذ توی خاور
میانه درست کردیم که حافظ امنیت ایران و تمام مردم مظلوم در خاور میانه باشیم...
و همه اینها را مدیون امام خامنه ائی، شهدا، رهبران و فرماندهان مقاومت خصوصا
شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده محور مقاومت هستیم...

...خاطرات دردناک...

حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت ، با این جانورها می جنگید

نیروهای داعش ۹۰ درصد سوریه و ۵۸ درصد عراق را اشغال کردند و حتی به دیوار زینبیه دمشق رسیدند... داعش زمانی که به نزدیکی حرم حضرت زینب(س) رسید بر روی دیوار حرم شعار می نوشت که هنوز بخشی از این شعارها موجود است ... فرمانده داعش بر روی بی سیم خود در نزدیکی حرم حضرت زینب(س) رجز می خواند و می گفت که عباس، کجایی که ما زینب را از قبر بیرون خواهیم کشید... داعش زن و بچه‌هایی که اسیر کرده بود از هم جدا کرد. چند روز به اون‌ها گرسنگی داد. تا این که یک روز براشون چلوگوشت آوردن... زن‌های گرسنه به شدت مشغول خوردن شدن. وقتی سیر شدن نسبت به فرزندان شون ابراز دلتنگی می کنند... داعشی‌ها میگن: گوشتی که خوردید فرزندان تون بودند... داعش به منزلی در سوریه حمله کرد، در حالی که در این منزل چهار کودک به همراه پدر و مادر در حال غذا خوردن بودند، داعش سر یکی از دختران که ۹ سال بیشتر نداشت را برید به طوری که خون این دختر بر روی غذاها ریخت و خانواده دختر را مجبور کرد که این غذا را به همراه خون جگر گوشه شان بخورند... داعش نوزاد تازه به دنیا آمده را از دستان پدر و مادر می گرفت و بچه‌ها را لخت می کرد و بر سینه دیوار می چسباند و با نیزه با این بدن دارت بازی می کرد... داعش شکم مادر باردار را در مقابل چشم شوهرش پاره می کرد و شرط بندی می کرد که فرزندی که دختر است یا پسر، از شکم این مادر بیرون می آید. در همین دیاله، کودکی را از سینه مادرش گرفتند، او را مثل گوسفند روی آتش سرخ کردند، لای پلو گذاشتند، برای مادر فرستادند...

...خاطرات دردناک...

اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، امروز باید برای سفر به اهواز، به ایلام، به کرمانشاه، به سنندج و ارومیه، در صف طولانی مقابل در سفارتخانه های ایالت های جدید ساعت ها برای دریافت «ویزا» گردن کج می کردیم و معطل می شدیم! اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، هواپیماها ربنده می شدند و در تل آویو و پاریس و بغداد و ریاض و واشنگتن بر زمین می نشستند!

اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، خیلی زودتر از اینها در «دشت مغان» و در جنوب رود ارس، حکومت دوم صهیونیست یا همان «تل آویو ثانی» تشکیل شده بود!

اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، «عبدالمالک ریگی» های معدوم، الان به جای جهنم، در خیابان «پاستور» باید دفتر نمایندگی «جندالشیطان» را افتتاح می کردند!

اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، تانکها و نفربرهای مسعود رجوی که فقط یک روز تا تهران و رژه نظامی اش فاصله داشتند، الان به عنوان سمبل فتح پایتخت، وسط میدان شهدا تبدیل به تندیس مسعود و مریم و یادمان منافقین شده بود!

اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، کودتای نافرجام ۸۸، به حمام خون مبدل می شد و جوخه های ترور و ۳۰ تیرماه، ۶۰ بار دیگر و این بار عظیم تر تکرار می شود!

اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، جنگیدن به روش بنی صدر با الهام

...خاطرات دردناک...

از «اشکانیان» که زمین بدهیم و زمان بگیریم، هنوز در کف خیابان های تهران، با دیکتاتور دیوانه حزب بعث «صدام» دست به گریبان بودیم، از بس زمین داده و زمان خریده بودیم کل مملکت به فنا رفته بود!
اگر حاج قاسم و نیروهای محور مقاومت و... نبود، امروز نام بسیاری از «آقازاده‌ها»، بویژه آقازاده های ساکن در "جمهوری لیبرال - دموکراتیک" تهران شمالی، جاسم و عبود و ابوبکر الطهرانی و... بود!

پیروزی ایران و مقاومت در جنگ جهانی...

به خبرهای زیر دقت کنید... امارات سفارت خود را در دمشق بازگشایی کرد ... عربستان و بحرین هم خبر دادند ما هم می آییم... آمریکا در حال ترک سوریه است... اروپا بهت زده، منفعل و نگران بدون هیچ عکس العملی پیروزی مقاومت را می نگرد... بشار اسد، در جبهه حزب الله و مبارزان فلسطینی، به عنوان سر پل پیروزی مقاومت در قدرت ماند ... آمریکا، اروپا، کل اعراب، ترکیه، کانادا، استرالیا و... (در مجموع بیش از ۱۲۰ کشور جهان) خواستار سرنگونی بشار اسد بودند، ولی ایران و مقاومت نخواستند و در نتیجه ایران و مقاومت پیروز شدند... (دقیقا مثل هشت سال دفاع مقدس که ایران در مقابل کل جهان به پیروزی رسیده بود)... برای اولین بار روسیه و چین از ایران و مقاومت، حمایت کردند... به طوریکه برای اولین بار در تاریخ، یک ابر قدرت (روسیه) با تدابیر راهبردی رهبری مستقیما وارد نبرد به نفع مقاومت شد....

...فاطرات دردناک...

ایران با رژیم اشغالگر قدس هم مرز و از طرف لبنان و جولان اشغالی محاصره شد!... سرکوبی داعش و آزاد سازی عراق و پیوستن این کشور به جبهه مقاومت برای اولین بار بعد از هخامنشیان، ایران از راه سوریه و لبنان به مدیترانه رسید...

پیروزی ایران در جنگ‌های خاورمیانه...

کل بودجه سپاه و ارتش در بهترین حالت ۶ میلیارد دلار است و بودجه سپاه قدس هم ۱۰۰ میلیون دلار هم نیست... اما بودجه ای که تحت مدیریت ژنرال های چهار ستاره آمریکایی برای لبنان و عراق و سوریه هزینه می شود، حدود ۷ هزار میلیارد دلار است... قاسم سلیمانی ۷۰ میلیون دلار هم در عراق و سوریه هزینه نکرد تا به شکست ژنرال چهار ستاره آمریکائی با پشتیبانی کل جهان در مقابل مرد خدا و ژنرال دوستاره ایرانی محور مقاومت شهید حاج قاسم سلیمانی انجامید تا برای همگان مسجل و به روشنی روز دیده شود که:

"كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ" "چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!" و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است ... " فرازی از آیه ۲۴۹ سوره بقره...

موقعیت مقتدرانه، تعیین‌کننده و تاریخی ایران در غرب آسیا را محافل رسانه‌ای و اندیشه‌ای جهان نیز شهادت می‌دهند. نشریه آمریکایی فارین پالیسی که به صورت تخصصی در زمینه سیاست خارجی فعالیت می‌کند، در تحلیلی نوشت؛ "ایران در جنگ بر سر تعیین آینده منطقه خاور میانه (غرب آسیا) پیروز شده است..."

...فاطرات دردناک...

"برتری و اقتدار ایران در تعیین معادلات غرب آسیا روز به روز بیشتر تثبیت می‌شود. برای ادراک دقیق این امر قطعی قرائن جالب توجهی را در چند بازه زمانی و با مختصات شگفت‌آور باید دید. از سال ۲۰۰۶ و زمانی که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت آمریکا در واکنش به موشک باران بیروت در جنگ ۳۳ روزه گفت که این درد زایمان خاورمیانه جدید است تا دی‌ماه ۹۷ که ترامپ در پایگاه نظامی عین‌الاسد آمریکا در استان الانبار عراق می‌گوید، غم‌انگیز است که ۷ تریلیون دلار در خاورمیانه خرج کردیم اما مجبوریم مخفیانه و با هواپیمای چراغ خاموش به آنجا سفر کنیم."

مقطع دیگر از شروع جنگ سوریه و سپس عراق و یمن با هماهنگی کامل آمریکا، اسرائیل، کشورهای اروپایی، مرتجعین منطقه و تروریست‌های تکفیری تا امروز است که پیروزی‌های محور مقاومت در عراق و سوریه و یمن در منطقه می‌درخشد و آمریکا در حال خروج از غرب آسیا است. در سوی دیگر استیصال آمریکا مقابل انهدام چیره‌دستانه پهپاد متجاوزش به حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران از سوی نیروهای سلحشور سپاه و درماندگی انگلیس برابر توقیف کشتی‌اش خودنمایی می‌کند ...

در این میان تحولات خیره‌کننده دیگری درون برخی از این بازه‌های زمانی نیز رخ داده است. نمونه آن؛ از جلسه‌ای است که مقتدای انقلاب در آن فرمودند؛ "پیروزی این جنگ، همانند پیروزی جنگ خندق خواهد بود..." و "بگوئید دعای جوشن صغیر بخوانند..." تا وقتی که جان بولتون در سازمان ملل خیلی نگران و مضطرب در حال قدم زدن است و همراه سفیر اسرائیل به نخست‌وزیر قطر می‌گوید "الان باید جنگ متوقف بشود که اگر متوقف نشود، ارتش اسرائیل از هم می‌پاشد و متلاشی می‌شود". این موقعیت تاریخی را که سطرهای فوق تنها برخی از نشانه‌های آن است،

...خاطرات دردناک...

امروز محافل رسانه‌ای و اندیشه‌ای جهان نیز، به آن شهادت می‌دهند. مجله آمریکایی "فارین پالیسی" در تحلیلی با اشاره به تحولات اخیر منطقه غرب آسیا نوشته ایران در جنگ بر سر آینده خاورمیانه پیروز شده است و در ادامه این نشریه تخصصی که در زمینه سیاست خارجی فعالیت می‌کند، در آغاز تحلیل، با اشاره به حمله ماه گذشته یمن به تأسیسات نفت عربستان سعودی می‌نویسد... "مجموعه‌ائی از موشک‌های کروز و پهپاد که روز ۱۴ سپتامبر قلب صنعت نفت عربستان سعودی را نشانه گرفت، نشانه‌ای از حمله‌ای دقیق به پارادیم حاکم جهانی هم بود." فارین پالیسی این حملات را انعکاسی از "دنیای در حال تغییرات اساسی" دانسته که در آن چین، روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران به دنبال از بین بردن هرژمونی نظامی آمریکا هستند. به گزارش فارس، این رسانه آمریکایی نوشته اهمیت تاریخی تحولات خاورمیانه در یک مصاحبه اخیر از سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران آشکار شد... بر اثر مجاهدت‌های محور مقاومت تحت رهبری امام خامنه‌ائی و سپه سالاری شهید حاج قاسم سلیمانی و شهدای ارزشمند مدافعان حرم متشکل از رزمندگان محور مقاومت و همفکری منجسم بین رهبران و سران محور مقاومت برای اولین بار استکبار جهانی به رهبری آمریکا و ناتو شکست سختی از محور مقاومت خوردند که فقط یکی از نتایج درخشان آن شکست و نابودی داعشی بود که فقط آمریکا برای بوجود آوردن، آن به بیش از ۱۲۰ کشور سفر کرده بود تا هماهنگی‌های آن را انجام دهند و تنها آمریکا در این شکست تاریخی مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیارد دلار ضرر کرد و به باد داد... مهمترین نتیجه این پیروزی شکل‌گیری خاورمیانه جدید و به محوریت جمهوری اسلامی ایران است ...

...خاطرات دردناک...

نشانه‌های تولد خاورمیانه‌ی جدید...

فارین‌پالیسی رسانه آمریکایی نوشته است: "همانند سال ۲۰۰۶، دنیا یک‌بار دیگر در حال مشاهده نشانه‌های تولد خاورمیانه‌ای جدید، البته با ماهیتی بسیار متفاوت نسبت به آن چیزی است که رایس تصور می‌کرد". فارین‌پالیسی نوشته است:

"در یک دهه و نیم گذشته، جنگ‌های راه‌اندازی شده از سوی واشنگتن و متحدانش علیه جبهه تحت رهبری ایران همه ناموفق از آب درآمده‌اند. حزب‌الله، در سال ۲۰۰۶ اسرائیل را به بن‌بستی خونین کشاند. نفوذ ایران در عراق تثبیت شده است. ایران و متحدانش در جنگ سوریه پیروز شده‌اند. علاوه بر این، کارزار فشار حداکثری دولت ترامپ نتوانسته است ایران را به زانو درآورد". در ادامه این تحلیل آمده است:

"روز به روز روشن‌تر می‌شود که دولت آمریکا نه از توانایی و نه عزم سیاسی برای اقدام نظامی طولانی‌مدت در خاورمیانه برخوردار است. کاخ سفید در دوران دونالد ترامپ مشخص کرده که قصد دارد حضور نظامی آمریکا در سوریه و افغانستان را کم کند". همچنین فارین‌پالیسی نوشته، سردار سلیمانی در این مصاحبه به تشریح شرایط منطقه که منجر به جنگ حزب‌الله و اسرائیل در سال ۲۰۰۶ شد، پرداخت.

سردار سلیمانی در این مصاحبه به سخنان "کاندولیزا رایس"، وزیر خارجه اسبق آمریکا اشاره کرد که درگیری حزب‌الله و اسرائیل را نشانه‌های تولد "یک خاورمیانه جدید، البته به نفع جبهه‌ی مقاومت" دانسته بود...

و در آخر به مطالب "هیلاری کلینتون" در کتاب "گزینه‌های دشوار" اشاره می‌کنیم که گفت: "داعش را خودمان ساختیم و هدف از آن نیز تقسیم خاور میانه می‌باشد."

...خاطرات دردناک...

داعش به ناحق دولت اسلامی در عراق و شام نامیده میشود، بلکه مفهوم واقعی و حقیقی آن "دولت امریکایی و اسرائیلی در عراق و شام" می باشد، چراکه هدف نهایی آنها تامین منافع امریکا و اسرائیل در منطقه میباشد. تازمانی که غده سرطانی به نام رژیم اشغالگر قدس در منطقه وجود داشته باشد و دولتهای مرتجع منطقه نیز از تروریسم حمایت نمایند، قطعاً این جنایات ادامه خواهد داشت و تنها راه مقابله با این تفکرات ضد اسلامی، همگرایی و همفکری علمای جهان اسلام اعم از اهل سنت و شیعه و مقابله جامعه جهانی با این پدیده خطرناک می باشد... و کتاب را با این قسمت از وصیت نامه شهید حاج قاسم، سلیمانی به پایان می رسانیم که فرمودند...

مردم از من قبول کنید

من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم. اما این را بدانید والله علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می شناسم. الان چهارده سال شغل من همین است. علمای لبنان را می شناسم. علمای پاکستان را می شناسم. علمای حوزه خلیج فارس را می شناسم. چه شیعه و چه سنی... والله، اشهد بالله، سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی "آیت الله العظمی امام خامنه ای" است. اگر عاقبت به خیری می خواهید باید پیروی از ولی فقیه کنیم... در قیامت خواهیم دید، "مهمترین محور محاسبه اعمال، تبعیت از ولایت فقیه است... در کشور نباید کلامی بر خلاف سیاستها و منویات رهبرانقلاب گفته شود و اگر هم گفته شود و اعتراضی صورت نگیرد در گناه آن سهیم هستیم... شهید قاسم سلیمانی



روزنامه قدسی
سینما و تئاتر

...ظاطرات دردناک...

ضمیمه (۱) روایتی عجیب از پیوستن دختران پولدار به داعش

کتاب «زنان عاشق شهادت»! کتابی است که به بررسی پدیده عضویت زنان در گروه های تروریستی از القاعده گرفته تا داعش پرداخته و به صورت مفصل و ریشه‌ای این پدیده را مورد بررسی قرار داده است.



این کتاب به قلم محمد ابو رمان و حسن ابو هنیه نوشته شده و در بخش‌های مختلف به تحولات تاریخی و تشکلهای ایدئولوژیک تأسیس شده توسط زنان در گروه‌های تروریستی مختلف بویژه داعش ISIS پرداخته و مبانی فکری و ایدئولوژیک رایج در این گروه‌ها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. همچنین بررسی زنان حاضر در گروه تروریستی داخل به ویژه "گردان الخنساء" به عنوان جریان فعال زنان داعشی از دیگر مواردی است که در این کتاب به دقت به بحث و بررسی گذاشته

...خاطرات دردناک...

شده است. نویسندگان این کتاب اطلاعات با ارزشی از تعدادی از تروریست‌های زن فعال در گروه‌های مختلف و زندگی گذشته آنها منتشر کرده‌اند. بررسی نحوه پیوستن زنان خارجی و اروپایی به عناصر داعش و نشان دادن نمونه‌هایی از این موارد از دیگر بخش‌هایی است که مورد اشاره این کتاب است.

نویسندگان در بخشی از این کتاب به بررسی شرایط حضور تعدادی از زنان و دختران عرب و مهاجر در میان گروه‌های تروریستی اشاره کرده و تأکید می‌کنند که تعدادی از این زنان تصمیم به حضور در کنار داعش می‌گیرند و تعدادی دیگر افکار این گروه را در مراکز استقرار خود ترویج می‌دهند.

البته انجام تحقیقات در این رابطه با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه است. پدیده زنان جهادگر در کشورهای عربی به عنوان یک عیب یا رسوایی برای خانواده‌های آنها تلقی می‌شود. علاوه بر اینکه مقامات کشورها نیز سعی می‌کنند برای پوشش گذاشتن بر این احساسات، اسامی آنها را مخفی نگه دارند و مانع از انتشار داستان‌های پیوستن آنها به داعش شوند. این موضوع در بیشتر کشورهای عربی رایج است. یکی دیگر از چالش‌های موجود در این روند جانبداری رسانه‌ای در سایه فقدان تحقیقات جست‌وجوگرانه در بسیاری از این موارد می‌شود. علاوه بر اینکه شناخت ماهیت و اسامی واقعی زنانی که به داعش ملحق می‌شوند نیز مشکل است، چرا که این گروه تروریستی به محض انضمام این زنان، برای نام بردن از آنها از اسامی مستعار استفاده می‌کند.

به عنوان مثال یکی از این افراد "ام مهاجر تونس" است که بر اساس گزارش‌های امنیتی و مطبوعاتی در کشورهای عربی گفته می‌شود اهل تونس بوده و دخترهایش

...خاطرات دردناک...

نیز به عضویت این گروه تروریستی درآمده اند. وی یکی از فرماندهان گردان الخنساء است و همراه با همسرش از عراق به سوریه سفر کرده است. غیر از این موارد هیچ اطلاعات دیگری در رابطه با وی، نام واقعی و فعالیت‌ها و زندگی او وجود ندارد و تقریباً در تمامی گزارش‌های رسانه‌ای که در زمینه سرکردگان زن داعش منتشر می‌شود، تنها به این مقدار بسنده شده و قدرتی برای پیگیری و دقت نظر در این زمینه وجود ندارد.

با وجود مشکلاتی که به آنها اشاره شد، ما موفق شدیم به نمونه‌هایی مهم از زنان عربی دست پیدا کنیم که به عضویت داعش درآمده بودند.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها "دانشجویان سودانی" بود که اکثر آنها در دانشکده پزشکی در دانشگاه اختصاصی در سودان درس می‌خواندند. بخش مهمی از این افراد گذرنامه‌های انگلیسی داشتند و بیشتر آنها دختران پزشکان زن و مرد مشهور و از خانواده‌های ثروتمند بودند. ما این نمونه را به صورت کامل در این فصل تشریح خواهیم کرد. با وجود اینکه بیشتر این دانشجویان تابعیت سودانی - انگلیسی داشتند (یکی از آنها تابعیت آمریکایی داشت) اما مدت‌های طولانی در غرب زندگی کرده بودند. البته ما ترجیح دادیم در بخش مربوط به زنان عرب به آنها اشاره نکنیم. چرا که عملیات عضوگیری مستقیم آنها و حرکت آنها برای پیوستن به کانون تروریست‌های داعش در این کشور عربی صورت گرفته بود. علاوه بر این ما به یک پدیده مربوط به سودان اشاره می‌کنیم که شامل سفر تعداد زیادی از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه این کشور به اراضی تحت کنترل داعش می‌شود. این پدیده شامل دانشجویان با تابعیت سودانی و غربی می‌شود.

...خاطرات دردناک...

البته موارد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، اما اسامی بسیاری از آنها بنابر حساسیت‌های اجتماعی که در گذشته به آن اشاره کردیم، و به این علت که حجم اطلاعات مربوط به آنها زیاد نیست، به آنها اشاره‌ای نمی‌شود...

دختر اردنی بازگشته از مقر داعش، او اهل شهر الکرک واقع در جنوب اردن است و نزدیک به ۲۵ سال سن دارد. او تحصیلات خود را در رشته روان‌شناسی و در دانشگاه موته در سال ۲۰۱۱ پشت سر گذاشت. پدر و برادران او در سرویس‌های امنیتی شاغل هستند. او با عناصر خارجی داعش از طریق شبکه اینترنت آشنا شد و عملیات قانع کردن وی نزدیک به یک و نیم سال طول کشید تا اینکه این دختر قانع شد که به الرقه سفر کند. او از طریق یک خانم نقاب دار که او را نمی‌شناخت، مبلغی پول از دست داعش دریافت کرد تا بتواند مقدمات سفر را فراهم کند.

به این ترتیب بود که او کشور را ترک کرد و از استانبول با خانواده‌اش تماس گرفت و گفت که تصمیم به مهاجرت به سرزمین‌های داعش را دارد. خانواده‌اش خیلی زود دست به کار شدند و با کمک "مازن الضلاعین" یکی از نمایندگان سابق اردنی موفق به ارتباط با وی از طریق واتس آپ شدند. این در حالی بود که او در منزل اختصاص داده شده به زنان عربی مهاجر بود. در نهایت ترتیب عملیات فرار Escape وی با کمک این نماینده اردنی و سفارت اردن در ترکیه داده شد و او به نزد خانواده‌اش بازگشت. او در بیان علل تصمیم خود برای پیوستن به داعش، بیکاری و بی‌حوصلگی و تلاش برای جستجوی زندگی جدید و وعده‌های داعش برای تأمین منزل و کار برای او در اراضی تحت سلطه داعش را بخشی از این انگیزه‌ها برشمرد. آنها از طریق محکوم کردن فتوای دینی و تبلیغات سیاسی ضد داعش توانسته بودند مغز وی

...فاطرات دردناک...

را شست‌وشو داده و او را قانع به مهاجرت به کانون داعش کنند. منتشر شدن اخبار مربوط به این دختر برای مقامات اردنی و به ویژه افکار عمومی نگران‌کننده بود. وی اولین دختر قربانی بود که به صورت رسمی و علنی به داعش پیوسته بود. او دختر یکی از عشیره‌های معروف در شهر الکرک بود و در خانواده‌ای بزرگ شده بود که بیشتر آنها در سمت‌های امنیتی کار می‌کردند. وی مدرک دانشگاهی در رشته روانشناسی داشت و این موضوع می‌تواند که از افتادن در این دام مصون باشد. نگرانی‌های اردنی‌ها در رابطه با امکان وجود دختران دیگر اردنی در نزد داعش به این مقدار کفایت نکند. چرا که این دختر اذعان کرد که با سه دختر اردنی دیگر آشنا شده که اسامی آنها را نمی‌داند و آنها را با لقب‌هایشان می‌شناسد. بر اساس اعلام این که این سه نفر نیز در خانه‌ای که داعش برای دخترهای مهاجر اختصاص داده بود، حضور داشتند تا مقدمات انتقال آنها به سوریه فراهم شود.

بعد از انتشار خبر مربوط به دختر بازگشته از استامبول، اخبار مشابه با بایکوت بیشتری مواجه می‌شد. از جمله این افراد یک زن مهندس اردنی از شهر العقبه است. این دختر نامزد داشت. او در تماس با خانواده‌اش به آنها گفت که به ترکیه رسیده و قصد دارد به اراضی تحت کنترل داعش برود. وی با نامزدش نیز صحبت کرد و از او خواست تا خطبه عقد را فسخ کند. اما در ادامه، اخبار مربوط به این دختر مخفی شد و معلوم نشد نیروهای امنیتی موفق به بازگرداندن او شده‌اند یا اینکه او به الرقه رسیده است.

"ایمان حمد کنجو" زن دیگری است که به داعش پیوسته است. او دانشجوی دکترا در علوم انسانی در دانشگاه الازهر و از اهالی اراضی فلسطین ۴۸ و ساکن شهر شفا

...خاطرات دردناک...

عمر است. او متولد شهر الناصره در استان الجلیل بوده و ۴۴ سال سن دارد. او ۵ فرزند دارد که ۳ نفر از آنها دانشگاهی هستند. همسر او دکتر علی ساعد امام جماعت و خطیب مسجد است و مدرک دکترای شریعت اسلامی از همان دانشگاه را دارد. ایمان در محافل اجتماعی به فعالیت‌های دعوت گرایانه خود مشهور بود. او و خانواده اش در ابعاد آکادمیک و علمی برجسته بودند، اما ناگهان در ۱۹ آگوست سال ۲۰۱۶ بعد از ارتباط با اعضای داعش از طریق اینترنت تصمیم گرفت به سوریه برود و به این گروه بپیوندد و به تدریس در مراکز آموزشی و تبلیغاتی آنها مشغول شود. او از پدرش خواست تا با وی به ترکیه برود. آنها این کار را کردند اما او در ترکیه ناپدید شد. بعد از اینکه همسرش موضوع ناپدید شدن وی را مطرح کرد، مقامات رژیم صهیونیستی به حاکمیت ترکیه اعلام کردند که احتمالاً وی به دنبال پیوستن به داعش است. پدرش در نهایت تصمیم گرفت بدون ایمان بازگردد اما مقامات ترکیه موفق شدند در مناطق مرزی این زن را در حال تلاش برای عبور از مرز در ۲۸ آگوست بازداشت کنند. او ۱۱ هزار دلار پول با خود داشت که این پول نیز مصادره شد و وی به سرزمین های اشغالی بازگشت.

ایمان در آنجا محاکمه شد و به ۲۲ ماه زندان Prison و پرداخت غرامت مالی به مبلغ ۳۰ هزار شیکل و یک سال دیگر حبس تعزیری محکوم شد.

ایمان کنجو در جریان محاکمه فریاد می‌زد که داعش باقی است و گسترش پیدا می‌کند. این موضوع نشان دهنده میزان حمایت وی از داعش است. هواداران داعش به موضوع تحویل دادن ایمان از سوی ترکیه به رژیم صهیونیستی اعتراض کرده و

...خاطرات دردناک...

اردوغان را به تسلیم شدن در برابر دیکته‌های اسرائیل و نفاق متهم کرده و از شعارهای وی در سالن دادگاه در حمایت از داعش استقبال کردند. زنان داعش در سرت لیبی: رسانه‌های جمعی لیبی تصاویر ضبط شده از این زنان را بعد از بازداشت منتشر کردند. آنها در پی شکست گروه تروریستی داعش در شهر سرت بازداشت شدند. در بسیاری از موارد داستان‌های زیادی از این زنان از تونس و سوریه و لیبی منتشر شده است. البته این داستان‌ها جزئیات کافی در رابطه با عوامل و انگیزه‌های پیوستن این زنان به گروه تروریستی داعش را مطرح نکرده است. اما مورد مشترک در تمامی آنچه که رسانه‌ها به آن پرداخته‌اند، مربوط به سن کم این زنان و دختران و فقدان عمق ایدئولوژیک در پیوستن آنها به دانش است. علاوه بر این که ازدواج یکی از پتانسیل‌های پیوستن آنها به داعش بود، اما آنها با دیدن واقعیت‌های داعش که مغایر با وعده‌های داده شده بود، غافلگیر شدند. آنها می‌دیدند که زنانی که به فکر فرار افتاده‌اند چطور مجازات می‌شوند و همراه با بچه‌های خود در داخل چاهی در زیر زمین انداخته می‌شوند.



پزشکان ثروتمند سودانی در دام داعش

در سال ۲۰۱۵ سه گروه از سودانی‌ها که بیشتر آنها از دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان دانشگاه علوم پزشکی مأمون حمیده بودند، به سمت مناطق تحت سلطه گروه تروریستی داعش رفتند. این دانشگاه خصوصی بوده و متعلق به وزیر بهداشت سودان است.

گروه اول در روز ۱۱ مارس به ترکیه رفتند. آنها شامل ۹ دانشجوی دختر و پسر بودند که تابعیت انگلیسی داشتند و بیشتر آنها با اولیای خود در انگلیس زندگی می‌کردند و در زمینه‌های پزشکی فعالیت داشتند.

این گروه شامل پنج دانشجوی دختر از دانشجویان پزشکی همین دانشگاه بود. گروه دوم شامل ۱۸ دانشجو بود که تعدادی از آنها دختر بوده‌اند. آنها در ژوئن همین سال دانشگاه را رها کردند تا به مراکز تحت سلطه داعش بروند. یکی از آنها تابعیت انگلیسی داشت و یکی دیگر از آنها دختر سخن‌گوی وزارت خارجه سودان بود.

گروه سوم که در اواخر آگوست به ترکیه رفتند، ۴ دانشجوی دختر بودند. موضوعات مشترکی بین این دختران که تعدادی پسر نیز با آنها بودند، وجود داشت. از جمله این که همگی آنها متعلق به طبقه ثروتمند جامعه و از خانواده‌های با اصل و نسب بودند و سن آنها بین ۱۸ و ۲۳ سال بود.

اکثر آنها تابعیت انگلیسی داشتند و در رشته پزشکی در همان دانشگاه تحصیل می‌کردند. آنها با توجه به ماهیت علوم پزشکی در ابعاد تحصیلی از هوش بالایی برخوردار بودند. پدران بیشتر آنها پزشک Doctor یا تاجر یا شخصیت‌های دارای سطح بالای اجتماعی بودند.



دختران ثروتمند سودانی داعش چه کسانی بودند؟

حال ببینیم این دختران چه کسانی بودند. در دفعه اول (مارس ۲۰۱۵) ۵ دختر عازم سوریه شدند. این ۵ نفر عبارتند از:

"ندی سامر خضر": پدر و مادر وی پزشک هستند و در انگلیس زندگی می‌کنند. او برای تحصیل پزشکی به دانشگاه مأمون حمیده رفته بود و همراه با برادر و خواهرش زندگی می‌کرد. برادر وی نیز که فارغ‌التحصیل همین دانشگاه بود، هنگامی که ندی ۵ سال دوم تحصیل خود بود، به سوریه رفته بود.

"لینا مأمون عبدالقادر": او ۱۹ سال سن داشت و دانشجوی پزشکی دانشگاه مأمون حمیده بود. او نیز انگلیسی - سودانی بود. پدر و مادر وی در انگلیس پزشک بودند و او برای تحصیل در این دانشگاه به سودان رفته بود.

...خاطرات دردناک...

"روان زین العابدین انیسی": دانشجوی دندانپزشکی با تابعیت انگلیسی سودانی سومین نفر از این گروه بود. او ۲۲ سال سن داشت و در سال سوم تحصیل خود بود. او نیز در سودان زندگی می کرد و برای تحصیل پزشکی به سودان بازگشته بود.

"تسنیم سلیمان حسین": فوق لیسانس بهداشت و شهروند انگلیسی سودانی است. پدرش پزشک و مدیر بیمارستان دانشگاهی و مادرش نیز پزشک است که در بیمارستان پلیس Police کار می کند.

"لجین احمد ابو سبح": فارغ التحصیل دانشگاه مأمون حمیده در رشته پزشکی است. وی به همراه برادرش به اراضی زیر نظر داعش رفت. او نیز تابعیت انگلیسی داشته و پدر و مادرش پزشک بوده و در انگلیس کار می کنند.

گروه دوم در ژوئن ۲۰۱۵ به الرقه رفتند، چندین نفر از آنها دختر بودند که عبارتند از: "زبیده عماد الدین الحاج وداعة": برخی منابع اعلام می کنند که وی در مرز ترکیه به سودان بازگردانده شده است. او دانشجوی پزشکی در دانشگاه مأمون حمیده بود.

"سجی محمد عثمان": دانشجوی دیگر این دانشگاه بوده و تابعیت آمریکایی داشت.

"صافیئات علی الصادق": دانشجوی پزشکی در دانشگاه مأمون حمیده بود و ۱۸ سال سن داشت. او دختر علی الصادق سخن گوی وزارت خارجه سودان بود. معلوم نشد که پدرش موفق شد او را قبل از رسیدن به سوریه به سودان بازگرداند یا اینکه او به اراضی تحت کنترل داعش رسید. گروه سوم در آگوست همان سال متشکل از چهار دانشجوی دختر خارطوم را به مقصد سوریه ترک کردند. اعضای این گروه عبارت بودند: "منار و ابرار عبدالسلام عیدروس": دو قلوهای ۱۹ ساله که در دانشگاه مأمون حمیده در رشته پزشکی تحصیل می کردند. پدر آنها شرکتی در زمینه لوازم یدکی خودرو دارد.

...خاطرات دردناک...

"آیة اللیثی الحاج یوسف": دانشجوی ۱۸ ساله پزشکی در سال دوم تحصیل در دانشگاه مأمون حمیده. پدر و مادر او نیز پزشک هستند و در سودان فعالیت می‌کنند.

"ثریا صلاح حامد": دانشجوی سال سوم رشته پزشکی دانشگاه مأمون حمیده که خانواده‌اش در کشورهای حاشیه خلیج فارس زندگی می‌کنند. پدرش در امارت الفجیره کار می‌کند. ایمان به همراه خواهر کوچک ترش و خاله اش در خارطوم زندگی می‌کنند. با وجود محدودیت اطلاعات موجود راجع به زندگی دانشجویان سودانی قبل از پیوستن به داعش، برخی اسناد وجود دارد که نشان دهنده ویژگی‌های مشترک آنها با وجود سطح بالای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و تحصیلی است.

این اطلاعات نشان دهنده نقطه تحول مشخصی در زندگی بسیاری از این افراد است که همراه با ورود به "دانشگاه مأمون حمیده" پدید آمده است و خانواده‌های آنها تغییراتی را در افکار و فرهنگ دختران خود دیده‌اند. این موضوع را خانواده های ندی سامر خضر و آیة اللیثی و صافیئات الصادق و دوستان تسنیم سلیمان حسین گزارش می‌دهند. ندی قبل از پیوستن به این دانشگاه گرایش‌های دینی شدیدی نداشت، اما در سال اول تحصیل نشانه‌های تغییر در او ظاهر شد.

هنگامی که در جریان مرخصی نزد خانواده‌اش در لندن بازگشت، خانواده و تغییر در افکار و لباس پوشیدن او را دیدند. خانواده آیة اللیثی تغییر و تحول گسترده وی را به ویژه در سال دوم تحصیل مشاهده کردند. آنها متوجه شدند که او زمان زیادی در سایت اینترنتی به سر می‌برد. این حالت نگرانی آنها را افزایش داد.

این نگرانی‌ها هنگامی به اوج خود رسید که متوجه شدند دوست وی یعنی سچی محمد عثمان به داعش پیوسته است. با این وجود آیة آن‌ها را مطمئن کرد. نظارت

...خاطرات دردناک...

خانواده بر عملکرد وی ادامه پیدا کرد، اما این نظارت نتوانست مانع از سفر وی به سوریه شود. او به بهانه رفتن به رستوران به همراه دوستانش از خانه خارج شد، اما بعد به فرودگاه رفته و عازم ترکیه شد. دوستان صافیناز نیز گزارش می‌دهند که وی شخصیتی خجالتی و وابسته به پدرش داشت.

اما پس از ورود به دانشگاه رفتارش تغییر کرد. پدرش با دیدن این شرایط از او خواست دوستان جدیدش را تغییر دهد. پدر به همین علت نظارت و توجه بر رفتار او را افزایش داد، اما تمامی این موارد باعث نشد که صافیناز به ترکیه نرود.

پیگیری صفحات اجتماعی مربوط به لینا نیز از تغییر در رفتار و مواضع و فرهنگ و حکایت دارد. او به صورت ضمنی از عملیات مسلحانه عناصر وابسته به داعش ضد مجله فکاهی شارلی ابدو حمایت کرده و از بازداشت عناصر تندرو انتقاد می‌کرد. در بررسی عوامل پشت پرده اقدام دختران دانشجوی سودانی برای عزیمت به سرزمین‌های تحت حاکمیت گروه تروریستی داعش می‌توان به دو عامل اساسی مشترک در بیشتر موارد اشاره کرد.

"عامل اول محیط دانشگاه مأمون حمیده است که دانشگاه خصوصی است که دانشجویان سودانی و عرب و آفریقایی در آن حضور دارند. هزینه‌های تحصیل در این دانشگاه بسیار بالا است و فعالیت‌های سیاسی در آن انجام نمی‌شود.

نقطه اشتراک دوم را می‌توان تحصیل در رشته پزشکی دانست. تمامی این دانشجویان در رشته پزشکی تحصیل می‌کنند که نشان دهنده هوش بالای آن‌ها است. البته مشکل بتوان ارتباط مفهومی و منطقی بین تحصیل در رشته پزشکی و گرایش‌های افراطی تصور کرد."

...خاطرات دردناک...

در بررسی عنصر اول، مسئولان دانشگاه و برخی خانواده‌های دانشجویان، انگشت اتهامات را متوجه فردی به نام "محمد فخری خباص" می‌کنند. او دانشجوی سابق این دانشگاه بوده و اصلاتی فلسطینی و تابعیت انگلیسی داشت. او در مجمع تمدن اسلامی در دانشگاه عضو بود و با دعوت از حامیان و مفتیان گرایش‌های سلفی و جهادی سودان اقدام به شست‌وشوی مغزی دانشجویان دختر این دانشگاه می‌کرد.



بررسی پروفایل محمد الخباص نشان می‌دهد که او نیز همان ویژگی‌هایی که دانشجویان دختر و پسر سودانی متمایل به داعش داشتند، را داشت. پدر و مادر وی پزشک بوده و در انگلیس زندگی می‌کنند. او متعلق به خانواده‌ای با اوضاع اقتصادی

...خاطرات دردناک...

خوب است و مشکلات بالایی ندارد. محمد الخباص نیز به الرقه رفته بود. شاید نتوان تاثیر محمد الخباص بر این دانشجویان را انکار کرد، اما قطعاً نمی‌توان آن را تنها عامل در تحولات روحی این دانشجویان دانست. در این رابطه می‌توان به تأثیر شبکه‌های ارتباط جمعی نیز اشاره کرد که روابط دوستانه قوی از سوی برخی کاربران وابسته به داعش با این دختران برقرار کرده و موفق به تأثیرگذاری بر آنها شده است. در این زمینه طبعاً عوامل محیطی حاکم بر سودان و کشورهای اروپایی و خلل ایجاد شده ناشی از بحران هویتی در میان این دانشجویان مسلمان را نیز نمی‌گردد.



آنچه که در مطالب آمد، برگرفته از این کتاب «**زنان عاشق شهادت**» است که با تلخیص از نظر خوانندگان گذشت، امید است مورد توجه قرار بگیرد...

...خاطرات دردناک...

ضمیمه (۲) بازمانده‌های فیروزه

روایتی از روزهای ابتدایی اشغال موصل توسط داعش

دامپزشکی که دل دختران زیادی را بُرد



"مراد" را در روستایی که ۴۲ خانوار بیشتر در آن سکونت نداشتند، به هوش و ذکاوت و دیدگاه‌های درست و حکیمانه اش می شناختند. در میان برادرانش که همه ناتنی بودند، فقط او بود که توانسته بود، احترام و جایگاهی برای خود در میان روستاییان دست و پا کند و این جایگاه را نه به خاطر موقعیت پدرش، «حامد نجم» موسس و شیخ روستای «ام نهود» که به دلیل تلاش هایش به دست آورده بود.

او تنها فرد روستا بود که مدرک دانشگاهی آن هم در رشته «دامپزشکی» از دانشگاه «موصل» داشت و این مدرک برای وی حکم همه چیز بود. پدرش با استناد به مراد و مدرک دانشگاهی‌اش بر درست بودن ازدواج سومش مهر تایید می زد و آن را درست تر از دو ازدواج سابقش می دانست که در دوران جوانی صورت گرفته بود و به قول خودش که مکررا در نشست های خانوادگی و دورهمی های اهالی روستا به آن اشاره

...خاطرات دردناک...

می کرد، برایش جز دردرس چیزی نداشتند ... چون حاصل آن دو ازدواج شش پسر بی مسئولیت با لشکری نوه بودند که همگی بی مسئولیتی را از پدرانشان به ارث برده بودند. از میان تمام فرزندانش شیخ حامد به مراد علاقه ای خاص داشت، به همین دلیل زمینه تحصیل وی را تا کلاس دوازدهم و گرفتن دیپلم فراهم کرد و هنگامی که موفق به ورود به دانشگاه موصل برای ادامه تحصیل در رشته دامپزشکی شد، شیخ حامد برایش بزرگترین گاو گله اش و دو گوسفند قربانی کرد و به همه اهالی روستا ولیمه داد. در مراسم ولیمه شیخ حامد قول داد که پس از گرفتن مدرک دانشگاهیش مطبی برای مراد در روستا با هزینه خود دایر کند و مراد می تواند، با هر دختری که دوست دارد، ازدواج کند. طی دوران تحصیل در دانشگاه وی تنها سه ماه تابستان به روستا باز می گشت و به دلیل تغییرات زندگی شهری کمتر با اهالی روستا ارتباط می گرفت. تنها دوست و هم کلام وی پسر عمه اش «ضیاء» بود که تقریباً با هم همسن بودند و تا دوران دبیرستان هم کلاسش شمرده می شد، اما فوت پدر و دست تنگی او را از ادامه تحصیل به کار در مزرعه وادار کرد.



نمایی از شهر موصل

...خاطرات دردناک...

هنگامی که مراد تصمیم گرفت به روستا باز گردد و به عنوان دامپزشک به کار مشغول شود، سعی کرد، بی طرفی را بین دو جناح درگیر نه تنها در روستای ام نهود، بلکه در تمام شهرها و روستاهای استان «نینوی» از جمله شهر موصل، واقع در شمال عراق حفظ کند. یک گروه طرفدار دولت عراق بودند و سیاستمداران و کارمندان دولت و نیروهای پلیس و ارتش را دربر می گرفت و گروه دیگر را افراد تندرو مذهبی تشکیل می دادند که یا خود گروه های مسلح تشکیل داده بودند یا عضو گروه های مسلحی بودند که قبلا تشکیل شده بودند. دو گروه همدیگر را تکفیر می کردند و تصفیه طرف مقابل را فریضه و واجب شرعی می دانستند. به همین دلیل روزی نبود که خبرهایی از ربوده شدن یک یا چند جوان در مناطق و روستاهای مختلف استان نینوی منتشر نشود و البته چند روز بعد خبر پیدا شدن جسد آنها طی گشت های پلیس و نیروهای امنیتی در نقطه ای از شهر یا سردخانه های پزشکی قانونی موصل به گوش می رسید. دشمنی این دو گروه به آدم ربایی محدود نمی شد، بلکه هر روز بعد جدیدی پیدا می کرد و به حمله به خانه ها و آتش زدن آنها و کشتن اهالی آن کشیده بود، به همین دلیل مراد تصمیم گرفت، به روستایش برگردد و کارش را در آنجا دنبال کند، به خصوص که اوضاع امنیتی موصل چنان بهم ریخته بود که ساکنان شهر از بیم ترورها و ادم ربایی ها و بمبگذاری ها درحال خروج از آن بودند. پس از بازگشت به روستا تلاش کرد، با آنچه در دانشگاه فراگرفته بود و دستگاهی که تهیه کرده بود، جوجه کشی راه بیندازد و کارش را توسعه دهد. موفقیتش در این کار مشوق برادرانش بود تا آنها نیز به وی ملحق شوند و با کمک شیخ حامد که قطعه زمینی را

...فاطرات دردناک...

به آنها جهت احداث مرغداری اختصاص بود و همچنین کمک های مالیش جهت آماده شدن هرچه سریع تر سوله، اولین مرغداری روستا را راه اندازی کرده بودند.



دختران عراقی

مادر مراد و دو زن بابایش با دلواپسی های زنانه رشد و پیشرفت کاری مراد را دنبال می کردند و چون مراد همچنان مجرد مانده بود، ازدواج وی خیلی زود به مهمترین موضوع مورد بحث زنان روستا تبدیل شد تا در ادامه برخی زنان که مراد را لقمه چرب و نرمی برای دختران خود می دیدند، به هر چیزی از دعا و جادو و جنبل گرفته تا فراهم کردن زمینه برخوردهای به اصطلاح تصادفی و اتفاقی دخترانشان با مراد متوسل شوند. لذا دیدن صورت های خندان دختران روستا یا سلام و احوالپرسی های شان

...خاطرات دردناک...

داخل روستا و در طول مسیر مرغداری و حتی درخواست های کمک آنها به بهانه های مختلف به امری عادی برای مراد تبدیل شده بود، اما او به هیچ کدام از آنها توجه نداشت. برای دختران روستا مراد، مرد آرزوهای شان بود، اما برای مراد آن دختران که با اغلب آنها بزرگ شده بود، چون خواهرانش بودند و نمی توانست نگاهی فراتر از آن به آنها داشته باشد تا روز سوم آوریل سال ۲۰۱۳ که چشمش به «فیروزه» افتاد...

ظهر یکی از روزهای بهاری، پس از سروسامان دادن به کارها، مراد برای پیاده روی از مرغداری بیرون زد ... از کنار مزارع گندم و پنبه اطراف روستا که نسیم در میان آنها می وزید، به آرامی گذشت، دست هایش را به عادت همیشگی پشتش قلاب کرده بود و به راهش ادامه می داد. وقتی می خواست به روستا باز گردد، چشمش به او افتاد ... کنار جاده نشسته بود و دو گونی پیاز کنارش بود ... تلاش کرد، نگاه دقیق تری به او بیندازد ... به طرفش رفت، به نشانه سلام سرش را تکان داد ... نایلکسی برداشت و آن را از پیاز پر کرد.

با دستپاچگی پول پیازها را حساب کرد و به خانه برگشت ... صبح روز بعد برای دیدنش به همانجا رفت و این رصدها روزهای دیگر هم تکرار شد ... تلاش کرد، اطلاعاتی از او به دست آورد ... زمان فروش مرغ ها بهترین فرصت برای کسب اطلاعات از او بود، برای همین مکانی را برای فروش مرغ هایش در کنار جاده انتخاب کرد که به او نزدیک باشد. «صورت شیخ حامد کبود شده بود» ... «مزنه»، همسر سومش و مادر مراد در حالی که مگس های سمج را از او دور می کرد، گفت: «افسرده شده ... تمام روز رو بیرون روستاس». شیخ حامد دست های لرزانش را بالا برد و درحالی که به سختی

...خاطرات دردناک...

صدایش شنیده می شد، گفت: «خدا اونو حفظ کنه ... گرچه پسرم عاقله ... می دونه چیکار می کنه».

- می ترسم، مثل بعضی از مردای روستا یا مثل همین پسر «وضاح» روزی با ریش بلند بیان تو خونه و شروع به حلال و حرام کنن واسه خودشون و مراد رو ببرن. شیخ حامد با خشم نگاهی به زنش کرد، اما تا آمد حرفی بزند، سرفه امانش را برید و قبل از مزنه که خودش را روی پشتی ها رها کند، روی زمین نشست ... سرفه اش که آرام شد، گفت: «وضاح از موی سفیدم خجالت نمی کنه ... دولت اسلامیش ما رو خونه خراب می کنه». مزنه حرفش را برید و گفت: «هیس شیخ تورو خدا هیچی نگو ... فعلا که شما داری ما رو خونه خراب می کنی ... اگه این حرفا به گوش برادرت و پسرش برسه، می دونی با تو و مراد چیکار می کنن».

تلاش های مراد برای به دست آوردن اطلاعات از او راه به جایی نبرده بود ... حالا دو ماه گذشته بود، بدون آنکه چیزی از او بداند ... حتی اسمش را هم نمی دانست ... از این وحشت داشت، اگر ایزدی باشد، چگونه می تواند، به او پیشنهاد ازدواج دهد، چون اسلام ازدواج مسلمان با غیر مسلمان را منع کرده است. ظهر یکی از روزهای گرم تابستان بعد از تلاش ها و کندوکاوهای بسیار بلاخره موفق شد، اسمش را بفهمد ... «فیروزه» ... همیشه مثل سایه مرا تعقیب می کرد ... روزهای اول از او می ترسیدم ... به نظرم گرگی می آمد که در کمین من نشسته تا در فرصت مناسب مرا تکه تکه پاره کند، به خصوص که این کمین ها مصادف شده بود، با خبرهایی که عمه ام، «ندیمه» از ربوده شدن دختران مناطق مختلف استان نینوی و مرتب به ما هشدار می داد: «ما ایزدی ها شرافتمون از همه چی توی دنیا با ارزش تره».

...خاطرات دردناک...

داستان ربوده شدن دخترها هر روز بیشتر و بیشتر به گوش می رسید ... برای همین از ما خواسته شد، هویت ایزدی خود را هنگام برخورد با مشتری پنهان کنیم، چون احتمال داشت، آدم رباها به بهانه خرید پیاز یا گرفتن قیمت ما را شناسایی کنند. همه دخترها از جوان عربی که آفتاب صورتش را سوزانده بود، صحبت می کردند ... همیشه آن صحنه را به یاد می آورم، وقتی که اولین بار برای خرید پیاز به طرفم می آمد ... ترسیده بودم، اما ظاهر مرتب و رفتار مودبش ترسم را خیلی زود از بین برده بود، طوری که به بودنش عادت کرده بودم. شانزده سالم بود که خودم را شناختم ... ۱۴ ماه قبل از فوت مادرم، پدرم بازداشت و به حبس محکوم شده بود و در زندان موصل بسر می برد ... با فوت ناگهانی مادرم در اثر سکتة قلبی مسئولیت دو خواهرم بر دوش من افتاد.



...خاطرات دردناک...

ارث پدر و مادرم برای ما مقداری بدهی بود که طلب کارها به ما رحم کرده، آنها را بخشیده بودند ... کسی را در روستا نداشتیم، جز عمه ندیمه که فقر و شوهر فلجش، او را به مرز جنون رسانده بود. خانه داری را از مادرم که در نبود پدرم مجبور بود، با فروش پیاز ما را بزرگ کند، یاد گرفته بودم ... یک هفته بعد از فوت مادرم، جای او را در فروش پیاز، کنار جاده ای که روستاهای ایزدی و عرب نشین در شرق کوه «سنجار» را بهم مرتبط می کرد، گرفتم. نگهداری از دو خواهرم را به عمه ام سپرده بودم که مثل مادری مهربان در نبودم، هم از شوهرش و هم آنها مراقبت می کرد ... از اولین ساعات صبح به همراه دیگر زنان و دختران روستا سوار کامیون «نوری کوره» می شدیم تا پیازهایش را که از شهرهای «ربیع» و «تلعفر» خریده بود، کنار جاده بفروشیم. فقر ما را از رفتن به مدرسه باز داشته بود ... برای همین تحصیل و مدرسه یکی از آرزوهایم بود ... با از دست دادن مادرم و نبود پدرم، این آرزو را برای خواهرم، کولی داشتم که ۱۰ سال از من کوچکتر بود ... دختر باهوشی بود، با تکه های پارچه برای خودش عروسک درست می کرد ... بدن نحیف و صورت زرد و رنگ پریده اش در همان نگاه اول از بیمار بودنش خبر می داد ... بعد از فوت مادرم تا مدت ها در خواب گریه می کرد و کابوس می دید ... خودش را به من می چسباند و مرا بو می کشید ... بوی مادرم را در من جستجو می کرد ... اما دریغ و افسوس ... یکی از شب های ۵ شنبه اوایل آن تابستان مصیبت بار، دلم را برای عمه ام باز کردم و برایش از آن جوان عرب گفتم ... داشت موهایم را شانه می کرد، با شنیدن این حرف شانه را رها کرد و با وحشت پرسید: «چیزی هم بهت گفته ... از پیشمرگه هاس یا از نیروهای پلیس و ارتشه»؟

...خاطرات دردناک...

-یکی از جوونای روستاهای عربیه ... هر روز از من پیاز میخره ... هیچ جوابی به سوالاش نمی دم، چون عربی بلد نیستم

-حتما یکی از همون تروریست هاست

کمی ترسیده بودم ... اما وقتی چهره آفتاب سوخته و صدای گرمش را به یاد اوردم، بعید دانستم، در پس این چهره یک تروریست پنهان شده باشد.

-اشتباه فکر می کنی، عمه ... حتما به خاطر یکی دیگه میاد ... چشمش رو یکی دیگه است .. همه کسایی که با من برا فروش پیاز میان متاهلن و همسن مادرم ...

اونم تازه چی، روزی دو بار فقط از من پیاز میخره

اما عمه ندیمه دست بردار نبود و مدام مرا از نزدیک شدن به آن جوان برحذر می کرد، و می گفت: ازدواج ایزدی و مسلمون گناه کبیره است ... مردای روستا بفهمن، تو رو میکشن ... رحم به خودت نمی کنی، رحم به خواهرات بکن. هشدارهای عمه ام و ترس هایم فقط چند ساعت کار ساز بودند و فردا صبح همه حرف ها و تهدید ها از یادم می رفتند تا به محض رفتن سرکار چشمانم سراغش را بگیرند. تابستان مصیبت بار ما با فوت شوهر عمه ام که ۱۱ سال زمین گیر بود، شروع شد ... هیچ کس نمی توانست، جلوی عمه ام را که به یک دیوانه تمام عیار تبدیل شده بود، بگیرد ... یکی از عروسک های کولی را برداشته بود و با آن از شوهر عمه ام گلایه می کرد، اینکه تمام این سال ها بچه ای به او نداده بود ... اینکه بدون خداحافظی رفته بود و او را تنها گذاشته بود.

...خاطرات دردناک...



جولان داعشی‌ها در موصل

چند روز قبل از اشغال موصل به دست داعش، «وضاح» و شماری از مردان روستای ام نهود غیب اشان زد ... از گوشه و کنار شنیده می شد که تعدادی از مردان روستاهای اطراف هم غیب اشان زده بود ... این غیب شدن ها خبر از اتفاقات ناخوشایندی می داد، به همین خاطر اهالی روستا با مخفی کردن اموال و اشیا گران قیمت خود در اماکن مطمئن سعی می کردند، جانب احتیاط را حفظ کنند ... مردان روستاها هم سعی می کردند، سطح هوشیاری و آمادگی خود را برای مقابله با هر اتفاقی بالا ببرند. سرانجام آنچه نباید اتفاق بیفتد، افتاد و روز دهم ژوئن شهر موصل به دست داعشی ها تصرف شد ... شایع شده بود که بازماندگان حزب منحل «بعث» به رهبری « عزت الدوری»، معاون سابق «صدام حسین» در این انقلاب دست داشته

...خاطرات دردناک...

و هم اکنون در شهر موصل است و پس از بازدید از ساختمان استانداری نینوی در موصل در مسجد جامع «نبی یونس» ضمن خواندن خطبه نماز جمعه در آن نماز نیز خوانده است.

اما این خبرها بعد از چند روز تکذیب شد و خیلی زود عناصر مسلحی که نقاب به صورت زده بودند، کنترل شهر را در دست گرفتند ... بعد از یک هفته عناصر مسلح اطلاعاتیه‌هایی صادر کرده و در آنها از مردم موصل خواستند، در میدان بزرگ شهر موسوم به میدان «احتفالات» جمع شوند و به سخنرانی که عزت الدوری انجام خواهد داد گوش دهند. وقتی جمعی متشکل از ده ها نفر در میدان جمع شدند، کاروانی از خودروهای نظامی هامر که افراد مسلح نقاب زده بر آنها سوار بودند، در میدان توقف کردند ... همه مسلح بودند و ریش‌هایشان از زیر نقاب‌ها بیرون زده بود ... بلندگوها سرودهای مذهبی پخش می‌کردند ... پس از این نمایش مردی پنجاه ساله با ریشی قرمز از یکی از خودروها بالا رفت و سخنرانی اش را آغاز کرد ...

در سخنانش از تشکیل «امارت اسلامی» داعش در استان نینوی به مرکزیت موصل خبر داد و اینکه هیچ گروه و حزبی اجازه فعالیت ندارند. در آن بعد از ظهر شیخ حامد در بستر خود نشسته بود و از درد مفاصل و شکم به خود می‌پیچید ... سه زنش هم دور او بودند و منتظر تاثیر دارویی بودند که دکتر تجویز کرده بود. تلویزیون رخ دادهای میدان موصل را مستقیم پخش می‌کرد ... به محض آغاز سخنرانی عزت الدوری، شیخ حامد فریاد زد: «خدای من این صدای خودشه» ... بعد در حالی که از درد به خود می‌پیچید گفت: این برادرم عبوده ... عبود خود خودشه...

...خاطرات دردناک...

روستاهای عرب نشین شرق کوه های «سنجار» به این گمان که از حملات داعش در امان خواهند بود، با تصرف موصل به دست این گروه، برای هفته ها پذیرای افرادی بودند که از چنگ مجازات های «امارت اسلامی» داعش در موصل فرار کرده و به روستاها و مناطق اطراف پناهنده شده بودند و «عواد» و پسرش «هشام» نیز جزو این افراد شمرده می شدند که دادگاه شرعی داعش آنها را به توبه و بیعت با داعش و پرداخت هزینه دادرسی به میزان ۲۰۰ دلار محکوم کرده و آنها مجبور شده بودند، به روستای «ام نهود» باز گردند. اهالی روستا برای دیدن آنها صف بسته بودند، می خواستند، از آنچه در دنیای دیگر گذشته خبر بگیرند و آن را با آنچه از رسانه ها منتشر می شود، مطابقت دهند.

"هشام" مفصلا نحوه سقوط موصل از فرار برخی نظامیان از پایگاه های نظامی گرفته تا تصرف شهر از جمله مراکز حساس و مهم نظامی و اداری و امنیتی و همچنین نحوه فرار خانه به خانه اش با لباس غیر نظامی از ترس افتادن به دست عناصر داعش را تعریف کرد. اما پدرش، عواد از شکست و ناکامی نیروهای پلیس و امنیتی در قبال داعش و تسلیم شدن عجیب آنها بدون اینکه در مناطقی حتی یک تیر هم شلیک کنند و فرار صدها مجرم و جنایتکار از زندان ها و پیوستن آنها به صفوف داعش تعریف می کرد. بخش مهمی از روایت های عواد را مخالفت وی با عناصر داعش تشکیل می داد که از وی خواسته بودند، مثل هم رده هایش لباس نظامی اش را از تن درآورده و به جای آن لباس غیر نظامی بپوشد و باعث شده بود، با لباس های زیر و یک لنگه جوراب به پا، او را به تیر چراغ برق مقابل مرکز پلیس محله «باب الشط» در مرکز موصل ببندند. البته نه تنها به دوستان و آشنایان، بلکه به پسرش

...خاطرات دردناک...

هم نگفته بود که چگونه توسط عناصر داعش مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفته بود. این بخش از روایت را چون رازی در دل حفظ کرده بود.



زنان و دختران ایزدی

در حالی که مردم سرگرم قضیه سقوط موصل بودند، «مراد» این مشغولیت را فرصتی دید تا اطلاعات بیشتری از «فیروزه» بگیرد .. لذا به بهانه فروش مرغ و خبر گرفتن از فیروزه چند بار به روستاهای ایزدی نشین رفت .. پس از یک سال صبوری و کندوکاو بلاخره خانه ای را که دنبالش بود یافت. فردا صبح که برای خرید پیاز به محل همیشگی رفت، برای اولین بار به خودش جرأتی داد و وقتی داشت، پیازها را توی کیسه پلاستیک می ریخت، خودش را به فیروزه معرفی کرد: اسم من مراده .. دست سیاه بزرگی روی سینه ام افتاد، مرا از روی زمین بلند کرد و به دیواری چسباند، مثل عروسکی شده بودم که به دیوار چسبیده .. دست ها و پاهایم از حرکت باز مانده بود

...خاطرات دردناک...

و مغزم کار نمی کرد .. وحشت سراسر وجودم را گرفته بود .. فکر می کردم، مرده ام و به دنیای دیگر منتقل شده ام .. مثل ابر بهار گریه می کردم و نفسم به شماره افتاده بود که صدای پدرم مرا به خودش آورد .. فیروزه .. فیروزه..

چشمانم را که باز کردم، متوجه شدم، آنچه دیدم تنها یک کابوس بود .. خدا را شکر کردم، درحالی که از این دنده به آن دنده می شدم و به کابوسی که دیده بودم، فکر می کردم، صدای انفجارهایی که لحظه به لحظه به روستای ما نزدیک می شدند، خواب را از سرم پراند.

هوا خیلی گرم بود و من سعی می کردم تا رسیدن ماشین «انور کوره» چند دقیقه ای در رختخواب باشم .. اما سکوتی عجیب توجه ام را به خود جلب کرد، حتی خروس ها هم از خواندن ایستاده بودند .. در همین افکار بودم که صدای انفجاری بار دیگر توجه مرا به خود کرد .. درپی آن انفجار دوم و سوم .. با این تفاوت که صداها هر لحظه بیشتر به خانه ما نزدیک می شدند .. با وحشت دو خواهرم کولی و نعام را از خواب بیدار کردم و به طرف اتاق دویدیم .. عمه ام هم حال و روز بهتری از ما نداشت، او هم پا برهنه به ما ملحق شد .. هنوز خواب بود .. خواب آلود از من درباره صدای انفجارها سوال کرد و بعد بدون اینکه منتظر جواب من باشد که نمی دانستم، باید به او چه پاسخی بدهم، سعی کرد، من و خواهرانم را در آغوش بگیرد.

نترسید، این انفجارها از ما دورن .. اخه تو روستای فقیر ما چی پیدا میشه که بخوان بهش حمله کنن .. اما انفجارها دست بردار نبودند و همین طور ادامه داشتند .. زمین زیر پای ما می لرزید .. از ترس ریختن سقف و دیوار کاه گلی اتاق خودمان

...خاطرات دردناک...

را زیر رختخواب ها پنهان کرده بودیم .. عمه ام همین طور دعا می خواند و از خدا و هرکس که به ذهنش می رسید، طلب کمک می کرد .. صدای انفجارها برای دقایقی قطع شد و سکوت بر همه جا حاکم شد .. به تصور اینکه همه چیز پایان یافته سرم را از روی زمین بلند کردم .. تکانی به عمه ام دادم که تصور می کرد، روز قیامت است و همچنان با صدای بلند دعا می خواند.

از اتاق بیرون آمدیم و در حیاط جمع شدیم .. هیچ کس نمی دانست، چه اتفاقی افتاده، عرق از سر و رویمان می ریخت و دست و پاهایمان حس هیچ حرکتی نداشتند .. همه شوک زده به هم نگاه می کردند .. در این فاصله زمانی صدای ماشین های شاسی بلندی که به سمت روستا در حرکت بودند، به گوش رسید .. چند تا از آنها نزدیک خانه ما توقف کردند و افرادی از آنها پیاده شدند .. چیزهایی را به زبان عربی فریاد می زدند که ما فقط از آنها کلمات «الله اکبر» را متوجه می شدیم.

بعد از ساعت ها زندانی کردن ما و زنان و بچه هایی که از بمب ها و تیرهای افراد مسلح جان سالم بدر برده بودند، داخل یک اسطبل، نزدیک عصر همه را سوار کامیون کردند .. کامیون به آرامی به سمت جاده اصلی به راه افتاد .. سه مرد مسلح از ما مراقبت می کردند و تفنگ هایشان را به سمت ما نشانه گرفته بودند .. همه جا پرچم های سیاه رنگ دیده می شد .. ده ها مرد مسلح با چهره هایی عصبانی و خشمگین درحالی که لباس های نظامی یا پیراهن های بلندی که به زانو می رسید و شلوارهای گشاد تن کرده بودند، به این طرف و آن طرف درحال تردد بودند.

...خاطرات دردناک...

یکی از آنها نگاهش به خواهرم «کلی» افتاد که عروسکش را بغل کرده بود. با چهره ای برافروخته به سمتش آمد، عروسک را گرفت و درحالی که کلماتی را با خشم بر زبان می آورد و انگشت سبابه اش را به سمت آسمان نشانه گرفته بود و تکان می داد، آن را زیر پایش انداخت و تکه تکه کرد. تصور می کردم، این بدترین صحنه آن روز مصیبت بار باشد.

اما خیلی زود فهمیدم، آنچه خواهم در قبال این صحنه هیچ است .. از کوچه های روستا می گذشتیم، تا اینکه به کوچه ای رسیدیم که خانه «نوری کوره» آنجا قرار داشت .. صحنه ای که با آن مواجه شدیم، غیر قابل توصیف بود .. بدن های خونین مردان روستا جای جای کوچه روی زمین افتاده بود .. خون همه جا را فرا گرفته بود .. روی زمین .. روی دیوارها .. همین که چشم عمه ام به نوری کوره افتاد که چشم ها و دهانش باز مانده و خون از آن روان بود، نتوانست خود را کنترل کند و بالا آورد .. آخرین چیزی که به یاد دارم، جیغ های نعام و کولی بود که مرا صدا می زدند .. بعد از آن هوش رفتم.

وقتی به هوش آمدم، افراد مسلح، پس از اعدام همه مردان و جوانان روستا، جمع آوری غنایم از زن و بچه گرفته تا دام و وسایل و اسباب قیمتی را به پایان رسانده بودند .. در آن زمان بود که مردی کوتاه قامت با سری تاس و ریشی بلند به جمع ما نزدیک شد و به زبان کُردی شروع به صحبت کرد، اینکه امروز، روز آزادی واقعی ماست، باید اسلام بیاوریم و به ازدواج یکی از افراد مسلح درآییم .. زنان و دختران با شنیدن این سخنان به یکباره با هم به خاطر سرنوشت تلخی که در انتظار آنها بود، ضجه زدند. قبل از غروب و تاریک شدن هوا ما را در دو ستون به صف کردند .. یکی

...خاطرات دردناک...

از آنها لباس نظامی به تن نداشت، ریشش سفید بود، ساعتی به دست راستش بسته بود، به دقت همه ما را برانداز می کرد و درحالی که بین ما در حرکت بود، چیزهایی را در دفترچه کوچکش یادداشت می کرد. بعد از اندازه گیری قد و پرسیدن اسم و فامیل و سن و سال، تک تک از ما عکس گرفتند .. بعد از آن هم به ما خرما و آب دادند و بار دیگر همه را سوار اتوبوسی قرمز رنگ کردند .. یادم می آید، عمه ام صورتش را به شیشه اتوبوس چسبانده بود و درحالی که آخرین نگاه هایش را به روستای مان می انداخت، دعا می کرد که خدا به همه ما رحم کند.



بلایی که داعش بر سر زنان و دختران ایزدی آورد

...خاطرات دردناک...

بغل عمه ام روی صندلی نشستم .. یکی از خواهرانم بغلم و دیگری بغل عمه ام نشست .. یک باره به یاد مراد افتادم .. آرزو کردم، ای کاش یکی از این افراد مسلح وی باشد .. به این امید برگشتم تا نگاهی به اطراف و مردان مسلحی که آنجا بودند، بیندازم که یکباره عمه ام به بازویم زد و گفت:

-این مرد کوتوله چی میگه .. میگه مردای مسلح مالک شما هستن و اجازه دارن هر تصمیمی درباره شما بگیرن .. شما رو بفروشن یا باهاتون ازدواج کنن .. راستی منظورش از برده و کنیز چیه؟



خرید و فروش زنان و دختران ایزدی

...فاطرات دردناک...

سه روز قبل از فوت در اثر سکته مغزی که باعث شده بود، سمت چپ بدنش فلج شود، شیخ حامد همه اعضای خانواده را فرا خواند و طی آن پرده از ماهیت واقعی برادر ناتنی اش «عبود» برداشت که هم اکنون در قالب جدیدی به عنوان یکی از سرکردگان «داعش» در موصل ظاهر شده بود. -عبود، اولین جوان روستا بود که به عضویتش در حزب بعث افتخار می کرد و شعارهای این حزب را سر می داد و عکس «میشل عفلق»، موسس حزب را بالا برده بود و در تظاهراتی که در حمایت از کودتای ۱۷ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی در خیابان های سنجار و تلعفر و موصل به راه افتاده بود، شرکت می کرد.

شرکت در تظاهرات در شهرها و مناطق مختلف و دادن راپورت مخالفان حزب و اعضای احزاب دیگر، باعث شد تا وی ظرف یک سال مدارج ترقی در حزب بعث را طی کند و به یکی از مسئولان حزب در استان نینوی تبدیل شود. با آغاز جنگ ایران و عراق به یکی از مهمترین جاسوس های حزب بعث تبدیل شد که راپورت جوانان و مردانی که از پیوستن به صفوف ارتش رژیم بعث فرار می کردند یا مخالف رژیم سابق بودند، را می داد. شیخ حامد نفسی تازه کرد و اینگونه ادامه داد: سال چهارم جنگ عبود دل به دختری ایزدی می بندد و از آنجا که ازدواج مسلمان و غیر مسلمان در دین اسلام و همچنین دین ایزدی ها تحریم شده، وی با آن دختر ایزدی به شهر «بصره» فرار کرده و آنجا با هم ازدواج می کنند. ما هم برای جلوگیری از خون و خونریزی بین ما و طایفه ایزدی آن دختر، چاره ای نداشتیم، جز اینکه از وی اعلام برائت کنیم.

به این ترتیب، چند سال بی خبر از عبود و اینکه چه می کند، گذشت تا اینکه اوایل سال ششم جنگ خبر رسید که وی در عملیات «جزایر مجنون» کشته شده، اما نام او

...خاطرات دردناک...

نه در میان کشته ها و نه در فهرست اسرا دیده می شد. بعدها خبر رسید که وی اصلا از ملحق شدن به ارتش امتناع کرده و چون شرایط را بر وفق مراد خود ندیده، ابتدا به ترکیه و از آنجا به یونان مهاجرت کرده و از آنجا به انگلیس رفته و پناهندگی سیاسی گرفته است. اما وصیت من به شما اینه که مبدا اجازه بدید، روزی عبود پا به روستا بزاره، حتی نمی خوام پشت جنازه ام راه بیفته، بدونید که با این کار عهدی که با ایزدی ها بستیم، نقض میشه و باید منتظر به راه افتادن حمام خون توی روستا باشید.



اسارت دختران و زنان ایزدی

همین که خبر تصرف روستای فیروزه به گوش مراد رسید، سراسیمه خود را به روستایش رساند و به سراغ خانه آنها رفت .. داخل خانه کاملا بهم ریخته و همه چیز نابود شده بود .. لباس ها و روسری های فیروزه را شناخت که روی زمین افتاده بود.

...خاطرات دردناک...

فقط دعا می کرد که زنده باشد .. به همراه پسر خاله اش «ضیا» با وحشت از خانه فیروزه خارج شد تا شاید کسی را ببیند و خبری از سرنوشت اهالی روستا به خصوص زنان و دخترانش بگیرد. در راه دو مرد مسلح جلوی آنها را گرفته و از آنها رمز تردد در روستا را سوال کردند، مراد دست پاچه شده بود و نمی دانست، چه جوابی بدهد، ضیاء هم حالی بهتر از او نداشت، اما سعی کرد، خود را جمع و جور کند و با لکنت گفت: امارت اسلامی پاینده باد ..

یکی از آن دو مرد مسلح خندید و راه را برای آنها باز کرد .. مراد جراتی به خود داد و درباره سرنوشت دختران و زنان روستا پرسید .. همان مرد با همان خنده کریه و زننده خود ادامه داد: همه به موصل منتقل شدن .. فقط دو نفر از اونا طی عملیات تصرف روستا کشته شدن، اما بقیه همه سالم و سرحال به موصل منتقل شدن تا بین افراد تقسیم بشن .. شما هم تا دیر نشده سریع خودتونو به موصل برسونین یکی از اونا بهتون برسه .. البته نرسید هم زیاد ناراحت نباشین، چون روستاهای ایزدی زیادی مونده که باید زیر پرچم داعش بیان، همه از زن ها و دخترای ایزدی سهم می برن.

مراد تصمیمش را گرفته بود .. می خواست، به هر طریق ممکن فیروزه را پیدا کند و تنها راهش این بود که به ظاهر به صفوف داعش ملحق شود تا آزادی تردد در مناطق مختلف را داشته باشد، علاوه بر اینکه می توانست از نفوذ عمویش، عبود نیز استفاده کند. به همین دلیل راهی موصل شد تا به ظاهر با امیر داعش در موصل به عنوان نماینده «ابو بکر البغدادی» خلیفه خود خوانده داعش بیعت کند. در همان ماه اول پیوستنش به داعش در موصل مرتب از این دیوان به این دیوان خلافت پاس داده شد تا دوره های مختلف شرع و دین را بگذرانند. مدرکش هم مورد پذیرش واقع

...خاطرات دردناک...

نشد، چون به اعتقاد والی موصل وی حتی نمی تواند جو را از گندم و مرغ را از خروس تشخیص دهد. پس از پایان دوره ها که یک ماهی طول کشید، وی موفق به دریافت درجه مسلمانی از حاکم شرع موصل شد و به عنوان اذان گوی مسجد بخش قدیمی شهر موصل منصوب شد. هنوز یک هفته از سمت وی به عنوان اذان گوی مسجد بخش قدیمی شهر موصل نگذشته بود که سه شکایت از وی به دیوان حسبه رسیده بود که هر یک از آنها به نوعی شک و شبهه هایی درباره اعتقادات دینی و باورهای مذهبی وی وارد می کردند و اگر در زمان مناسب عمویش به داد وی نرسیده بود، بی شک حکم حاکم شرع موصل مبنی بر شلاق خوردن در ملاء عام درباره وی در میدان شهر به اجرا گذاشته می شد. وساطت عمویش، مراد را از اجرای حکم نجات داد .. آن شب عمویش او را به خانه اش برد .. خانه اش یکی از سرشناسان شهر موصل بود که پس از تصرف شهر فرار کرده بود .. پس از شام عمویش باب گفتگو را با برادر زاده اش باز کرد و به او هشدار داد که دو چیز در خلافت اسلامی قابل چشم پوشی نیست، یکی نقض قوانین شرع و دیگری مال اندوزی.

مراد به عمویش اطمینان داد که دنبال پول و مال نیست و بابت اجرای قوانین شرع بیشتر دقت خواهد کرد .. وقتی احساس کرد که خیال عمویش آسوده شده، از او خواست که وی را در بخشی مشغول به کار کند که امکان تردد در بخش های مختلف شهر و آشنایی با آداب و رسوم طوایف مختلف مردم وجود داشته باشد. وضاح نگاه مشکوکی به او کرد، اما بعد از مکثی کوتاه به او وعده داد که در دیوان اطلاع رسانی و تبلیغات داعش در شهر موصل مشغول به کار شود..

...خاطرات دردناک...

ما را سه هفته در یکی از مدرسه های بزرگ شهر «تلعفر» بازداشت کردند .. مدرسه دو طبقه بود و حیاط بزرگی داشت، طی این مدت زنان و دختران و کودکان ایزدی بودند که از روستاها و مناطق مختلف استان نینوی پس از به اسارت گرفته شدن اضافه می شدند .. خیلی زود جمعیت ما آنقدر زیاد شد که نه تنها کلاس ها پر شدند، بلکه راهروها نیز مملو از جمعیت شدند و برای جا دادن مابقی در حیاط و حتی پشت بام مدرسه نیز چادرهایی نصب کردند. من و دو خواهر و عمه ام در یکی از کلاس ها مستقر شده بودیم ..



جولان داعشی‌ها در موصل

...خاطرات دردناک...

جمعیت آنقدر زیاد بود که جای تکان خوردن نداشتیم و برای این همه آدم تنها دو پنجره وجود داشت که به عنوان تهویه هوای داخل کلاس استفاده می شد. همه روی زمین می خوابیدیم، نه خبری از آب بود و نه بهداشت به همین دلیل خیلی زود بوی استفراغ و ادرار بچه ها و عرق تن بزرگ ترها همه فضا را پر کرد. ما را «مرتد» و «کافر» صدا می زدند .. غذای ما یک وعده بود که شامل تکه ای نان و خرما و آب بود .. هر یکی دو روز هم همه را می گشتند تا مبادا با خود چاقو یا هر چیز تیز و برنده دیگر یا تلفن همراه داشته باشیم.

بعد از چند روز برای همه دوره های آموزش زبان عربی گذاشتند .. همه از وحشت سرنوشت شومی که انتظارشان را می کشید، فقط گریه و زاری می کردند .. دو روز اول ورود ما به مدرسه چنین گذشت و نگهبانان به هر وسیله ای متوسل شدند تا گریه و ضجه ما را متوقف کنند، ناکام ماندند، به همین دلیل به سلاح و تیرهای هوایی متوسل شدند تا با ایجاد وحشت، ما را وادار به سکوت کنند. صبح یکی از روزها همه ما را در حیاط مدرسه جمع کردند، ابتدا زنان و دخترانی که شیعه بودند و به آنها «رافضی» می گفتند، را از جمع جدا کرده و با تازیانه و زدن زنجیرهای آهنی به دست ها و پاهایشان به مکانی دیگر منتقل کردند. بعد از آن، مردی که ریش بلند سفیدی داشت و او را «امیر صحرا» صدا می زدند، درحالی که بلندگویی در دست داشت و اطراف او را چند نگهبان گرفته بودند، برای ما به زبان عربی شروع به سخنرانی کرد و چون ما چیزی از حرف هایش را متوجه نمی شدیم، یکی از افراد پیرامونش صحبت هایش را برای ما ترجمه می کرد.

...خاطرات دردناک...

او گفت که باید دین خود را ترک کنیم و مسلمان شویم، کسانی که به این امر تن دهند، به همسری یکی از داعشی‌ها درخواهند آمد و کسانی که از این امر نافرمانی کنند، به عنوان کنیز و اسیر به مالکیت مردان داعش در خواهند آمد .. در این اثنا یکی از زنان سخنان امیر صحرا را قطع کرد و پرسید: چه به سر مردان و شوهران مان آمده؟ .. قبل از اینکه آن داعشی به این سوال جواب دهد، عمه ام به طرفم خم شد و در گوشم گفت: هر کاری از دستمون برمیاد، باید برای حفظ شرف و پاکدامنی امون انجام بدیم .. فکر کنم، کنیز و اسیر پیش اینا معنی خیلی بدی داره .. آن امیر داعشی در جواب سوال آن زن گفت که مردانی که اسلام آوردند، در روستاها و مناطق خود توسط داعش به خدمت گرفته شدند و مردانی که به این خواسته تن ندادند، به عنوان مشرک و کافر بدون استثنا کشتار شدند. هنوز حرف امیر صحرا تمام نشده بود که «شیرین» فریاد زد: ما ایزدی‌ها کافر و مشرک نیستیم .. ما هم مثل شما به خدای یگانه و یکتا ایمان داریم .. خدایی که از شما و کارهایی که با ما کردید، بیزار و مبراست .. امیر صحرا به یکی از افرادی که دور او را گرفته بودند، اشاره ای کرد و او هم به دو مرد مسلحی که نزدیک به شیرین در حیاط مدرسه نگهبانی می دادند، با سر اشاره ای کرد تا آنها از میان زنان راهی به سمت شیرین باز کنند و او را زیر تازیانه و مشت و لگد خود بگیرند. چهار روز بعد از ورودمان به مدرسه با شیرین آشنا شدم .. خواهرم نعام به اسهال و استفراغ دچار شده بود و شیرین که فارغ التحصیل رشته پرستاری بود، به کمک وی شتافت .. بعد از آن به یکی از دوستان صمیمی و نزدیکم تبدیل شد .. از او چیزهای زیادی یاد گرفتم، از جمله اینکه اینها چه کسانی هستند، چه اعتقاداتی دارند و چه سرنوشتی با وجود آنها در انتظار ماست.



زنان و دختران ایزدی

خیلی زود شیرین مثل یک فانوس به چراغ راه ما تبدیل شد، چون بسیاری از زنان و دخترانی که در آن مدرسه بازداشت شده بودند، به دلیل فقر از تحصیل و سواد محروم بودند و نمی دانستند، اطراف آنها چه اتفاقاتی در حال وقوع است و یکی از مهمترین چیزهایی که شیرین به ما یاد داد، این بود که ایزدی ها نیز همچون پیروان ادیان دیگر، خدای یکتا و یگانه را می پرستند. یک روز قبل از اینکه شیرین از سوی مردان مسلح مورد ضرب و شتم قرار گیرد، نزد ما آمد و خبر داد که ظرف یکی دو روز آینده قرار است، بین مردان داعش تقسیم شویم. به اعتقاد شیرین بهترین راه حل در این شرایط این بود که هر کدام از ما مسئولیت کودکی را به عهده بگیریم و وانمود کنیم که متاهل هستیم تا تمایل کمتری نسبت به پذیرش ما نزد عناصر داعش ایجاد شود. بعد از آن مرا صدا کرد و بسته کوچکی را به من داد و گفت: توش مقداری خاکستر هست، قرار شد، میون زن ها و دخترانی که زیباتر از بقیه هستن، پخش کنیم تا به

...خاطرات دردناک...

سر و صورت شون بمالن، زیبایی اشون زیاد بچشم نیاد .. ترس و وحشت وجودم را فرا گرفته بود .. به گفته شیرین قرار بود، فردا صبح مردان مسلح به مدرسه بیایند و هریک از میان ما یکی را انتخاب کنند و مابقی به زندان مخوف «بادوش» در موصل منتقل شوند .. دو مرد مسلح همچنان شیرین را زیر مشت و لگد خود داشتند که زنان و دختران سر آنها ریخته و سعی کردند، شیرین را نجات دهند .. آن دو مرد چون یورش زنان را دیدند، ترسیده و کنار رفتند. شیرین را به کلاسی که در آن مستقر بودیم، بردیم .. صورتش را خون گرفته بود و از درد شدیدی که در سر و پایش احساس می کرد، به خود می پیچید .. ترسیده بودیم، اگر او را از دست می دادیم، چه کار باید می کردیم؟ .. بعد از ظهر آن روز مردان مسلحی که از صدای خنده های آنها به راحتی می شد به شادی و خوشحالی آنها پی برد وارد مدرسه شدند تا سهم خود را از غنایم ببرند .. آنها را به گروه های سه تا چهار نفره تقسیم کردند .. هر گروه به همراه مردی که صحبت های امیر صحرا را ترجمه کرده بود، وارد کلاس ها و خیمه ها می شدند، زنان و دختران را برانداز می کردند و با تلفن های همراه اشان از آنها عکس می گرفتند و خارج می شدند تا عکس زن یا دختری را که پسندیده بودند، به آن مرد بدهند و بعد از مشخص شدن فرد مورد درخواست، از او خواسته می شد، از جا برخاسته و دوری بزند تا توسط مرد مسلحی که متقاضی او شده بود، مورد بازبینی قرار گیرد. وقتی آن مرد با چهار مرد مسلح وارد اتاق ما شدند، من پشتم را به آنها کرده و صورتم را با خاکستر سیاه کرده بودم، درحالی که سر خون آلود شیرین در بغلم بود .. خوشبختانه نگاه آنها به من نیفتاد، اما یکی از آنها که مسن تر از بقیه نشان می داد، نگاهش به عمه ام افتاد و خواستار او شد.

...خاطرات دردناک...



سه بار وارد اتاق شد و عمه ام را برانداز کرد و به آن مرد مترجم تاکید کرد که وی را می خواهد، لذا مرد مترجم چندین بار عمه ام را که رویش را به دیوار کرده بود، صدا زد و چون جوابی ندید، از میان زنان راهی به سمتش باز کرد تا این بار با قبضه تفنگش که آن را به شانه عمه ام می زد، صدا کند. دیگر چاره ای نبود و عمه ام می بایست، پاسخ می داد، لذا خواهرم کلی را که در کنارش بود، نزد من فرستاد و با سختی و سنگینی از جایش بلند شد .. شکمش را بیرون داد و دست هایش را به کمر زد و نگاهی به آن داعشی مسن که خواستار او شده بود کرد.

...خاطرات دردناک...

آن مرد وقتی عمه ام را در این وضعیت دید، قدمی به عقب رفت و بعد از اتاق خارج شد .. نگاهی به زن ها و دخترهایی که اطراف مان بودند، کردم، خنده هایشان را به سختی کنترل کرده بودند .. در این اثنا کلی یک باره گفتم:

- شکم عمه چقدر چاق شده

همین جمله کافی بود تا اتاق از خنده بترکد.. نگاهی دقیق تر به عمه ام کردم، همچنان سر جای خود ایستاده بود و دست به کمر داشت .. لباس آبی ارغوانیش از ناحیه شکم باد کرده بود .. شبیه زنی شده بود که پا به ماه است.

مراد خیلی زود متوجه شد، مسئولیت جدیدش که به توصیه عمویش به وی سپرده شده، بیش از آنکه به رسانه و ارتباطات مرتبط باشد، به ثبت نظرات و دیدگاه های چهار کارشناس عراقی، سوری و آلمانی و تهیه گزارش هایی از آنها جهت ارسال به والی نینوی مربوط است.

آنها تحرکات مردم موصل و وضعیت شهر را از طریق دوربین هایی که در نقاط مختلف و حساس شهر کار گذاشته بود، رصد می کردند و نتیجه مشاهدات خود را به اطلاع والی نینوی می رساندند.

این کارشناسان همچنین از تمام نقاط حساس و مهم شهر از جمله کلیساها، مساجد، مقابر و آثار تاریخی و باستانی هم دیدن کردند و در تمام این مشاهدات مراد نیز همراه آنها بود .. در بسیاری از موارد آنها پس از دیدن محل یا نقطه مورد نظر دستور منفجر کردن آن را می دادند و پس از انفجار دوباره به آنجا باز می گشتند تا از ویرانه های برجا مانده عکس و فیلم تهیه کنند و این به شدت مراد را آزار می داد، اما

...فاطرات دردناک...

مجبور بود، برای اینکه بفهمد، زنان و دختران ایزدی را کجا نگهداری می کنند، سکوت و با آنها همراهی کند.

پنج شنبه ها آن چهار کارشناس در یکی از دیوان های داعش جلسه ای برگزار می کردند تا مشاهدات یک هفته خود را در قالب یک گزارش تنظیم کنند و این به مراد اجازه می داد، از این دیوان به آن دیوان سرک کشیده و جویای وضعیت اسرا و کنیزهای ایزدی شود.

آن قدر در دیوان ها تردد کرده بود و پرس و جو کرده بود که همه او را می شناختند و سوال هایش شکی ایجاد نمی کرد .. شب ها وقتی به خانه عموییش که یکی از اتاق های طبقه دوم کاخش را به وی اختصاص داده بود، برمی گشت و با خود تنها می شد، از طریق «وایبر» ساعت ها با پسر خاله اش «ضیا» درباره به نتیجه نرسیدن تلاش ها و جست و جوهایش صحبت می کرد.

پیگیری های امور اسرا و کنیزهای ایزدی باعث شده بود تا به او اجازه داده شود، در دو بازار عرضه و فروش زنان و دختران ایزدی حضور یابد .. اولین بازار عرضه و فروش زنان و دختران ایزدی اوایل اکتبر در یکی از کاخ های بزرگ شهر موصل برگزار شد که پیشتر از آن یکی از نظامیان بلند پایه ارتش عراق بود.

در این حراج ۱۷ دختر و زن ایزدی در سنین مختلف فروخته شدند .. آنها را در یک ردیف به صف کرده و به گردانشان پلاک هایی انداخته بودند که روی آنها شماره هایی نوشته شده بود .. از شرم سرهایشان را به زیر انداخته بودند .. پنجاه و دو مرد از نقاط مختلف مناطق تحت اشغال داعش مثل گرگ های گرسنه ای که در انتظار

...خاطرات دردناک...

فرصت هستند تا شکار خود را تکه و پاره کنند، از آنها دیدن کردند. درخواست تعدادی از خریداران برای خرید مستقیم دو دختر ایزدی و عدم عرضه آنها و انجام تشریفات عرضه و فروش به دلیل زیبایی خیره کننده ای که داشتند و بیم از افزایش تقاضا و بالا رفتن قیمت و عدم توان پرداخت قیمت آنها، اعتراض تعدادی دیگر به این درخواست ها را به دنبال داشت و نزدیک بود به درگیری مسلحانه و نزاع خونین بین دو طرف منتهی شود و در حالی که دو طرف با صندلی ها به جان هم افتاده بودند، صدایی آنها را به خود آورد ..



شروع بازار برده فروشی زنان ایزدی

مرد نسبتا مسن و چاقی که ریش هایش تا شکمش می رسید و سر کچلی داشت وارد سالن شد و با فریادی بلند دو طرف درگیر را به خود آورد. از شکل ظاهریش اینگونه برداشت می شد که دارای پست و مقامی است، آن دو مرد را به اتاقی که از آن بیرون آمده بود، فراخواند و خود کار فروش دختران و زنان ایزدی را در دست

...ظاطرات دردناک...

گرفت و با صدای بلند گفت :-حراج شماره یک، اسمش «هاله» است ... سی سالشه ... صاحبش قسم می خوره که هرکی اونو بخره، هم آسایش و آرامش روز رو داره و هم شب ... قیمت پایه اش ۵۰ دلار ... کی خریداره... به این ترتیب، اولین حراج برده های ایزدی به پایان رسید. موعد حراج دوم ۵ روز بعد از حراج اول بود. با این تفاوت که مثل حراج اول چندان بزرگ و گسترده نبود و در یکی از سالن های کوچک کتابخانه عمومی شهر موصل برگزار شد و کسانی اجازه حضور در آن را داشتند که اولاً صد در صد خریدار باشند و از قبل بلیط شرکت در حراج را تهیه کرده باشند. در حراج دوم ۹ دختر ایزدی برای فروش عرضه شده بودند و قیمت هر یک از آنها ۲۰۰ دلار اعلام شد و از آنجا که شرط حضور خرید صد در صد بود، نام خریدار قرعه کشی می شد و این به شدت مراد را مضطرب می کرد که مبدا قرعه به نام وی بیفتد و او مجبور به خرید یکی از آنها شود. اما خوشبختانه نه «فیروزه» جزو بردگان عرضه شده برای فروش بود و نه مراد برنده قرعه کشی آنها شد..



...خاطرات دردناک...

موصلی که مراد حین تحصیل در ذهنش نقش بسته بود و از آن شور زندگی می بارید، با آنچه هم اکنون با چشمانش شاهد آن بود، تفاوت بسیار داشت. ده ها هزار نفر از مردم، به دلیل قوانین بسیار سختگیرانه داعش گریخته و به مناطق و شهرهای دیگر مهاجرت کرده بودند.

تمام آثار تاریخی و باستانی شهر نابود شده بودند، اما این پایان مصایب موصل نبود، چون داعش تغییراتی ریشه ای در ساختار و ترکیب اداری و اجتماعی شهر نیز ایجاد کرده بود. دیگر نام و نشانی از دادگاه های مختلف و دفاتر وکلا نبود و همه در دادگاه شرع خلاصه می شدند و همچنین مشاغل چون روزنامه نگاری و خبرنگاری و ترانه سرایی و خوانندگی به طور کامل برچیده شد.

در حوزه تحصیلات دانشگاهی ادامه تحصیل در رشته هایی مانند هنرهای زیبا، موسیقی، حقوق، علوم سیاسی و زبان های خارجه ممنوع اعلام شد و در کلاس هایی که برای مابقی رشته ها برگزار می شد، جدایی جنسیتی اعمال گردید و تعدیلاتی هم در دروس انجام شد. علاوه بر اینکه اشتغال زنان در خارج منزل ممنوع اعلام گردید و زنان هنگام خروج از منزل ملزم به استفاده از نقاب و همراهی با یکی از افراد ذکور خانواده شدند. خدمات تلفن همراه متوقف شد و کشیدن سیگار و قلیان و اصلاح ریش و زیارت اهل قبور و برخی بازی های مردمی و کوچه خیابانی تحریم گردید. حالا دیگر مردان و زنان «حسبه» یا پلیس دینی داعش در جای جای شهر پراکنده بودند و بر خصوصی ترین و کوچک ترین امور زندگی مردم نظارت داشته و به اسم دین در آن دخالت داشتند. بیش از یک سال از حضور مراد در صفوف داعش در موصل می گذشت. از دیدن شکل و قیافه خود در آینه وحشت داشت، حالا او هم در ظاهر یکی

...خاطرات دردناک...

از آنها شده بود، موهایی بلند و ژولیده و ریش هایی بلندتر از موها ... طی این مدت حضورش در موصل به هر دری زده بود تا نام و نشانی از فیروزه به دست آورد، به در بسته خورده بود. کم کم داشت نا امید می شد و به این فکر افتاده بود که بهتر است، فیروزه را فراموش کرده و به روستایش نزد پدر بیمارش باز گردد.



آن روز صبح مثل روزهای دیگر مراد به همراه تیم کارشناسانی که آنها را همراهی می کرد، شاهد تحرکات و رفت و آمدهای غیر عادی کارمندان یکی از دیوان های اداری داعش بود که در آنجا حضور داشت، همه مثل اینکه کسی آنها را تحت پیگرد قرار داده و به دنبال آنهاست، درحال فرار بودند.

مراد با یکی از آنها نزدیک دستشویی برخورد کرد و دلیل این هرج و مرج را پرسید. آن مرد توضیح داد که «حاج خلیل ... جغد شوم» از اولین ساعت آغاز کار به دیوان آمده و حتما خبرهای شومی با خود به همراه دارد. حاج خلیل که به وی جغد شوم می گفتند، مسئول دایره ثبت اموات و مردگان داعش در عراق و سوریه بود و همه

...خاطرات دردناک...

از وی مثل «عزرائیل» فرار می کردند. مراد تلاش کرد با فرد دیگری در راهرو دیوان صحبت کند و اطلاعاتی در این زمینه بگیرد، اما بی فایده بود و همه فرار کرده بودند، وقتی به خود آمد، خود را در راهرو مقابل مردی مسن که با آرامش و طمأنینه راه می رفت، تنها دید.

حدس زد که این باید همان کسی باشد که موجب فرار همه شده و در یک نگاه حق را به کارمندان دیوان داد که از حاج خلیل فراری باشند، چراکه با نگاه تیز و غضبناکش و ابروهای پر پشتش به هر بیننده ای القا می کرد که فردی سنگ دل و بی رحم است. وی تنها کسی بود که ریش و سبیلش را می تراشید و کت و شلوار به تن داشت و کروات می بست. همین که دو سه قدمی از مراد دور شد، ایستاد، برگشت و دوری زد ... با تعجب مراد را برانداز کرد، مثل اینکه باورش نمی شد، کسی پیدا شده که از وی نترسد و از مقابلش فرار نکند.

حاج خلیل ماهی یک بار به دیوان مرکزی تبلیغات و اطلاع رسانی داعش در موصل می آمد تا لیست فوتی های ارسال شده از سوی عشایر روستاها و دیوان های شرع و حسبه و امنیت عمومی و بهداشت و سربازگیری استان نینوی را دریافت کند و بعد راه دیگر مناطق و شهرهای تحت تصرف داعش در عراق و سوریه را پیش می گرفت تا همین لیست ها را نیز از آنجا دریافت کرده و آنها را در دفاتر خود ثبت کند.

با دیدن حاج خلیل مراد فکری به ذهنش رسید ... غافل از اینکه بیشتر از یک سال بود، این جغد شوم چشم به «فیروزه» داشت و در این مدت فیروزه حتی یک بار هم سرش را بلند نکرده بود تا به او نگاه کند یا به پرسش هایش پاسخ دهد. وقتی چهره

...خاطرات دردناک...

اش را به خاطر می آورد، ناخود آگاه به خود می گفت: «تو از همون زن هایی هستی که برای حفظ شرفت مرگ رو به جون می خری.»

وقتی مراد با حاج خلیل در حیاط دیوان هم کلام شد، باران شروع به باریدن کرده بود، می خواست، نگاهی به دفاتر مرگ و میر آن جغد شوم بیندازد، شاید نام فیروزه را در آنها پیدا کند. صحبت با حاج خلیل خیلی سخت تر از آن بود که مراد تصور می کرد، دست و پایش را گم کرده بود، تلاش می کرد، هر طور شده خود را جمع و جور کند، اما بی فایده بود، خوشبختانه قبل از اینکه حرفی بزند، جغد شوم باب صحبت را باز کرد و از مراد پرسید: تازه واردی؟

-نه چندان ... قبلا دانشگاه موصل درس می خوندم

-مردم می دونن کارم چیه و معمولا ازم وحشت دارن، تو...

مراد حرف او را قطع کرد و گفت: ثبت مرگ و میر هم یک شغل است و جای ترس نداره، اما مردم چنین دیدگاهی ندارن .. حالا دیگر باران به شدت می بارید، مراد بدون اینکه به حرفی که می خواهد بزند، فکر کند، گفت: اجازه می دین، نگاهی به دفاتر ثبت مرگ و میرها توی یه سال اخیر بندازم .. شانس با من و عمه و خواهرانم این بار یار بود و همچنان با هم بودیم. مردان مسلح بسیاری از زنان و دخترانی که با ما به اسارت گرفته شده بودند و یا از روستاها و مناطق دیگر آورده می شدند، را پسند کرده و با به عنوان کنیز و غنیمت جنگی با خود بردند. ما مانده بودیم و سه پیر زن که برای انجام کارهای خدماتی زندان «بادوش» موصل از جمله پخت و پز و تمیز کردن زندان و تر و خشک کردن زخمی ها که برخی مواقع به آنجا آورده می شدند و شستن

...ظاطرات دردناک...

لباس ها به آنجا منتقل شدیم. وقتی به زندان رسیدیم، ما را به دو گروه مجرد و متاهل تقسیم کردند. متاهل ها مسئولیت پختن غذا و شستن لباس ها و تمیز کردن سلول ها و راهروها و دستشویی ها را برعهده داشتند و مجردها نیز موظف بودند، غذای زندانیان و مجروحان و نگهبانان و نظامیان را به آنها برسانند و در موارد نیاز به عنوان دستیار پزشک در کنار پزشکانی که مداوای مجروحان و بیماران را انجام می دادند، باشند و در نبود آنها نقش پرستار را ایفا کنند.

غیر از ما «شیرین» هم به زندان بادوش منتقل شد ... او را به سلول انفرادی انداخته بودند و به دستور «امیر صحرا» مسئولیت رسیدگی به او، به دلیل زخم هایی که طی حمله آن دو مرد مسلح داعشی برداشته بود و همچنین شکستگی پایش به یک پزشک پاکستانی محول شده بود که روزی دو بار صبح و عصر او را ویزیت می کرد.

بعد از یک هفته التماس به «ابو عایشه العفری»، مسئول زندان و به توصیه آن پزشک پاکستانی که درخواست یک دستیار زن کرده بود تا در رسیدگی به شیرین و دادن غذا به او کمک کند، اجازه ملاقات با شیرین را به من دادند.

وضعیت اسفباری داشت ... در نگاه اول مثل یک بچه قنذاق پیچ بود، چراکه جراحت های بسیاری برداشته بود و اغلب نقاط بدنش را باند پیچی کرده بودند، حتی نیمی از صورتش هم باند پیچی بود و با یک چشم می دید. او را که دیدم، بی اختیار اشک هایم جاری شد و با صدای بلند شروع به گریه کردم ... شیرین با اینکه صدایش خیلی بی رمق و خسته نشان می داد، اما با همان مهربانی و عطوفت از من خواست، برای گذشته گریه نکنم، چیزی که رفته باز نمی گردد، به جای آینده و راه حلی برای

...فاطرات دردناک...

وضعیت خودمان باشیم. بعد رو به من کرد و گفت: ازت خواهش می‌کنم، کاری کن پاک بمونم .. من با تعجب نگاهی به او کردم ... بعد شروع به واری لباس‌ها و رختخوابش کردم که اگر جایی خون آلود و کثیف است، را تعویض کنم ... او که متوجه شده بود، منظورش را نفهمیده ام، دستم را گرفت، به طرفش خم شدم، در گوشم به آرامی گفت: امیر صحرا دستور مداوای منو داده تا کنیز اون بشم ... بعد از بهبود باید نزدش برم ... ازت می‌خوام، کاری کنی، خوب نشم .. چطور می‌تونم این کارو کنم .. منو بکش

کار در آشپزخانه به من یاد داد، با جدیت کار کردن و اطاعت از حاجیه رقیه افغانی و دو کمک آشپز چاق و بد جنسش، ضامن در امان ماندن من و خواهرانم از نگاه‌های ناپاک نگهبانان زندان هنگام گرفتن غذا و باز گرداندن ظرف‌های خالی یا هنگام تردد در راهروها برای رفتن به سلول شیرین است.

همچنین دریافتم که از بین بردن و اسراف در غذا و بی‌احترامی به ما فوق‌موجب طرد من از زندان و فروشم در بازارهای برده‌فروشان است. به یاد دارم، این سرنوشتی بود که یکی از زنان خدمتکار در زندان به نام «منیعه» به آن دچار شد که زن یک تاجر ثروتمند در سنجان بود. جرم وی عدم تبعیت از فرمان شستن کاهو بود که در دین ایزدی‌ها جزو محرمات شمرده می‌شد تا به اتهام نافرمانی یک زن کافر در منطقه ای که زندگی می‌کرد، پس از خوردن ۵۰ تازیانه به عنوان برده فروخته شود.

حاجیه رقیه به من اجازه می‌داد، خواهرم نعام را با خود به آشپزخانه بیاورم و پس از پایان پخت غذا و پخش آن کنارم می‌نشست و سعی می‌کرد، کلماتی پیدا کند

...فاطرات دردناک...

که بتواند با آنها با من ارتباط برقرار کند، چون فقط زبان افغانستانی بلد بود. فرستادن دختران مجرد جهت توزیع غذا بین نگهبانان زندان و پرستاری از مجروحان به عمد صورت می گرفت تا مورد پسند نگهبانان قرار گرفته یا زمینه فروش آنها در بازارهای برده داری فراهم و یا به عنوان کنیز به امرا و سرکردگان داعش اهدا شود و هنگامی که یکی از دختران از سوی یکی از آن مردان مسلح پسندیده و انتخاب می شد، می بایست با وی راهی شود و زندگی جدیدش را با آن فرد آغاز کند. یک شب که مثل همیشه عمه ام از درد دست هایش به دلیل شستن خوارها لباس و ملافه و رختخواب و پهن کردن آنها ناله می کرد، صدای جیغ و فریاد زنان از سلول های مجاور توجه ما را به خود جلب کرد، دوان دوان خود را به آنجا رساندیم.

دو تن از دختران ایزدی را دیدیم که برای ساکت کردن فریادهای یکی از دختران و نرسیدن صدایش به گوش زندانبانان روی دهانش بالش گذاشته و آن را محکم فشار می دادند. وقتی با دقت نگاه کردیم، دیدیم که بازوی آن دختر شکسته است. وقتی دلیلش را سوال کردیم، متوجه شدیم، چون متوجه می شود، چشم یکی از زندانبانان روی اوست، برای نجات دادن خود از نگاه های ناپاک او، تنها راه را در ضرب و شتم خود و شکستن دستش می بیند. این موضوع دختران و زنان دیگر را نیز تشویق به این کار کرد و به این ترتیب ظرف سه روز ما شش دختر و زن داشتیم که در نواحی مختلف بدن دچار شکستگی شده بودند، اما از تجاوز و تعرض مردان مسلح در امان مانده بودند. از زمانی که با خواسته شیرین که گفته بود، او را بکشم تا به دست امیر صحرا نیفتد، مخالفت کرده بودم، با من قهر کرده بود و حرف نمی زد، حتی غذا را هم از دستم نمی گرفت و اعتصاب غذا کرده بود. به هر طریقی متوسل شده بودم

...فاطرات دردناک...

تا او را به حرف بیاورم، اما بی فایده بود ... یک روز وقتی مثل روزهای قبل برای دادن غذا وارد سلولش شدم و او هم از خوردن امتناع کرد، به او گفتم که چطور می تواند، از من بخواهد که او را بکشم، مگر نمی داند که دین ما این کار را حرام کرده است. اما مثل همیشه پاسخ وی سکوت بود ... ناامید بلند شدم تا سلولش را ترک کنم که یک باره به حرف آمد و گفت: برادر کوچیکم و پدرمو اعدام کردن و بدنشون رو جلوی در خونه به حال خود ول کردن تا سگ ها چند روز بدن اونارو تیکه تیکه پاره کنن ... تو این دنیا دیگه کی برام مونده که به امیدش بخوام به زندگی ادامه بدم



صبح روز بعد درب سلول های ما را باز نکردند تا بر سر کارهایمان برویم ... درحالی که عمه ام زیر لب زمزمه می کرد که بلاخره خدا دعاهایش را مستجاب کرده و او را از شر شستن لباس ها راحت کرده، همه ما می دانستیم، باید در انتظار خبر ناخوشایندی باشیم.

...خاطرات دردناک...

ظهر بود که «ابو عایشه العفری»، مسئول زندان به همراه سه مرد مسلح که برای اولین بار آنها را می دیدیم، وارد سلول امان شد و به آن سه مرد دستور داد، زنانی که دست های اشان شکسته اند، را از ما جدا کرده به سلول دیگری ببرند و به آنها لباس های نارنجی رنگ بدهند تا به تن کنند، چون دادگاه شرع حکم اعدام آنها را به این جهت که هیچ سودی برای خلافت اسلامی ندارند، صادر کرده است ... با شنیدن این حرف صدای ضجه زنان و کودکان به آسمان برخاست ... با این حال گفت که تمام تلاش خود را می کند تا حکم اعدام را تغییر دهد.

عصر بود که ابو عایشه به همراه مرد دیگری که عمامه سفید بزرگی به سر داشت، به زندان بازگشت و به ما خبر داد که با درخواست اش موافقت شده و خلیفه «ابو بکر البغدادی» این زنان را مشمول عفو خود قرار داده، مشروط به اینکه همه شما اسلام آورید، در غیر این صورت علاوه بر اعدام این زنان، با الباقی زنان و دختران به عنوان کنیز برخورد خواهد شد و به مردان مسلح اهدا خواهیم شد.

با این حرف دیگر چاره ای جز تغییر دین امان نداشتیم، لذا با تکرار کلماتی که آن مرد عمامه به سر می گفت، نشان دادیم که به خواست خلیفه تن داده و مسلمان شده ایم.

شیرین از وضعیت آن روز ما که در سلول هایمان زندانی شده بودیم، استفاده کرد و با سرگرم کردن آن پزشک پاکستانی که برای ویزیتش به سلولش رفته بود، یکی از آمپول ها را برداشته، زیر لباس هایش پنهان می کند تا با رفتن پزشک نقشه ای را که در سر داشت، عملی کند. وقتی به سلولش رسیدم، درب سلول باز بود ... پاهایم

...خاطرات دردناک...

توان حرکت را از دست داده بودند و در دل دعا می کردم، با آنچه به ذهنم خطور کرده بود، مواجه نشوم ... وقتی بالا سرش رسیدم، قلبم به درد آمد، بدن بی جانم وسط سلول به پشت افتاده بود ... نزدیک تر شدم، نگاهم به دست چپش افتاد که پر از جای زخم بود ... خون جای جای سلول را فرا گرفته بود ... اما لبخندی شیرین مثل نامش روی صورتش دیده می شد ... او مرگ را بر اسارت در دست داعش و تاراج عفت و شرافتش ترجیح داده بود.

«وضاح» در سالن تئاتر «ابن الاثیر» موصل زیر نور چراغ های سن، در برابر سرکردگان و امرا و فرماندهان و قضات شرع داعش خودنمایی می کرد ... صحبتش را با اماکن دینی و مزارهای مقدس موصل و نابودی آنها به دست داعش شروع کرد و در ادامه گریزی به آثار باستانی و تاریخی شهر زد و درحالی که پراژکتور روی پرده نمایش سالن، آثار باستانی و تاریخی بسیار ارزشمند و گران قیمت موصل که به عنوان غنیمت نزد خلافت اسلامی نگه داشته می شد، را نشان می داد، وضاح توضیح داد که این آثار بعد از اینکه خلیفه ابو بکر اجازه داد، دخل و تصرف در آن صورت می گیرد و به جهت اینکه فروش آنها به دلیل ثبت در یونسکو با مشکلات بسیاری مواجه هست و ارزش بسیار بالایی هم دارند، لذا عایدات حاصل از فروش عایدات آنها به حساب خزانه خلافت اسلامی یا همان بیت المال واریز می شود.

وی در ادامه از برادران خواست، از پخش فیلم هایی که تخریب و نابودی این آثار را نشان می دهد، نیز خودداری کنند، چون به اعتقاد وی این فیلم ها موجب کاهش بازار تقاضا برای آثار تاریخی و باستانی در دست خلافت اسلامی خواهد شد و این

...خاطرات دردناک...

ذهنیت را در اذهان خریداران شکل خواهد داد که آثار مزبور طی تخریب آسیب دیده و یا تقلبی هستند.

به همین دلیل وضاح از یکی از قضات شرع دعوت کرد، با آمدن روی سن، فتوایی در زمینه عدم انتشار چنین فیلم ها و ویدئو کلیپ هایی برای شهروندان خلافت اسلامی صادر کند و به ظن و گمانش، از یک طرف خیال خود و خلافت را با ابزار فتوا راحت کند و از طرف دیگر شک و شبهه ای در دل شهروندان درباره پاکی و درستی خلافت از حیث رسیدگی به مردمانش ایجاد نکند. حاج خلیل که می دید با بالا رفتن سن اش دیگر توان سابق را برای ثبت فوتی های خلافت اسلامی ندارد، مراد را فرصت خوبی دید تا از او را به عنوان کارمند نزد خود استخدام کند. مراد هم که رویای دسترسی به پرونده های حاج خلیل را در سر می پروراند، تمام تلاش خود را به کار می بست تا هرچه بیشتر به وی نزدیک شود و خود را مشتاق این کار نشان دهد.



...خاطرات دردناک...

لذا به محض اینکه حاج خلیل پیشنهاد کار در دفترش را به وی داد، مراد بدون از دست دادن فرصت پذیرفت و به این ترتیب رسماً به استخدام حاج خلیل درآمد. آموزش مراد با فوت و فن کار چندان سخت نبود و او خیلی زود با نحوه ثبت آمارها آشنا شد. در دفاتر ثبتی حاج خلیل به هر فرد یک برگه اختصاص داده شده بود که در آن علاوه بر نام و نام خانوادگی فرد، مشخصات دیگری همچون نام پدر، مادر، جنسیت، محل تولد، تاریخ تولد، تاریخ فوت، محل فوت، دلیل فوت، نحوه فوت، شماره شناسنامه و محل و مکان دفن هم نیز ثبت می شد.

در خصوص افراد مجهول الهویه نیز تلاش می کرد، نشانه و اثری در بدن آنها یافته و یا اگر پلاک شناسایی به همراه داشته باشند، اطلاعات پلاک را در دفتر خود ثبت کند.

این افراد در گورستان های خاصی دفن می شدند و روی سنگ قبر آنها به جای نام و نام خانوادگی شماره ای نوشته می شد که حاج خلیل در دفتر ثبتش به آنها اختصاص می داد.

تعدادی از مردم شهر بدون توجه به بارش باران، در میدان «باب الطوب» در مرکز شهر موصل جمع شده بودند تا شاهد اجرای حکم اعدام علیه یکی از جوانان شهر باشند که بنابر ادعای دیوان حسبه یا همان پلیس دینی داعش به جاسوسی برای کفار متهم شده بود.

به همین دلیل برای ثبت فوت از حاج خلیل خواسته شده بود که در محل اجرای حکم حضور یابد. حاج خلیل و مراد، خود را به میدان باب الطوب رسانده بودند و چون

...فاطرات دردناک...

ساعتی به زمان اجرای حکم باقی مانده بود، وارد یکی از قهوه خانه های دور میدان شدند تا نفسی تازه کرده و استکان چایی بنوشند.



میدان اصلی شهر و زمان اجرای حکم توسط داعش

حاج خلیل به مراد گفت که تا زمانی که حکم اجرا نشده و از مرگ محکوم اطمینان حاصل نکرده، نمی تواند نام وی را به عنوان فوتی وارد دفتر کند ... پس از اجرای حکم نیز باید خود بالای سر محکوم حاضر شده و از مرگ وی اطمینان حاصل کند و بعد حصول اطمینان نام و نشان وی را وارد دفتر کند. لذا پس از اجرای حکم اعدام علیه آن جوان بیچاره بر سرش حاضر شد و پس از حصول اطمینان از مرگش به مراد دستور داد تا نام و نشان وی را وارد دفتر ثبت فوتی ها کند.

ماموریت آن روز مراد و حاج خلیل مراجعه به پزشکی قانونی داعش در بیمارستان

...فاطرات دردناک...

مرکزی و قدیمی شهر بود، چون خیر رسیده بود که ۲۰ جنازه جدید از مردان مسلح داعش به بیمارستان رسیده و باید نام و نشان آنها در دفتر فوتی ها ثبت می شد.

تابعیت همه جنازه ها اروپایی و غیر عربی بود که در خلافت اسلامی به آنها «جیش العسره» می گفتند و منظور اروپایی‌ها و غیر عرب‌هایی بودند که از کشورهای خود به سرزمین خلافت اسلامی مهاجرت و در آن اقامت کرده بودند و برای دفاع از آن به مجاهدین پیوسته بودند.

دیوان جنگ و سربازگیری داعش اطلاعات زیادی درباره این افراد به حاج خلیل نمی داد و همیشه در قبال این افراد از او می خواست، آنها را تحت عنوان غیر نظامی در دفاتر خود ثبت کند، به همین دلیل درباره ثبت نام و نشان این ۲۰ جنازه هم از وی خواسته شد، آنها را تحت عنوان غیر نظامیانی که طی ۲۴ ساعت گذشته فوت کرده بودند، ثبت کند.

حاج خلیل در مسیر سر صحبت را برای اولین بار با مراد باز کرد:

-همیشه سعی دارن، میزان و حجم خسارت ها به خصوص کشته ها رو کم کنن، به همین دلیل آمار و ارقام مذکور در گزارش های ماهیانه دیوان مرکزی اطلاع رسانی خلافت دقیق و درست نیست و این کار رو برام سخت می کنه چون مجبور میشم، برای گرفتن آمار دقیق و درست خودم در بسیاری از محل ها حاضر بشم

مراد پرسید: چرا این کار رو می کنن

-چون از مرگ و مردن می ترسن

...ظاطرات دردناک...

حاج خلیل جلوی ماشینی که در مسیر با آن مواجه شده بود، را گرفت و به شیشه راننده که آن را بالا کشیده بود، چند ضربه زد ... راننده شیشه را پایین کشید ... سرش را بیرون آورد، نگاهش به مراد دوخته شده بود، درحالی که حاج خلیل همچنان به صحبت هایش ادامه می داد: اغلب کسانی که از چار گوشه دنیا به اینجا اومدن هدف اول و اخرشون پیدا کردن و استفاده از فرصتی هست که تغییر و تحولی توی زندگی یه نواخت اشون ایجاد کنه

بعد از اینکه از راننده خواست، اجازه بدهد، ما سوار ماشین اش شویم و با او تا جایی که هم مسیر هستیم، همراه باشیم، افزود:

-البته در میون این افراد، هستن کسانی که به خاطر داشتن سوابق جنایی و کیفری از کشورهاشون فرار کردند و به سرزمین های خلافت اسلامی مهاجرت کردن یا مهاجران و پناه جویانی هستن که نتونستن توی کشوری پناهندگی بگیرن و البته میون اونا هم هستن کسانی که دنبال مال و ثروت و زنان و دختران زیبا رو هستن حاج خلیل نگاهش را به مراد دوخت که با دقت بسیار به حرف هایش گوش می کرد و انگار وی را تشویق به سخن گفتن بیشتر و بیشتر می کرد، به همین دلیل صحبت را از سر گرفت و ادامه داد: اینجا توی موصل کسی رو نمی تونی پیدا کنی که فی سبیل الله کار کنه ... حتی انتحاری ها ... اونایی که خودشونو با کمربندهای انفجاری یا ماشین های بمبگذاری شده منفجر می کنن یا به اسم جهاد در جبهه ها می جنگن ... همه یه هدف دارن ... توی اسمونا به چیزایی برسن که روی زمین بهش نرسیدن راننده که حرف های حاج خلیل را می شنید، خندید و رو به حاج خلیل کرد و گفت:

...خاطرات دردناک...

تو هم حاجی یکی از اونایی یادت رفته ... اگه غنایم و حور العین اونا رو پس میزدی
به خاطر نافرمانی نزدیک بود، به زندان بندازنت

راننده برگشت و نگاهی به مراد کرد و مثل کسی که در دادگاه شهادت می دهد،
گفت: من یکی که دست روی قران میزارم، توی زندان می پوسیدم و می مردم، اگه
وساطت حاج ... نبود و منو از زندان بیرون نمی آورد

به اسم حاجی که رسید، نام را جویده جویده گفت، گویی نمی خواست، متوجه نام
وی شوند ... صحبت هایش که به اینجا رسید، حاج خلیل بار دیگر رشته صحبت را
در دست گرفت و گفت برای جذب افراد خلافت اسلامی توی سایت های اینترنتی
دنیا رویایی و خیالی برا این افراد ترسیم می کنه ... به اونا وعده های طلائی و
بزرگی میده و اونا رو اینطوری سعی می کنه فریب بده ... اما وقتی این افراد وارد
سرزمین و دنیا خلافت میشین و واقعیت ها رو می بینن شوکه میشین ... از طرفی
خلافت هم چنان اونا رو می ترسونه که تنها کاری که از دستشون برمیداد، اینه که
چشم به اسمون بدوزن و از خدا طلب نجات کنن ... برا همینه که وقتی میمیرن بالا
سرشون که حاضر می شی می بینی، چشمشون به اسمون دوخته شده ... این به
خاطر تضرع و ایمان و خوف از خدا نیست، نه، به خاطر طلب نجات و ترس و وحشت
از مرگ .. راننده بار دیگر خنده ای کرد ... حرف های حاج خلیل مراد را به فکر فرو برده
بود ... راست می گفت ... خودش را می دید که از مرگ می ترسید و ترس از مرگ
موجب شده بود تا از قوانین نفرت انگیز خلافت اسلامی در بلند کردن ریش ها و
لباس های بلند و گشادی که می پوشید و از آنها نفرت داشت، تبعیت کند. حاج خلیل
افزود: این افراد بعد از اینکه همه رویاهای خود را بر باد رفته می بینن، ترس و

...خاطرات دردناک...

وحشت از خلافت تمام وجودشون رو فرا می گیره، به خصوص که کوچک ترین مخالفت و تمرد با مجازات مرگ مواجه میشه ... من خیلی خوب می تونم، این ترس و وحشت رو توی چشماشون بخونم ... اینکه توی برزخ هستن ... نه دنیا رو دارن ... نه آخرت رو ... زندگی و جونشون رو دوست دارن و نمی خوان بمیرن .. مراد خیلی زود متوجه شد، بر خلاف چهره ظاهری حاج خلیل که مردی بی رحم و خشن نشان می داد، در باطن روح نرم و لطیفی دارد، به گونه ای که می توانست، هر چیزی از جمله مرگ را به سخره بگیرد. همچنین دریافت که قدرت بسیار زیادی در خواندن باطن افراد دارد، به همین دلیل بسیاری از مردم از نگاه مسقیم به وی ترس داشتند ... علاوه بر آن هرچه بیشتر با افکار و باورها و اعتقادات اش آشنا می شد، بیش از پیش از شیفته او می شد و از میان این افکار و اندیشه ها بیشتر از همه دیدگاه هایش درباره داعش را می پسندید ... به خصوص که برخلاف ظاهرش به شدت مخالف قوانین و مقررات داعش بود.



...خاطرات دردناک...

انتظار داشتم، وقتی مسلمان شدیم، سختگیری هایشان به ما کمتر شود، اما برخلاف انتظار این عاملی شد تا هر روز یکی از ما به بهانه‌های مختلف به یکی از افراد مسلح اهدا شود ... بعدها فهمیدیم، مهمترین عامل دخیل در قربانی کردن ما، زنی به نام «خُدام» بود که اصالتا سوری بود و به ما قوانین و دستورات اسلام را آموزش می داد. جمع ما در زندان بادوش موصل ۵۶ نفر بود ... ۹ زن مسن، ۱۲ دختر جوان، ۱۵ زن متاهل جوان و ۲۰ کودک ... به ما خبر دادند که به دلیل حملات هوایی کفار و صلیبی ها که منظورشان نیروهای متحدین به رهبری آمریکا بود، دیگر زخمی های داعش برای مراقبت و پرستاری به بادوش منتقل نمی شوند، لذا حضور ما در بادوش چندان به درد نمی خورد و می بایست، برای امور دیگر مورد استفاده قرار می گرفتیم یا

روخته می شدیم و این غمی بزرگ در جان ما انداخت. عمه «ندیمه» پنجمین طشت لباس ها و ملافه های چرک را هم تمام کرد ... خیلی خوشحال بود، از اینکه می دید، کارش کمتر شده و زندان بادوش به پایگاه یکی از گروه های وابسته به «گردان العسره» تبدیل می شود.

اون روز برخلاف روزهای دیگر عمه ندیمه بعد از پایان شستن لباس ها و پهن کردن آنها، حتی کف سلول های خالی و راهروها را هم تمیز کرد و چون کارش زود به اتمام رسید، تصمیم گرفت، سری به «فیروزه» در آشپزخانه بزند.

هنوز پایش به آشپزخانه نرسیده بود که «ابو عایشه العفری»، مسئول زندان وارد آشپزخانه شد و با صدای بلند خطاب به عمه ندیمه گفت:

...خاطرات دردناک...

-چرا اتاقم رو تمیز نکردی؟ عمه ندیمه با تعجب جواب داد:

تمیز شده ... اتفاقا اول صبح اونو تمیز کردیم ..

-جواب منو نده ... وقتی میگم، تمیز نشده، رو حرف من حرف نزن ... زود باش،

بجنب ... برو تمیزش کن

-چشم

عمه ندیمه با قدم های سنگین راه بازگشت را پیش گرفت، در حالی که زیر لب به دخترها به گمان اینکه واقعا اتاق ابو عایشه را تمیز نکرده اند، ناسزا می گفت ... سطل آب را پر کرد و دستمال های تمیز کاری را برداشت ... به اتاق ابو عایشه که رسید، وسایلش را روی زمین گذاشت، وارد اتاق شد ... دنبال کلید برق بود تا چراغ را روشن کند ... وقتی کلید را زد، تعجب کرد ... همه چیز مرتب و تمیز بود، مثل کسانی که به چشمانش اعتماد نداشته باشد، جلوتر رفت تا همه چیز را از نزدیک کنترل کند.

درحال کنترل اتاق بود که ابو عایشه وارد اتاق شد، عمه ام برگشت، نگاهی به او کرد و گفت: اما اقا اینجا که همه چی مرتب و تمیزه .. ابو عایشه، در حالی که درب را پشت خود می بست و بعد آن را دو قفله می کرد، جواب داد: می دونم ... تو رو به اینجا کشوندم که بگم، از میون اونو تو هم سهم من هستی .. عمه ندیمه که پی به نیت شوم ابو عایشه برده بود، همان طور که عقب عقب می رفت، التماس می کرد: آقا کفش اتون رو می بوسم ... به من پیر زن کاری نداشته باشین ... من بچه کوچیک دارم .. ابو عایشه با فریادی بلند عمه ندیمه را ساکت کرد: خفه شو ... فکر می کنی، نمی دونم، اون دو تا دختر بچه، برادرزاده هات هستن که مادرشون

...خاطرات دردناک...

سال پیش پای تنور سخته کرد و مُرد و پدرشون به خاطر بد مستی زندان بود ... اینکه تو فرزندی نداری و شوهرت ۱۰ سال فلج توی رختخواب افتاده بود و چند ماهی هست که فوت کرده .. حالا ابو عایشه فاصله ای با عمه ندیمه نداشت، در حالی که عمه همچنان التماس می کرد ... التماس های عمه ابو عایشه را به مرز جنون رسانده بود ... او را به سمت تخت پرت کرد و بیهوش روی تخت افتاد ... خیلی زود متوجه واقعیت امر شدیم ... عمه ندیمه اولین قربانی از جمع ما شمرده می شد.

حاجیه رقیه یک ساعت قبل از اعزامش به شهر «رقه» در سوریه و کار در یکی از زندان های این شهر، مرا صدا کرد ... داخل راهرو سرک کشید، مثل اینکه می خواست مطمئن شود، کسی صدایش را نمی شنود، بعد درب آشپزخانه را بست و مرا کنار خود روی یکی از نیمکت های آشپزخانه نشاند و گفت: می خوام چیزی بهت بگم، اما قول بده، درباره اش با هیچ کس حرف نزنم، چون این طوری جون منو به خطر می اندازی درحالی که از ترس رو به مرگ بودم، قول دادم، در هیچ شرایطی رازش را برملا نکنم ... وقتی مطمئن شد، گفت: قراره شما رو فردا صبح به موصل ببرن و اونجا بفروشن

از وحشت سرنوشتی که در انتظار من و خواهرانم بود، به دست و پای حاجیه رقیه افتادم، التماس کردم، هرجا می رود، من و خواهرانم را هم با خود ببرد، به او قول دادم، خیلی بیشتر کار کنم و علاوه بر آشپزخانه در تمیز کردن سلول ها و شستن لباس ها هم به او کمک کنم.

اما او سر تکان داد و گفت که تا حالا هم بارها مانع از فروش من شده و هر بار که آمده اند، مرا با خود برای فروش ببرند، مانع آنها شده است ... بعد دست داخل جیب

...خاطرات دردناک...

خود کرد و از آن چیزی بیرون آورد، در دستم گذاشت، دو برگه کاغذ بود ... دو تا صد دلاری تا آن زمان، این مبلغ پول را به چشم ندیده بودم، گفت: به خدا همین اندازه داشتم، اما با این دویست دلار می تونی، پول آزادی خودت و خواهرات رو تامین کنی و خودتون رو آزاد کنید .. همدیگر را بغل کردیم و بعد از خدا حافظی از هم جدا شدیم .. عمه ام بعد از آن حادثه، دیگر مثل سابق نبود، مثل اینکه دیوانه شده بود ... مرتب با خودش یا با همسرش حرف می زد و گریه می کرد ... شب ها از جایش بلند می شد و مثل شبگردها در راهروهای زندان راه می رفت ... همه اش می گفت، چیزی که از دست رفت، دیگر برنمی گردد ... تا اینکه یک شب رفت و دیگر برنگشت ... نمی دانم چطور شد و به کجا رفت، هرچه بود، آنکه هرچه گشتیم، او را پیدا نکردیم، برای مسئولان زندان هم گم شدن او اهمیتی نداشت ...

زنان مسن زندان به من گفتند که آخرین شب شنیده بودند که درب زندان باز شده و کسی از آن بیرون رفته، اما ندیده بودند که او چه کسی بوده و بعد از آن درب های زندان قفل شده بود.

با طلوع آفتاب ابو عایشه وارد سلول ها شد و به ما دستور داد، لباس هایی را که با خود آورده بود، تن کنیم ... پوشیدن لباس ها که به پایان رسید، گردن هریک از ما پلاکی که شماره ای داشت، انداخته و تک تک عکس گرفتند.

داخل آن لباس ها احساس خفگی می کردم، اما برای اولین بار می توانستم، بدون مزاحمت و بدون اینکه مرا ببینند، به مردان داعش خوب نگاه کنم ... کولی از ترس اینکه مرا گم کند، دستم را محکم گرفته بود، می گفت، لباس همه زنان یک شکل

...خاطرات دردناک...

است و می ترسد، با رها کردن دستم دیگر نتواند، مرا پیدا کند. دو تا مینی بوس منتظر بودند تا ما را به شهر موصل انتقال دهند ... من و دو خواهرم آخرین افرادی بودیم که سوار ماشین شدیم و انتهای آن کنار شیشه جایی برای خود دست و پا کردیم ... ماشین ها به راه افتادند و من همچنان به زندان نگاه می کردم و چشم می گرداندم، شاید عمه ام را ببینم ... بلاخره او را دیدم، پشت پنجره یکی از اتاق های زندان او را دیدم ... فریاد زدم، راننده توقف کند، اما فریادم در صدای گریه ها و ضجه های زنان و دختران گم شد و به گوش نرسید.



یک آن احساس کردم، روح شیرین در وجودم حلول کرده، کولی و نعام را به کناری زدم و به طرف راننده رفتم ... به زبان گُردی فریاد زدم، ماشین را متوقف کند ... یکی

...خاطرات دردناک...

از نگهبانان اعتنایی به آنچه می گفتم، مرا به عقب ماشین پرت کرد و از من خواست ساکت شوم. اما جای سکوت و آرامش نبود، برای همین یک بار دیگر از جایم بلند شدم، این بار نقابم را کنار زدم و خودم را به راننده رساندم و مجددا فریاد زدم که ماشین را نگه دارد و قبل از اینکه آن نگهبان بار دیگر به من حمله ور شود، من به او حمله ور شدم و شروع به زدن او کردم ... تنها چیزی که به یاد دارم، این بود که نگهبان دیگر به کمک دیگری آمد و با قنذاق تفنگ چنان به پشت سرم زد که بیهوش روی زمین افتادم.

حاج خلیل به راز دل مراد پی برده بود، لذا از وی خواست، برایش تعریف کند ... مراد می دانست، حاج خلیل فرد عادی نیست که هر پاسخی او را قانع کند ... درحالی که سرش توی پرونده ها بود و محتوای آنها را زیر و رو می کرد، گفت: چون تا حالا کسی را غیر از اون دوست نداشتم

حاج خلیل گفت: اگه اونو پیدا نکنی چی

مراد پاسخی نداد، نگاهش را به حاج خلیل دوخت و قطره اشکی که از گوشه چشمش درحال روان شدن بود، را پا پشت دستش پاک کرد و لبخند تلخی زد. حاج خلیل تکانی به خود داد و از جایش بلند شد، به اتاق دیگری رفت و دفتری آبی رنگ با خود آورد ... آن را به طرف مراد گرفت و گفت: نگاهی به دفتر بنداز ... من همیشه پیام آور مرگ نیستم ..

مراد دفتر را سریع از دست حاج خلیل گرفت و شروع به ورق زدن آن کرد ... از تعجب دهانش باز مانده بود، فکر می کرد، حاج خلیل او را دست انداخته، چون داخل دفتر

...فاطرات دردناک...

نام انواع و اقسام پرندگان و حیوانات نوشته شده بود، با تعجب نگاهی به حاج خلیل کرد و پرسید: این چیست حاجی؟

این نام حیوانات و پرندگانی است که آزاد کرده ام ... این یکی از تفریحات من است ... هر وقت دلتنگی و افسردگی به سراغم می آید، به بازار خرید و فروش پرندگان و حیوانات می روم و پرنده یا حیوانی را می خرم و نامش را در اینجا می نویسم .. بعد ادامه داد: حالا هم می تونیم، برای پیدا کردن دختری که دنبالش هستی به بازار برده فروش ها بریم، شاید اونو پیدا کردی و خریدی ...

حتی اگه هم پیدااش نکردی، هر دختر ایزدی که بخری و آزاد کنی، مثل این هست که یک فیروزه را آزاد کردی و نجات دادی .. مراد از این ایده بسیار خوشش آمد، لذا رو به حاج خلیل کرد و گفت: از کار توی مرغداری سرمایه خوبی جمع کردم، می تونم از اون استفاده کنم .. حاج خلیل هم گفت: ۵۰ - ۵۰ منم شریک

مراد خانه کوچکی در شهر موصل اجاره کرد و از عمویش وضاح و زندگی با او در خانه اش جدا شد و با حاج خلیل جستجوی فیروزه را آغاز کردند ... بعد از دو هفته تحقیق و تفحص «ابو صقر»، سرکرده نظامی داعش در ولایت نینوی به آنها سرخ هایی که دنبالش بودند، را به آنها داد و گفت که مرکز تجمع اسرای ایزدی، یکی از مدارس بزرگ شهر تلعفر است و از آنجا زنان و دختران ایزدی بین مناطق دیگر پخش و تقسیم می شوند.

همه ما را در منطقه «الطیران» موصل گرد آوردند ... شب اولی بود که آنجا بودیم ... برای اولین بار خواب مراد را دیدم، در خواب به من انگشتر طلایی با نگینی گران

...خاطرات دردناک...

قیمت هدیه داد ... در خواب به من گفت که خودش آن را ساخته و این انگشتر مرا از نگرانی و غم و غصه نجات می دهد. صبح متوجه شدیم، همان دیشب پس از ساعت خاموشی ۹ نفر از زنان مسنی که همراه ما بودند را به مکانی نامعلوم منتقل کرده اند ... درحال خوردن صبحانه بودیم که تکه ای نان و خرما و آب بود، یکبارہ مردان مسلح مثل گله حیوانات وحشی وارد سالن شدند و میان ما شروع به گشتن کردند. تمام کودکان زیر ۵ سال را از ما جدا کردند و با خود بردند، صدای شیون و گریه بود که به هوا برمی خاست ...

بعد از ظهر بچه ها را نزد ما باز گرداندند ... دو مسلح آنها را همراهی می کرد ... به تن بچه ها لباس های ابی رنگ افغانی کرده و به دست هریک قرانی داده بودند ... یکی از آن دو مرد گفت که آنها فرزندان خلافت هستند و چند روز بعد آموزش نظامی و عقیدتی آنها آغاز خواهد شد تا به خدمت خلافت اسلامی در آیند ... بعد هم با صدای بلند خندید و ادامه داد:

مادران بچه ها به هم نگاه می کردند و با نگاه خود گویی می پرسیدند، منظور از استفاده دیگه چی هست.

جمعه بود و سومین روزی بود که در منطقه «الطیران» موصل بودیم ... قرار بود، روز شنبه ما را برای فروش در بازارهای برده فروشان تقسیم کنند ... ساعت خاموشی فرا رسید و همه از ترس اینکه فردا چه به سرمان خواهد آمد، سعی کردیم، چشم برهم گذاشته و بخوابیم.

...خاطرات دردناک...



زنان و دختران ایزدی

نترسید از اونا استفاده دیگه ای نمی کنیم .. نیمه شب صدای انفجاری قوی منطقه را به لرزه در آورد ... شیشه های خورد شده روی سرمان ریخته بودند و دود همه جا را فرا گرفته بود ... با وحشت بلند شدم و در جایم نشستم ... گیج و مبهوت اطرافم را نگاه می کردم ... نعمام را بغل کردم، صدایی از او به گوشم نرسید، خوشحال شدم که در خواب است و هنوز متوجه آنچه رخ داده نشده است .. رو به کولی کردم و حالش را پرسیدم ... سوزشی در پایم و پهلوی راستم حس می کردم، خون از آنها جاری بود، مثل اینکه زخمی شده بودم ... چراغ ها روشن شدند، خوشحال شدم، برگشتم تا از وضعیت خواهرانم مطلع شوم ... وحشت زده شدم ... نعمام بی حرکت سرش پایین افتاده بود و از گردنش به خاطر زخم بزرگی که برداشته بود، همین طور خون می آمد ... به جز خواهرم پنج نفر دیگر نیز طی آن انفجار کشته شدند.

...خاطرات دردناک...

۵ روز بعد ما را برای انتقال به بازار برده فروش ها آماده کردند ... قرار شد، کولی را به عنوان اینکه دختر من است، با هم برای فروش عرضه کنند ... روز موعود فرا رسید و پس از آنکه به دست و پایمان زنجیر زدند، راهی بازار برده فروشان کردند. صدای آن پیرمرد داعشی را می شنیدم که می گفت: شماره یک ... اسمش دالین است ... ۳۵ سال دارد ... قیمت را با ۳۰۰ دلار شروع می کنیم... بعد ادامه داد: شماره دو ... اسمش لمیاء است ... ۱۷ سال دارد ... بسیار زرتنگ و فرزند است ... قیمت را با ۳ هزار دلار شروع می کنیم...



خرید و فروش دختران و زنان ایزدی

...خاطرات دردناک...

آن مرد همین طور شماره ها را می خواند و نام ها را اعلام می کرد تا اینکه به شماره شش رسید: اسمش فیروزه است ... ۲۰ سال دارد ... بسیار زیباست ... قیمت را با ۱۲۰۰ دلار شروع می کنیم

به یک داعشی به نام «ابو دجانه» فروخته شدم که مسئول «حسبه» یا همان پلیس دینی داعش در موصل بود ... وضعیت برای من چندان تفاوت نکرده بود، در واقع از زندانی منتقل شدن به زندان دیگر بود، به خصوص که همسر ابو دجانه زن بسیار سختگیر و بد اخلاقی بود.

از اینکه شوهرش ما را خریداری کرده بود، بسیار خشمگین و عصبانی بود ... جای ما گوشه ای از انباری مملو از اسباب و اثاثیه بود و وظیفه ام انجام تمام کارهای خانه بود و هر خطا و کوتاهی را با تنبیه بدنی مجازات می کرد ... وقتی هم دستش به جایی بند نبود، باید به سوالات عجیب و غریبش درباره مردان پاسخ می دادم.

غروب ها که زمان آمدن ابو دجانه به خانه بود، عصبانیت و سختگیری های حلیمه به اوج می رسید ... هر چیزی را دستش می رسید، به طرفم پرت می کرد و هدف اصلی اش صورتم بود ... برخی مواقع صدای داد و بی دادهایش ابو دجانه را به ستوه می آورد و مجبور به دخالت بین ما می شد تا به فریادهای زنش پایان دهد، اما حلیمه آن را حمل بر دفاع از من می کرد و شروع به سرزنش ابو دجانه می کرد که به جای دفاع از او از یک ایزدی شیطان دفاع می کند.

چند روز که از آمدن امان به آن خانه گذشت، متوجه اختلاف شدید ابو دجانه با همسرش شدیم، شبی نبود که با هم دعوا نداشته باشند ... دعوا برسر بچه بود و ما

...فاطرات دردناک...

می شنیدیم که ابو دجانه می گفت، این حق اوست که زنی بگیرد که برایش فرزند بیاورد. آن شب هم مثل هر شب صدای دعوای ابو دجانه و حلیمه شنیده می شد، اما دعوای آن شب مثل شب های دیگر نبود ... با صدای دعوا، صدای شکسته شدن وسایل و ظروف نیز شنیده می شد. فردا صبح ابو دجانه وارد انباری شد که به ما برای زندگی داده شده بود و با فریاد از من و خواهرم خواست، پوشش کامل را به تن کنیم و آماده رفتن به جای دیگر شویم.

ابو دجانه من و خواهرم را به مرد خارجی تنومندی سپرد که «ابو القعقاع» نام داشت ... روی پیشانی اش اثر زخم عمیقی دیده می شد و موهای بورش تا شانه هایش می رسید ... شنیدم که به ابو دجانه می گفت:

-مثل عکسی هست که نشونم دادی

-اره و با خواهرش، اونو نصف قیمت بهت هدیه می دم

ابو القعقاع زنی همچون پنجه آفتاب داشت که به اندازه زیبایی بی نقص اش، از زیبایی درون نیز بهره می برد ... بسیار مهربان بود ... به محض رسیدن ما به خانه اش لباس های مناسبی در اختیار ما گذاشت و اتاق کوچک اما بسیار تمیزی که در آن دو تخت جای داده شده بود، را به ما اختصاص داد.

او یک کنیز به نام «فریال» داشت که در کارهای خانه به او کمک می کرد، غروب آن روز پس از خواندن نماز مغرب، ناخواسته حرف هایی که بین فریال و زن ابو القعقاع رد و بدل می شد، را شنیدم. فریال می گفت: خانوم چطور می تونین با این خواسته ابو القعقاع موافقت کنین، اونم شما که هیچ چیز کم ندارین

...خاطرات دردناک...



زنان و دختران ایزدی در چنگال داعش

-میگی چیکار کنم فریال، این خواسته اونه ...

دین ما هم چنین اجازه ای رو به مردها داده

شب که شد، با فریال تنها شدم ... او سر صحبت را باز کرد و گفت که ابو القعقاع چه قصدی دارد و قرار است، یکی از ما دو نفر را به عقد خود درآورد ... خشم سرتاسر وجودم را پر کرده بود، با عصبانیت گفتم:

-نمی زارم، دستش به تار موهام برسه، حتی اگه به قیمت جونم تموم بشه

...خاطرات دردناک...

-فکر می کنی ... اون ادم خیلی بی رحمیه و کمترین مجازاتش شلاق هست

-چطوره فرار کنیم ... بیا با هم از اینجا فرار کنیم

پیشنهادم، فریال را به فکر فرو برد ... بعد از چند دقیقه گفت:

-اتفاقا قراره دو روز دیگه ابو القعقاع به ماموریت ده روزه بره ...

اگه روی این پیشنهاد مصمم هستی، اون موقع بهترین فرصت هست

فردای آن روز زن ابو القعقاع از من خواست، به حمام رفته، لباس های نو به تن کنم

... متوجه شدم، من طعمه ابو القعقاع هستم ...

فانوسی به دستم داد و راه حمامش را به من نشان داد.

احساس می کردم، روح شیرین دوباره در وجودم، رسوخ کرده است ...

مرتب به خودم نهیب می زدم، بین زندگی خفت بار و شرافتم یکی را انتخاب

کنم ... وارد حمام شدم، مخزن نفت فانوس را باز کردم و آن را روی سر تا پایم

ریختم ... قبل از اینکه شعله فانوس را به خود نزدیک کنم، درب حمام را از

پشت محکم بستم ... نفس عمیقی کشیدم و شعله فانوس را به خود نزدیک

کردم، خیلی زود آتش سر تا پایم را فرا گرفت، از بیرون می سوختم، اما درونم

سرد بود. زمانی متوجه خود سوزی من شدند که کار از کار گذشته بود و از

فیروزه آن دختر زیبای پیاز فروش ایزدی، اثری نمانده بود...

...خاطرات دردناک...

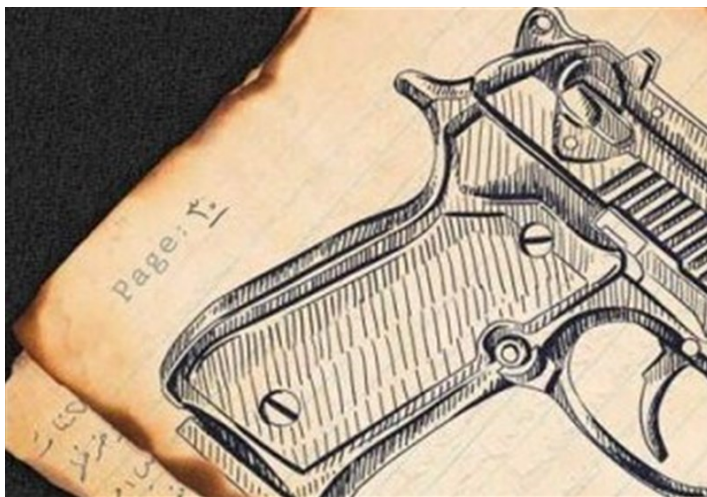
"نوزت شمدين" نویسنده عراقی در سال ۱۹۷۳ میلادی در شهر موصل به دنیا آمد و پس از فراغت از تحصیل در رشته حقوق ۸ سال به وکالت مشغول بود. اما پس از آن به شغل روزنامه نگاری روی آورد. در روزنامه های مختلف عراقی از جمله «وادی الرافدين» و «مستقبل العراق» و پیش از مهاجرت از عراق در سال ۲۰۱۴ میلادی در «المدی» مشغول به کار شد و سپس به همراه خانواده اش به نروژ مهاجرت کرد. در آنجا نیز در روزنامه های مختلفی که به زبان عربی منتشر می شد، شروع به کار کرد و کتاب (شظایا فیروز) «بازمانده های فیروزه» سومین کتاب داستان وی درباره تصرف شهر موصل و مناطق اطراف آن به دست گروه تروریستی تکفیری «داعش» «شمرده می شود که در آن به نقل آنچه در زمان اسارت بر سر دختران» ایزدی «آمده می پردازد. آنچه که تحت عنوان «بازمانده های فیروزه» آمد، برگرفته از این کتاب است که با تلخیص از نظر خوانندگان گذشت، امید است مورد توجه قرار بگیرد ..



...خاطرات دردناک...

ضمیمه (۳) دفترچه نیم سوخته یک تکفیری

همزمان با فعالیت جبهه مقاومت در سوریه، توجه نویسندگان نیز به بخش فرهنگی این قضیه در کشور بیشتر شده است؛ به طوری که می‌توان گفت هر ساله تعداد آثاری که در این زمینه توسط ناشران ایرانی منتشر می‌شود، رو به فزونی است. از سوی دیگر، جامعه مخاطب نیز به دلایل مختلف از جمله بکر بودن برخی از خاطرات و علاقه برای آگاهی از فعالیت‌های رازآمیز گروه‌های تکفیری به مطالعه این دست از آثار علاقه نشان می‌دهد. کتاب «دفترچه نیم سوخته یک تکفیری»، نوشته "محمدرضا حدادپور جهرمی"، طلبه جوانی است که چندی پیش از سوی نشر معارف روانه بازار کتاب شده است. این مجموعه حاوی سه مستند داستانی است با نام «دفترچه نیم‌سوخته یک تکفیری» در پنج قسمت، مجموعه «دیدهبان تکفیری» در سه قسمت و در نهایت، «کودکانه‌های تکفیری» است. این اثر در ۱۵ قسمت جمع‌آوری شده و در یک جلد با نام «دفترچه نیم‌سوخته یک تکفیری» منتشر شد.



...خاطرات دردناک...

مستند «دفتر نیمه سوخته یک تکفیری» ترجمه دفترچه‌ای است که از جیب یک تروریست تکفیری در حومه حلب پیدا شده است. مستند «دیده‌بان تکفیری» نیز حاصل برخی سؤال و جواب‌ها هنگام بازجویی از یک دیده‌بان کارکشته در منطقه شمال حمص است که در حین انجام عملیات انتحاری دستگیر شده است. مستند پایانی نیز درباره یکی از کودکان ۱۲ ساله داعشی در اردوگاه فاروق به اسم «احمد شهاب» است که با دختری به نام «وفا» آشنا شده و قصد جذب او را دارد. بنا به گفته نویسنده اثر، اصل اتفاقات حتی بسیاری از شخصیت‌های این مستندات، واقعی و حاصل تحقیقات مفصل و دشوار در اسناد و مدارک موجود در سایت‌های داخلی و خارجی و منابع امین دیگر است اما قالب و شکل روایت آن مستندات، به ابتکار نگارنده است.

حدادپور پیش از انتشار کتاب، مطالب را در صفحه شخصی‌اش در فضای مجازی منتشر می‌کرد که با استقبال خوبی از سوی مخاطبان همراه بود. در بخش‌هایی از این اثر می‌خوانیم:

دو شبه که حسابی ذهنم درگیر دفترچه ای هست که یکی از بچه ها واسم از منطقه حلب آورده. این دفترچه نیم سوخته را از جیب یکی از تروریست های تکفیری در حومه حلب پیدا کرده بودند که حاوی مطالب قابل توجهی هست. چون نیم سوخته هست و علاوه بر زبان عربی محلی اماراتی، بخشی هم به زبان عبری نوشته و حاوی یه سری علامات و ارقام است، ترجمه اش طول می کشه. تلاش مکنم در پنج شماره خدمتتون تقدیم کنم...

...فاطرات دردناک...

ص۱: الحمدلله... له الحمد... امروز بعد از مدتها انتظار به پادگان الریف رسیدیم. برادر ابی خدیجه خیلی باهام حرف زد. راضیش کردم که دوره سه ماهه عقیدتی را مختصرتر شرکت کنم. چون فهمید که خیلی وقت ندارم..

ص۲: ناراحت نیستم از اینکه هنوز کارهای گزینش حل نشده اما دلم قرصه که موندگارم. کاش مادرم نمیدونست که باهاش دعوا شده. کاش بهش گفته بودم که تصمیمم چیه تا تحت تاثیر شبکه های مرتدین و منافقان قرار نگیره... امیدوارم عملیات ها نزدیک تر باشه تا دیگه مجبور نباشم به ابوعلا سر بزمن و اون هم مدام گیر بده که چرا ریشت از یک مُشت کمتره.

ص۳: برادرا دارن میرن واسه عملیات اما من هنوز کارام تکمیل نشده... تا جایی که فهمیدم امشب قراره عملیات تا عمق منطقه سوقیه و بستان القصر کشیده بشه. نمیدونم چرا به این پسر بلغاری که قراره تا چند دقیقه دیگه به بهشت برود اینقدر عطر و مشک میزنند. مگه اونجا از این خبرا نیست؟ شیخ ابوعدنان که می گفت که همه شهدایی که با مرتدین جنگیده اند خوشبو و با بدن سالم به بهشت میروند! ... اما من دلم نمی خواد بدنم بسوزه...

ص۴: بالاخره کارای پذیرشم تموم شد و به کلاسهای عقیدتی راه پیدا کردم. تعدادمون در هر کلاس حدودا پنجاه نفره. اجازه سوال نداریم. میگن سوال سبب میشه که ذهنمون درگیر بشه و از ایمانمون کم بشه!! ... دو بار اودم سوال بپرسم اما ترسیدم

...فاطرات دردناک...

و قورتش دادم... شیخ این کلاس در بخش آموزش شرعیات، شیخ ابوطاهر اهل سعودی است... گفت من گذرنامه ام را آتش زده ام و حتی به سمت قبله هم نماز نمیخوام!! می گفت چون الان مرتدها و بت پرست ها به طرف قبله نماز میخوانند...

ص: ۵: داره یک هفته میگذره اما هنوز از برادرانی که رفته بودن عملیات منطقه سوقیه و بستان القصر خبری نداریم. کسی هم چیزی نمی پرسه اما معلومه که خبرهای خوبی نیست و تقریبا نوعی از وحشت همه را فرا گرفته... زمزمه هایی هست که میگن به کمین خوردیم و از یه گردان ۹۰ نفره، حدودا ۲۰ تا ۳۰ نفر بیشتر برنگشتن!... امروز تونستم به بازار برم و برای خودم کمی میوه بخرم... در اینجا خوردن موز حرام اعلام شده! دلیلش نمیدونم چیه با اینکه خیلی خوشمزه است و فقط مشککش اینه که میگن نفاخ هست!



...خاطرات دردناک...

ص ۶: کلاس ها فشرده است... در کلاس شرعیات که اجازه سوال نداریم... در کلاس جهاد هم مدام حالت تهوع به من و چند نفر دیگه دست می ده... امروز شیخ ستار محمد داشت از ثواب مزمزه کردن اجزاء و قطعات بدن صلیبی ها و مرتدین حرف میزد... تا یک ساعت تهوع داشتم... امروز اسلحه ای که قراره مانوسم باشه را دریافت کردم...

ص ۷: کلاس عملیات، خیلی سخته... فکر نکنم به این زودی بتونم سر کسی را ببرم... اما خیلی به خودشون مطمئن هستند... اینقدر مطمئنند که توقع دارند بعد از گذشت سه ماه، یا با کمر بند انفجاری تردد کنم یا بتونم به پلیس شریعت ملحق بشم و سر و دست مردم را قطع کنم...

ص ۸: چون تونستم ابوالاعلی را از خودکشی نجات بدم، به من سهمیه یک کنیز ایزدی تعلق گرفت... وقتی به بازار مرکزی کنیز فروش ها رفتم و کاغذم را نشون دادم، گفتند برو یکی را انتخاب کن!... دختر بدی نبود اما نگام نمی کرد و مقاومت میکرد... وقتی صورتش را با زور با دوتا انگشتم محکم فشار دادم تا با من حرف بزنه، تازه فهمیدم ۱۲ سالشه و اسمش سوده است... چرا این جوری شدم؟ قبلا عاطفی تر بودم... از سکس خشن خوشم نمیومد... از کودک آزاری بدم میومد... اما حالا...

ص ۹: این چند روز قلم و کاغذم پیشم نبود... یا مشغول آموزش ها بودم یا مشغول سوده... فکر می کرد داره زخم می شه اما بهش فهموندم که کنیزمه... وقتی می

...خاطرات دردناک...

خواستم پیام، به بن فاروق فروختمش... الان با ده تا ماشین کاپرا داریم می ریم تا اولین عملیات را در تپه های فلاتیه تجربه کنم... ما پیروز می شیم... باید اسد نابود بشه... به مرتدین و مجوس رحم نمی کنیم... الله اکبر... الله اکبر...



ص ۱۰: دو روز هست که زمین گیر شدیم... دو تا کاپرا را با اهلش زدند... مشعل فقط ارزش پوتینش مونده... بی سیم پیش خودمه و منم دو قدمی ابو یزید الشامی هستم... ابو یزید فرمانده پر تجربه ای هست... چچن آموزش دیده... نمیدونم خیلی شجاعه یا خیلی وحشی است... چون به خودی ها هم رحم نمی کند... ابویزید مدام به اون طرف بی سیم میگه: «زمین گیرمون کردند... باید برگردیم... اصلا نمی دونم

...خاطرات دردناک...

کجا گِرا دارن...» ... می شنوم که اون طرف بی سیم میگه: «حق برگشتن نداری... تو در شرایط سخت تر هم بودی... حساب بانک های لندنت الکی پر نشده... به سه تا کنیزی فکر کن که قراره از بعل امارات بگیریم برات... واسه جهاد نکاح اومدند... خوراک خودت هستند...»

ص ۱۱: بالاخره از جهنم برگشتیم... ابویزید قطع نخاع شد... نفهمیدم چی شد که موجی شدم... تلفات زیاد دادیم... میگن به این خاطر بوده که به ایرانی ها خوردیم... مثل اشباح متحرک و پرسرعت بودند... اینقدر دقیق گرا می گرفتند که فکر می کردیم از وسط خودمون دارن زاویه می چینند... مگه می شه کسی مشرک و مجوس باشه اما تا آخرین گلوله اش بایسته؟!... کم آوردم... خدا با اوناست یا ما؟!!

ص ۱۲: دیشب اردوگاه به هم ریخت... داشتیم به فیلم سخنرانی شیخ محمد العریفی گوش می دادیم که صدای انفجار اومد... همه می دویدند و به طرف غرفه دو می رفتند... غرفه بن فاروق بود... آتش شعله ور کشیده بود... داشت همه چیز را می سوزوند... صدای زوزه آتش همه را به وحشت انداخته بود... بعدش فهمیدم که بن فاروق بی رحم خاکستر شده... سوده به خودش کمر بند انفجاری بسته بوده و با خودش سه چهار نفر را کُشت...

ص ۱۳: ده روز هست که سردرد دارم... موج انفجار اون شب به حدی شدید بود که حتی گاهی از گوشام خون میاد... قدرت شنواییم کمتر شده... وقتی به ابو مجد

...فاطرات دردناک...

طیب مراجعہ کردم قرصی بهم داد کہ حسابی آروم میکنہ... ابو مجد اصلتا اہل بحرین ہست و در انگلستان درس خونده... زمزمہ ہایی وجود دارہ کہ احتمالاً چند شب دیگہ با تیپ دوم الحوث چینی ہا بریم عملیات...



ص۴: دیشب چند نفر را آوردند کہ سر و صورتشون را با کیسہ پوشونده بودند... سحر قبل از نافلہ شب از یکی از برادرا پرسیدم اونا کی بودند؟ گفت: یہ تعداد از مجانین و عقب مانده های ذهنی!!... گفتم برای چه کاری؟ اصلاً چه کاری از دست اونا برمیاد؟... گفت: آوردنشون عاقبت بہ خیر بشوند(و خندید!)... پرسیدم ینی چی؟ گفت: بہ دستور شیخ احمد آل کثیر ، این مجانین و عقب مانده ها اگر بہ درد هیچ کاری نخورند، بہ درد عملیات های انتحاری ہم نمی خورند؟!... گفتم ینی می خواید بہ اینا بمب کنترلی ببندید و بفرستید وسط جمعیت؟!... گفت: تو با این مسئله مشکلی داری؟...

...خاطرات دردناک...

ص ۱۵: بعد از دو هفته آموزش های سخت تر با بدن برهنه، قرار شده که سه روز بین مردم شهر زندگی کنیم... به من دو تا زن به نام های ملکه و جاریه تعلق گرفت که از لیبی برای جهاد نکاح اومده بودند... جزء گردان شباب النساء بودند... ملکه دختر بود و توسط یکی از کاربران مجازیمون جذب الدوله شده بود... جاریه هم به جرم قتل دو نفر متواری بوده که جایی امن تر از الدوله پیدا نکرده بود... حرص و ولع ملکه که دختر بود برای خدمت به من بیشتر بود... و در طول این سه روز، ملکه ما را واسه نافله شب و نماز صبح هم بیدار می کرد...



ص ۱۶: عملیات مون عقب افتاد... ارتش سوریه از موانع اول و دوم رد شده... دارن به طرف ما میان... اگر غافلگیر بشیم تلفات سنگینی میدیم... ظاهرا عملیات فرداشب لو رفته و پیش دستی کرده اند... دو نفر که از پادگان فرار کرده بودند در مرز ترکیه توسط دولت ترکیه دستگیر شدند و امروز ظهر بعد از اینکه تحویل الدوله داده شدند تیربارونشون کردند... هردوشون را می شناختم...

...فاطرات دردناک...

ص ۱۷: جاریه چهار پنج روزه که پیداش نیست... خبر مفقود شدنش را به پلیس شریعت دادم... گفتند از همین حالا مُرده فرضش کن... گفتم شاید گم شده باشه... گفتند مهم نیست... اما ملکه همچنان به آموزش هاش ادامه میداد... یه شب ازش پرسیدم چند سالته؟ گفت ۲۲ سال و دانشجوی کامپیوتر دانشگاه جوبا ست... امروز برای عملیات (انتحاری) به ترکیه رفت... می گفت در هر حال دیگه برنمی گرده...

ص ۱۸: سردرد دارم... ابومجد نمره قرص ها را زیادتر کرد... اما باز هم شبها اذیت می شم... مخصوصا وقتی امشب شنیدم که ملکه توسط فرشته کوبانی(تک تیر انداز زن ماهر و نماد مقاومت در برابر الدوله) قبل از عملیات ترور شد... واسه اجزاء بدن فرشته کوبانی با اسم مستعار ریحانه جایزه تعیین کرده اند...

ص ۱۹: بعد از مدتها سردرگمی، مثل اینکه فرداشب خبرهایی هست... احتمالا عملیات ایزایی به خط جنوبی داریم...

ص ۲۰: تمام بدنم درد می کنه. کف پاهام احساس سوزش دارم. مجبورم بنویسم تا اندکی متوجه گذر زمان و گودال آتش چند روز قبل نباشم... ۵ تا پسری که عقب مانده ذهنی بودند، در طول عملیات سه روز گذشته استفاده شدند... دوتاشون که مقاومت میکردند را با قرص های کیتاگون (روانگردان فوق العاده قوی و خشونت زا) راضی و بلکه غیرقابل کنترلشون کردیم... شیخ جبران عزیز اجازه استفاده از کیتاگون را برای مجاهدین در حال عملیات یا هنگام شکنجه مرتدین و مجوس ها مجاز میداند.

...خاطرات دردناک...

ص ۲۱: جنوب حُمص را گرفتیم... بالاخره محاصره جواب داد و تونستیم نفوذ کنیم... الحمدلله اینجا نعمت فراوان هست... از طرف پلیس شریعت، تا سه روز همه چیزشون علی الخصوص زن ها و دخترانشون مباح اعلام شده... همون ساعت اول، حدود ۲۰۰ نفر از مردهاشون که بیشتر از اهل سنت بودند اعدام شدند... باید جوری اینجا از اهل سنت زهر چشم بگیریم که شیعیان شهرهای نبل و الزهرا (دو شهر تماما شیعه نشین شمال حلب) بدونند که اگر اسلحه ها را زمین گذاشتند که هیچ، اما اگر خودمون نفوذ کردیم واویلا... وایلا... تازه اینها اهل سنت بودند که بازارهای کنیز فروشیمون پُر شد و حتی صادر هم کردیم... اما واویلا اگر اهالی نبل و الزهرا کوتاه نیایند و خودمون نفوذ کنیم...



...خاطرات دردناک...

ص ۲۲: به خاطر جراحت هایی که برداشته ام، به من استراحت عملیاتی داده و اینجا مامور گرفتن زکات شده ام... زکات از واجباتی است که باید خلیفه مسلمانان توسط دستگاه الدوله از مردم بگیرد و به مصرف مجاهدان و فقیران برساند... حدّ نصاب زکات در اینجا، سه پنجم (!!) معرفی شده و ما باید به همین تعداد از گوسفندان و مرغ و شتر کسانی که دارند بگیریم... با کمک سه چهار نفر از اهالی همین جا به خانه هایی که مشمول زکات می شوند راهنمایی می شویم... معمولا مقاومت نمی کنند مخصوصا وقتی با شکل و قیافه ابوہاجر الفلستانی مواجه می شوند...

ص ۲۲: اینجا با یکی از مجاهدین به نام بن راشد سعودی آشنا شدم... خیلی در کارش جدی هست... دیشب قبل از نماز عشاء کلی با هم حرف زدیم... قبلا سر زندانبان و شکنجه گر منطقه درعا بوده... می گفت به خاطر مهارتش معمولا طعمه های خارجی را که اسیر می شدند به اون می سپردند... از جمله از افغانستان، ایران، لبنان و... میگفت اول جسم شون را ادب می کردم بعدش هم با یاد دادن صحیح وضو و نماز به تربیت روح و ایمان شون می پرداختم... می گفت چون تحت تاثیر آموزش های مشرکانه بوده اند باید بهشون دین را آموزش بدیم... دینی که از اندیشه های جناب ابن تیمیه و رشید رضا (دو تن از بزرگان وهابیت) آموخته ایم... وقتی باهاش حرف میزدم احساس می کردم مرد عجیبی هست و با تمام مجاهدینی که تا حالا دیده بودم فرق داشت...



فرار کردن داعشی ها با لباس مبدل و آرایش زنانه

ص ۲۳: سه چهار نفر فرار کرده اند... هیچ چیز مثل خبر فرار کردن مجاهدان در تخریب روحیه بقیه اثر منفی نداره... با اینکه موفقیت های بدی هم نداشتیم اما نمیدونم چرا خبر فرار این چند نفر خیلی پیچید... بنظرم دلیلی برای فرار وجود نداره جز فقدان ایمان به نابودی اسد... امروز بیشتر ورزش کردم و نماز خوندم.. چندان لذتی از نماز خوندم نمیبرم... نمیدونم چرا؟ اما مثل قبلا نیستم...

ص ۲۴: داره کم کم حالم بهتر میشه اما چندان نمی تونم سریع بدوم. در تمرینات خیلی نمی تونم خودمو مثل قبلا نشون بدم. مخصوصا از دیوار و گودال خاردار خیلی به زحمت رد می شم. فرمانده دسته مون بد نگام می کنه. دوست ندارم انتحاری بشم. چون شنیدم مجاهدین عملیاتی که نتونند خودشون را به تمرینات دشوار برسوند در انتحاری به کار گرفته می شوند.

...خاطرات دردناک...

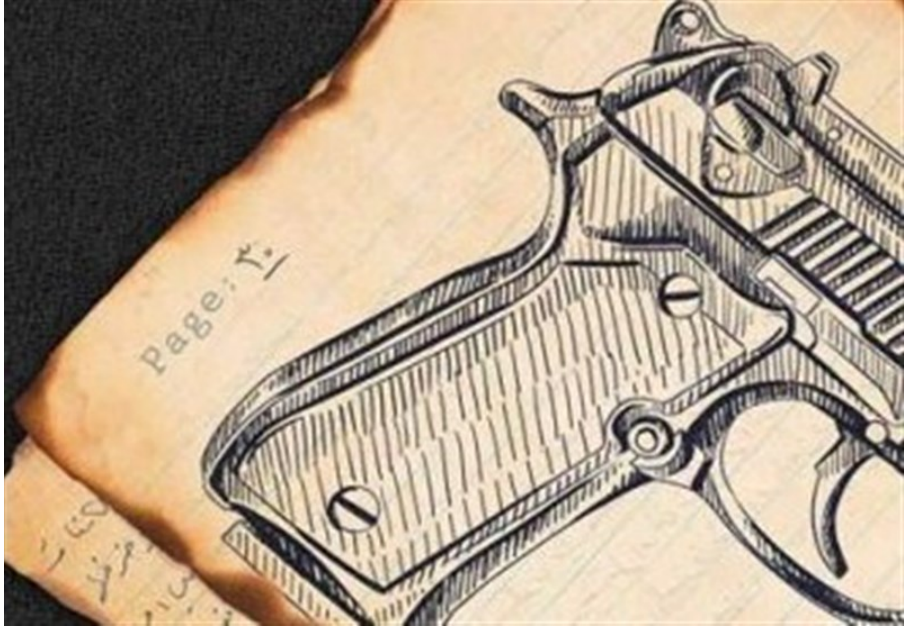
(صفحات مابین، دارای حروف و مطالب نامعلوم است که قابل خواندن نیست)

ص ۲۷: نتونسته بودم بن راشد را پیدا کنم... آدم عجیبیه... بعد از اون شب، فقط یکبار دیده بودمش... از بس به کارش مشغوله، حتی غذا هم در زندان می خوره... امروز رفتم پیشش... زندانی در یک پاسگاه متروکه بود... زندانیاش داشتن با سر و بدن خون آلود پشت سرش نماز می خوندد!! ... البته معلوم بود که دارن بالاجبار این کار را می کنند و حتی بعضیاشون ناله می کردند... تا حالا چنین صحنه ای ندیده بودم... بعد از نماز عصر برای زندانیاش حرف زد... براشون از شیوه صحیح خوندن نماز صحبت کرد... بعدش رفتم پیشش... معانقه کردیم... گفتم: فرداشب عملیات داریم... گفت: صحبت می کنم که تو هم بتونی بری... گفتم: حتما این کارو بکن... ساعتی طول کشید تا تونست اجازه بگیره و من هم مثل همه مجاهدان دم عملیات، به قرنطینه عملیاتی رفتم...

ص ۲۸: امشب نتونستیم نماز عشا را به جماعت بخونیم... داریم حرکت می کنیم... شیخ جبار المفرح برامون سخنرانی کرد... گفت پیامبر منتظرتون هست... گفت قرار نیست حتی بوی جهنم را بشنوید... گفت هرکس خونالودتر بهتر... گفت تا می تونید نشون بدید که نمی ترسید و در برابر مرتدین مقاومت می کنید... نمی ترسم اما حالت تهوع دارم... مثل روزای اولی که اومده بودم سوریه... صدای تپش قلبم را می شنوم... فقط با نوشتن آروم می شم...

...خاطرات دردناک...

ص ۳۰: (نقاشی یک اسلحه کمری در این صفحه کشیده شده که آرم جبهه النصره
وسطش نقاشی شده)



ص ۳۱: در گودال های یک متری نشستیم و منتظر دستوریم... ابوبکر سیف الدین از دور توجهش به یه چیزی جلب شده... میگه احتمالا بازم به کمین خوردیم اما نمیدونم چرا شلیک نمیکنند با اینکه دقیقا در دهان گرگ هستیم... پرسید: داری چی مینوسی؟ ... گفتم: دارم خودم را آرام میکنم... نمیدونم چرا همه اش یاد بن راشد میفتم... چهره اش مدام روبرومه... (این آخرین صفحه ای بود که قابل خواندن و ترجمه کردن بود و بقیه صفحات یا سفید هستند یا سوخته اند)... پس از آن، این تروریست فریب خورده، توسط حمله محکم نیروهای مقاومت به جهنم می رود...

...خاطرات دردناک...

سلام خدمت تمام دوستان و سروران گرامی، لطفا انتقادات و پیشنهادات خود را با شماره همراه "۰۹۱۲۱۴۴۰۸۴۲" با حقیر (ناصر کاوه) در میان بگذارید...
نشر این کتاب و به "همین صورت کتاب" در "فضای مجازی حلال و رایگان" می باشد،
به شرط فرستادن یک "صلوات" و خواندن یک "فاتحه" برای شادی روح امام، شهدا و
تمام محبین اهل بیت(ع) و... برای نشر هرچه بیشتر این "کتاب در فضای مجازی"،
لطفا ما را "یاری فرمائید، تا در ثواب آن با ما شریک باشید"...

ارادتمند، نویسنده : ناصر کاوه

عید فطر ۱۴۰۰ هجری شمسی

التماس دعا

پایان



جمهوری اسلامی

مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه مسین بن علی (ع)، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی مره است و این مره اگر ماند، دیگر مره ها می مانند. اگر دشمن، این مره را از بین برد، مره‌ی باقی نمی ماند. نه مره ابراهیمی و نه مره مومّدی(ص)...

مرکز پخش: ۰۹۱۸۴۴۰۸۴۶